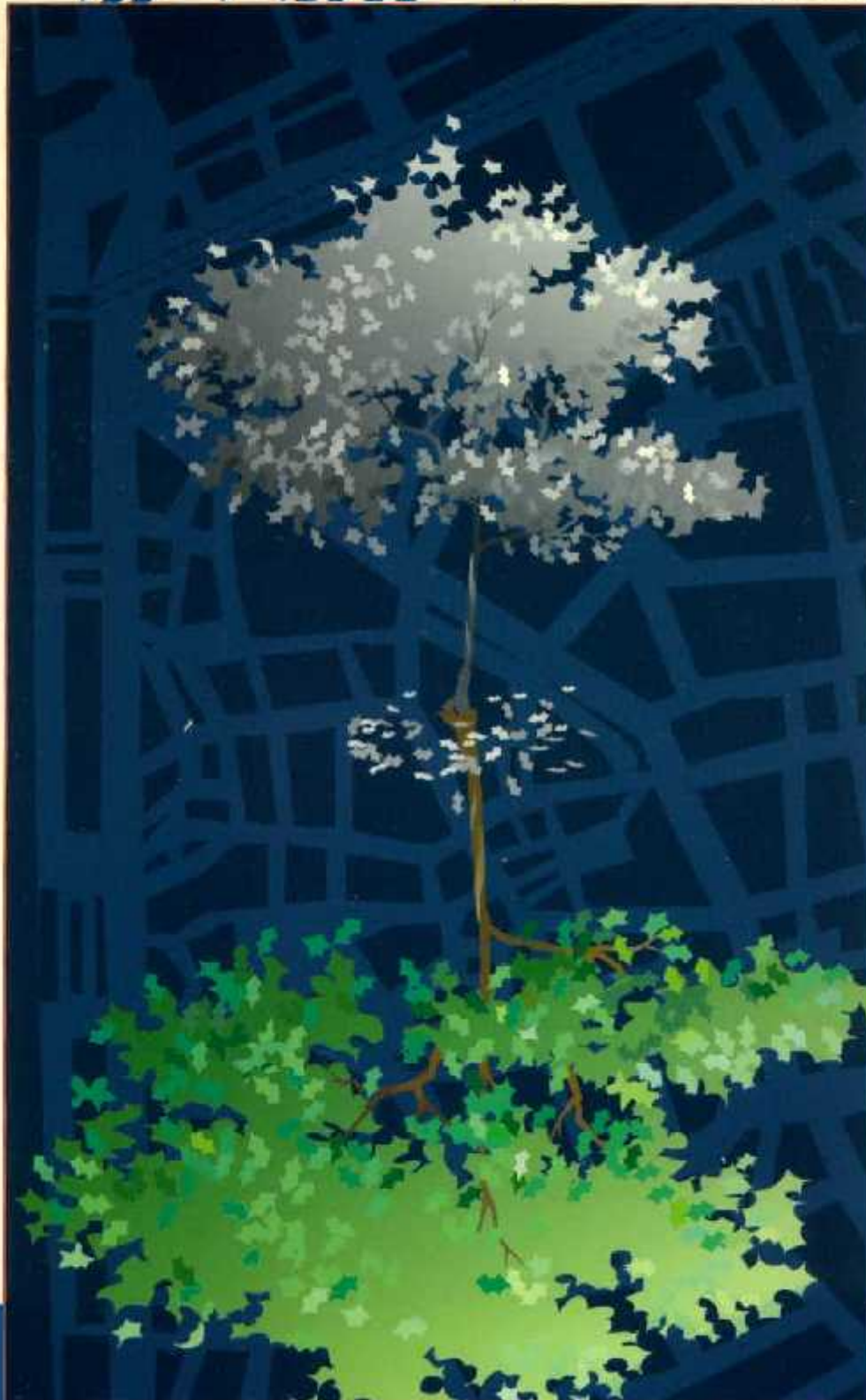


شهرسازی

مجله تخصصی معماری، شهرسازی، طراحی-فضای-رسان
برنامه روزی و مدیریت شهری
نور و جلد - سال اول - شماره ۱۱ - آذر و دی ۱۳۷۹
۷۶ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



- فضای سبز، شناخت هدفها و روشها
- شهرسازی بی‌برنامه یا با برنامه
- از باغهای نیروزی تا پارکهای امروزی
- فن آوریهای نوین در طراحی
- سالخوردهگان و تصاریفات رانندگی
- تمرکز زدایی در مدیریت شهری
- شیوه های کنترل آلودگی صوتی
- نازوان ، شهری برای باز پس گیری
- سازو کار برای باز پس گیری
- رانتهای اراضی شهری

سازمان محیط زیست
جمهوری اسلامی ایران



شرکت توسعه و خدمات
دیپاز

بافت اصفهان، خیابان دانیس، ایگال اصفهان

Environment cleanliness in economic sense is our goal

پاکیزگی محیط زیست با کمترین هزینه هدف شرکت تولیدی تحقیقاتی دیپاز است



۲- جاروب خیابانی مدل ۶۱۱

۴- جدول شوی مدل ۵۳۱

۱- کامیون خدمات شهری (۶×۴) فونیکس

۳- جاروب گریفون

آدرس دفتر فروش: اصفهان، سی و سه پل، ابتدای چهارباغ بالا، مجتمع تجاری و اداری کوثر، طبقه همکف، شماره ۹۰۲
تلفن: ۶۹۲۷۵۲ - ۶۹۲۷۵۳ دورنگار: ۶۹۲۷۵۱ تلفن های مجتمع: ۵-۶۹۲۱۵۱ و داخلی ۲۳۴۹



یادداشت سر دبیر
گزارش اصلی
 فضای سبز، شناخت هدفها و روشها / زهرا تشکر ۵

اندیشه و پژوهش
 معماری مسجد و سیمای شهر (بخش پایانی) / مصطفی یزدانفر ۱۲
 شهرسازی بی برنامه یا با برنامه / منوچهر عزیزی ۱۶
 طرحهای شهرسازی، اقلانف زمان در مرحله تصویب / فرشاد احمدیان ۱۹

قانون شهر
 احراز مالکیت املاک و اراضی / حسین صالحی ۲۳

گفتگو
 از باغهای تیزوژی، تا پارکهای امروز / گفتگو با هما بهمانی ۲۷

تجربیات جهانی
 فن آوریهای نوین در طراحی فضای سبز / امیران قنوسی ۳۱
 ساختوردگان و تصادفات / اندکی / ترجمه داوود حضرتی ۳۵
 تمرکز زدایی در مدیریت شهری / اسرار آلو و مارچلو بائیو، ترجمه فرخ حسامیان ۳۶

مشاور حقوقی / حسین آختشامی ۴۰

از نگاه شهردار
 گفتگو با صادق محمدی - شهردار آغاچاری ۴۲

آموزش
 شیوههای کنترل آلودگی صوتی / علیرضا میکائیلی ۴۴

عمارت نو
 نازوان، شهری برای پرندگان / آثار یلا سرادی ۴۸

شهرها و شهرداریهای جهان
 قیام بچههای دهللی علیه آلودگی هوا / بیکاری شهروندان مهمترین نگرانی شهرداران جهان است / طراحی محلات شهری با رنگ جرم / نشاط دارد / خیابانهای انگلیس با سیستم تلویزیونی مدار بسته امن می شود - ۵۳

گزارشهای خبری
 سرگذشت بند ۱۹ / چه تبصره ۱۹ قانون بودجه کل کشور (بخش اول) / شهرام سعادت اعلی / شهرداریها! مهمترین اقدام در سال ۱۳۷۸ / اصلی ترین برنامه سال ۷۹ / استفاده از تاکسی متر برای ضابطه مند نمودن نرخ تاکسی / انجمنهای شورا یاری و مسئولیت پذیری شهروندان / آیا تجربه مشارکت جوانان در ایجاد بوستان طلیعه تکرار خواهد شد؟ / ویژگیهای بخشنامه بودجه سال ۷۹ شهرداریهای کشور - ۵۶

اخبار کوتاه
شهر در سرزمینهای اسلامی
 سرزنده و بخارا / احیا یا زوال / اثرگرس زهره نسب ۶۶

تازهای پژوهش: فضای سبز
 ایجاد شرایط زیستی متناسب با پرندگان / جوجه اور بومی شهر تهران / بازیگری و بهینه سازی پارک جنگلی جیتگر / بررسی و انتخاب چسبهای مقاوم به سایه / ارزیابی زیست محیطی آبیاری فضای سبز با استفاده از پسابهای تصفیه شده / ۷۰

تازهای نشر
دیدگاه
 سار و کار بازرس گیری رانتهای اراضی شهری / محمد عدالتخواه ۷۲

فهرست انگلیسی ۷۴

طرح روی جلد: فرخنده صادق
 عکس پشت جلد: تنگور - گانا / م. مربوط به مطلب
 فن آوریهای نوین در طراحی فضای سبز

- ۱- مطالب مندرج لزوماً بیانگر نظرات و شهرداریها نیست.
- ۲- شهرداریها در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
- ۳- مطالب ارسال شده هیچ وجه باز گرداننده نخواهند شد.

- ♦ صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداریهای کشور
- ♦ مدیر مسئول: احمد خرم
- ♦ سرمدبیر: علی نوذری
- ♦ معاون سرمدبیر: نوید سعیدی رضوانی
- ♦ هیئت تحریریه: سرویس فرهنگ - اجتماع / زهرا تشکر
- ♦ سرویس علمی - پژوهشی: نوید سعیدی رضوانی
- ♦ سرویس بین الملل: حسین شفیعی
- ♦ مدیر هنری: جمشید باری شیرمرد
- ♦ تصویرسازان: فرزاد ادیبی، جلال الدین سراج
- ♦ همکاران: لیلین شمعان محمد اسلامی، بابراعظم جمشیدزاده
- ♦ شهرام سعادت اعلی، اسماعیل صالحی، بهار مؤمنی، سرمدیه نازی، بشیرا مرانی
- ♦ ویرایش و نمونه خوانی: غلامرضا طالبی
- ♦ لیتوگرافی و چاپ: طراحان فردا

یادداشت سردبیر

در بررسی مسائل مربوط به فضاهای سبز شهری در کشور، مشکلات ذیل را می‌توان برشمرد:

- ۱- توسعه فیزیکی شهرهای ایران، برخلاف کشورهای پیشرفته، همواره با تخریب فضای سبز موجود توأم بوده است.
- ۲- در طرح‌های توسعه شهری (طرح‌های هادی و جامع) هر چند به حفظ فضای سبز موجود شهری توجه می‌شود ولی اجرای این طرح‌ها عملاً موجب تخریب بخشی از فضای سبز طبیعی شهر می‌شود.
- ۳- لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز نه تنها تأثیر مطلوبی بر حفظ و گسترش فضای سبز ندارد، بلکه در تخریب سریع و عمومی آن نقش عمیق و گسترده‌ای داشته است؛ ضمن اینکه سنت درختکاری را - که در وجود همه ایرانیان بوده - به کلی از بین برده است.
- ۴- با وجود سوابق درخشان سنت درختکاری در میان ایرانیان، سیاست‌گذاران بهای غلط و ضوابط و مقررات یکسویه و بدون مطالعه، توسعه فضای سبز و درختکاری را منحصر به شهرداریها کرده مشارکت مردم را در این زمینه بسیار محدود نموده است.
- ۵- به دلیل نبود نقشه‌های تپی پارک‌سازی متناسب با ویژگیهای اقلیمی، طبیعی، معماری و شهرسازی در شهرهای کشور، پارکهای احداث شده عمدتاً ویژگیهای یک پارک مطلوب را ندارد.
- ۶- عدم بررسی اقتصادی در احداث پارکها موجب اتلاف منابع و صرف هزینه‌های زیادی در این زمینه شده است.
- ۷- نبود تشکلهای مردمی مناسب برای حفظ و گسترش فضای سبز شهری.
- ۸- عدم نگرانی و توسعه منابع طبیعی پیرامون شهرها، شامل جنگلهای طبیعی، مراتع و اراضی کشاورزی، باغها و کمربندهای سبز به دلیل تأثیرگذاری مناسب آنها بر محیط شهری و داشتن عملکردهای مختلف از جمله حفاظت شهرها در مقابل سیل، طوفان و گرد و خاک.

۹- نبود تشکیلات و سازمانی ملی برای برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و آموزش و هماهنگی امور فضاهای سبز شهرهای کشور.

با توجه به مشکلاتی که بخشی از آنها را بر شمرديم و نقش بسیار اساسی فضای سبز شهرهای کشور در تلطیف هوا، زیباسازی مناظر شهری و عملکردهای فرهنگی و اجتماعی فضاهای یاد شده، ضرورت برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و انجام فعالیتهای ذیل مورد تأکید است:

- ۱- تهیه طرح جامع فضاهای سبز شهرهای کشور که به محورهای اساسی این مشکلات بپردازد، از جمله کمیون قوانین و معیارهای مورد نیاز، تشکیلات و سازماندهی، آموزش و مشارکت.
 - ۲- انتخاب گونه‌های مناسب با شرایط هر اقلیم و منطقه، مقاوم به آفات و امراض، کم‌آبی، آلودگیهای شدید هوا و گونه‌های کم‌هزینه.
 - ۳- تأکید بر استفاده از آب خام برای آبیاری فضای سبز شهری و استفاده از شیوه‌های آبیاری متناسب با شرایط هر منطقه.
 - ۴- سرمایه‌گذاری دولت و شهرداریها در ایجاد شبکه آبیاری مستقل برای فضاهای سبز شهری، خوشبختانه این مورد در برنامه سوم توسعه مورد تأکید قرار گرفته و در بودجه سال ۷۸ کشور ۵ میلیارد و ششصد میلیون ریال اعتبار برای ایجاد شبکه‌های یاد شده پیش‌بینی شده است.
 - ۵- بازنگری در لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز و ایجاد اصلاحات اساسی در آن، به گونه‌ای که نه تنها جنبه‌های دفاعی آن حذف شود، بلکه حتی جاذبه لازم برای حفظ و گسترش فضای سبز به وجود آید.
 - ۶- ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت همه جانبه مردم در حفظ و گسترش فضای سبز به ویژه ایجاد تشکلهای مردمی در این زمینه.
 - ۷- تأکید بر ارتقای بهره‌وری اکولوژیکی و اجتماعی فضاهای سبز شهری.
 - ۸- توجه به آموزش در سه گروه مسئولان، کارگزاران فضای سبز و مردم.
 - ۹- تأکید بر پژوهش و تحقیق در برنامه‌ریزیها و پرمیز از اقدامات و فعالیتهای متکی بر تجربیات شخصی.
 - ۱۰- تأکید در طراحی فضای سبز شهری بر کاشت درخت و درختچه به جای چمن.
- در پایان، در برنامه‌ریزی و توسعه فضای سبز شهری، توجه به توسعه پایدار به عنوان اصلی اساسی را گوشزد می‌نمایم.

فضای سبز شناخت هدفها و روشها

◆ زهرا تشکر

زمینه تأمین فضای سبز، وظیفه مشترک همه شهرداریها در همه شهرهای جهان است.

در کشور ما نیز شهرداریها طبق قانون برای حفظ و گسترش فضای سبز شهری وظیفه مند هستند و قانون در این باره صراحت دارد. در گزارشی که در پیش روست سعی خواهیم کرد وضعیت فضاهای سبز را در شهرهایمان بررسی کنیم و مشکلات و مسائلی را که وجود دارد، مطرح کنیم و با استفاده از نظرات کارشناسان و صاحبان نظر فضای سبز شهری، راهکارهایی برای بهبود و ارتقای وضعیت آن چندان رضایتبخش فضای سبز ارائه دهیم.

قبل از اینکه به کاستیهای فضاهای سبز شهری بپردازیم، ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه در سالهای اخیر حرکتها و اقدامات بسیار مفیدی در زمینه رشد و گسترش فضاهای سبز شهری صورت گرفته است. تلاشهای صورت گرفته در این زمینه، گویای توجه روزافزون به اهمیت توسعه فضای سبز در شهرهاست. چنین تلاشیانی قابل ستایش است و نباید سخن گفتن از نارساییها به معنی نادیده گرفتن آنها تلقی شود.

فضای سبز، برنامه یا تقلید

تصمیم گیری درباره فضای سبز شهرهای ما چگونه صورت می گیرد؟ سطح فضای اختصاص یافته، گونه گیاهی که باید کاشته شود، حفظ گونه ها، گسترش و پراکندگی جغرافیایی فضای سبز در شهر و مسائلی از این دست چگونه انجام می شود و بر چه اساسی به تحقق می رسد؟ آیا کاشت گیاهان در قطعه زمینی در کوچهای از شهر فقط بر حسب نیاز صورت می گیرد، یا براساس برنامه ای از پیش تعیین شده و یا بدون توجه به اینها، هر قطعه بایری را که

در ساره اهمیت و تأثیر گیاهان در زندگی انسانها، سخن بسیار شنیدیم تا آنجا که مباحث مربوط به این مقوله، بخشی از اطلاعات عمومی همه ما را تشکیل می دهند. با همه اینها در محیط اطرافمان روز به روز بیشتر شاهد آنیم که سبزی گیاهان جای خود را به رنگ خاکستری سیمان، بتن، آهن و... می دهد. ما برای ساختن ملزومات زندگی خود، رنگ سبز زمین را از آن می گیریم و دوباره با ایجاد فضای سبز در شهرهایمان سعی می کنیم این رنگ را به آن برگردانیم و این خود نشانه کاملی از نیازی است که حیات بشر به گیاهان دارد.

فضاهای سبز در زندگی شلوغ، بیچیده و نازم شهرها، گویی تنها عنصر آرامش بخش و پالاینده هستند. هر گیاه سبزی هر چند کوچک، سهم خود را در تملیف هوا، گرفتن گرد و غبار آن، ایجاد آرامش بصری - روانی، رفع آلودگی صوتی و... ایفا می کند. فضاهای سبز در شهرها، منظر شهری را بهبود می بخشد، باعث زیبایی محیط می شوند، نقش پالایشی دارند، باعث افزایش رطوبت و کاهش دمای هوا می شوند، سهم مهمی در برآورده کردن نیاز تفریحی و تفریحی شهروندان دارند و...

اهمیت گیاه در تملیف زندگی خشن و ماشینی امروز بشر به حدی است که به جرأت می توان گفت همبای اجرا، آهن و سیمان، گیاهان نیز بی توانند به عنوان یکی از مصالح معماری در شهرها تلقی شود. معماری فضای سبز شهری یا ایجاد کردن و ساختن با گیاه و خاک اهمیت خود را دارد و تخصص ویژه خود را نیز می طلبد. چنین حضور مؤثری که گیاهان در زندگی شهری می توانند داشته باشند دلیل توجه مدیران شهری در تمام دنیا به ایجاد، بهبود، حفظ و نگهداری فضاهای سبز در شهرهاست. فعالیت مداوم در



مهدی موjtahedi

توان کاربری دیگری برای آن تعریف کرد. سه فضای سبز اختصاصی می‌دهیم؟ آیا کاشت گونه‌های مختلف گیاهان انجم از درخت، گل و چمن و تلاش در جهت توسعه روزافزون آن براساس مطالعاتی قبلی و ضرورتی علمی است یا در این میان سلیقه و تقلید نیز نقشی ایفا کرده است؟

برای ورود به بحث باید گفت سالهای پس از جنگ تحمیلی، برخی از شهرهای کشور ما شاهد اقدامات غزاینده‌ای در جهت ساختن، ترمیم و بازسازی بوده‌اند. فعالیتهای سازندگی در شهرهای بزرگ، بخصوص تهران بیش از هر جای دیگر خود را نشان داده است. نیازی که برخی از مدیران در جهت نزدیک شدن به استانداردهای زندگی شهری احساس می‌کردند باعث انجام اقداماتی شد که بیش از هر چیز خود را در سیمای ظاهری شهرها نشان داد و ایجاد و گسترش فضای سبز را می‌توان از بارزترین

کناره‌های گراهنها و ریب و لیب‌ها چمن کاشته می‌شود در شهرهای کویری و بسیاری از شهرهای دیگر هم که مشکل آب دارند، چنین الگویی تقلید شده است و این در حالی است که کاشت چمن در تهران نیز خود الگوبرداری ناصحیحی از کشورهای است که آب فراوان در دسترس دارند.

ایران کشور با آب و هوایی بسیار متنوع است. همچون اقلیم طبیعی، تنوع خاک نیز در هر گوشه از کشور ما ویژگی‌های خود را دارد. به همین دلیل هم نمی‌توان در مورد فضای سبز شهری در همه نقاط ایران الگویی یکسان پیشنهاد کرد؛ در حالی که آنچه اکنون در فضای سبز شهرهای ما جریان دارد بی‌تأثیر از سلیقه و تقلید نیست.

به خوبی روشن است که در چنین شرایطی، فضای سبز شهری بشدت از نداشتن برنامه حفظ، گسترش و نگهداری آسیب می‌بیند. محمد اسلامی، معاون دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، در این باره می‌گوید: یکی از علل مهم تخریب فضای سبز شهری در کشور ما نداشتن طرح توسعه فضای سبز است؛ طرحی که در قالب آن فضای سبز هر شهر تعریف شود و شهرداری موظف باشد براساس آن حرکت کند. بدیهی است چنین طرحی مستلزم مطالعات عمیق و خاصی هر منطقه است. اکنون تنها برنامه‌ای که در مورد فضای سبز وجود دارد لگه‌هایی است که در نقشه‌های طرح‌های توسعه شهری به عنوان محدوده‌های فضای سبز شناخته می‌شوند که اغلب این محدوده‌ها را نمی‌توان به آسانی تملک نمود و قابل اجرا نیست. به علاوه از آنجا که این طرح‌ها کمتر براساس مطالعات دقیق منطقه‌ای تهیه می‌شوند، خود یکی از عوامل تخریب فضای سبز به حساب می‌آیند، چرا که طبق پیش‌بینی آنها برخی از اراضی کشاورزی یا باغها در محدوده‌های شهری در مجاورت بافت‌هایی با کاربریهای مختلف قرار می‌گیرند و به همین دلیل ارزش زمین افزایش یافته و دیگر کاربری باغداری یا کشاورزی برای دارندگان این نوع اراضی هیچ توجیه اقتصادی ندارد. از این رو شاهد آن هستیم که در جاهای توسعه شهری گاه نه تنها باعث توسعه و با حفظ فضای سبز شهری نمی‌شوند بلکه خود عاملی هستند که مالکان را وادار می‌کنند تا فضای سبز را که در

یکی از علل مهم تخریب فضای سبز شهری در کشور ما نداشتن طرح توسعه فضای سبز است؛ طرحی که در قالب آن فضای سبز هر شهر تعریف شود و شهرداری موظف باشد براساس آن حرکت کند. بدیهی است چنین طرحی مستلزم مطالعات عمیق و خاص هر منطقه است



نمونه‌های این باسازی دانست.

بدین ترتیب امواج روبه رشد و گسترش فضای سبز شهری که از تهران و چند شهر بزرگ آغاز شده بود، بتدریج سایر شهرها را نیز در بر گرفت و تصمیم‌گیران در باره فضای سبز در شهرهای دیگر نیز به تکرار الگوهایی پرداختند که در شهرهای بزرگ به اجرا درآمده بود. همه کارشناسانی که از نظر اتشان بهره‌برداریم بر الگوبرداری فضای سبز از شهرهایی همچون تهران اشاره کرده‌اند و این امر را یکی از مشکلات عمده فضاهای سبز شهری در کشور ما دانسته‌اند.

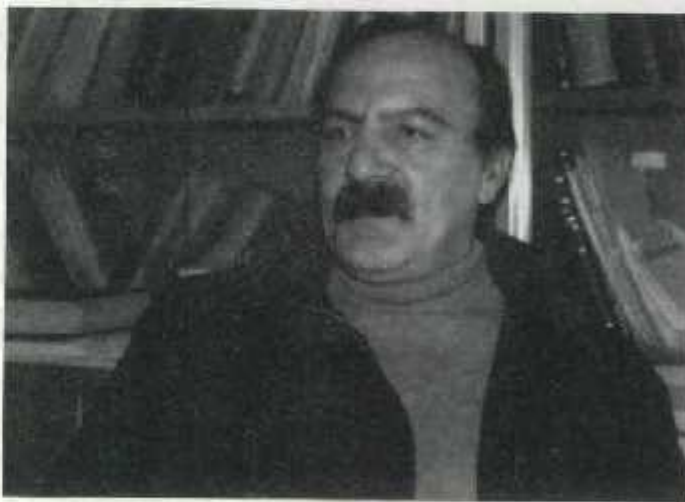
فرهاد ابوالفضیاء، معمار منظر و مدیر گروه مهندسی طراحی محیط دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران، در این باره می‌گوید: یکی از مشکلات فضای سبز ما این است که اصولاً تهران برای شهرهای دیگر الگوست. در تهران گرچه با سختی ولی فعلاً به کمک چند رودخانه‌ای که به این شهر سرازیر می‌شود، حتی در

ما باید قبل از هر اقدامی در باره فضای سبز شهری بدانیم در کجای جغرافیای گیاهی جهان قرار گرفته ایم. اینجا قلات ایران است با آب و هوای نسبتاً خشک یا نیمه خشک. شرایط خاص آب و هوایی ایران به گونه ای است که برخی عناصر فضای سبز شهری را نمی پذیرد. در انتخاب گونه های مناسب باید در درجه اول با طبیعت همگام و همراه بود و به شرایط محیطی و اقلیمی توجه کرد

اختیار دارند به طرق مختلف تخریب کنند.

به این ترتیب ملاحظه می شود که نداشتن برنامه مشخص برای فضای سبز در شهرها و نیز کاستی هایی که در برنامه ریزی های کلی و مبهم وجود دارد، باعث می شود که فعالیت در جهت گسترش این قبیل فضاهای در هر یک از شهرها بیشتر سلیقه ای و تقلیدی و به قول کامیابیز بهرام سلطانی، کارشناس ارشد محیط زیست، اتفاقی باشد و فقدان زمینه تئوریک مناسب و قوی در مورد فضای سبز شهری و نبود طرح جامع فضای سبز یا پشتوانه چنین زمینه ای را مشکل اصلی وضعیت نابسامان فضای سبز شهری می داند. از نظر او این ضعف ناشی از آن است که ترکیب تخصصی مناسب و ویژه

فضای سبز وجود ندارد و به همین دلیل هم نمی توان انتظار داشت که کار کارشناسی دقیقی درباره فضای سبز هر منطقه صورت پذیرد.



مهدی دادوست

گونه شناسی

همان طور که قبلاً نیز اشاره کردیم، در کشور ما مناطق مختلفی را از نظر آب و هوا، میزان رطوبت، نوع خاک و... می توان شناسایی کرد که هر منطقه یا منطقه دیگر تفاوت اساسی دارد. این واقعیت بیش از هر چیز خود را در امکان رشد انواع گیاهان نشان می دهد. بنابراین با چنین تنوع آب و هوایی طبیعی است که یک گونه خاص نمی تواند و نباید برای مناطق مختلف تجویز شود. علی یازوکی، عضو هیئت علمی و محقق وزارت کشاورزی، در

مورد مشکلات گونه های گیاهی که در شهرها کاشته می شود می گویند: یکی از مسائل ما در فضای سبز شهری این است که ما اساساً درباره گیاهان قابل کشت گونه یابی نکرده ایم. در ایران از آب و هوای کاملاً مرطوب تا مناطق کویری با آب و هوایی خشک و سوزان وجود دارد؛ حتی گاه مشاهده می کنیم در شهرهای بزرگی مثل تهران می توان چند ویزگی آسوهوایی و چند نوع خاک را شناسایی کرد به همین دلیل هر منطقه از لحاظ گونه های گیاهی تخصص خاص خود را می طلبد. در کاشت گیاه در شهرها باید دانست که حتی بین مناطق گرم نیز تفاوت هایی وجود دارد؛ سرمای اتفاقی، بارندگی، جنس خاک، اقلات خاص و... باعث می شوند برخی گونه ها در همه جا دوام نیاورند. باید گفت تخصص فضای سبز هم علم است و هم هنر. متخصص فضای سبز باید خاک شناسی، هواشناسی، جانورشناسی، اکولوژی گیاهی و جانوری و اقتصادشناسی را تا حدودی بداند و از عوامل محدود کننده گونه های مختلف اطلاعات داشته باشد. ما باید قبل از هر اقدامی در باره فضای سبز شهری بدانیم در کجای جغرافیای گیاهی جهان قرار گرفته ایم. اینجا قلات ایران است با آب و هوای نسبتاً خشک یا نیمه خشک. شرایط خاص آب و هوایی ایران به گونه ای است که برخی عناصر فضای سبز شهری را نمی پذیرد. در انتخاب گونه های مناسب باید در درجه اول با طبیعت همگام و همراه بود و به شرایط محیطی و اقلیمی توجه کرد. ما از نظر تنوع گونه های گیاهی بسیار غنی هستیم. در ایران ۲ هزار گونه گیاه وجود دارد که نسبت به مناطق خشک در دنیا کم نظیر است. حتی بسیاری از گیاهان زینتی و دارویی که در دنیا از آنها استقبال می شود، بومی ایران هستند. ما گیاهان پوششی زیادی داریم که با کمی توجه و دقت می توانند شناسایی شوند و پرورش یابند. در حالی که به افراط برای پوشش فضاهای شهری از چمن استفاده می کنیم که گیاهی است که از اروپا آمده و با آب و هوای مرطوب و آب فراوان همان مناطق سازگار است. چمن در گرمسای زیاد در هر روز گاه ۳ تا ۷ بار باید آبیاری شود و برای نگهداری آن هزینه زیادی نیز می بایست در نظر گرفت.

همین ماجرادر مورد گونه های دیگر هم صدق می کند؛ گل های فصلی مختلف که بسیار هم زیبا هستند و از بهترین بذرها هم تهیه می شوند، اما به دلایلی که گفته شد در طول سال باید چندین بار از زمین بیرون آورده شوند و گونه های جدیدی به جای آنها غرس شود و این یعنی هزینه زیاد نگهداری و تأمین گونه های گیاهی. ما در ایران گل های دائمی زیادی داریم که هم با آب و هوایی متنوع ما سازگارند و هم با مسائل شهرهای ما که عمده ترین آن آلودگی است. از نظر علی یازوکی انجام نشدن مطالعات دقیق علمی درباره گونه های گیاهان بومی، آب، هوا، نوع و جنس خاک باعث می شود بیش از حد و به طور بی رویه ای از برخی گونه ها استفاده کنیم. در این قبیل گونه ها، گرچه با زحمت زیاد امکان رشد و پرورش وجود دارد، اما هزینه حفظ و نگهداری آنها فوق العاده گران است. علی یازوکی قاطعانه اعلام می کند در صورتی که اندکی از وقت و هزینه خود را صرف مطالعات گونه شناسی می کردیم، با هزینه ای که هم اکنون صرف فضای سبز شهرهای



ابوالفضل باقریان

تخریب شوند و به کاربریهای مسکونی و یا کاربریهای دیگر اختصاص یابند و در عوض زمینهای دیگری به عنوان فضای سبز پیش‌بینی می‌شوند که گناه تلنگ و تخریب آنها سالها طول می‌کشد.

حسنعلی لقای، استاد دانشگاه و متخصص در طراحی منظر شهری، در نقد نگهداری فضاهای سبز شهرها می‌گوید: این درست است که ما بر حسب ضرورت در شهرها به تراکم سبز بیشتری نیاز داریم، اما از سوی دیگر وجود کاربریهای مسکونی و اداری با ساختمانها و تأسیسات فراوان در شهرهای ما غیر قابل اجتناب است و به همین دلیل هم نمی‌توان توقع داشت سطح وسیعی از زمینهای شهری ما به فضاهای سبز اختصاص یابد. به این ترتیب با وجود زمین کمی که در شهرها در اختیار داریم باید به «حجم سبز» و «ذخیره سبز» بیشتر بیندیشیم تا «سطح سبز» بیشتر. در حالی که آنچه رخ می‌دهد کاملاً عکس این استدلال است. ما حجم سبز زیادی را به خاطر حجم زیاد ساختمانی تخریب می‌کنیم، یعنی چنارهای ۱۰۰ ساله و ۵۰ ساله را قطع می‌کنیم و به جای آن ساختمان می‌سازیم و بعد بین ساختمانها قطعه‌ای زمین را به عنوان پارک، چمن می‌کاریم!

دزاین سبز ما بشود هیچ از دست می‌رود. شاهد این گفته عقابسه‌ای است بین عکسهای ماهواره‌ای تهران در سال ۱۳۴۸ با عکسهای اسرود تهران. به جرأت می‌توان گفت تراکم سبزی که ریه‌های تنفسی این شهر بوده‌اند به یک دهم تقلیل یافته است. باغهای قلچک، نیاوران، زرگنده تهران، باغهای قصرالدشت شیراز و باغهای دیگر در شهرهای دیگر همه تبدیل به ساختمانهای مسکونی شده‌اند. امروز قلچک آلوده‌ترین نقطه تهران است! از سوی دیگر، رفتار ما با آنچه هنوز باقی مانده و از بین نرفته هم درست نیست. جدولهای سیمانی، شبکه کاتالهای برقی، گاز، آب و فاضلاب و... ریشه درختان کنار خیابانها را تحت فشار قرار می‌دهد و شاخه‌های آنان نیز بدون دقت و توجه، صرفاً برای عبور کابل‌های برقی خرس می‌شوند. مردم نیز آموزش درستی در زمینه حفظ و نگهداری گیاهان نمی‌بینند. از آنجا که آموزش اندکی هم که فقط در هفته‌های پایانی سال به مردم می‌دهیم، بیشتر متوجه

بزرگی مثل تهران می‌شود، می‌توانستیم تا دو برابر فضاهای سبز را در شهرها گسترش دهیم.

ابوالفضل باقریان، مشاور معاونت خدماتی شهرداری تهران نیز در تأیید نکات ذکر شده می‌گوید: حتی در تهران که به نظر می‌رسد به فضای سبز شهری توجه زیادی می‌شود، هنوز گونه‌های مناسب ماندگار و منطبق با شرایط زیست محیطی شهر یا روستاهای علمی شناسایی نشده است. با شرایط ناپهناخار آلودگی تهران (و شهرهای دیگری که بتدریج در معرض آلودگی قرار می‌گیرند) باید با کار علمی، گونه‌هایی شناسایی شوند که مقاوم‌تر، با سطح برگ بیشتر و حتی امکان در طول سال سبز باشند. علاوه بر این گونه‌های گیاهی، قابل تقلید نیستند و باید کاملاً متناسب با شرایط زیست محیطی انتخاب شوند. با همه این احوال تقریباً در همه

در همه شهرها از جمله تهران در مورد فضای سبز کاملاً تجربی و اتفاقی عمل می‌شود. به همین دلیل هم «باز پیرایی» کار همیشگی بخش فضای سبز شهری ماست. ما همواره ناچاریم باز پیرایی کنیم، چرا که در مورد آنچه باید کاشته شود مطالعه نکرده‌ایم.

اساساً ما در مدیریت فضای سبز شهری دچار خطای برنامه‌ریزی و محاسباتی هستیم. در مورد فضای سبز مطالعه تنوریک منسجمی نکرده‌ایم و به همین دلیل دچار برخی سوءتفاهمات شده و انتظار آتی را در مردم ایجاد کرده‌ایم که با واقعیت نمی‌خواند.

شهرها از جمله تهران در مورد فضای سبز کاملاً تجربی و اتفاقی عمل می‌شود. به همین دلیل هم «باز پیرایی» کار همیشگی بخش فضای سبز شهری ماست. ما همواره ناچاریم باز پیرایی کنیم، چرا که در مورد آنچه باید کاشته شود مطالعه نکرده‌ایم.

نگهداری یا تخریب

در سالهای اخیر آنچه بیش از هر چیز در بخش مدیریت فضای سبز شهردارها مطرح بوده، ایجاد فضاهای سبز جدید و توسعه آنها بوده است. یکی از نکاتی که دقت کافی می‌طلبد «حفظ و نگهداری» فضاهای گونه‌های گیاهی است که در واقع پتانسیل فضای سبز شهری ما را تشکیل می‌دهند. آیا شتاب توسعه و افزودن فضاهای جدید و زیبا باعث نشده است که در حفظ آنچه داریم غفلت ورزیم؟

در این باره باید گفت طرجهای توسعه شهری خود می‌توانند عاملی برای تخریب فضاهای سبز موجود شهرهای ما باشند. این طرجهای اغلب بدون توجه به توان موجود تهیه می‌شوند و به همین دلیل گناه باعث می‌شوند مسیرها یا فضاهای سبزی که به طور طبیعی در حاشیه آبراه، قنات یا رودخانه‌های شکل گرفته است



کامران بهرام‌زاده

کامران بهرام‌زاده، در این باره می‌گوید: اساساً ما در مدیریت فضای سبز شهری دچار خطای برنامه‌ریزی و محاسباتی هستیم. در مورد فضای سبز مطالعه تئوریک منسجمی نکرده‌ایم و به همین دلیل دچار برخی سوءتفاهمات شده و انتظاراتی را در مردم ایجاد کرده‌ایم که با واقعیت نمی‌خوانند. ما تصور می‌کنیم گیاهان به‌شدت در کاهش آلودگی هوا تأثیر دارند و از این رو به حد افراط اقدام به کاشت سوزنی‌بیرگها می‌کنیم. نادر زمستان هم آلودگی هوا را برطرف کنند؛ عاقل از اینکه فضای سبز در کاهش آلودگی هوا تأثیر بسزایی ندارد و درختان سوزنی‌برگ تیز حتی نسبت به درختان پهن‌برگ در مقابل آلودگی حساس‌ترند. در واقع فضاهای سبز حوزه تأثیر خاصی دارند و انتظار معجزه داشتن از آنها، انتظار بیهوده‌ای است.

مسئله دیگری که در این باره می‌توان مطرح کرد، رسیدن به استاندارد فضای سبز است. در محاسبه استاندارد، همه فضاهای سبز اقم از پارک‌های کوچک و بزرگ، فضای سبز شکه راهها، پارک‌های جنگلی، میادین و... در نظر گرفته می‌شود. در حالی که چنین محاسبه‌ای اشتباه است. خیابان یا فضای سبز شکه راهها کاربری خاص خود را داشته و بک پارک شهری نیز هویتی مستقل دارد. در نظر گرفتن همه اینها به عنوان جمع مساحت موجود فضای سبز در یک شهر یک خطای محاسباتی است و ما چنین خطایی را به برنامه‌ریزهای خود وارد می‌کنیم. در مجموع سرانه فضای سبز در شهرها بسیار پایین است و وقتی برای محاسبه استاندارد فضای سبز، به آنچه قابل استفاده برای مردم است توجه کنیم سرانه بسیار کمتری می‌شود.

مسئله دیگری که می‌توان در این باره مطرح کرد، توزیع یا پراکنندگی فضاهای سبز شهری است. در نظر گرفتن استاندارد سرانه فضای سبز در شهرها و خوش‌بین بودن به ارقام آن به این معنی است که ما توجهی به پراکنش مناسب فضای سبز نداریم. در شهرهایی مثل تهران که بیشتر فضاهای سبز در بخشی از آن به طور طبیعی یا غیر «تبیعی» متمرکز شده است، منطقی نیست که سرانه فضای سبز را برای همه شهروندان در نظر بگیریم. از نظر کامران بهرام‌زاده، مشکل اصلی تئوری برنامه‌ریزی فضای سبز در شهرها، ما برآوردهای ناصحیحی از این دست است.

مشارکت مردم، موانع قانونی و اجرایی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، شهرداریها در زمینه حفاظت از گیاهان و درختان وظایف خاصی دارند. بر طبق بند اول ماده ۵۵ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴/۲/۱۱) و ماده یک قانون نوسازی و عمران شهری (مصوب ۱۳۴۷/۹/۷) از جمله وظایف اولیه هر شهرداری ایجاد خیابانها، میادین و باغهای عمومی است. در تبصره ۳ ماده ۹۶ قانون شهرداری به شهرداریها این اختیار داده شده است تا برای ایجاد فضای سبز و باغهای عمومی تعام و یا قسمتی از اراضی یا املاک و یا اینکه واقع در محدوده شهر را به تصرف خود درآورند. علاوه بر ایجاد فضای سبز، حفظ و جلوگیری از تخریب فضای سبز ایجاد شده نیز از وظایف شهرداریهاست. طبق ماده ۴ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها (مصوب ۱۳۵۹/۲/۳) تمامی درختان اعم از اینکه شناسنامه داشته باشند یا

ایجاد فضای سبز است، آنان هیچ‌گاه به ضرورت حفظ و نگهداری گیاهان بی‌نی نمی‌برند و از اینجاست که رفتار نادرست با گیاهان صدمه زدن به آنها، از یادگاری توشن روی تنه درختان تا جاری کردن شیره‌ای زباله‌ها در پای آنها، ناپسند تلقی نمی‌شود و به این ترتیب شهروندان نیز نقش خود را در تخریب فضاهای سبز موجود در شهرها ایفا می‌کنند.

سرانه فضای سبز، محاسبه‌ای نادرست

طبق منطالعاتی که در زمینه توزیع فضای سبز شهری در دنیا انجام شده است، استاندارد بین‌المللی سرانه فضای سبز شهری برای هر نفر بین ۱۵ تا ۵۰ متر مربع است. در سالها اخیر با ایجاد موج توسعه فضاهای سبز شهری اغلب گفته شده است که در برخی از

وجود کاربریهای مسکونی و اداری با ساختمانها و تأسیسات فراوان در شهرهای ما غیر قابل اجتناب است و به همین دلیل هم نمی‌توان توقع داشت سطح وسیعی از زمینهای شهری ما به فضاهای سبز اختصاص یابد. به این ترتیب با وجود زمین کمی که در شهرها در اختیار داریم باید به «حجم سبز» و «ذخیره سبز» بیشتر بیندیشیم تا «سطح سبز» بیشتر

شهرهای بزرگ، ما به سطح استاندارد جهانی فضای سبز یعنی ۱۵ متر مربع برای هر نفر رسیده‌ایم. چنین اظهاراتی در وهله اول ممکن است امیدوارکننده باشد و نگرانی ما را در باره آلودگی هوای شهرها مرتفع سازد، چرا که از سوی دیگر نیز بر نقش چشمگیر فضاهای سبز در کاهش آلودگی هوا تأکید شده است، اما با وجود گسترش این پاورها در میان مردم و مدیران شهری، کارشناسان در این باره انتقاداتی جدی مطرح کرده‌اند.



محمد اسلامی

ناچاریم نقش مردم را در حفظ و گسترش آن جدی بگیریم، بویژه که هزینه‌های هنگفت حفظ فضای سبز، مشارکت مردم را نیز می‌طلبد. به همین دلیل هم باید سعی نمود که موانع مشارکت در این میسر تا حد امکان مرتفع گردد. از جمله این موانع، مانع قانونی است که به جای اینکه جنبه تشویقی داشته باشد عامل بازدارنده است.

از دیگر موانع اجرایی برای جلب مشارکت مردم، نبود شبکه آب خام در شهرهاست. با توجه به افزایش بهای آب مصرفی و محدودیتهای ایجاد شده از جمله قطع آب در مصارف زیاد، نمی‌توان از مردم انتظار نگهداری مناسب فضاهای سبز موجود را داشت. بنابراین مسائل قانونی و اجرایی از این دست می‌تواند به آسانی قویتر از باورهای فرهنگی مردم در زمینه حفظ گیاهان عمل کند.

برنامه‌ریزی، راهکار معتبر

مقوله فضای سبز عمده‌ترین فعالیت شهرداریهاست و اقدامات گسترده شهرداریها در سالهای اخیر در این زمینه مؤید این سخن است. حجم وسیع فعالیت‌های شهرداری در فضای سبز این تصور را تقویت می‌کند که شهرداریها در این باره تا حدود زیادی با تعمق، مطالعه و برنامه‌ریزی گردانند، اما در مباحث مطرح شده که تنها به موارد محدودی اشاره شد، ملاحظه کردیم که چنین تصویری درست نیست. با ارج گذاشتن به اقدامات چشمگیر فضای سبز در شهرها باید به این واقعیت اشاره کرد که فعالیت‌هایی که تاکنون انجام شده تجربی، سلیقه‌ای و بدون برنامه بوده است.

بسیار در نظر گرفتن این واقعیت باید گفت مهم‌ترین عاملی که می‌تواند شهرداریها را از دوباره کاریها و صرف هزینه‌های اضافی در زمینه فضای سبز فارغ کند، برنامه‌ریزی جامع فضای سبز شهرها

است. تحت حفاظت و حمایت شهرداریها هستند و قطع کردن آنها جرم محسوب می‌شود مگر در شرایط خاص و با اجازه شهرداریها. به موجب ماده یک همین قانون «قطع هر درخت در معابر، میدانی، بزرگراهها و یازکها، باغها و محله‌هایی که به صورت باغ شناخته شوند، در محدوده قانونی و حریم شهرها، بدون اجازه شهرداری ممنوع است». از آنجا که در این قانون به باغها و

یکی از عوامل تخریب فضای سبز در شهرها، وجود قوانینی همچون لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز است. قوانینی از این دست نه تنها باعث جلب مشارکت مردم در ایجاد یا حفظ فضای سبز نمی‌شوند، بلکه چنین سختگیریهایی خود موجب فرار مردم از قانون از طریق روشهای ناصحیح مانند خشک کردن عمدی درختان می‌شود

محله‌هایی که به صورت باغ است، تصریح شده اما به عمومی یا خصوصی بودن آنها اشاره نشده است. می‌توان گفت طبق آن قطع هر نوع درخت در هر محلی حتی امکان خصوصی جرم است و جزای آن حبس حتماً تا ۲ سال و پرداخت جزای نقدی از یک هزار تا ۱۰۰ هزار ریال (بر طبق ماده ۶ همین قانون) است.

لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها موارد دیگری را نیز در زمینه ممنوعیت و مجازات قطع درختان معارض کرده است که برای جلوگیری از طولانی شدن کلام از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

از نظر محمد اسلامی یکی از عوامل تخریب فضای سبز در شهرها، وجود قوانینی همچون لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز است. قوانینی از این دست نه تنها باعث جلب مشارکت مردم در ایجاد یا حفظ فضای سبز نمی‌شوند، بلکه چنین سختگیریهایی خود موجب فرار مردم از قانون از طریق روشهای ناصحیح مانند خشک کردن عمدی درختان می‌شود. مردم اگر بخواهند در ملک خود فضای مسکونی خود را گسترش دهند یا دخل و تصرف دیگری داشته باشند، مجبورند درختان موجود را قطع یا خشک کنند یا بابت آن جریمه بپردازند، چرا که شهرداری به دلیل وجود درخت اجازه دخل و تصرف نمی‌دهد. به اعتقاد محمد اسلامی اگر به فضای سبز شهری از منظر توسعه پایدار نگاه کنیم،





دست کم در شهرهای بزرگ است. شهرتاریها بویژه در شهرهای بزرگ باید خلأ و نبود برنامه‌ریزی را در نگهداری و توسعه فضای سبز شهر با به خدمت گرفتن توان علمی و نیروهای متخصص پر کنند. البته همان طور که قبلاً به تفصیل اشاره کردیم، فضای سبز از جمله مقولاتی است که ماهیتاً جنبه ملی و منطقه‌ای دارد و به همین جهت برنامه‌ریزیهای کلان ملی تنها در حد تعیین استانداردها، استانداردها، تربیت نیروی متخصص، آموزش همگانی و برنامه‌های فرهنگی می‌تواند مؤثر باشد.

ابوالفضل حاج‌پرانی در مورد لزوم برنامه‌ریزی فضای سبز به عنوان راهکاری اساسی می‌گوید: برنامه‌ریزی جامع فضای سبز برای هر شهر یکی از ضرورت‌هایی است که پس از تجربه کردنها و آزمون و خطاهای بسیار می‌بایست بدان توجه شود. در این برنامه‌ریزی باید با هر بخشی از فضای سبز شهری (مانند پارکهای محلی کوچک یا بزرگ، فضای سبز کنار بزرگراهها و...) طبق تعریف و برنامه خاص خود برخورد شود. پس از تعیین هدف، برنامه‌ریزی باید به دقت ضوابط و استانداردها را تعیین کند. به همان نسبتی که ما سرو کف را در کاربریهای مسکونی تعیین می‌کنیم باید فضای سبز را هم با تناسب خود در نظر بگیریم. ما باید بشوئیم در سازه فضای سبز استانداردسازی کنیم. گرچه تعیین استانداردهای کیفی تا حدودی مشکل است. در صورت برنامه‌ریزی فضای سبز، دستورها و ضوابط می‌توانند در قالب سیاستهای تشویقی به مردم القا شوند که از این طریق مشارکت مردم نیز خواهد شد.

از نظر حسنی لقای در برنامه‌ریزی فضای سبز قبل از هر چیز شناخت پتانسیل موجود ضرورت دارد. ما ضمن اینکه باید طرح جامع برنامه‌ریزی و مدیریت فضای سبز را برای هر شهری تدوین



کنیم، بخشی مهمی از این برنامه‌ریزی را نیز باید در جهت تأکید بر حفظ و نگهداری موجودیت فضای سبز در شهرها قرار دهیم. مهمترین راهکار برنامه‌ریزی فضای سبز از نظر او در درجه اول حفظ موجودی و سپس توسعه فضای سبز است.

از دیدگاه محمد اسلامی توسعه و نگهداری فضای سبز بدون برنامه‌ریزی ممکن نیست. برای تحقق این برنامه‌ریزی، قبل از هر چیز، باید به طرحهای توسعه شهری توجه شود و بخشی از برنامه‌ریزی فضای سبز در قالب این طرحها تعریف شود.

در طرحهای توسعه شهری باید وضعیت فضای سبز هر شهر در بلندمدت، چشم‌انداز سرانه فضای سبز بر حسب جمعیت و اقلیم، ویژگیها و امکانات موجود با توجه به جمعیت و توسعه فیزیکی شهر و سواردی از این دست روشن شود. بسیاری از مشکلاتی که در طراحی و اجرای فضای سبز شهرها وجود دارد می‌تواند در شرح خدمات طرحهای توسعه شهری پیش‌بینی شده و حل شود.

نکته دیگر اینکه در برنامه‌ریزی فضای سبز باید به پژوهش در فضای سبز اهمیت کافی داده شود. ویژگی فضای سبز به گونه‌ای است که نمی‌تواند بی‌نیاز از مطالعه و پژوهش مداوم باشد. مطالعه در مقیاس کوچک در زمینه خاک، آب، گونه‌های مناسب، مدیریت نگهداری گیاهان و... از ضرورت‌های غیر قابل انکار است. فرهاد ابوالضیا ضمن تأکید بر به‌کارگیری روشهای علمی و پژوهشی مداوم، معتقد است لزوم مطالعات همپیشگی در مورد گیاهان خاص به حدی است که باید هر شهر باغ نباتات زینتی داشته باشد تا بتواند گونه‌های مناسب را برای کشت معرفی کند و از این طریق طراحی فضای سبز هر شهر بر اساس پژوهشهای کاربردی صورت پذیرد.

یکی از پیشنهادها، جدی کارشناسان در زمینه مطالعات فضای سبز استفاده از محققان و دانشجویان علاقمند در جهت تحقیق و هدایت پایان‌نامه‌های دانشگاهی برای مطالعات کاربردی فضای سبز شهرهاست.

جایگزینی جنبه‌های تشویقی به جای جنبه‌های تنافی در قانون، از جمله در نظر گرفتن معافیت‌های خاص، اصلاح و بهبود روشهای اجرایی، تدوین برنامه و مکانیزم مشخص جلب مشارکت مردم از سوی شهرداری، تشویق و جلب توجه مردم به حفظ و نگهداری گیاهان با استفاده از گونه‌های خاص و کم‌هزینه، حل مسئله آب خام به عنوان تمهیدی برای مشارکت مردم در حفظ فضای سبز، تأکید بر استفاده از درخت و درختچه به جای چمن، اتخاذ سیاستهای تعادلی در مورد سطوح فضای سبز در مناطق مختلف شهر و در شهرهای کوچک و بزرگ و... همه پیشنهادهایی هستند که از سوی کارشناسان و صاحبفترانی که در تخنیم این مطلب از نظرات مفیدشان استفاده شده، طرح شده است.

گسترش بی‌لگام آجر و آهن و سیمان و تود در شهرهای ما به حدی است که روز به روز تصویرهای سبز را در نگاه ما تنگ‌تر می‌کند اما نیاز ما را به سبزینة آرامش بخش گیاهان از بین نمی‌برد. دغدغه‌ها و تلاشهای کارشناسان فضای سبز در ارائه راهکارهایی که ذکر شده همه برای بر کردن فاصله‌ای است که در شهرها بین ما و گیاهان ایجاد شده و بتدریج بیشتر و بیشتر می‌شود.



بخش پایانی
مصطفی بهزادفر

شهر سیمای مسجد و معماری

عنا و از معماری خلیفین عرصه‌های شهری عصر رنسانس در ایتالیا و همین‌طور معماری عرصه عمومی میدان نقش جهان (اسف) اصفهان، غالباً در حوزه اتصال کثیف و تلووم محدود آن به سوی صحن افقی اصلی و یا عکس آن به سوی حوزه میانی سایر جستگی دارند.

گوشه‌ها و کنجها را نباید در تحلیل تداومی عناصر نما از نظر پنهان داشت، چرا که از یک طرف موجبات جلوه‌گری و تأکید بیشتر عناصر تزیناتی را در سرز گوشه‌ها فراهم می‌آورند و از طرف دیگر در جریان اتصال دو مسیر افقی ناهمگنی و یا ناهمگنی پالهای مختلف یک گوش را تجسم بصری بخشند. عناصر تزیناتی مطلوب و طرح افکنی متناسب می‌توانند یک گوشه را در ساختمانی خاص به یک نشانه و نماد شهری مؤثر تبدیل کنند. در حالی که حوزه‌های میانی نمادین ناظران عابر یا متوقف را به طور جلب می‌نمایند در سطحی بالاتر از خط آسمان، طرح کالبدی سقف و خط افق به حوزه‌های خاصی تبدیل می‌شوند که در صورت داشتن عناصر تزیناتی و طرح افکنی برجسته، مطلوبیت بصری پیدا می‌کنند و تمایل آگاهانه و درک بصری عابران، ناظران و شهروندان را تقویت می‌نمایند. بسیاری نگاه خود را بر خط افق و آسمان آگاهانه و برای خط بصری همراه با درک مکان به کار می‌گیرند. دیدبانورامایی خطوط افق، آسمان و یا سقف می‌تواند یکی از مهمترین جنبه‌های معرفی و نمایش الگوی طراحی شهرها را پاس بدارد. دیدبانورامایی سقفها، خط تلاقی زمین و آسمان و خط افق را در شرایط مختلفی می‌توان تجربه کرد. در عرصه‌های غیر مصنوعی شهرهای تپه ماهوری می‌توان چنین دیدهایی را به طور طبیعی دید و از آن به آرامش خاطر دست یافت. ساختمانهای بلند و عظیم که استمرار بصری داشته و عناصر حالت بخشی را در خطوط آسمان، افق و سقف خویش عرضه می‌دارند برای خوانایی، معنی‌داری و مطلوبیت بصری بسیار مفید و ثمربخش هستند. یک ساختمان عظیم خواه در دامنه تپه‌ای و یا بالای آن باشد، به درجات مختلف خطوط سقف، افق و آسمان را عطا می‌بخشد. اما قطعاً ساختمانی در بالای یک کوه اثر بخش‌تر است. چنانچه ترکیب چشم‌اندازهای طبیعی و مصنوعی محیط بنا نمای ساختمان درهم بیچند، بعد خاصی به منظور آری کل فضای شهری می‌دهد که گاه موجب ارتقای جنبه‌های خاصی از استراکات ذهنی و درک عرفانی ارزش بندگان می‌شود. این موضوع در بناهای مذهبی بیشتر قابل درک است. مابین و همکارانش کلیسای سنت میشل را در فرانسه به مثابه عظمتی از محیط مصنوعی بر هستی طبیعی مثال می‌زنند. غالب شهرهایی که توانسته‌اند به خوبی از انگوهای فراگیر طبیعی و مصنوعی خطوط افق، آسمان و سقف نمود جویند. آنهایی هستند که بناهای مذهبی را محور و کانون عمل قرار داده‌اند. شهر استانبول در ترکیه از نمونه‌های بارز به کارگیری مطلوب عناصر تزیناتی یاد شده در نما و سیمای شهر است. مابین و همکارانش در توضیح این

موقعیت می گویند: هر یک از هفت تپه‌های شهر استانبول گویا با تاجیهایی از کانونهای فرهنگی، بویژه مساجد سلطنتی، مزین شده‌اند. هر یک از مساجد دو تاشش مناره باشکوه دارند که به وسیله گنبدهای نیم دایره‌ای محاط شده‌اند. روی تپه‌ای که بر شهر غلبه دارد و بر دریا نیز اشراف دارد، مستقا صوفیا آ، و مسجد کبود آ، قرار دارند. در لایه‌های کم ارتفاع پایین، تپه‌های هفت‌گانه باقیمانده شهر را گسترش داده و در ترکیب با عناصر فوق، لایه‌های خطوط سفید، آسمان و افق را غنا بخشیده و تعریف شهر را شفافیت می‌دهند.

ساختمانهای بلندمرتبه به خودی خود، عنصری تزئینی برای سیمای شهر محسوب می‌شوند. در عصر حاضر بسیاری از شهرها از طریق ساختمانهای بلند مرتبه به معرفی خود می‌پردازند. برای ساماندهی سیمای یک شهر باید ساختمانهای بلند مرتبه، گنبدها و منارها را به مثابه ابزارهای ظرافت و گویایی وضعیت فرهنگی - اجتماعی برگزیده از هویت کلی شهر یا محلاتی از آن، به طور ماهرانهای هم بر طرح کالبدی شهر و کالبدی بناهای عمومی، نقش آفرینی نمود. آرایندگی اندیشیده خطوط افق و آسمان همراه با به کارگیری همه شعول عناصر خاص نشانه‌های بناهای مذهبی، از جمله مساجد را در ابعاد، سطوح و مقیاسهای مختلفی مطلوبیت می‌دهند. مآتین در این مورد از مسجد کبود ترکیه به عنوان اثر و نشانه‌ای فراگیر و فراملی یاد می‌کنند. ویژگی بصری مسجد کبود به عنوان نشانه مهم در بسیاری از

موقعیت می گویند: هر یک از هفت تپه‌های شهر استانبول گویا با تاجیهایی از کانونهای فرهنگی، بویژه مساجد سلطنتی، مزین شده‌اند. هر یک از مساجد دو تاشش مناره باشکوه دارند که به وسیله گنبدهای نیم دایره‌ای محاط شده‌اند. روی تپه‌ای که بر شهر غلبه دارد و بر دریا نیز اشراف دارد، مستقا صوفیا آ، و مسجد کبود آ، قرار دارند. در لایه‌های کم ارتفاع پایین، تپه‌های هفت‌گانه باقیمانده شهر را گسترش داده و در ترکیب با عناصر فوق، لایه‌های خطوط سفید، آسمان و افق را غنا بخشیده و تعریف شهر را شفافیت می‌دهند.

ساختمانهای بلندمرتبه به خودی خود، عنصری تزئینی برای سیمای شهر محسوب می‌شوند. در عصر حاضر بسیاری از شهرها از طریق ساختمانهای بلند مرتبه به معرفی خود می‌پردازند. برای ساماندهی سیمای یک شهر باید ساختمانهای بلند مرتبه، گنبدها و منارها را به مثابه ابزارهای ظرافت و گویایی وضعیت فرهنگی - اجتماعی برگزیده از هویت کلی شهر یا محلاتی از آن، به طور ماهرانهای هم بر طرح کالبدی شهر و کالبدی بناهای عمومی، نقش آفرینی نمود. آرایندگی اندیشیده خطوط افق و آسمان همراه با به کارگیری همه شعول عناصر خاص نشانه‌های بناهای مذهبی، از جمله مساجد را در ابعاد، سطوح و مقیاسهای مختلفی مطلوبیت می‌دهند. مآتین در این مورد از مسجد کبود ترکیه به عنوان اثر و نشانه‌ای فراگیر و فراملی یاد می‌کنند. ویژگی بصری مسجد کبود به عنوان نشانه مهم در بسیاری از

لازم به تذکر است که تأثیر خاص رنگها - که در معماری اسلامی جایگاهی بس ارزنده دارند - به عنوان مهمترین عاملی ذکر شده که در نمونه‌های بالا غنای فضای حیاتی شهرهای اسلامی را متأثر نموده است.

مباحث فراوانی را در تکمیل مبانی نظری می‌توان ارائه داد، اما بنا توجه به حجم محدود این نوشتار به همین مقدار بسنده می‌کنیم، یا این حال نمی‌توان یک مفهوم اساسی را که می‌تواند به نوعی برانند عملی بسیاری از موضوعات یاد شده پادشدد، ناگفته رها کرد. این مفهوم را می‌توان در چارچوب یکی از معیارهایی که لیچ برای تبیین هنجاری شکل خوب شهر ارائه می‌دهد مشاهده نمود. معیار معنی و در دل آن معیار هویت، به مثابه یکی از هفت معیار شکل خوب شهر، به تنهایی هم می‌تواند متغیرهای مهمی از فرآیندهای ارزیابی و شکل دهی فضای مطلوب شهری را در خود جمع نماید و هم برآیند و برگشت نخیه نظرهایی باشد که برشمر دیم. هویت به مفهوم جدی که شخص بتواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر اسکنه شناسد یا بازشناسایی نماید، حتی است که در موضوع معماری مسجد و نمای شهری، مبانی نظری پرسازی را عرضه می‌دارد. متغیرها، عناصر و عواملی چون تداوم و تناسب، فرم هندسی، رنگ، و... که در این مقاله برای شفافیت بصری نمای شهری مورد مذاقه قرار گرفتند، به گمان لیچ عوامل مهمی هستند که معنی هویت را بارور می‌کنند. بنایی که از هویت درستی برخوردار باشد و بتوان معنی آن را از طریق هویت درک کرد، قطعاً بنایی است که غالب معیارهای مطلوبیت نما و سیمای مطلوب در آن رعایت شده است.

چنین بنایی می‌تواند احساس مکانی خوب را عرضه و تقویت نماید. آشنایی زیاد موجب احساس مکانی می‌گردد، اما کافی نیست. این آشنایی باید از طریق شکل و فرم بصری از دو زاویه تقویت گردد: نخست اینکه شکل بتواند معنی مکان و احساس مکان خاص را برای بیننده تداعی کند و دیگر اینکه ترکیب شکل و آشنایی با یکدیگر - آن گونه که لیچ تذکر داده است - موجبات تقویت احساس مکان شود.

مطلوبیت‌ها، موردها و تضادها مسئله‌ها

مطلوبیت‌ها را در بیان مقدماتی موضوع و همچنین شرح تصور تاریخی، نظری و انتقادی مقوله‌ها و تبیین زمینه‌های نظری طراحی شهری را برگزیده ایم. گریزهایی که گاه در توضیح مساحت فوق بیش می‌آمده است، خواننده را با چشم انتاز مطلوبیت و نامطلوبیت‌ها در موردهای خاص آشنا نموده است. روح این نوشتار حکایت از آن دارد که گذشته را غالباً فصاهای شهری با کیفیت محیطی و بصری مطلوب و با هویت رقم زده‌اند و حال را نامطلوبیت‌ها غلبه کرده است.



نمای نمای مسجد میدان نیرت در امل در مسئله‌ای برای مشاهده و در عرض منظر را در نمایه عملی مسجد در بین حجم غلبه گنبد و مناره‌های مسجد شهری تهران می‌باشد در رنگ آ، میدان نیرت تهران



مسجد جامع امام خمینی (ره) در تهران

آنچه در این بخش عرضه می‌گردد مصداق مسئله‌هاست. برای تبیین این مصداقی که به مثابه شروعی برای یک تحقیق گسترده است، نمونه‌های محدودی را در تهران مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. برآیند گفته‌های ما از آغاز تا اینجا ساز و کار حرکت است.

از مجموع بحث، چهار موضوع محوری قابل استنتاج است. اول، اهمیت بصری فضاهای شهری، بویژه طرح کالبدی شهر، سیمای کلی و نمای اختصاصی حوزه‌های خاص برای درک محیط و دادن هویت، خوانایی، پویایی و ماندگاری به این فضاها. دوم، درک و سنجش متغیرها و معیارهایی که کیفیت حیاتی و بصری مطلوب را در بستر عفافیمی چون تنوع، تداوم، تضاد، تباين، هماهنگی، خوانایی، هویت، توازن و... می‌سجد. سوم، بازشناسی عناصر، عرصه‌ها و عواملی که ساماندهی مطلوب آنها معیارها و متغیرهای مطلوبیت را سیراب می‌نماید. چهارم، درک مسئله دار بودن نماهای شهری محور معماری مسجد از طریق حضور مسئله در طرح کالبدی، نما و نشانه‌های عرصه‌های شهری واجد ساختمان مسجد همراه با نشانه‌هایی که در محوریت مسجد شکل گرفته است.

اکثر مساجد در نماهای شهری وابسته که مورد بازدید قرار گرفته‌اند، فاقد جذابیت بصری، آراستگی و پیراستگی لازم برای انتقال بصری تجزیات بوده و به‌طور کلی مطلوبیت کیفی نماها خدشه‌دار بوده است. به نظر می‌رسد در پشت نماهای شهری موجود هیچ فکری که یا گذشته پربار طرح کالبدی شهرهای اسلامی را با خود داشته باشد و یا از ارزشهای نظری - عملی یک الگوی طراحی فضای شهر متکی بر دانش روز، بویژه طراحی شهری، وام گرفته باشد خوابیده نیست. گویا کمتر به این موضوع توجه شده است که دیگر مسجد در بافت ارگانیک و کوچه‌های پریچ و خم، باریک و محرمیت محور شهرهای قدیمی جا ندارد، بلکه در مجاورت خیابانها و میدانهای عریض و باز، محورهای مستقیم و عرصه‌های برون‌گرایی که عمومیت را بر محرمیت غلبه دادند، متشکل شده و می‌شوند. معمولاً نه نمای مسجد را تداومی مطلوب در نماهای جانبی است و نه نماهای جانبی بر ساخت، فرم و نقش نمای مسجد تأثیر گذاشته‌اند. به استثنای تعدادی محدود از مساجد - که مرکز تجاری را در بدنه خود جای داده و خود در قالب و لاک این واحدها فرو رفته‌اند - کمتر بناهایی را در حوزه نمایی مساجد می‌توان مشاهده نمود که تداوم و توازنی بین خطوط هندسی محور مرکزی مسجد و خطوط افقی و عمودی بناهای جانبی و مجاور آن مشهود باشد.

عدم تداوم طرح هندسی، نقشهای کلی، رنگ، جنس، مصالح، بافت، ساخت و شکل حجمی بنای مسجد با بناهای مجاور و برعکس، شاخص‌ترین تقصبات است که در اکثر نماهای مورد بررسی مشاهده می‌گردد. این جریان نه تنها موجب عدم هماهنگی، عدم توازن، بدخوانی و عدم زیبایی کلی حوزه تأثیر یک بخش از نمای شهری می‌گردد، بلکه کنارایی عناصر شاخص نمونه‌های خوش‌نمای معماری مساجد را در تمامی حوزه‌های نمایی اعم از خط کف، خط میانی و طرح کالبدی سقف، افق و آسمان نیز خدشه‌دار می‌نماید. در طرح جدارهای محیط مسجد الغدیر - به عنوان

ساختمانهای بلندمرتبه به خودی خود، عنصری تزئینی برای سیمای شهر محسوب می‌شوند. در عصر حاضر بسیاری از شهرها از طریق ساختمانهای بلندمرتبه به معرفی خود می‌پردازند. برای ساماندهی سیمای یک شهر باید ساختمانهای بلندمرتبه، گنبدها و منارها را به مثابه ابزاری با ظرافت و گویایی وضعیت فرهنگی - اجتماعی برگرفته از هویت کلی شهر یا محلاتی از آن، به‌طور ماهرانه‌ای هم بر طرح کلی کالبدی شهر و هم بر طرح کالبدی بناهای عمومی، نقش آفرینی نمود

فرض بر این است که ساماندهی بهینه طرح کالبدی و نمای شهری از طریق طراحی و ساخت و ساز بهینه عناصر موجود در نما امکانپذیر می‌گردد که موارد زیر را شامل می‌شود: نقشها و تزئینات، نوع و جنس مصالح، طرح هندسی خطوط عمودی و افقی نما، بافت، رنگ، استقرار ورودیه‌ها و بارشوها، اتصال و ارتباط تک بناهای مجاور هم و... آن گونه که قبلاً توضیح داده شد. نما و طرح کالبدی بهینه شهری مطلوبیت فضایی را در جهت ایجاد هویت، خوانایی، دلپذیری، توازن، مانایی و... سوق می‌دهد. مضاف بر این، حضور برجسته عناصر معماری مسجد در لباس نشانه‌های شهری - بویژه نشانه‌های دیربیا در تصور ذهنی شهروندان - می‌تواند ارزشمندی و مطلوبیت کیفی طرح مسجد را در عرصه طراحی سیمای شهری اسلامی یا دست کم مسلمان نشین بازگو نماید.



ساخت و ساز تجاری گوشه جنوبی مسجد میدان نبوت، مراکز تجاری فعال جبهه شمالی مسجدالاقصی در حدود فلکه سوم تهران پارس و واحدهای تجاری نفوذ کرده در دل مسجد امام صادق در اقدسیه، ارزش بصری جداره‌های بیرونی این مساجد را به نفع کناری و جلوه‌گری مراکز تجاری تغییر داده‌اند.

در مجموع نه تنها تجسم بصری طرح کالبدی، تما و سیمای عمومی محورهای شهری واجد فضاهایی چون مسجد با غلبه بصری و کارکردی فضاهای غیر مسجدی مواجه است، بلکه درک و فهم عمومی مردم و یا تصور ذهنی آنان از عرصه‌هایی که به طور پایه‌ای برای مسجد طراحی شده‌اند نیز خدشه‌دار است. در بیان استدلالی مقدماتی مسئله اخیر یادآوری می‌گردد نویسنده در یک بررسی عمومی میدانی در محلات از کل، اقدسیه، اراج، باقلازار و نونباد به طور تصادفی از مردم درباره اینکه چه چیزی (اعم از فرم و فعالیت) شاخص معنی‌دارتری را برای آنان از موقعیت مکانی مسجد امام صادق ارائه می‌دهد، پرسشگری به عمل آورد. موضوع جالب توجه اینکه ۹ نفر از ۲۰ نفر به وجود یک فروشگاه لوازم یدکی پیکان یا رنو اشاره نموده، ۴ نفر به شیرینی فروشی ارجاع داده، ۲ نفر بازارچه را در کل مهم جلوه داده و فقط ۵ نفر به اهمیت و عملکرد برگزاری مراسم مذهبی - سیاسی در صحن این مسجد اشاره کرده‌اند. قطعاً پاسخ‌دهی به تعداد محدودی سؤال نمی‌تواند مبتنی مستحکمی برای استنتاجات اساسی باشد، از این رو طرح استنتاجی حاصل از تبیین این گونه پرسشها فقط مقدماتی است برای انجام تحقیقات گسترده‌تر، اما آنچه مشاهدات ما و

تحلیل بصری مربوطه گوشزد می‌کند این است که، هویت، خوانایی و معنی‌دار بودن بنای مسجد بویژه عرصه‌های بیرونی آن در روند ساخت و ساز موجود بتدریج جایگاه ارزشی و عملکردی خود را از دست داده و کارکردهای غیر ارزشی نظیر مراکز تجاری بر جای آن تکیه خواهند زد. روند این تحول ضربه جبران‌ناپذیری بر طرح کالبدی شهرها وارد خواهند نمود. توجه نمود که اگر عناصری چون کتابخانه‌های عمومی، تالار اجتماعات و فرهنگسراها با حجم، کارکرد و نمای مسجد ترکیب شوند، به موجب ماهیت و تشابه پایه‌ای نوع فعالیت که غالباً فرهنگی - اجتماعی هستند، نه تنها تأثیر منفی چندانی بر فراگرد تأثیرگذاری نمای مسجد بر نمای شهر نخواهند داشت، بلکه احتمالاً موجب باروری آن نیز بتوانند بود. اما غلبه نمودن کاربریهای تجاری، جایگیری تبلیغاتی تبلیغاتی و تجاری در عوض تزیینات پررغنائی نقشها و کاشیکاری اسلامی به راحتی جبران پذیر نخواهد بود.

انتظار می‌رود با گسترش دامنه تحقیقاتی که این مقاله به مثابه مقدمه و فاز صفر آن محسوب می‌گردد، بتوان ضمن غنا بخشیدن به معماری بیرونی مسجد، فضاهای طرح کالبدی و سیمای شهرها را به نفع گرایشمندیهای پویانگر و سامان بخش هدایت نمود.

مثال - انتظار می‌رفت با ایجاد دست کم یک فضای انفضالی خالی بین حجم مسجد و حجم بناهای جانبی، تداوم تک بنایی الگوی طراحی جداره بیرونی حفظ می‌شد و شدت تضاد و ناهمگنی بصری به حداقل می‌رسید. استفاده نکردن از قابلیت‌های محیطی برای ایجاد نمایی

عدم تداوم طرح هندسی، نقشهای کلی، رنگ، جنس، مصالح، بافت، ساخت و شکل حجمی بنای مسجد با بناهای مجاور و برعکس، شاخص ترین نقیصه‌ای است که در اکثر نماهای مورد بررسی مشاهده می‌گردد

مطلوب می‌تواند یک نکته منفی تلقی گردد، ولی منفی‌تر از آن نکته‌ای است که بر استفاده غلط از نماهای باقوه مطلوب مساجد صورت می‌گیرد. نمای اصلی و پربازده غالب مساجد نوساز به وسیله واحدهای تجاری محاصره و پوشانده شده‌اند نحوه فرابویشی نما به وسیله واحدهای تجاری چنان است که به طور غالب جبهه نمایان مطلوب به وسیله واحدهای تجاری اشغال شده و نقش پرارزش کاشیکاریها، خط بنایی‌ها، خطوط پر معنای هندسی به وسیله تابلوهای جوراجور پوشانده می‌شوند، در واقع بهترین حوزه مقیاس انسانی نما به وسیله سطوح و تابلوهای مراکز تجاری محاصره شده و خط آسمان و طرح کالبدی سقف نیز با عقب نشینی حاصل از سازگاری توده عملکردی درونی فضای مسجد و توده عملکردی بیرونی آن - یعنی مراکز تجاری - کمی به عقب رفته و از دید متعارف ناظران پنهان می‌شوند. از این رو ارزش بصری گنبدها کمرنگ شده و منارها نیز چنانچه ارتفاع و شکل برجسته‌ای داشته باشند، در فاصله‌ای دورتر و صرفاً از نظر نشانده بودن کناری پیدا می‌کنند. همچنین ارزش اطلاع‌رسانی و بصری گوشه‌ها نیز کمرنگ شده و انعکاس جذاب و ورودیه‌ها و عرصه اتصال بخش پیاده - کف افقی - با نمای پایینی کمرنگ می‌گردند. به عنوان مثال حجم عظیم

پانویس

- 1- Rooftops
- 2- Cir Moughinard others, Urban Design, Butterworth Architecture, Oxford, 1996, P. 67.
- 3- Santa Sephia
- 4- Blue Mosque
- 5- Ibid, P. 68.
- 6- Ibid, P. 114

۷- کتبی لیاچ، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین نصری، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۶، ص ۱۶ و ۱۶۱.

اشاره گشودن پرسش می‌تواند این باشد که چگونه می‌توان این پیچیدگیها را - که در جایی یا صرفی موسوم به شهر وجود دارد - به نظم آورد و بسری حرکات، تغییرات، رشد و توسعه شهر برنامه‌ای نمودن کرد؟

در زبان انگلیسی تفاوتی بسیار بین دو واژه نزدیک به هم Home و House که هر دوی آنها را می‌توان به سادگی در فارسی خانه ترجمه کرد، وجود دارد. House معنای اجزای کالبدی خانه (ساختمان، اتاقها، در، پنجره و...) را به ذهن متبادر می‌کند؛ در حالی که Home معروف جنبه‌های غیر کالبدی خانه

منوچهر مزینتی

دکتر در شهرسازی

شهرسازی، بی‌برنامه یا با برنامه

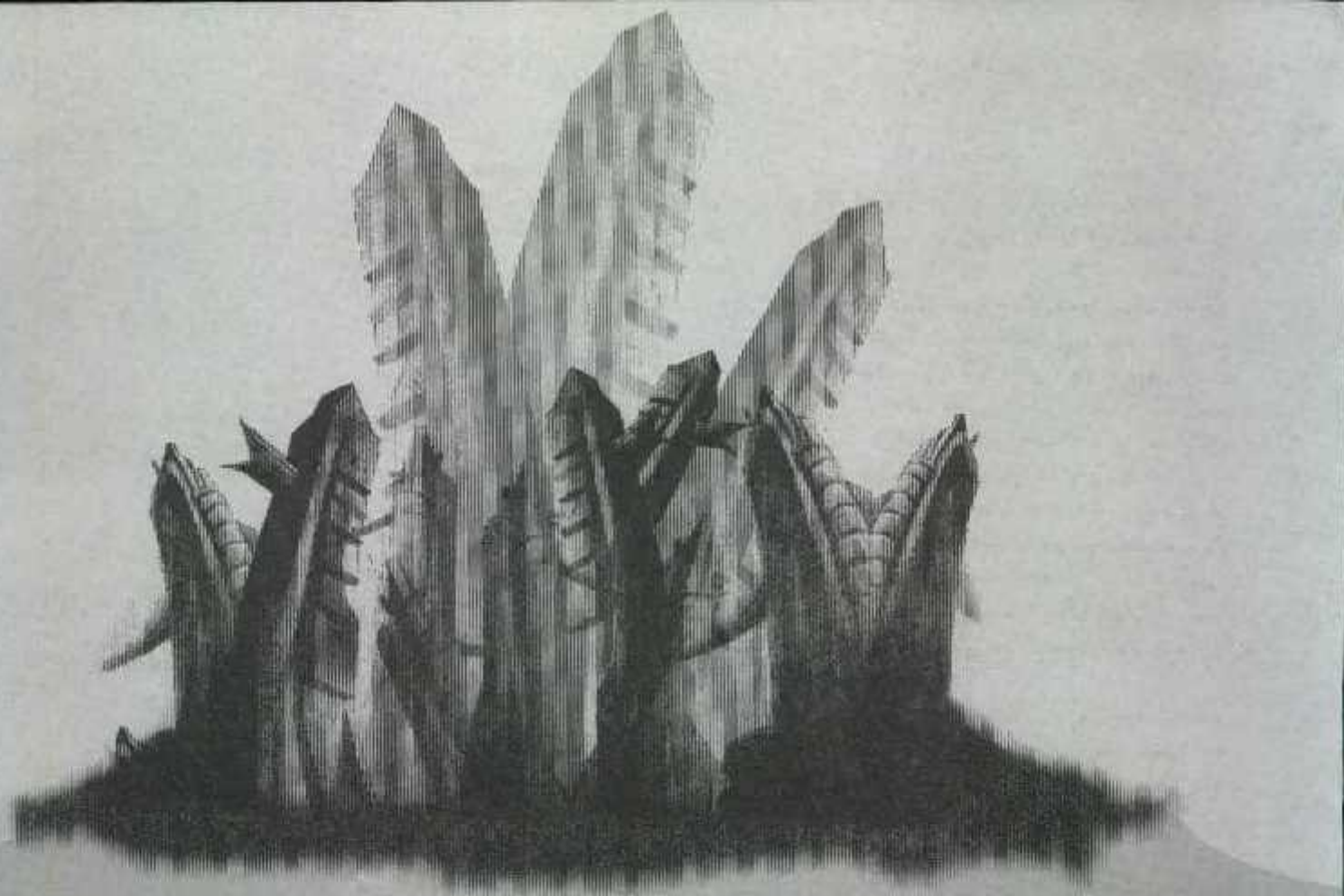
است، یعنی زندگی، فعالیت و رونق‌هایی که در خانه جریان دارد، دو واژه خانه و منزل که ما فارسی‌زبانان در موارد متعدد به جای یکدیگر به کار می‌بریم تا اندازه‌ای شبیه Home و House هستند. اما در مورد شهر، نه در انگلیسی و فارسی و نه هیچ‌زبان دیگری که من می‌شناسم، دو واژه مختلف که یکی کالبد شهر و دیگری فعالیتها و روابط درون آن را نشان دهد وجود ندارد.

امسایه‌رانی تفاوتی بین این دو وجود دارد البته این دو با یکدیگر رابطه‌ای نزدیک دارند؛ ممکن است یکی را ظرف و دیگری را مظهر و بنایم. روشن است که مظهر، شهر تا زمانی که معین از شکل ظرف تأثیر می‌پذیرد ولی از آن بیشتر بر شکل شهر تأثیر می‌گذارد و می‌توان گفت بیشتر پیچیدگیهای شهر به سبب پیچیدگیها و مشکلات ظرف است، در اینجا بار پریش نخستین مطرح می‌شود؛ چگونه می‌توان بر این پیچیدگیها چیره شد و با برنامه‌هایی آنها را به نظم آورد؟

چند راه در این مورد وجود دارد؛ یکی اینکه با وضع ضوابط و مقررات و قوانین، حرکات مظهر را که مافوق پویا هستند و منام به سوی تغییر گرایش دارند، متوقف و یا تا میزان بسیاری محدود کرد. البته سخت چنین نظام عقید کنترل‌کننده‌ای، در سیستم‌های دیکتاتوری خود را می‌نماید، در حکومت فاشیست‌ها، پیشوا فکر می‌کرد و دیگران عمل می‌کردند و یا در زمان رضاشاه برای مقر از هر شهر به شهری دیگر اجازه و جواز شهرداری لازم بود. این خواص البته مسئله مهاجرت را که از مسائل بفرنج شهر و شهرسازی است به راحتی حل می‌کرد. البته نرم چنین نظامی، شهرسازی

زندگی چنان که می‌دانیم و می‌بینیم بسیار پیچیده است. اختراعات و اکتشافاتی که هر روز صورت می‌گیرد بر این پیچیدگی می‌افزاید و به آن سرعتی فزاینده می‌دهد. دیری است آموخته‌ام در سازه‌های ساختمانی اختراعات بیش از خود آنها سینه‌شم. اختراع ایشیل فی نقشه‌چالیه تسهیل‌کننده و آسان‌بخش بوده است؛ انتقالی متحرک با سندیهای میل مانند که فواصل چند روزه را در چند ساعت در می‌نوردید، اما این اختراع نیکو و والا چه به دنبال آورد؟ تو مورد بحث ما یعنی شهرسازی، اساس منسجم کالبد شهرها را در هم ریخته، هوای پاکیزه آنها را آلود و با فراین آلودن سهم بسیار گرفته، باعث از دست رفتن جان هزاران انسان کرده و بزرگ در تصادفات زندگی شد و...

نه تنها اختراعات که از طرفی مشکل‌گشای برخی مسائل اند و از طرف دیگر اگر خردمندانه مورد استفاده قرار نگیرند زاینده مشکلاتی بار دارند و سبب پیچیدگی و مشکلات زندگی و از آنجا زندگی شهری می‌شوند، بلکه آدمیان و صفات و ویژگیها و روابط بین آنان - که تمام یا بخش عمده‌ای از زندگی را پند می‌آورند - ساهتی بس پیچیده دارند. به همان اندازه که قیافه و سیمای آدمیان یا یکدیگر تفاوت دارد سلیقه و عقیده نیز در جهان موجود است. وجود سیزده حزب سیاسی یا بیشتر و وجود جناحهای مختلف در این احزاب در کشور کوچکی مانند هلند که دموکراسی نسبی دارد، خود نشانی از تفاوت نظر بانه، سلاطین و علایق است. با این



سبب پر خوردن دو قطعه ایر که دارای بار الکتریسته متفاوت هستند پدید می آید و به تراز دیوها در آسمان!

نظیر تریستان تزارا شبیه ادعای کنشانی است که می گویند بهترین برنامه ریزی بی برنامهگی است! با وجود این چنین نظریاتی قابل توجه است و سبب شکل برخی از برنامه ریزان و شهرسازان کلاسیک در نظریات و برنامه های تغییر ناپذیر خود تبدیل و یا تجدید نظر کنند. در کنگره سال ۱۹۷۸ «جمعیت جهانی شهرسازان و برنامه ریزان منطقه ای ۴» یکی از شهرسازان پیشنهادی و صاحب نظر تدوین برنامه های شهرسازی را به هدایت کنشی یادبانی در اقلاتوسی نارام تشبیه کرد. مراد وی این بود که کنش یار، ورزیده و مجرب باید یادبانی های کنشی خود را در جهت یاد موافق بگشاید (یعنی بتواند از فرصت های مناسب استفاده کند و مردم و تصمیم گیران سیاسی را به صحت نسبی برنامه های خود مطمئن کند) تا بتواند به مقصد برسد.

به راستی نیز تدوین برنامه و کنش در به انحطاط رساندن آن بی شباهت به راندن کنش در دریایی نارام نیست و همه ناخدا یان مجرب می دانند که این امری ساده نیست. این نکته خاصه تر کشورهایی که اقتصادی باز دارند و مردم با گروه های مشکل ایشان از آزادی بیشتری برخوردارند صادق است. در کشورهایی که اقتصادی بسته دارند، نظیر کشور چین در حال حاضر، تدوین و هدایت برنامه از بارهای نظرها آسانتر است زیرا فرمان از حکومت مرکزی یا هدای معین (بنام رژیم به هر صورت) صادر می شود و همه نهادها و سازمانها و البته مردم موظف به اجرای آن هستند. در این صورت کنش رانی در امتحانی کوچک به جای در باین تا آرام

کلاسیک است که به صورتی تغییر ناپذیر تکلیف شهر و کاربر نیای آن را تا ۲۵ سال آینده روشن می کند.

راه دیگر که از جنبه های بسیار درست در نقطه مقابل راه نخست قرار می گیرد آن است که در آن مقررات و برنامه های وجود ندارد و نباید وجود داشته باشد. ترستان تزارا، هنرمندی از مکتب هنری دادایسم ۲ مکتبی که همه چیز حتی خود این مکتب را نفی می کرد و سرخمد آن بود! در این زمینه می نویسد: «آیا کسی فکر می کند پایه های روانشناسانه و مشترک بین تمام آدمیان یافته است؟ چگونه کسی می تواند انتظار داشته باشد بر اعتقالاتی که سازنده این تنوع بی شکل و بی پایان حاکم بر وجود انسانی است نظمی یافرنند؟ ماهرچ تئوری را نه می پذیریم و نه وضع می کنیم... برخی تصور می کنند می توانند امور را به نیروی اندیشه و براساس منطق توضیح دهند. اما توضیح منطقی بسیار نسی است» ۴.

بنا اینکه این گفته ترستان تزارا افراطی به نظر می رسد، ولی گویای واقعی نیز هست. آری به قول او «توضیح منطقی بسیار نسی است». ولی توضیح غیر منطقی نیز نمی تواند قانع کننده باشد و ممکن است راه به بی منطقی و لجام گسیختگی برسد و نتایج نامقبول و حتی خطرناک به بار آورد. اکنون این عدم قطعیت توضیح منطقی در بعضی از عرصه ها از فلسفه گرفته تا حرفه های چون شهرسازی در برخی موارد مستحکم شده است تا نظرات غیر منطقی را موجه جلوه دهد و قابل دفاع سازد. توضیح منطقی بسیار نسی است، ولی منطقی وسیله های و در موارد متعددی آنها وسیله های است که انسان باشعور برای درک فضایی و دیدگاه در اختیار دارد به عنوان مثال «منطقاً قانع شده ایم که صدای رعد به

خواهد بود؛ استخری که آتش به علت سکون محکم است بویی ناخوشایند گرفته باشد. کشتی باتان این استخر کوچک، روزگرات‌ها یا دیوان سالارانی هستند که فقط مسیری مشخص و کهنه را می‌شناسند و منافع ایشان و رژیم حاکم که پشتیبان ایشان است بر همه چیز مرجح است.



نایسامانی شهرها و شهرسازی به آن نسبت داده می‌شد. این واژه را با توجه به معنی لغوی آن می‌توان به «برنامه‌ریزی لقمه به لقمه» ترجمه کرد و سراد از آن اقداماتی است که به صورت منفرد و ناپوسته صورت گیرد و به اصطلاح جامعیت طرحهای جامع را نداشته باشد مانند احداث یک خیابان و یا تعریض آن بر حسب ضرورت؛ ساختن یک پارک در بخشی از شهر که گروهی خواستار آن باشند و تک اقدامهایی از این قبیل که معمولاً شهرنارها بر حسب امکانات و ضروریات موجود خود به انجام آنها راغب هستند. اما ضامیان و مدافعان طرحهای جامع بر آن بودند که تا شهر به صورتی جامع مورد مطالعه قرار نگیرد و همه جوانب امر در نظر گرفته نشود، این تک اقدامات سودی نخواهد داشت و مسائل شهری از ریشه حل نخواهد شد. چنین اقداماتی حداکثر مسکنهایی خواهند بود که ممکن است مشکل یا درد را برای مدتی کوتاه تسکین دهند، اما پس از مدتی دوباره و معمولاً با شدتی بیشتر بروز خواهند کرد.

تقریباً از نیمه دهه ۶۰ میلادی تاکنون نظریات انتقادآمیز نسبت به برنامه‌ریزی لقمه به لقمه تخفیف یافته و یا تغییر کرده است. در حالی که از چنین برنامه‌ریزی به صراحت دفاع نمی‌شود ولی انتقادات شدید نسبت به آن بجز در موارد معدود و آن هم بیشتر از سوی تازه کاران مشاهده نمی‌شود. دلیل این امر آن است که پس از حدود نیم قرن تجربه، موارد متعدد نشان داده‌اند که برنامه‌ریزی جامع عملاً مقدور نیست زیرا به ایجاز و در یک کلام، اولاً برنامه‌ریزی جامع به اطلاعات جامع و گسترده‌ای نیاز دارد که فراهم کردن یا دسترس‌ی به آنها حتی در پیشرفته‌ترین و پُرسابقه‌ترین کشورهای در امر جمع آوری امار و اطلاعات میسر نیست و ثانیاً جوامع آن قدر تغییر می‌یابند و رویدادها آن قدر نامنتظرانند که نمی‌توان برای مدتی دراز، مثلاً ۲۵ سال یا حتی ۱۵ یا ۱۰ سال آینده، خط‌مشی تعیین کرد و برنامه ریخت. به دیگر سخن، پیش‌بینی جامع و دراز مدت که مستلزم برنامه‌ریزی جامع به شیوه‌های قدیمی است ممکن نیست. مضافاً اینکه در برنامه‌های جامع ثابت گروه‌های متشکل مردمی، حتی اگر نظر آنان موجه و قانع‌کننده باشد فرصت نمی‌یابند موفق به تغییر خط مشی، ضوابط و برنامه‌ها شوند.

چنان که گفتیم، اگر چه برنامه‌ریزی لقمه به لقمه بر خلاف گذشته، یکسره نامطلوب نیست، ولی دفاع از آن نیز به صراحت صورت نمی‌گیرد. با وجود این آن آلت شور، استاد شهرسازی (برنامه‌ریزی و تدوین خط‌مشی) دانشگاه هاروارد، اگر چه با احتیاط، در مقاله‌های مفصلی که در آن همه جوانب رد و پذیرش برنامه‌ریزی جامع را مورد مذاکره قرار می‌دهد، می‌نویسد: «هنگامی که دولت با موضوع و مسئله‌ای عاجل روبرو می‌شود، تا آنجا که ممکن است می‌کوشد موضوع و یا مسئله را به صورتی محدود و مشخص به جامع و کلی، بشناسد و تعریف کند تا از پس آن برآید. به دیگر سخن، اقدامات دولت باید لقمه به لقمه باشد و نه جامع‌ها».

معنای این سخن این است که ما هوادار برنامه‌ریزی لقمه به لقمه‌ایم و برنامه جامع را به کلی مردود می‌دانیم، ولی باید حد امکانات را شناخت و از برج عاج جامعیت پایین آمد و واقعیت را دید.

اما با همه اشکال و صعوبت راه برنامه‌ریزی در کشورهای با اقتصاد آزاد به مقصود برنامه‌ریزی، یعنی تأمین رفاه و آسایش مردم، نزدیکتر است؛ زیرا به جای یک فرد (دیکتاتور) یا گروه معدودی از افراد (نگوگرات‌ها، بوگرات‌ها و مطلقان دیکتاتور) جمع بیشتری از گروه‌های متشکل مردم (مثل اتحادیه‌ها و تشکلهای مردمی، گروههای فشار، اقلیتهای نژادی و مذهبی) در آن سهم دارند و دست کم حرف زدن و انتقاد، نامیرانی معین، بسته به کشورهای مختلف، آزاد است.

برای روشی بیشتر مطالبی که گفته‌ایم آنها را در دو تصویر نشان می‌دهیم. در تصویر اول وضعیت برنامه‌ریزی در کشوری دیکتاتوری (دارای پادشاهی خودسر و یا رئیس جمهوری مادام‌العمر) تصویر شده که حرکت کشتی یا بهتر است بگوییم قایق برنامه‌ریزی در مسیر یا کانالی معین میسر است. دیوارهای این کانال سنگی یا بتنی هستند و به نظر می‌رسد امواج جهانی در آن نفوذ ناپذیرند. برده‌ها همین که به چنین دیوارهایی در رژیم استالینی اطلاع می‌شد، تمامی مناسب برای آنهاست. مسیر را دیکتاتور و اطرافیان و حامیان معدود او تعیین می‌کنند.

در تصویر دوم مسیر گشوده‌است با دیوار و یا برده‌ها همین محصور نشده، اما کشتی مدام در معرض اژدرهایی است که از مخالفان و یا آنان که برنامه‌ها مناقشان را به خطر می‌اندازد، به سوی این کشتی ره‌ها می‌کنند و یا با موانعی مواجه می‌شود که در نظر گرفتن منافع گروه‌های مردمی برای او فراهم می‌آورد.

به همین دلیل این کشتی باید مدام در مسیر خود تغییر جهت دهد بی آنکه هدف را گم کند و یا مسیر را تغییر دهد.

دریای ناآرام نمادی از زندگی و پرتلاطم روزگار است. از دهه ۲۰ میلادی که تقریباً آغاز تدوین طرحهای جامع است تا حدود سالهای ۶۰ میلادی که این طرحها بازاری گرم داشت، آنچه Piecemeal Planning نام یافته بود به دید صاحب نظران و شهرسازان، بسیار مذموم، غیر حرفه‌ای و ناپسند بود و بسیاری از

- 1- Tristan Tzara
- 2- Dadalism
- 3- یک مجری برادریت، و زمانی که همه مثل چهار موزی، شرکت برداشتن وین‌لنر برزی، دهوی، و استیو شهرنادر، تهران، تهران ۱۳۳۵، ص ۵۸.
- 4- International Society of City and Regional Planners (ISOCARP)
- ۵- همان مقاله شور در کتاب فراروند و نظم‌ریزی شهری (The City Planning Process)، انتشارات دانشگاه گیل، ۱۳۶۵، ص ۸۹.

برای نظارت دیده نشود، اگر چه در کوتاه مدت علائق تخصصی، حرفه‌ای و کسب تجربه کارشناس طرح، ممکن است محرک و انگیزه کار قرار گیرد ولی در درازمدت، باعث دلزدگی و کاهش مشارکت علمی و تخصصی او خواهد شد.

۳- عدم وجود ضابطه مدون و چارچوبهای کلی برای بررسی و تصویب طرح

اگر چه بر اساس ماده ۴ قانون تأسیس شوراهای شهری و معماری (مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۵۱) تدوین معیارها و ضوابط و آیین نامه‌های شهرسازی به عهده این شورا گذاشته شده است ولی به دلیل عدم وجود حداقل ضوابطی که جلوه بررسی و نحوه تصویب طرحهای مختلف را مشخص نماید، عمده طرحها در پوته آزمون و خطا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند، با آنکه سلیقه و نظرات سازمانی یا شخصی، جایگزین ضوابط علمی می‌گردند. نتیجه چنین امری اگر چه در مراحل اولیه بررسی، ممکن است تا طی مراحل تصویب اصلاح شود اما عدم وجود آن در مراحل تصویب نهایی، یا صدمات جبران ناپذیری همراه خواهد بود.

۴- عدم وجود تناسب لازم بین تعداد طرحها و مراجع تصویب

با توجه به وجود نکتته و تنوع طرحهای شهرسازی در سطوح محلی تا ملی، امر بررسی و تصویب این طرحها باید گسترش یافته و امکان بررسی را از زوایای مختلف فراهم نماید. به همین دلیل است که وجود یک کمیته فنی و شورای تصویب در هر استان و بویژه در سطح کشور (کمیته فنی و شوراهای) از یک طرف موجب سبب شدن صدمت زمان زیادی برای بررسی و تصویب طرحها می‌گردد و از طرف دیگر باعث می‌شود هیچ گاه امکان وجود «تساقط برای ارائه» و «ایجاد وحدت رویه» فراهم نگردد. زیرا تا زمانی که یک مجموعه واحد اقدام به اظهار نظر، تصمیم‌گیری و نهایتاً تصویب طرحها نماید، هیچ گاه امکان ارزیابی مصوبات فراهم نمی‌آید و با تعلق خطاها نیز قابل جبران نخواهند بود. در دستگاه قضایی کشور، برای اختراز از چنین وضعیتی، تعدد دادگاهها برای ارائه قضاوتهای متفاوت در نظر گرفته شده است تا در درازمدت وحدت رویه‌های مشخص بر اساس تفاوتها به وجود آید، و چون چنین رویه‌ای، نهایتاً به تدوین ضابطه عملی نیز ختم می‌شود.

۵- عدم توانی مناسب جلسات بررسی و تصویب طرح

هر یک از طرحهای شهرسازی از حداقل ۳ جلسه (بررسی وضع موجود، پیشنهاد طرح، تصویب نهایی) تشکیل شده‌اند. تعدد جلسات مربوط به هر مرحله بسته به مقیاس طرح (محلی - ملی) متفاوت بوده و بعضاً ممکن است به ۳ یا ۴ جلسه به ازای هر مرحله افزایش یابد.

بدیهی است که افزایش حجم تعداد جلسات به منظور بررسی دقیقتر موضوع و رفع توافقی احتمالی طرحهاست. اما گذشته از آنکه افزایش تعداد جلسه تا چه اندازه به افزایش کیفیت طرح منجر می‌شود، مشکل مهم این مرحله عدم وجود نظره مشخص زمانی برای توالی جلسات و زمان سیری شده بین آنهاست. زیرا به دلیل نظام بروکراسی حاکم بر ادارات و دخیل بودن دستگاههای اجرایی متعدد بر برگزاری جلسات بررسی و تصویب طرح، عملاً تشکیل هر

(کمیته‌های فنی) تا بالاترین سطح تصویب (شوراهای) را در بر می‌گیرد. بارزترین این مسائل به شرح زیر قابل تقسیم‌بندی است:

۱- تعارض نقش بروکرات با تکنوکرات

اعضای کمیته‌های فنی، کمیسیون‌های تخصصی و شوراهای تصویب، ماهیتاً دارای دو نقش هستند، یکی به عنوان نماینده یا عضو مجموعه‌ای تشکیلاتی که از طرف یکی از وزارتخانه‌ها یا سازمانهای دولتی معرفی می‌شود و قاعدتاً یا پند منافع و سخنگوی دستگاه ذی ربط خود باشند، و دیگری نقش کارشناس و متخصصی که باید در خصوص طرح اظهار نظر نموده و فارغ از تعلقات بروکراتیک خود، به عنوان یک متخصص اقامه دلیل نماید. این دو نقش که بعضاً در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند، باعث دوگانگی در تصمیمات و ارائه نظرات اعضا می‌گردد. به این ترتیب که در جایی نیاز به دفاع از حیثیت حرفه‌ای است و در عین حال سوقیت سازمانی امکان بروز آن را فراهم نمی‌آورد. تلاوم چنین امری در درازمدت باعث می‌شود شخص حساسیتهای تخصصی و کارشناسی خود را قربانی جایگاه سازمانی نماید و یا اگر بخواهد بر عکس عمل نماید باید نوسانات جایگاه سازمانی خود را تقبل نماید.

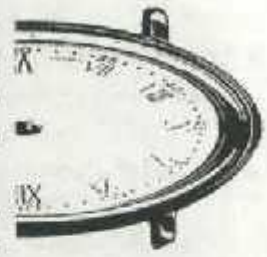
۲- عدم تعریف جایگاه سازمانی مشخص برای اعضا

عضویت در جلسات مربوط به بررسی و تصویب طرحها، به عنوان یک فعالیت مستقل و متنوع شناخته نمی‌شود بلکه تمامی افرادی که به عنوان نماینده یا عضو در مراحل مختلف تصویب، حضور می‌یابند دارای پست سازمانی با وظایف تعریف شده‌ای هستند که نظارت و شرکت در جلسات طرح، تنها بخش کوچکی از وظیفه کلی آنها را تشکیل می‌دهد.

با توجه به اینکه در نظام اداری، اصولاً فعالیتها با جایگاه سازمانی تعریف می‌شوند، در صورتی که این فعالیت به صورت تشکیلاتی و مستقل دیده نشود، سهم اندکی به خود اختصاص می‌دهد این امر در خصوص اعضای کمیته‌های فنی و کمیسیون‌های تخصصی که قاعدتاً باید فرصت بیشتری برای بررسی طرح صرف نمایند، صدق بیشتری می‌یابد به همین دلیل است که هر یک از اعضا نتوانند بخش اندکی از وقت خود را به نظارت و بررسی طرح و پیگیری آن اختصاص دهند. از طرف دیگر با افزایش وظایف اجرایی، فعالیتهای نظارتی نیز کاهش می‌یابد و در نهایت اینکه، وقتی حق الزحمه مشخص و متناسبی

جلسات مربوط به بررسی و تصویب هر یک از طرحها، نیازمند پیشینه مناسب و آموزش قبلی در خصوص کلیات طرح و یادست کم مفاهیم اولیه آن است. تا زمانی که اشتراک مفاهیم بین اعضا فراهم نگردد، تصمیم‌گیری در هر مرحله با مشکلات زیادی مواجه می‌شود، زیرا هر یک از طرحهای شهرسازی به دلیل ماهیت کار، از بخشهای متفاوتی تشکیل می‌شوند که این تنوع موضوع و مفاهیم، نیازمند آشنایی قبلی افراد با مفاهیم مرتبط است





جلسه مستلزم هماهنگیهای مختلف است که این امر خود موجب گسستگی زمانی تصویب طرحها می شود و در بسیاری از موارد شیوازه کلی طرح از جانب کارفرما یا مشاور و مجموعه اعضای درگیر با آن از بین می رود.

در حال حاضر، معمولاً زمان بررسی و تصویب برخی از طرحها، بیشتر از زمان تهیه آنهاست. این امر در خصوص طرحهایی که باید در شورای عالی به تصویب برسند امری اجتناب ناپذیر شده است، زیرا متوسط زمان بررسی طرح در شورای عالی، پس از تصویب آن در شورای استان، حدود ۱/۵ تا ۲ سال است که تأثیر نامطلوبی بر روند کلی طرح می گذارد.

وقوع چنین فاصله زمانی سبب می شود بسیاری از اطلاعات و نقشه های پایه با تغییر و تحولات زیادی مواجه شود و بالطبع پیش بینی های طرح نیز تحت الشعاع قرار گیرد. امکان چنین تغییراتی در مناطقی از کشور که پدیده مهاجرت و تغییر و تحولات سریع ساخت و ساز در آنها وجود داشته باشد، امری کاملاً بدیهی و قفنی است.

۶- عدم توزیع مناسب زمان بین مفاد دستور جلسه

یکی از اوقات عمده جلسات در سطوح مختلف تصمیم گیری و سیاستگذاری، عدم تخصیص زمان لازم و کافی بین هر یک از مفاد دستور جلسه است. به این ترتیب که عموماً پندهای اول و دوم دستور جلسه (جدنا از آنکه اولویت بندی شده و با دارایی شریب اهمیت بالایی باشند) بیشترین وقت جلسه را برای بحث و اظهار نظر به خود اختصاص می دهند و بعضاً نیز به دلیل محدودیت زمانی و یا التزام برای تعیین تکلیف نهایی، موارد بعدی دستور جلسه با تعجیل و کمترین دقت لازم مورد بررسی و یا تصویب قرار می گیرند که همین امر منجر به کاهش کیفیت طرح می شود و بسیاری از تصمیمات مهم را در تنگنای زمانی فرار داده و امکان ارزیابی چند بعدی آنها را از بین می برد.

۷- عدم آموزشهای لازم برای اعضای جلسات

جلسات مربوط به بررسی و تصویب هر یک از طرحها، نیازمند پیشینه مناسب و آموزش قبلی در خصوص کلیات طرح و یا دست کم مفاهیم اولیه آن است. تا زمانی که اشتراک مفاهیم بین اعضا فراهم نگردد، تصمیم گیری در هر مرحله با مشکلات زیادی مواجه می شود. زیرا هر یک از طرحهای شهرسازی به دلیل ماهیت کار، از بخشهای متفاوتی تشکیل می شوند که این نوع موضوع و مفاهیم، نیازمند آشنایی قبلی افراد با مفاهیم مرتبط است. عدم وجود چنین آگاهی، باعث می شود طرح یا به صورت ناقص تصویب شود و یا اینکه در مراحل مختلف تصویب با مشکلات متعددی مواجه شود. به عنوان نمونه برخی از مطالعات ترافیک و حمل و نقل مربوط به طرحهای شهری و ناحیه ای به دلیل عدم وجود تخصصهای لازم در کمیته های فنی و شوراهای تصویب استانها، در مراحل بعدی تصویب و در شوراهای عالی با مشکل مواجه شده و بعضاً ممکن است تمام طرح را تحت الشعاع قرار دهد.

۸- وجود ابهام در شرح خدمات طرح و انتظارات متفاوت از آن

معمولاً هر یک از شرح خدمات طرحهای شهرسازی از اجزای

متفاوتی تشکیل شده است که به صورت عناوین کلی در قالب بندهای متعدد ذکر گردیده اند. عدم آشنایی برخی اعضا با سلسله مراتب کلی حاکم بر شرح خدمات و یا برداشت متناقض از آن باعث می شود بعضاً تفسیرهای متفاوتی از شرح خدمات به وجود آید و حیطه انتظارات افزایش یابد. به عنوان مثال در خصوص بررسی اثرات زیست محیطی پیشنهادی طرح، حیطه انتظار می تواند از میزان کلی آلاینده ها و نوع آنها تا بررسی دقیق ارزیابی پیامدهای زیست محیطی و جایگاه آن در توسعه پایدار تداوم یابد.

وجود چنین طیف وسیعی از مطالعه و بررسی، باعث می شود تصویب هر مرحله یا ضربی از عدم اطمینان همراه باشد و همواره این تصور وجود داشته باشد که آنچه انجام گرفته یا آنچه باید باشد، متفاوت است!

نتیجه گیری

آنچه به اختصار آمد، بیانی کوتاه از نواقص موجود در مراحل مختلف بررسی و تصویب طرحهای شهرسازی است. بدیهی است که عناوین مطروحه نه دربرگیرنده جامع مسائل و مشکلات موجود است و نه ادعای بررسی کامل آن را دارد. ولی دست کم ارائه طرح مسئله ای است که در حال حاضر بر ساز و کار تصویب طرحهای مختلف شهرسازی سایه انداخته است. نتیجه آن، اتلاف زمان و هزینه فرصتهای از دست رفته ای است که تبعات منفی آن به وجوه مختلفی نمایان است. مانند بیاتکلیفی دستگاههای مجری طرح در اثر طولانی شدن مراحل تصویب و ابلاغ طرح، ناهماهنگی زمان تهیه ساز زمان تصویب طرح، کهنگی اطلاعات و نقشه های وضع موجود (خصوصاً کاربری راضی) در نتیجه طولانی شدن مراحل تصویب، به روز تغییرات اساسی در اطلاعات اولیه طرح (جمعیت، اشتغال و...)، کاهش انگیزه در کارفرما و مشاور طرح و کاهش حساسیتهای لازم در اثر طولانی شدن طرح و موارد دیگری که بخش اندکی از آنها در بندهای قبلی آمده است. برای رفع این نقیصه، لازم است مراجع تصویب طرحها، بویژه شوراهای شهرسازی و معماری به عنوان متولی اصلی، متابعه مشخص و تعریف شده ای برای نحوه انجام مراحل بررسی و تصویب طرحها، تدوین نمایند. در صورتی که این مجموعه، دست کم موارد زیر را برای چارچوب کلی در نظر داشته باشند، می توان به خروج از وضعیت کنونی امیدوار بود:

جلوگیری از تمرکز وسیع وظایف نظارتی و تصویبی در شوراهای و کمیته فنی مربوطه، و گذاری اختیارات بیشتر به استانها (در مورد برنامه سوم) برای تصویب نهایی طرحها، آموزش مقاماتی به اعضای شرکت کننده در جلسات بررسی و تصویب طرحها برای رسیدن به وجوه اشتراک اولیه، زمان بندی مراحل مختلف تصویب طرح و تعیین کف و سقف زمانی برای هر مرحله نظارتی - تصویبی، تعیین وظایف سازمانی مشخص برای اعضای شرکت کننده در جلسات، و وجود تخصص شهرسازی، به عنوان پیش فرض اساسی برای اعضای شرکت کننده در جلسات و تعیین حدود انتظارات از شرح خدمات طرح و چگونگی تصویب در هر یک از بندهای کلی یا جزئی شرح خدمات.

پانویس

- ۱- این اصطلاح برای اولین بار در قانون تأسیس وزارت آبادانی و مسکن (۱۳۳۷) عنوان گردید و پس از آن مرسوم ماند.
- ۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به قانون تأسیس شوراهای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب صورت ۱۳۵۷/۷۳۲.
- ۳- این آیین نامه در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۲۸ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسیده است و در حال حاضر مراحل تصویب را در حقیقت وزیران ملی می کند.
- ۴- براساس ماده ۳ و ۴ آیین نامه یاد شده.



رضا احمدیان

دانشجوی دکتری شهرسازی
مهندسین مشاور ماب

طرح‌های شهرسازی

اتلاف زمان در مرحله تصویب

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران اعلام شده است (۳). گذشته از مدت زمان طولانی که برای تدوین چنین ضابطه‌ای صرف شده است، وقوع چنین امری را باید به فال نیک گرفت، اما باید گفت ساختار کنونی نیز مشکل اتلاف وقت را - که آفت بزرگ تصویب طرح‌های شهرسازی است - نمی‌تواند حل کند و موضوع همچنان در ابهام است. برای تحلیل بیشتر موضوع و تعیین نواقص ضروری است ساختار کنونی مراحل بررسی و تصویب طرح‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

ساختار تشکیلات تصویب طرح‌ها

بر اساس آئین نامه جدید، مراجع مسئول بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران اعم از ملی - منطقه‌ای و شهری - روستایی به طور کلی ۹ مرجع است که در قالب شورا، کمیته فنی و کمیسیون به شرح زیر فعالیت می‌کنند (۴).

۱- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

این مرجع که بالاترین مسئول بررسی و تصویب طرح‌ها شناخته می‌شود از اعضای زیر تشکیل شده است: وزیر مسکن و شهرسازی (رئیس شورا)، وزیر کشور، وزیر کشاورزی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر صنایع، وزیر نیرو، وزیر جهادسازندگی، وزیر راه و ترابری، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و یک نفر از اعضای کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی (به عنوان ناظر).

وظیفه اصلی این شورا، تصویب نهایی طرح‌های کالبدی ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، مجموعه‌های شهری، طرح‌های جامع و مغایرت‌های اساسی طرح‌های تفصیلی با طرح‌های جامع، تصویب مکان‌یابی و جمعیت شهرهای جدید و طرح‌های شهرک‌های مسکونی است.

از زمانی که به منظور تهیه طرح‌های شهرسازی و دهساز (۱)، تشکیلات جدیدی به نام وزارت آبادانی و مسکن به وجود آمد (سال ۱۳۴۲) و ذیل ماده ۱ و ماده ۷ قانون تأسیس این وزارتخانه، اجرای طرح‌های شهرسازی و طرح‌های مربوط به فعالیت‌های عمرانی شهردارپسا به دولت واگذار گردید، دو نهاد رسمی به صورت مستمر، درگیر فعالیتهای شهرسازی و دهساز شدند: ۱- کارفرمای دولتی که در دهه ۴۰ و ۵۰ بیشتر با وزارت آبادانی و مسکن (مسکن و شهرسازی) و پس از آن با سایر دستگاه‌های دولتی همچون وزارت کشور و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تعریف می‌شود. ۲- مشاوران بخش خصوصی که با توجه به آیین نامه تشخیص صلاحیت، از دهه ۵۰ به بعد به طور فعال به نظام مطالعات شهرسازی وارد شدند و نقش دستگاه تهیه کننده طرح را به عهده دلرند.

برای بررسی و تصویب طرح‌های مشاوران و با توجه به چند بخشی بودن و گستردگی حیطه وظایف شهرسازی، از سال ۱۳۵۱، مجموعه‌ای به نام شورای عالی معماری و شهرسازی تأسیس شد تا وظیفه هماهنگی برنامه‌های شهرسازی و بررسی و تصویب نهایی طرح‌های جامع شهری و تغییرات آنها را به انجام رساند (۲).

ناکسون روش کار مرسوم در بررسی و تصویب طرح‌ها به این صورت بوده است که طرح‌های ارائه شده از سوی دستگاه تهیه کننده طرح، در قالب گروه‌های کارشناسی مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً پس از طی مدت زمانی که فاصله برآورد دقیق است به تصویب نهایی مراجع تصویب کننده می‌رسد. حلقه‌ای که از زمان تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری با وجود گذشت ۳ دهه از قدمت آن هنوز مفقود است، نحوه تصویب طرح‌ها و ضابطه مندی آنهاست. با وجود تصویب دهها طرح مختلف شهرسازی، در سال جاری برای نخستین بار مکانیسم بررسی و تصویب طرح‌ها از طرف

۲- دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری

دبیرخانه واحد مستقلی است که مسئولیت دبیری شورایعالی را به عهده داشته و وظایفی مانند نظارت در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی، حسن اجرای مراحل مختلف، ابلاغ مصوبات شورایعالی، جمع آوری اطلاعات و آمار شهرسازی، معماری و سایر وظایف مندرج در ماده ۴ قانون تأمین شورایعالی را به عهده دارد.

۳- کمیته فنی شورایعالی شهرسازی و معماری ایران

این کمیته متشکل از نمایندگان اعضای شورایعالی (بند ۱) است که وظیفه اصلی آن بررسی و اظهار نظر در خصوص طرحهای جامع و تفصیلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی است.

۴- گروههای تخصصی

به منظور رسیدن به اهداف پیش بینی شده قانون تأسیس شورایعالی، دبیرخانه شورا می‌تواند گروههای تخصصی لازم را در زمینه‌های مختلف از قبیل طراحی و بهسازی بافتهای شهری، طراحی شهرهای جدید، امور مدیریت شهری، ترافیک و حمل و نقل و... از بین متخصصان مربوطه تشکیل دهد.

۵- شورای شهرسازی استان

این شورا دارای تشکیلاتی مشابه شورایعالی است و در سطح استان به تصویب مقدماتی و با نهایی برخی طرحها اقدام می‌نماید. اعضای این شورا عبارتند از: استاندار (رئیس شورا)، رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس سازمان کشاورزی، مدیرکل حفاظت محیط زیست، مدیرکل میراث فرهنگی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب، رئیس سازمان جهاد سازندگی، مدیرکل صنایع، مدیرکل راه و ترابری و نماینده وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

وظیفه عمده این شورا تصویب نهایی طرحهای هادی شهری و سکونتگاههای روستایی است. علاوه بر این به بررسی و اظهار نظر در خصوص طرحهای جامع شهری، ناحیه‌ای و طرحهای مجموعه شهری و ارسال آنها برای تصویب نهایی در شورایعالی نیز می‌پردازد.

۶- دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری استان

این دبیرخانه واحد استانی دبیرخانه شورایعالی است که در معاونت یا مدیریت شهرسازی و معماری سازمان مسکن و شهرسازی هر یک از استانها تشکیل می‌شود و وظیفه اصلی آن اداره امور مربوط به بررسی و تصویب طرحهاست.

۷- کمیته فنی شورای شهرسازی استان

این کمیته متشکل از نمایندگان اعضای شورای استان است که در سطح کارشناسی به عنوان نمایندگان مدیران کل و رؤسای سازمانهای عضو شورای شهرسازی، و نظیفه بررسی و تأیید کارشناسی طرح را انجام می‌دهند.

۸- کمیسیون موضوع ماده ۵ با کمیسیون طرح تفصیلی

این کمیسیون به منظور بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها تشکیل می‌شود و ترکیب آن شامل استاندار (رئیس کمیسیون)، رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیرکل میراث فرهنگی، رئیس سازمان کشاورزی استان، رئیس شورای اسلامی شهر و نماینده مهندس مشاور است. دبیرخانه این کمیسیون در استانها به عهده سازمان مسکن و شهرسازی استان و در شهر تهران به عهده شهرداری تهران است.

۹- کمیسیون ماده موضوع ماده ۱۳

این کمیسیون برای بررسی و اتخاذ تصمیم مقدماتی در خصوص پیشنهادهای مربوط به احداث شهرک، احداث بنا و استفاده از اراضی در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها تشکیل می‌گردد. اعضای کمیسیون عبارتند از: استاندار (رئیس کمیسیون)، رئیس سازمان و مسکن و شهرسازی استان، رئیس سازمان کشاورزی استان، مدیرکل دفتر فنی استانداری، رئیس سازمان برنامه و بودجه، مدیرکل راه و ترابری استان و رئیس سازمان جهاد سازندگی استان.

مراجعه تصویب طرحها در آیین نامه شورایعالی شهرسازی و معماری، بر اساس رویه تمرکزگرای و مرکز نشینی، تعیین شده‌اند. بخش عظیمی از مراحل بررسی و تصویب طرحها به شورایعالی و کمیته فنی آن که صرفاً در مرکز (تهران) قرار دارد ختم می‌شود و این امر حتی به سفارتهای اساسی طرح تفصیلی با طرح جامع) که ماهیتاً موضوعی محلی است نیز تسری یافته و تصویب آنها به سطح ملی کشیده شده است. اتخاذ چنین تصمیمی جدای از آنکه فرآیند بررسی و تصویب را با اتلاف زمان زیادی مواجه می‌کند، ماهیتاً با اهداف برنامه سوم توسعه کشور نیز منافات دارد، زیرا بر اساس ماده ۶۸ لایحه برنامه سوم توسعه مقرر شده است شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان جایگزین شوراهای کمیته‌ها و ستادهای قبلی استان شده و حیطه وسعت عمل آن نیز افزایش یابد، به طوری که بر اساس بند همین ماده، تصویب طرحهای توسعه و عمران و سلسله مراتب خدمات شهری و روستایی به عهده این شورا (شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان) گذاشته شده است. بنابراین اگر اصل، میر و گذاری اختیارات بیشتر به استانها و اصلاح ساختارهای موجود باشد (هدف برنامه سوم) ساختار آیین نامه شورایعالی شهرسازی و معماری که ماهیتاً بر اساس اصل تمرکزگرایی بنیان نهاده شده است، باید تغییر کند.

مشکلات موجود در مراحل تصویب طرحها

جدای از ساختار کلی تشکیلات تصویب طرحهای مختلف شهرسازی که در حال حاضر به صورت عمودی و سلسله مراتبی است و موجب طولانی شدن مراحل تصویب می‌شود، وضعیت حاکم بر نحوه بررسی و تصویب طرحها نیز با مسائل متعددی مواجه است که تقریباً به صورت عام از پایین‌ترین سطح بررسی

اگر چه بر اساس ماده ۴ قانون تأسیس شورایعالی شهرسازی و معماری (مصوب ۱۲۲ اسفند ۱۳۵۱) تدوین معیارها و ضوابط و آیین نامه‌های شهرسازی به عهده این شورا گذاشته شده است ولی به دلیل عدم وجود حداقل ضوابطی که حدود بررسی ونحوه تصویب طرحهای مختلف را مشخص نماید، عمده طرحها در بوته از مون و خطا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند، یا آنکه سلايق و نظرات سازمانی یا شخصی، جایگزین ضوابط علمی می‌گردند

املاک در این خصوص، به همراه نیازهای عینی و روزمره مردم به مسکن و سرپناه و برخی ملاحظات دیگر، منتهی به تصویب مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۲ شورای عالی اداری شد که به نوبه خود تا قبل از ابطال از سوی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری راهگشای حل معضلات زیادی بود.

در این مصوبه، شورای عالی اداری تسهیلاتی در خصوص نحوه صدور پروانه ساختمانی در مورد اراضی و املاک فاقد سند مالکیت رسمی و معتبر به تصویب رساند؛ اولاً در مورد ساختمانهایی که تا تاریخ ۱۳۷۰/۱/۱ احداث شده و متصرف هیچ گونه مدرک و سند رسمی نسبت به صدور تصرف خود در دست نداشته، اما مدعی مالکیت آن بود، شهرداری مکلف گردید ضمن اخذ تعهد و با وصول حقوق خود متعلق به قطعه مربوطه (اعم از عوارض نوسازی، زیربنا و...) با قید این موضوع در هاشم پروانه مجوز صادره که صدور پروانه یا مجوز تعمیرات هیچ گونه تأییدی بر مالکیت متقاضی نیست، با رعایت کامل طرحهای مصوب شهری و ضوابط طرح جامع، تفصیلی یا هادی مصوب، حسب مورد مجوز تعمیرات یا پروانه ساختمانی صادر نماید (بند یک مصوبه).

ثانیاً در مورد زمینهایی با مساحت تا دو برابر حداقل تصاب تفکیکی مناطق هر شهر که ابعاد و حدود آن به معیار یا ساختمان و مستحقات ایجاد شده محفوظ بود (اصطلاحاً به اراضی غنقی موسوم گردید) و متقاضی، سند عادی در دست داشته و مدعی مالکیت زمین بود، شهرداریها مکلف شدند با استعلام از سازمان زمین شهری در خصوص نوع زمین یا اخذ تعهدنامه از متقاضی و با وصول حقوق خود متعلق به قطعه مربوطه (اعم از عوارض نوسازی، زیربنا و...) و قید این موضوع در هاشم پروانه ساختمانی صادره که صدور پروانه ساختمانی هیچ گونه تأییدی بر مالکیت متقاضی نیست، در صورتی که این قبیل اراضی با طرحهای مصوب شهری تداخل نداشته و پاسخ زمین شهری دال بر غیردولتی بودن و غیر منوات بودن زمین مورد نظر باشد، مطابق ضوابط طرح جامع، تفصیلی یا هادی مصوب، نسبت به صدور پروانه ساختمانی به نام متقاضی اقدام نماید (بند دو مصوبه).

عجیبی که در تبصره مصوبه برای پاسخگویی به استعلامات شهرداری تعیین شد حداکثر ۱۵ روز اعلام شد و این مهلت در صورت عدم ارائه پلاک نیتی از سوی مدعی مالکیت ۴ ماه تعیین و اصلاح گردید. مفاد تمدنامه تفصیلی بیوست مصوبه که بایستی توسط متقاضی امضا و به وسیله دفتر اسناد رسمی گواهی می شد، حاکی از آن است که متصرف و مدعی مالکیت (متقاضی صدور پروانه) که سند عادی (قولنامه ای) در دست دارد با آگاهی از اینکه در صفت پروانه از شهرداری و احیاناً احداث بنا و ایجاد اعیانی در آن هیچ گونه حقی از نظر مالکیت عرصه و اعیان برای او ایجاد نمی کند، به خداوند متعال سوگند خورده و متعهد می گردد که:

۱- زمین یا ملک مورد نظر متعلق به شهرداری نبوده (اعم از متروکه و سایر موارد) و در صورتی که خلاف آن ثابت شود زمین و آثار تصرفات در آن به هر نحوی که باشد مسلوب الاختیار و منتفعه شده و شهرداری به عنوان قائم مقام تملک اختیار او در زمان حیات و نیز بعد از ممات محسوب می شود و می تواند بدون مراجعه به مراجع



قضایی ملک یاد شده (اعم از عرصه و اعیان) را در اختیار گیرد و به هر نحو که صلاح می‌داند اقدام نماید.

۲- چنانچه زمین ارائه شده برای صدور پروانه ساختمانی برابر مقررات جاری حاکم بر هنگام اخذ پروانه یاد شده موات و یا متعلق به دولت و یا اشخاص غیر باشد، تمامی حقوق فراضیه و متصوره و موجود او اسقاط می‌گردد تا با استفاده از این ملک که وسیله استیفای حقوق اشخاص است اقدام لازم به عمل آید.

۳- چنانچه مشخص شود که سند ارائه شده برای صدور پروانه ساختمانی متعلق به غیر، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی معاینه ضوابط و مقررات ساختمان سازی است، تمامی خسارات وارده در مورد زمین یا ملک را شخصاً در زمان حیات متقبل و در صورت به عنوان دیون ممتازه متقاضی محسوب خواهد شد.

۴- حق واگذاری زمین و آثار احداث اعیانی یا هرگونه آثار تصرف دیگر را به هیچ عنوان و به هیچ شخص ندارد، مگر آنکه شخصی که ملک به او واگذار خواهد شد تمامی تعهدات حاضر را با سپردن تعهد مجدد بپذیرد، بدیهی است اخذ تعهد جدید از فرد جدید تمامی تعهدات او نخواهد بود و مستثنی‌گاموارد مندرج در تعهد رایه عهده خواهند داشت.

۵- احیاناً ایجاد و یا احداث اعیانی که تحت نظر فرد فنی و واجد صلاحیت مورد تأیید شهرداری (که با امضای ذیل پروانه ساختمانی تعهد انجام این بند از تعهدنامه را پذیرفته است) در زمین یا ملک یاد شده به هیچ عنوان از مقادیر مشخص شده در پروانه ساختمانی تجاوز ننموده و در هر زمان که مشخص شود از موارد تعهد و ضوابط مندرج در پروانه یاد شده تخلف صورت گرفته شهرداری دارای اختیار تام خواهد بود که رأساً و بدون مراجعه به مراجع قضایی یا هر سازمان دیگر توسط مأموران خود نسبت به تخریب و رفع تخلفات اقدام نماید و ادعای هیچ گونه خسارتی هم پذیرفته نخواهد شد.

به این ترتیب حجم وسیعی از مراجعان شهرداریها که با پاسخ منفی روبرو بودند، به راهکار و راه میانجی برخورد کردند که مشکل آنان را حداقل در وضع موجود آن وقت حل می‌کرد.

۶- اعتراض به مصوبه شورای عالی در دیوان عدالت اداری در پی شکایت فردی مبنی بر ابطال مصوبه، دیوان عدالت اداری وارد رسیدگی می‌شود و به موجب رأی وحدت رویه شماره ۹۶ (۱۳۷۳/۲۲۸) هیئت عمومی که در حکم قانون است مصوبه را ابطال می‌کند. استدلال هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بر این مبناست که قانونگذار به منظور تنظیم و تسریق امور مربوط به اموال غیر منقول و جلوگیری از بروز اختلافات و مناقشات اشخاص و همچنین ایجاد سهولت در تشخیص صاحبان اعیان و منافع و حقوق اموال غیر منقول در بخشهای خصوصی و عمومی، ثبت اراضی و املاک و حقوق و منافع مربوط و انجام عقود و معاملات نسبت به آنها را الزامی اعلام نموده و به صراحت ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک، کسی را که ملک در دفتر املاک به اسم او ثبت شده و یا موافق قانون به او منتقل گردیده، مالک شناخته است و همچنین در ماده ۴۸ قانون یاد شده تصریح کرده است که «سندی که مطابق مواد فوق باید به ثبت برسد و به ثبت نرسیده در هیچ یک

از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد». بنابراین مصوبه شورای عالی اداری که شهرداری را ملزم به قبول سند عادی انتقال اموال غیر منقول و مکلف به صدور پروانه ساختمان قبل از تصدیق صحت و اعتبار آن از سوی مراجع ذی صلاح می‌نماید مغایر قانون است. و به این نحو تصمیم شورای عالی اداری در بونه آزمایش، نتیجه مستمر و دائمی نداشت و با محکم رویه قضایی متوقف گردید.

و- نتیجه گیری و راه حل

تردیدی نیست که یکی از مسائل مهم و اساسی در ساخت و سازهای خلاف مقررات شهرسازی و شهرداری نقل و انتقال اراضی و املاک، اسناد عادی و قولنامه‌ای در شهرها و بناشدن سند مالکیت رسمی و روشن نبودن وضعیت ثبتی آنهاست. عواملی از قبیل کمبود زمین برای تأمین مسکن و گرانی قیمت اراضی دارای سند رسمی مالکیت، تأثیر بسزایی در جلب توجه عمومی به اراضی قولنامه‌ای داشته است.

بر اساس آنچه گفته شد به راحتی می‌توان علت این معضل و شیوه حل مشکل را بیان نمود. علت مهم این امر، ناکار آمدی و کاستیهای تشکیلات و امکانات مربوط به طی جریان ثبتی اراضی است. مسرود این است که چنانچه امکانات و لوازم مورد نیاز برای پیشبرد جریان ثبتی و تعیین مالک یا مالکان اراضی فراهم گردد به نتیجه نزدیک خواهیم شد.

عده‌ای از برنامه‌ریزان درصدد هستند مجدداً به نوعی حساب شده‌تر و به نحوی که توالی فاسد در پی نداشته باشد، موجبات امکان صدور پروانه ساختمانی را با مشخصات و مختصات معین و محدود فراهم نمایند. مبنای استدلالی و پایه توجهی این عده علاوه بر نیازهای روز افزون و تقاضاهای مکرر مردم، پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که می‌توان برای آن تصور نمود. مبنای دیگر دارای جنبه تخصصی و فنی است با این بیان که شهرداری اساساً مرجع تشخیص و تعیین مالکان رسمی نباشد زیرا شهرداری به عنوان مرجع نظارت کننده بر ساخت و سازهای شهری، بیش از هر امری به مشخصات فنی، شهرسازی، معماری و بهداشتی بنای ایجاد شده توجه دارد و این جوانب بیش از سایر جنبه‌ها (از جمله احراز مالکیت رسمی) برای شهر تعیین کننده است. از این دیدگاه طرح دعاوی متعدد و مناقشات و اختلافاتی که ممکن است این شیوه عملی در برداشته باشد، پنهان مانده است. بنابراین طراحان و پیشنهاد دهندگان بایستی از افراد مطلع و صاحب نظر در امور فنی، حقوقی، قضایی و ثبتی و آشنا به شیوه‌های رسیدگی در دیوان عدالت اداری باشند تا چنانچه مجدداً در این خصوص مصوبه‌ای تهیه شود مراحل نهایی و همگی تشریفات مورد نیاز (اصوب مراجع قانونی حسب مورد) طی شود و به سر نوشت مصوبه قبلی دچار تگرود و از دوباره کاریها کاسته شود. پیشنهاد اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک، به شکل پیش بینی هرشی مرکب از نمایندگان وزارت کشور، قوه قضائیه (سازمان ثبت اسناد و املاک) و شورای اسلامی شهر در این مورد راهگشاست. امید است این سخن مورد استفاده طراحان و برنامه‌ریزان نیز واقع شود.

الف - تاریخچه ثبت رسمی اراضی و املاک

مصوبه سال ۱۳۱۰ قوه مقننه که ثبت املاک را اجباری اعلام کرده بود، در سالهای بعدی یعنی ۱۳۱۲، ۱۳۱۴، ۱۳۲۰، ۱۳۲۲، ۱۳۳۱، ۱۳۳۷، ۱۳۵۴، ۱۳۵۷، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۸ برای تأمین نیازهای روز جامعه و مردم دستخوش تغییر و جرح و تعدیل قرار گرفت. مجموعه اصلاحات به عمل آمده به منظور ساماندهی به مسئله مالکیت اراضی و املاک و خاتمه دادن به دعاوی متعدد و بی شماری که مطرح شده بود و به نوبه خود معضلات اساسی برای کشور ایجاد می کرد، نتایج ترخسانی در پی داشت، بنابراین در حال حاضر ثبت رسمی تمامی اموال غیرمنقول قانوناً الزامی و اجباری است.

ب- مستندات اجباری بودن ثبت رسمی اراضی و املاک و اعتبار اسناد رسمی آنها

به استناد ماده یک قانون ثبت اسناد و املاک (مصوب ۱۳۱۰) در نقاطی که اداره ثبت موجود است، از تاریخ اجرای قانون یاد شده (۱۳۱۱/۱/۱) و در سایر نقاط پس از تشکیل شعبه یادآور ثبت،

پس از استقرار مشروطیت در مجلس دوم قانونگذاری در سال ۱۲۹۰ قانونی تحت عنوان «قانون ثبت اسناد» در ۱۲۹ ماده به تصویب رسید، ولی این قانون به جایگاه ویژه حقوقی و اقتصادی اموال غیرمنقول (املاک) توجهی نکرد و به همین دلیل با استقبال چندانی روبرو نشد. بنابراین در دوره چهارم قانونگذاری و در سال ۱۳۰۲ به منظور ثبت اراضی و املاک و در جهت حفظ مالکیت مالکان و صاحبان حقوقی و اعتبار رسمی اسناد آنها «قانون ثبت اسناد و املاک» در ۱۲۶ ماده به تصویب رسید. و به دلیل اختیاری بودن ثبت اراضی و املاک در این قانون به «قانون ثبت اختیاری» موسوم گردید. قوه مقننه پس از آن در سال ۱۳۰۶ به تصویب «قانون ثبت عمومی املاک و...» صادر و ورزید و ثبت تمامی اموال غیرمنقول را الزامی اعلام کرد. این دو قانون یعنی «قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۰۲» و «قانون ثبت عمومی مصوب ۱۳۰۶» تا سال ۱۳۱۰ چند مرتبه اصلاح شد، تا آنکه آخرین قانونی که هنوز نسخ نشده است و به قوت خود باقی است تحت عنوان «قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰» در ۱۴۲ ماده به تصویب رسید.

احراز مالکیت املاک و اراضی

حسین صالحی

مالکیت (Property) حقی است دائمی که به موجب آن شخص می تواند در حدود قانون تصرف مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده نماید. احراز مالکیت و تشخیص، شناسایی آخرین مالک یا مالکان قانونی اراضی و املاک واقع در محدوده قانونی و حریم مصوب شهر، برای شهرداری حائز اهمیت است. صدور پروانه ساختمانی و مجوز احداث بنا با عملیات عمرانی، پرداخت تاوان یا غرامت ناشی از اجرای طرحهای مصوب و صدور گواهی های قانونی از قبیل عدم خلاف، پایان کار، نوسازی و... محتاج احراز مالکیت مالک یا نمایندگی و یا قائم مقامی قانونی متقاضی از طرف مالک است. شهرداری در این مورد باید به چه قوانین، موازین و اصولی توجه کند و با چه شیوه ای می توان مالکیت قانونی و قابل قبول متقاضی را احراز نمود؟

به دلیل اهمیت ثبت رسمی اراضی و املاک و لزوم نقل و انتقال رسمی اسناد مالکیت این اموال غیرمنقول در محدوده قانونی و حریم مصوب شهر (حوزه عملکرد شهرداری) لازم است به طور خلاصه سابقه موضوع را توضیح دهیم.

در دوره چهارم قانونگذاری و در سال ۱۳۰۲ به منظور ثبت اراضی و املاک و در جهت حفظ مالکیت مالکان و صاحبان حقوق و اعتبار رسمی اسناد آنها «قانون ثبت اسناد و املاک» در ۱۲۶ ماده به تصویب رسید و به دلیل اختیاری بودن ثبت اراضی و املاک در این قانون به «قانون ثبت اختیاری» موسوم گردید

وزارت عدایه (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) مکلف است حوزه هر اداره یا دائره ثبت را به چند ناحیه تقسیم نماید و نسبت به ثبت تمامی اموال غیر منقول هر ناحیه اقدام کند. همچنین با عنایت به ماده ۲۶ قانون یادشده، ثبت اسناد تمامی عقود و معاملات راجع به عین و منافع املاکی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده باشد الزامی است.

همان طور که ملاحظه می شود قواعد مندرج در مواد یادشده امری است و جنبه امره دارد و واجد جنبه تکمیلی یا تفسیری نیست که اشخاص نتوانند بر خلاف آن توافق نمایند. بنابراین اجرای حکم و نظر قانونگذار در این خصوص اجتناب ناپذیر است.

از طرفی به موجب ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک (مصوب ۱۳۱۰) صراحتاً تمامی معاملات راجع به اموال غیر منقول که طبق مقررات راجع به ثبت املاک، ثبت شده است، نسبت به طرفین معامله و قائم مقام آنان و اشخاص ثالث (مانند شهرداری) واجد اعتبار کامل و رسمیت شناخته شده است.

از سوی دیگر بر اساس ماده ۲۲ قانون مورد اشاره، همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسیده، دولت فقط کسی را که ملک به نام او ثبت شده و یا کسی را که این ملک به او منتقل شده است، و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی به ارث به او رسیده است مالک می‌شناسد. همچنین به موجب ماده ۴۸ قانون یاد شده سندی که مطابق مواد این قانون باید به ثبت برسد ولی به ثبت نرسیده است، در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفتنی نیست.

تبصره ۵ الحاقی به ماده ۹۶ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۲۵) در مقام بیان نحوه عمل شهرداری در مواردی که ملکی در مسیر احداث یا توسعه خیابان، گذر، باغ عمومی و میدان واقع شده باشد که مالک یا مالکان (رسمی و وثیقی) آن مشخص نباشد و یا اساساً به ثبت نرسیده باشد، حکم خاصی آورده است. مفاد این ماده مؤید همین مدلول مواد اشاره شده در قانون ثبت اسناد و املاک است. مطابق تبصره ۵ الحاقی به ماده ۹۶ قانون شهرداری ۱۳۲۵، اقدامات و عملیات شهرداری نه تنها متوقف نخواهد شد بلکه شهرداری باید قبل از هر اقدام، مشخصات کامل ملک را با حضور نمایندگان دادستان (در حال حاضر رئیس دادگستری یا حوزه قضایی) و ثبت انجمن شهر (در حال حاضر شورای اسلامی شهر) صورت مجلس نماید و این صورت مجلس منبای پرداخت فرست طبق مقررات خواهد بود؛ زیرا در قرائ بعدی این تبصره مقرر شده

است نسبت به املاکی که به ثبت نرسیده باشند و طبق قانون به تصرف شهرداری درآیند در صورت مجلس آثار تصرف، حدود، مساحت و مشخصات کامل آنها قید می‌شود و مدعی مالکیت می‌تواند با ارائه این صورت مجلس که به اعضای افراد مورد اشاره رسیده است نسبت به تقاضای ثبت ملک خود اقدام نماید و پس از احراز مالکیت (و ارائه سند رسمی مالکیت) بیهای ملک را دریافت نماید.

ساده دیگری که در قانون شهرداری دلالت بر آن دارد که دارندگان سند رسمی، حق تقاضای صدور گواهی‌های قانونی را از قبیل پروانه ساختمانی، عدم خلاف یا پایان کار دارند، حکم ماده صد قانون شهرداری (الحاقی ۱۳۴۵) است که مالکان اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن را قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان، مکلف به اخذ مجوز از شهرداری نموده است و مالک یا مالکان اراضی و املاک قانوناً کسانی هستند که دارای سند رسمی مالکیت باشند.

ج- شیوه در اعتبار اسناد رسمی مالکیت

ممکن است این تصور پیش آید که چون تبصره ماده صد قانون شهرداری به «ذی نفع» اشاره می‌کند (سراحت تبصره یک و...) بنابراین شهرداری الزامی در عدم قبول اسناد غیر رسمی (عادی) مالکیت ندارد. این عقیده بر اساس برداشتی از مواد ۲۲ و ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک (مصوب ۱۳۱۰) قوت گرفته است و منای استدلالی آن این است که اولاً به موجب ماده ۳ قانون شهرداری، شهرداری دارای دارای شخصیت حقوقی (مستقل و مجزای از شخصیت حقوقی دولت) است و لفظ «دولت» در ماده ۲۲ قانون یاد شده، معنای عام حاکمیت را ندارد، بلکه دولت به عنوان شخصیت حقوقی حقوق عمومی و متشکل از وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و هیئت وزیران است و شخصیت حقوقی دولت ارتباطی به شخصیت حقوقی شهرداری ندارد. علاوه بر این، شهرداری به استناد قانون تعیین فهرست، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (مصوب ۱۳۲۳) مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی است و لفظ «کلیه ادارات» در ماده ۴۸ قانون ثبت - با توضیحی که بیانش گذشت - شهرداری را شامل نمی‌شود، بلکه معطوف به ادارات دولتی است. ثانیاً در هیچ یک از قوانین و مقررات، شهرداری صراحتاً مکلف به قبول اسناد رسمی نشده است و پذیرفتن اسناد عادی منعی ندارد.

به نظر می‌رسد این شیوه استناد و استدلال به دلیل آنکه با نصوص مواد ۲۲، ۴۸ و ۳۳ قانون ثبت اسناد و املاک - به تفصیلی که گفته شد - مغایرت دارد، نتیجتاً شهرداری ناگزیر است به دلایل مختلف و به منظور جلوگیری از توالی فاسد و بی‌شکری از طرح دعاوی گوناگون علیه شهرداری، تنها به اسناد رسمی توجه نماید و اسناد عادی را به رسمیت نشناسد.

د- مصوبه شورای عالی اداری

سراجعات دارندگان اسناد عادی به شهرداریها (به جای مراجعه به ثبت و مرجع قضایی) و اخذ و ارائه سند رسمی مالکیت (برای صدور پروانه ساختمانی و نالییدی از پیشرفت جریان ثبتی املاک و طولانی شدن رسیدگیهای ثبتی و تا کار آمدی مقررات ثبت اسناد و

از باغهای دیروزی تا پارکهای امروزی



در باره هما ایرانی بهبهانی

هما بهبهانی، فارغ التحصیل معماری دانشگاه فلورانس، از سال ۱۳۵۰ پارکی از مشاوران ایتالیایی به همکاری پرداخت. پس از آن در دفتر بافت قدیم الجزیره مدیریت چند پروژه مسکونی آموزشی و بازسازی بافت قدیم شهر را به عهده گرفت. در آن هنگام در خرسه پلی تکنیک معماری و شهرسازی الجزیره نیز دروس تاریخ و تئوری معماری تدریس می‌کرد. بهبهانی در سال ۱۳۶۸ وارد دوره دکتری آموزش محیط دانشگاه مؤتوال شد و اکنون در دوره کارشناسی از علم طراحی محیط دانشگاه محیط زیست دانشگاه تهران تدریس می‌کند.

پارکهای شهری امروزه هم پارک هستند و هم سینما، تئاتر، رستوران، شهر بازی، ورزشگاه، سایت کامپیوتری، دریاچه قایق رانی، بازار مکاره، باغ وحش و خیلی چیزهای دیگر. زمانی نه چندان دور دانش آموزان برای درس خواندن به پارک می‌رفتند، بگذریم از سیطبتها و بازگوشیهایشان. امروز هم می‌توان در پارکها آرامش یافت؟ آیا مفهوم پارک شهری عوض شده است؟

ذهن می‌رسد، به نظر شما آیا باغ ایرانی، موضوعی مربوط به گذشته است یا اینکه وجود آن در شهرهای امروزی هم می‌تواند یا معنا باشد؟

پارک، فضایی باز و سبز است که به عموم مردم تعلق دارد. اما باغ، مکانی شخصی و دارای ویژگیهای دیگر است. باغ نه تنها در کشور ما بلکه در سایر کشورهای فضای محصور و پر از رمز است. محصور بودن باغ با تقسیم بندی فضاها و هندسه خاص آن، رابطه با جهان را تداعی می‌کند. باغ گاهی به بهشت تشبیه شده است. به قول یکی از طراحان منظر، باغ جایی است که آدم دانش نمی‌خواهد بپذیرد چون در انجامش می‌تواند بهشت موعود را پیدا کند.

عبارت دیگر، پارک و باغ هر کدام نوعی از نیازهای انسان را تأمین می‌کنند، مثلاً شاید بتوان گفت پارک، نیازهای اجتماعی و بیرونی انسان و باغ، نیازهای شخصی و درونی او را تأمین می‌کنند.

بله، باغ با آنکه ابعادی کوچک دارد اما دنیای بزرگ و آرمانی را تداعی می‌کند و تقابل هستی با نیستی را نشان می‌دهد. این خصوصیت در باغهای ایرانی برجسته تر است. زیرا در کشور ما باغهای معروف و نمونتهای اغلب در مکانهای خشک و بیابانی درست شده‌اند. در این حالت وقتی فضای باغ محصور می‌شود گویی هستی را از نیستی که آن را احاطه کرده است، محافظت می‌کنید.

از نگاه دیگر باغ ایرانی، مکان خاطره‌انگیز است جایی است که با وجود محصور بودن دارای ابعاد بی‌کرانهای است. زیرا می‌تواند همه

پارک امروزه به مفهومی جا افتاده در فرهنگ ما و مکانی آشنا و ضروری در شهرهای ما تبدیل شده است. ولی بد نیست ابتدا بدانیم پارکها از چه زمان و چگونه به یکی از فضاهای با اهمیت شهری تبدیل شده‌اند؟

پارک اصولاً نوعی فضای سبز عمومی است که در فرهنگ ما و فرهنگهای دیگر به عنوان فضایی که نیازهای فراغی، تفریحی و حتی فرهنگی مردم را تأمین می‌کند شناخته شده است. این فضا از قرن ۱۹ وارد شهرها شد و به یکی از فضاهای عمومی مورد نیاز تبدیل گردید. در کشور ما از دوران پهلوی اول، موضوع ایجاد فضای سبز عمومی به میان آمد. اولین فضای سبز عمومی به شکل امروزی، پارک شهر است که به جای محله قدیمی سنگلج طراحی و ساخته شد. پارک شهر بیشتر به قصد ایجاد فضایی شبه طبیعی در شهر و مکانی برای گردش و قدم زدن در محیط طبیعی احداث شد و نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای فرهنگی مردم باشد. از آن پس توسعه روز افزون شهری و گسترش آبارتمان نشینی، نیاز به ایجاد پارکهای شهری را افزایش داد. تا فضای سبز جمعی جایگزین حیاطهای کوچک و باغچه‌های خانگی شد. امروزه دیگر پارک و فضای سبز عمومی همچون دیگر کاربریهای شهری است که بر اساس سرفاها و استانداردها، سطحی برای آن در شهر پیش بینی می‌شود.

وقتی صحبت از طراحی و ایجاد فضاهای سبز و پارکهای شهری می‌شود، خواه ناخواه باغهای ایرانی به

کفنگر با هما ایرانی بهبهانی
ناصر بزرگ پور

باید فضای سبز شهری را همچون ساختار سبز شهری ببینیم و آن را با ساختار کالبدی شهر ارتباط دهیم و این پدیده‌های بیگانه در شهرهای ما نیست، زیرا در شهرهای ایران همواره ساختار فضای سبز و ساختار طبیعی تعیین کننده ساختار کالبدی شهر بوده است



شهر به آن نیاز دارد تأمین کند. شنیدن صدای آب، نحوه حرکت آب، انتخاب نوع درختان سایه‌انداز یا درختانی که با هر نسیم صدایی دلنشین خلق می‌کنند، تنوع منظر پارک و نظایر اینها از مواردی است که در طراحی پارک اهمیت دارد. نه اینکه آدم بخواهد برود در پارک، لایق رفتن کند یا حیوانات عجیب و غریب ببیند پارک باید بتواند حداقل آرامشی را که انسان انتظار دارد تأمین کند.

حالا اگر بچه‌ها بیشتر دوست داشتند بروند آن حیوانات عجیب را ببینند یا بخواهند قایق سواری کنند چه می‌شود؟

مشکل اینجا است که همه چیز را می‌خواهند در پارک حل کنند مثال مشخص می‌زنم، پارک ساحلی تهران را در نظر بگیرید؛ بخشی از آن را می‌رسد دهانه از حیوانات، وجود این حیوانات ممکن است برای بچه‌ها شیرین باشد، اما ایجاد پارک و انتظاری که از پارک دارید اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. در این صورت پارک می‌شود باغ وحش، پس باغ وحش را باید طور دیگری طراحی کرد. در صورتی که باغ وحش مسائل بهداشتی و نظافتی ویژه‌ای دارد که حتماً باید رعایت شود. پارک شفق تهران نیز همین طور. این پارک جزء پارکهای خوب و موفق طراحی شده در عیاش محلی است، ولی مدام کاربریهای مختلفی به آن اضافه می‌کنند. اگر قرار باشد فضاهای مختلف در پارک استقرار یابند دیگر فضایی برای خود پارک باقی نمی‌ماند؛ همان شلوغی و سروصدای کوچکی که خیابان به درون پارک نیز منتقل می‌شود.

در شهرهای دیگر هم همین طور است. باغ شازده کرمان تا حدی از لحاظ تنوع منظر با دیگر باغهای ایرانی تفاوت دارد، یعنی باقی درون گرا و کاملاً محصور نیست. در باغ شازده مناظر مختلفی را می‌توان مشاهده کرد. این باغ با طبیعت بیرونی که طبیعت بیابانی است ارتباط بسزایی دارد هنگام قدم زدن در باغ شازده از صدای آب، سایه درختان، و منظر درون و بیرون آن می‌توان لذت برد، ولی حالا کوشک باغ تبدیل به رستوران شده است و آدم بوی گله‌ها را با بوی قورمه سبزی قاطی می‌کند. بخشی از جذابیت این باغ از دست رفته است، در باغهای شیراز واز جمله باغ ارم نیز آن قدر فعالیتهای دیگر را جای داده‌اند که خصوصیات اصلی باغ در حال از بین رفتن است.

یعنی به نظر شما پارک، قوطی عطاری نیست که همه چیز را در آن بریزیم؛ پرورنده قایق، رستوران، تئاتر و...؟

بله، پس تفاوت پارک با خیابان یا مکان شهری دیگر چه می‌شود؟ در کشورهای دیگر، بخشی از برخورد های اجتماعی در کافه و بخشی در میدان و اتفاق می‌افتد، اما در ایران پارک هم میدان است، هم خیابان، هم کافه، هم سینما و حتی بازار مکاره نیز هست، مثل پارک لاله تهران. همه اینها در پارک جمع می‌شوند و تنها فضای بازی را که آدم می‌تواند در آن نفس بکشد و از هیاهوی شهر دور باشد از بین می‌برند.

از این موضوع که بگذریم، آیا به نظر شما تاکنون از امکانات و استعداد های طبیعی شهرهای مختلف ایران برای ایجاد و گسترش پارکهای شهری به درستی

توجهی چیزی که در طراحی پارک اهمیت دارد موقعیت آن در ساختار شهری و نحوه ارتباط آن با دیگر عناصر است. پارک باید ارتباط مستقیمی با خیابانها و پیاده‌روهای اطراف خود داشته باشد و به سهولت امکان گذر از طریق پارک به داخل شهر فراهم باشد. به عبارت دیگر فضاها و گذرهای پارک باید در تداوم گذرهای شهری قرار گیرد، زیرا پارک نیز نوعی فضای شهری است که پس از عبور از خیابانها با کاربریهای تجاری و خدماتی پر از حاشیه گذر به مکانی آرامش بخش می‌گردد.

بنابراین پارک، فضای ویژه و مجزا از دیگر فضاهای شهری نیست که بخواهیم خورش را محصور کنیم و برای ورود به آن، شرایط و محدودیتهایی به وجود آوریم. از این لحاظ باید به تفاوت های پارک و باغ از لحاظ ابعاد، اندازه، منظر و... توجه کرد. باغ به دلیل آنکه فضایی درون گراست تنوع منظر در آن چندان اهمیت ندارد، اما پارک شهری، محیطی متفاوت است. بویژه وقتی اندازه آن به چندین هکتار می‌رسد، در اینجا دیگر مسئله این نیست که من خود را درون آن چگونه حس کنم، بلکه در این حالت پارک، قطعه‌ای از طبیعت است که باید کنجکاوی آدمی را برانگیزد. در اینجا تنوع منظر و تنوع کاشت اهمیت می‌یابد و رابطه معماری با فضای سبز مطرح می‌شود، زیرا در پارک هم زیبایی در نظر گرفته می‌شود و هم رفیع نیازهای گوناگون فراغتی، تفریحی و فرهنگی.

علاوه بر اینها در طراحی پارک شاید خلق فضاهایی به صورت باغ پیشنهاد شود که هر کس بخواهد بتواند رابطه فردی خود را با طبیعت برقرار کند. این ایده در طراحی پارکهای معاصر فرانسه اهمیت یافته است. یکی از معماران منظر می‌گوید: پارک در درون خود می‌تواند باغهای مختلف داشته باشد، در آنجا به این باغها می‌گویند باغهای تماتیک یا موضوعی. قطعات کوچکی که در آنها انسان به جای اینکه منظر را ببیند، خود را در فضایی نسبتاً محصور حس می‌کند و رابطه‌ای فردی با طبیعت برقرار می‌سازد.

یعنی منظور این است که پارک بتواند به نیازهای درونی و بیرونی انسان پاسخ دهد؛ یا اینکه به دلیل تنوع استفاده کنندگان فضاهای متنوعی در پارک خلق شوند؟

می‌خواهم بگویم پارک اگر با این هدف طراحی شود که کاربریهای مختلف در آن تحقق یابد پارک موفق از آب در نخواهد آمد؛ یعنی پارک می‌شود مثل جاهای دیگر شهر که در آن سینما هست، تئاتر هست، فضای بازی بچه‌ها هست، همه چیز هست و مقداری هم درخت - البته از جاهای دیگر بیشتر - در آن وجود دارد. در صورتی که پارک باید بتواند آرامشی را که انسان در هیاهوی



اکتون در وضعیتی قرار بگیرد که نمی توان از آن خارج و خارج در سطح جهان سخن گفت. مانند آن زمین که سبک انگلیس یا فرانسوی حاکم بود. این بود قطب است. فرانسوی کولون، گرایشها و سبکهای مختلف وجود دارد. بعد از آن باید نماند نیاشد که پارک اجباری که در سطح دهنده به یکباره ایضا می سوزی که به وجود آن در آنجا کشد چون در آنجا فضای ویژه اجتماعات و بیرون رفتن اجتماعات، فضاهای شهری دیگری در پارک است. پارک یکساز اجتماعی است برای آرامش خاطر و نشاط هم بعضی وقتها فضای پارک به منظور برگزاری جشنهای فصلی و آیینی در مورد استفاده قرار گیرد.

در گذشته جمع قوی می کشید طراحی یکی از مرفهترین پارکهای دنیاست یعنی به یک لایه است. طوطی ایجاد پارکهایی به سبک فرانسوی که قصد قطب این را میباید در نظر است. به سبک بسیار هزینه در بر ندارد. بلکه دیگر کسی هم به نظر اینها اینها نمی رود. می گویند: باید رابطه فرهنگ و شهر خطی که در رابطه نیست و پیوسته شود. او وقتی پارک را میسازد، چیزی می کشد چیزی میسازد. فرآوانی در آن جا می دمند به نظری که این پارک بیشتر جنبه فرهنگی دارد و قلمروهای طبیعت به صورت خطوطهایی در کوه و کناره آن طراحی شده است. در همین زمان در فرانسه طراحی دیگری صحبت از مرفه و اکولوژی در طرح پارک می کنند. به این ترتیب که زندگی بیولوژیک، موضوع اصلی طراحی پارک قرار می گیرد و همچنین با توجه به آن در این منظر، رابطه متوازن میان انسان و طبیعت برقرار می شود. هیچ کدام از این طراحی سبک خود را برتر نمی دانند بلکه هر یک می خواهند نیازهای فرهنگی و اکولوژیکی شهر را تأمین نمایند.

در بارسلون و یاد بعضی از شهرهای آمریکا دیگر تمایلی به ایجاد پارکهای بزرگ به سبک الماسد وجود ندارد. در آنجا به جای طراحی پارک بیشتر بر طراحی قطعات کوچک سبز مترکم در گذرهای شهری تأکید می شود، یعنی ضمن اینکه در شهر راه می رود از طریق فضاهای باغ مانند به بخشهای مختلف شهر دسترسی پیدا می کنید. به این ترتیب هنگام گذر از مکانهای شلوغ و پرسر و صدای شهر می توان از فضاهای آرام و سبز نیز عبور کرد. در بارسلون هر کدام از این باغهای شهری با آتری هنری تکمیل می شوند.

اصروزه دیگر صحبت از کاربری ویژه و مجزایی در شهر به نام پارک و طراحی پارکهای بزرگ در کار نیست. بلکه بیشتر بر طراحی منظر فضاهای باز شهری و از همه مهمتر بر احیای فضای سبز موجود و توسعه فضای سبز پایدار شهر تأکید می شود. مثل خیلی از زمینه های دیگر مانند شهرسازی و معماری، نمی توان گفت سبک واحدی در طراحی پارک وجود دارد. مهم این است که در طراحی پارک یا بهتر است بگوییم طراحی و ساماندهی فضای سبز پیوسته شهری، در هر کجای جهان روح و فرهنگ مکان باید حضور یابد. بنابراین دیدگاهها و گرایشهای فرهنگی است که می تواند الهام بخش طراحی باشد.

پاساس از شما.

استفاده شده است؟ شهرهای ایران به دلیل تنوع اقلیم و جذابیتهای طبیعی استعداد فراوانی برای توسعه پارکهای شهری دارند اما از این امکانات تاکنون چگونه استفاده شده است؟

همان طور که گفتید شهرهای ایران دارای قابلیتهای فراوان برای ایجاد فضاهای سبز و پارکهای متنوع شهری هستند. این نکته بویژه با توجه به مشکلات کولونی همچون آلودگی هوا، آلودگی صوتی و آلودگی بصری که نامتکبر شهرهای ماست، اهمیت بیشتری پیدا می کند. باید در این مورد بنیادی عمل کرد یعنی به جای اینکه در طرحهای جامع به طور اتفاقی روی نقشه، جایی را به پارک اختصاص دهیم، باید فضای سبز شهری را همچون ساختار سبز شهری ببینیم و آن را با ساختار کالبدی شهر ارتباط دهیم و این پدیده های بیگانه در شهرهای مانیت، زیرا در شهرهای ایران همواره ساختار فضای سبز و ساختار طبیعی تعیین کننده ساختار کالبدی شهر بوده است.

وقتی به اصفهان، شهر یادمانی شاه عباسی، نگاه می کنیم می بینیم ساختار اصلی شهر، ساختار باغهای آن است. شامل چهار باغ و باغهایی که دور آن را احاطه کرده بودند. در شیراز نیز همین وضع بوده است. حالا از آن ساختار سبز فقط باغ جهان نمانده است که آن هم دارد از بین می رود. در کرج همان هنوز بعضی از قناتهایش زنده است. این قناتها خط سبزی را از کوه طی می کنند و وارد شهر می شوند. حرکت درختها مسیر

قنات را نشان می دهند و منظره بدیعی به وجود می آورند. اکنون با بولدورز به جان قناتها افتادند تا آنها را از بین ببرند و هفت باغ به وجود آورند؛ هفت باغی که به خاطر هزینه های فراوان، معلوم نیست اجرا شود.

مانند این در شهرهای ایرانی همواره ساختار کالبدی شهر بر پایه ساختار طبیعی آن به وجود آمده است. حتی نقطه آغازین شهر کنار باغی بوده که آب از آنجا وارد شهر می شده است. اما به نظر می رسد امروزه در ایجاد فضاهای شهری، توجه نمی شود و حتی گاهی دست به تخریب آنها نیز می زنند.

عنوان آخرین سنووال، بفرمایید گرایشهای جدید جهانی در زمینه پارک سازی چیست؟



مثل خیلی از زمینه های دیگر مانند شهرسازی و معماری، نمی توان گفت سبک واحدی در طراحی پارک وجود دارد. مهم این است که در طراحی پارک یا بهتر است بگوییم طراحی و ساماندهی فضای سبز پیوسته شهری، در هر کجای جهان روح و فرهنگ مکان باید حضور یابد. بنابراین دیدگاهها و گرایشهای فرهنگی است که می تواند الهام بخش طراحی باشد.

پانوست

10 Oltmsed

فضای سبز شهری و فن آوریهای نوین

فضای سبز بخشی از فضای باز شهری است که پوششهای مختلف گیاهی در آن به همراه تسهیلات و تمهیدات مورد نیاز، براساس ضوابط و اعمال نظرهای متخصصان و برای بهبود شرایط زیست انسان در محیط شهر بنا و یا نگهداری می شوند. از زمانی که بحث فضای سبز به عنوان بخشی از کالبد شهر مطرح شد، لزوم برنامه ریزی، طراحی و مدیریت چنین محیطی امری ضروری می نمود.

فضای سبز شهری همواره به عنوان عنصری برای نظم بخشی و هماهنگ نمودن کاربریهای گوناگون در کالبد شهر و عاملی در زیبایی محیط و دلپذیرتر شدن فضای زندگی مطرح بوده و هست، به طوری که در بسیاری از موارد مضمون فضای سبز، غیر از نقش زیست محیطی، معرف نقش تفریحی و رفاهی برای شهروندان نیز هست. از این رو شکل گیری و مکان یابی انواع فضاهای سبز با هر هدفی که مدنظر باشد، مستلزم برنامه ریزی، ضابطه مندی و تبعیت از معیارها و استانداردهای خاصی است تا مطلوبیت کاربریها و توزیع عادلانه آنها حاصل شود.

بسیاری از مشکلاتی که شهرسازان در برنامه ریزی و سازماندهی انواع فضاهای سبز شهری با آن مواجه بوده اند، ناشی از نبود روشهای استاندارد و ابزارهای عینی برای مقایسه متغیرهای برنامه ریزی و طراحی فضا بوده است. در این مقاله سعی شده است نگاهی گذرا به مضامین گوناگون فن آوریهای رایانه ای و نقش آنها در آفرینش و باز آفرینی فضاهای سبز شهرها بر اساس تحلیل عوارض متعدد داشته باشیم.

مهران قدوسی

کارشناس ارشد مهندسی طراحی محیط زیست

از نقشه های خطی تا شهرهای مجازی

شهرسازی با ترسیم عوارض آن به روی کاغذ و ظهور نقشه ها پیشرفت نمود. شهرها را می توان مجموعه ای از مراکز فعالیت و خدمات گوناگون با مشخصات جغرافیایی ویژه تعریف نمود. نقشه ها تلخیصی از واقعیت هستند و می توان آنها را دستوراد مجموعه ای از روشهای علمی یا سابقه ای غنی، الگوها و علائم متنوع برای تلخیص دنیای واقعی و ارائه آن به عنوان مرجعی بصری تلقی نمود.

زمانی که آلمستد ۱ در سال ۱۸۵۸ طرح پارک مرکزی ۲ را ارائه کرد و احداث نخستین پارک عمومی بزرگ امریکا را به سر و سامان داد، استفاده از نقشه ها برای تحلیل و بررسی عوارض

پانویس

1-Gimland
E-Central Park

ساماندهی فضاهای سبز شهری شکل تازه ای به خود گرفت. تا این زمان ایده های بسیاری در مورد باغ شهرها و چگونگی توزیع و گسترش فضاهای سبز و نحوه عملکرد و هدف از ایجاد آنها مطرح شده بود، اما تحلیل عوارض به منظور ساماندهی دقیق کاربری یاد شده از هنگامی آغاز شد که شهرسازان جسوری، ایده شهرسازی لایه ای و یا به عبارتی، استفاده از نقشه های موضوعی گوناگون را به عنوان لایه های تشکیل دهنده شهر مطرح نمودند.

اولین مثالها را می توان در مجموعه کارهای آلمستد مشاهده نمود که مجموعه ای از نقشه ها درباره نوع خاک، پوشش گیاهی و توپوگرافی را در تحلیلهای خویش به کار

از آنجا که بحث زیبایی شناسی و ارزشهای بصری فضاهای سبز و چشم اندازهای شهری در مورد این گونه کاربریها مطرح است، شهرسازان باید علاوه بر بهره گیری از سیستم های اطلاعاتی، مدل های مجازی را نیز برای تحلیل و بررسی عوارض سه بعدی و ارزیابی کیفی چشم اندازها و مناظر فضاهای سبز شهری به کار گیرند

رقومی مطرح شود. اینده تحقیق روشهای لایه بندی و نقشه های رقومی در ابتدا در حیطه منابع طبیعی به کار گرفته شد که به تکوین فن آوری جدیدی با عنوان سیستم های اطلاعات جغرافیایی ۳ منجر شد. کاربردهای فراوان سیستم های فوق شهرسازان را در به کار گیری هر چه بیشتر این پدیده نوظهور ترغیب نمود تا جایی که در مدتی کمتر از دو دهه اتلاف گفتمانی میان دو مضمون مختلف با عناوین سیستم های طراحی با کمک رایانه و سیستم های اطلاعات جغرافیایی حاصل آمد. تا قبل از این زمان شهرسازان با حفظ مکان ترسیم و طراحی عوارض شهری را داشتند و با دسترسی به یک پایگاه اطلاعاتی به همراه داده ها و عوارض لایه بندی شده برایشان مقدور بود، ولی پس از آن هر شهرسازی قادر بود در سیستم رایانه ای خویش علاوه بر امکان ترسیم و پردازش داده ها، فرصت تحلیل و اخذ اطلاعات را نیز داشته باشد.

در حقیقت نقشه های رقومی فوق علاوه بر اینکه بیانگر ترسیمات هندسی بودند بیانگر ترسیمات موضوعی نیز شدند. پیشرفت فن آوری فوق تا اوایل دهه ۸۰ ادامه داشت، اما در همین زمان پدیده رقومی دیگری نیز در عرصه شهرسازی به وجود آمد، پدیده ای که علاوه بر معاینه یادشده دنیای کاملاً تازه ای برای پیشرفت و تکمیل روند سیستم های پشتیبان تصمیم گیری ۳ فراهم ساخت. واقعیت مجازی ۳ بهترین فضای برای نمایش و پردازش اطلاعات مکانی زمین فراهم نمود.

در حال حاضر نیز سیستم های واقعیت مجازی به عنوان یکی از جدیدترین فن آوریهای رایانه ای در جوامع علمی مطرح است. این فن آوری به حدی توسعه یافته است که پیش بینی می شود سیستم های یاد شده در آینده ای بسیار نزدیک تنها راه دسترسی به اطلاعات و پردازش آن باشند. به عبارتی دیگر، نقطه عطف پیشرفت مدل سازیهای سه بعدی رقومی را در حال حاضر می توان مدل های واقعیت مجازی تصور نمود. مقصود از واقعیت مجازی، بیان مجموعه ای ویژه از فن آوریهای نمایش دنیای مجازی است. مدل های سه بعدی رایانه ای که علاوه بر متحرک بودن ارتباطی تعاملی با کاربر دارند به طوری که کاربر خود را به طور کامل درون فضا



می گرفت. این روند تا سال ۱۹۶۲ ادامه داشت تا اینکه شهرسازی چون الکساندر ۲ و مک هارگ ۲ از لایه بندی عوارض در تحلیل و برنامه ریزی اهداف خویش سود جستند. الکساندر مجرزه مکان یابی بزرگراهی را بهره گیری از ۲۶ لایه موضوعی با موفقیت به پایان رساند و در همین زمان مک هارگ روشی مشابه را در انتخاب مسیر بزرگراه ریچموند به کار گرفت که او نیز برای مقصود خویش از فن لایه گذاری پیچیده ای استفاده کرده بود. مک هارگ پس از این در کتاب طراحی با طبیعت ۳ با استدلالاتی فواید گذشته نشان داد که چگونه اطلاعات مربوط به منابع طبیعی را می توان در فرایند شهرسازی دخیل نمود. لایه های مک هارگ دستی بودند ولی همان گونه که خود لو تینی می گفته، فرصتها و امکانات وسیعی برای به کار گیری رایانه در جهت استفاده بهتر از فن لایه بندی اطلاعات وجود دارد.

در همان هنگام که شهرسازان به لایه بندی عوارض و تحلیل آنها از طریق هم پوشانی لایه ها و تخصیص ضرایب و ارزشهای وزنی ویژه بر اساس اهداف تعیین شده می پرداختند، پدیده نقشه های رقومی نیز به مرحله بهره برداری رسیده بود.

ظهور رایانه و تبدیل آن به پایگاهی برای نگهداری و پردازش نقشه ها سبب شده بود ایده های بسیاری در مورد فواید و تسهیلات فن آوری رایانه و به کار گیری نقشه های

- 3- Alexander
- 4- Mcharg
- 5- Design with nature
- 6- Geographical Information System
- 7- Computer aided design
- 8- Decision support system
- 9- Virtual reality
- 10- Head mounted display
- 11- Gloves & Goggles
- 12- CAVE (Computer audio - Video environment)
- 13- Digital orthophoto
- 14- Digital terrain modeling
- 15- True virtual city



تصمیم گیری در مورد وسعت و تنوع آن در شهر مستلزم به کار گیری ابزارهای نوین است



چشم اندازهای رفومی علاوه بر اینکه شهرساز را با تمامی مشخصات محیط واقعی مولفه می کند به او این امکان را نیز خواهد داد تا برنامه های ارزیابی اطلاعات موجود و تحلیل بصری داده ها به تصمیم گیری منطقی برای طراحی محیط زیست دست یابد. مدل رفومی یاد شده امکان تمایزهای متعدد و طرحیهای گوناگون را برای شهرساز فراهم می نماید. علاوه بر فراهم نمودن محیطی مشترک برای تصمیمهای گوناگون، فرصت پردازش سریعتر داده ها و حصول نتیجه ای مطمئن را نیز ایجاد خواهد کرد.

احساس نمایند و توانایی حرکت در درون مدل سه بُعدی را داشته باشد، ابزاری چون سرپوشهای مجازی ساز^{۱۱} و یا دستکشهای متحرک ساز^{۱۲}، از جمله تمهیداتی است که این فن آوری امکان پذیر می سازد.

با پیشرفت این علم نیاز به ابزار و اتوات متعدد و پرهزینه ای چون عینکهای سه بُعدی، سرپوشهای مجازی ساز و ... بتدریج از بین رفته و «محیطهای نمایشگر سمعی و بصری رایانه ای» سیستم های واقعیت مجازی» به تنهایی فرایند مجازی سازی محیط را ارائه خواهند نمود. در محیطهای نمایشگر واقعیت مجازی، ناظر به طور کامل درون محیط بصری ساخته شده قرار گرفته و قادر خواهد بود به کنترل و اعمال نظری در رنگ و بی واسطه در محیطهای سه بُعدی بپردازد. سیستم های فوق علاوه بر اینکه متصل به پایگاه اطلاعاتی مورد نیاز هستند و قابلیت تعامل را برای کاربران فراهم می نمایند قادر خواهند بود تا امکان حضور چندین کاربر را به طور همزمان در محیطهای مجازی ساخته شده، فراهم آورند. پایگاه مدیریتی سیستم های اطلاعات جغرافیایی و تواناییهای مدل سازی رایانه ها، ارائه کننده ابزارهایی قدرتمند برای بررسی شرایط و موقعیت چشم اندازهای شهری و تحلیل ارتباطات مکانی هستند. در سال ۱۹۹۳ گروه طراحی سیاتل مدلی سه بُعدی از دنیای مجازی ارائه کردند. مدل سه بُعدی تهیه شده، نمایشگر بخشی از سیاتل و هدف از آن مطالعه تأثیرات زیست محیطی تغییرات و توسعه کاربریهای گوناگون شهری بود.

این مدل به عنوان جدیدترین ابزار پشتیبان در تصمیم گیریها مورد توجه بسیاری از شهرسازان در سراسر دنیا واقع شد به طوری که لزوم به کار گیری این فن آوری در بسیاری از برنامه ریزیها و طراحیهای شهری - بویژه در حیطه مسائلی که ارزش بصری داده ها مدنظر است - محرز گردید. با پیشرفت محیطهای نمایش مجازی، بحث مدیریت بصری داده ها، جایگزین مدیریت سیستم های اطلاعاتی شد. محیطهای نمایش مجازی، نشان دهنده دنیایی سه بُعدی با جلوه های حقیقی به همراه تمام جزئیات تشکیل دهنده محیط زیست است، در چنین فضای کاربری امکان مطالعه و داشتن بر خوردی عینی با عوارض طبیعی و انسان ساخت را خواهد داشت. محیطهای نمایش مجازی کاربران را قادر می سازد بدون نیاز به عینکهای نمایش سه بُعدی و یاردهای فضای خیالی، به مدیریت بی واسطه حجم عظیمی از اطلاعاتی که در پایگاه داده های مدل های رفومی متحرک ذخیره شده بپردازد. با استفاده از چنین سیستمی، شهرسازان علاوه بر کسب اطلاعات می توانند تبادل نظر کرده و به تجربه ای مشترک دست یابند.

به عبارت دیگر، دنیا های مجازی نقش مؤثر در همسو کردن دیدگاههای مختلف دارند. چنین امکاناتی، فرصتی ایده آل به شهرسازان خواهد داد تا در مورد چشم اندازها و فضاهای سبز شهری تصمیماتی مناسبتر اتخاذ

نمایند.

امکانات موجود، چشم انداز آینده

تلفیق سیستم های اطلاعات جغرافیایی با مدل های مجازی، امکانات بسیاری را - به عنوان ابزار پشتیبان در تصمیم گیریها - برای شهرسازان فراهم نموده است. امروزه برای برنامه ریزی، مدیریت و طراحی شهرها نقشه های موضوعی فراوانی را می توان به کار گرفت. کنترل فضاهای سبز آسپت پذیر، انتخاب گونه های گیاهی، توزیع مکانی تفرجگاههای شهری و مکان یابی پارکها، برنامه ریزی در ارائه تسهیلات و خدمات مورد نیاز پارکها، برنامه ریزی آبیاری و استفاده بهینه از امکانات موجود، تحلیل امکانات و محدودیتهای، تحلیل بصری داده ها و ارزیابی کیفیت بصری چشم اندازهای شهری، طراحی و نگهداری پارکها و فضاهای سبز شهری و... از امکانات رایج فن آوریهای فوق است. البته پیشرفت و گسترش ابزارهای پشتیبان تصمیم گیری همچنان ادامه دارد.

استفاده از تصاویر قائم رفومی^{۱۳} و تلفیق آنها با مدل های رفومی سطح زمین^{۱۴}، به کار گیری اینترنت در جمع آوری و ارائه اطلاعات و ساختن شهرهای مجازی واقعی^{۱۵}، از جمله مواردی هستند که به عنوان فن آوریهای روز در امور شهرسازی، بویژه فضاهای سبز شهری به کار گرفته می شوند. تصمیم گیری برای فضاهای سبز شهری به دلیل ماهیت ویژه خود اهمیت بیشتری نسبت به سایر کاربریهای شهر دارد. فضاهای سبز عمده ترین بخش فضاهای باز شهری هستند. از این رو تصمیم گیری در مورد وسعت و تنوع آن در شهر مستلزم به کار گیری ابزارهای نوین است. در بیشتر کاربریهای شهری با استفاده از ارتفاع می توان شعاع عملکرد را وسعت بخشید و حوزه نفوذ آن را تغییر داد. لذا بحث افزایش تراکم و تعداد طبقات برای پارکها امکان پذیر نیست. فضاهای سبز شهری به دلیل نیاز به فضاهای وسیع و اشغال بخش عملی از اراضی شهری ارزش بسیار بالایی دارند.

اهمیت فضاهای سبز در شهرها، تصمیم گیری جامع و مستدل را ضروری می سازد. سیستم های اطلاعات جغرافیایی به عنوان ابزار پشتیبان در تصمیم گیری قادر خواهند بود شهرسازان را در این امر یاری رسانند، ولی از آنجا که بحث زیبایی شناسی و ارزشهای بصری فضاهای سبز و چشم اندازهای شهری در مورد این گونه کاربریها مطرح است شهرسازان باید علاوه بر بهره گیری از سیستم های اطلاعاتی، مدل های مجازی را نیز برای تحلیل و بررسی عوارض سه بُعدی و ارزیابی کیفی چشم اندازها و مناظر فضاهای سبز شهری به کار گیرند.

آخرین پدیده ای که در مورد فن آوریهای رفومی به عنوان ابزار پشتیبان تصمیم گیری مطرح است، شهرهای مجازی واقعی هستند. این مدلها ارائه کننده شکل حقیقی شهر بوده و با سیستم اطلاعات جغرافیایی مجهزی از اطلاعات عینی زمین همراه هستند. به این ترتیب تعداد بسیاری از کاربران



کار آوری فن آوری اطلاعات و سیستم‌های مدل‌سازی سه‌بعدی و فضایی سبز در چند سال اخیر بوده است. رشد و گسترش ابزارهای ماه شده بسیار سریع و فراگیر بوده به طوری که نرم افزارهای گوناگونی قابلیت دسترسی به وب را در محیط مجازی برای کاربران فراهم آورده اند. مصارف موجود سیستم‌های واقعی و آلوده بود در برداشتن تصمیم و تصمیم‌گیری اطلاعاتی متخصص در این زمینه برای چگونگی انجام کارها و تسهیل کارها شده از چگونگی تسهیل سازی واقعی برخوردار بوده اند که حتی امکان آب و خاک و سبزیجات مختلف انواع پوشش‌های مختلفی را در این سیستم می‌توان مشاهده کرد.

شهرسازان با تمسک به این فن آوری قادر خواهند بود پیش از اجرای واقعی طرحها، ایده‌های خود را در محیطی مجازی به کار گیرند و اثرات تصمیم‌گیریهای خود را در چنین فضایی تجربه نمایند. در چنین حالتی در صورت بروز اشتباه و خطا در تصمیم‌گیریها از اجرای طرح جلوگیری شده و با اصلاح آن از هدر رفتن وقت و هزینه بسیار جلوگیری می‌شود. این امکانات در مورد نمونه بسیار مهمی چون فضاهای سبز شهری از اولویت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه پارکها و فضاهای سبز برای سالیان آینده و نسلهای بعد احداث می‌شود. به همین دلیل اشتباه در تصمیم‌گیری و اهمال در طرحها باعث ناخشنودی زیادی در سالهایتمادی می‌شود، اما تصمیم‌گیری درست و بزمینهای مصالح عمومی سبب می‌شود تا علاوه بر کاربرد جامع طرح، به طور فزاینده‌ای تعریض نیز یابد. در نهایت باید گفت فن آوریهای نوین عصرهای تازه برای تصمیم‌گیریهای بهینه شهرسازان در مورد فضاهای سبز شهری است. با استفاده از این ابزارها شهرسازان علاوه بر دسترسی آسان به اطلاعات مورد نیاز، به مدیریت و تحلیل بصری داده‌ها پرداخته و در محیطی مجازی برای پیش‌بینی نتایج حاصل از ایده‌های خود به تجربه‌ای مشترک دست می‌یابند. فن آوریهای نوین روشهای برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای سبز شهری را دگرگون ساخته و همچنان به تحول و رشد خود ادامه می‌دهند.

می‌توانند در آن واحد در یک مکان به تبادل نظر بپردازند. کاربران می‌توانند به درون مدل سه بعدی وارد شده و در فضاهای ساخته شده حرکت کنند. حضور کاربران در درون مدل مجازی از طریق نمایندگان جسمی ۱۶ امکانپذیر می‌شود.

نمایندگان جسمی معرفی حضور کاربران در شهر مجازی است. نمایندگان جسمی کاملاً تحت کنترل کاربران هستند و می‌توانند با هدایت کاربران درون شهر مجازی گردش کنند. شهرهای مجازی واقعی طبق زمین مرجع است و همه عوارض و اشیای موجود در مدل، نشان دهنده اطلاعات مکانی واقعی است. شهرهای مجازی واقعی امکان بالقوه‌ای برای نسل آینده رابطهای سه بعدی پایگاههای اطلاعات مکانی هستند.

در آینده‌های بسیار نزدیک سیستمهای اطلاعات مدل‌های مجازی واقعی ۱۷ جایگزین سیستمهای اطلاعات جغرافیایی خواهند شد. ایده سیستم اطلاعات شهر مجازی تأمین کننده نیازها و اهداف بسیاری است. محققان هدف اصلی خود را معطوف به استفاده از این فن آوری برای بهبود و ارتقای برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهرهای واقعی کرده‌اند. شهرهای مجازی علاوه بر اینکه فرصت دسترسی به اطلاعات مورد نیاز و تحلیل عوارض گوناگون شهری را به شهرسازان می‌دهند، امکان دسترسی به دیدگاه مشترک را میان متخصصان مختلف فراهم خواهد کرد.

16- Avatar
17- True virtual modeling information system (TVMIS)

برای اطلاعات بیشتر در مورد فن آوریهای نوین در فضاهای سبز شهری به منابع زیر نگاه کنید.

1- Barry Joseph, Geoworld, August 1998, P.P. 42 - 44.

2- Gabby Miko, GeoEurope, October 1998, P. 14.

3- Smith Andy, GeoEurope, October 1998, P. 29.

۴- مهران قدوسی، نقش CAD, GIS، شهرنگار

شماره ۲۵، مرداد ۱۳۷۸، صفحات ۳۲-۳۰

۵- مهران قدوسی، نقش GIS، شهرنگار

شماره ۲۶، آبان ۱۳۷۷، صفحات ۲۷-۲۶

۶- مهران قدوسی، نقش GIS، شهرنگار

شماره ۲۵، شهریور ۱۳۷۷، صفحات ۲۶-۲۵

۷- مهران قدوسی، نقش GIS، شهرنگار

شماره ۲۶، شهریور ۱۳۷۷، صفحات ۲۶-۲۵

۸- جعفر موریسی، تاریخ نقش شهر و نقش

مختصتر جنبه نقشه‌نگاری، تهران انتشارات

دانشگاه علم و صنعت، آبان ۱۳۶۶، ص ۳۴

۹- نقشه‌ریزی تهران، طرحهای معماری تهران

انتشار ۱۳۷۵، ص ۱۱۷

۱۰- شاه ترس، شهر همپوشی چندلایه، ترجمه فریاد

نوریان، تهران انتشارات نشر گسترده ان‌ش و

برگه‌ریزی شهری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳ و ۱۱۲

سالخورده‌گان و

تصادفات رانندگی

ترجمه داوود حضرتی



تعداد قابل توجهی از قربانیان حوادث رانندگی در جهان سالخورده‌گان هستند. تقریباً نیمی از عابسانی که بر اثر تصادف در خیابانهای کشور آلمان کشته می‌شوند افراد بالای ۶۵ سال هستند. با توجه به آمار فوق سالخورده‌گان باید ۴/۶ برابر جوانان تحرک داشته باشند، اما این طور نیست. علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهد سالخورده‌گان بی احتیاط‌تر از دیگران نیستند. اکنون این سنووال پیش می‌آید که چرا با وجود اینکه سالخورده‌گان تحرک کمتری نسبت به دیگران دارند و خیلی با احتیاط‌تر از جوانان هستند آمار تصادف بیشتری دارند.



این عمل رانندگان غیر اخلاقی و برخلاف مقررات راهنمایی است. این رانندگان باید به این نکته دقت داشته باشند که توجه به افراد سالخورده مسئله‌ای است که بعدها خود از دیگران انتظار خواهند داشت.

برنامه‌ریزان و مسئولان ترافیکی شهرها باید با بررسی زمان چراغهای راهنمایی، خیابانها را برای عابسانی که حرکت آهسته‌تری نسبت به بقیه دارند ایمن نمایند. آنها باید تلاش کنند زمان سبز بودن چراغ ویژه عابران پیاده را تا حد امکان طولانی نمایند. سازمان ترافیک آلمان نیز در این زمینه آموزش سالخورده‌گان را در دستور کار خود قرار داده است. از سال ۱۹۸۴ این سازمان برنامه «عابران پیاده» را اجرا نموده و تاکنون بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر در این برنامه آموزش دیده‌اند. سازمان ترافیک آلمان نمایندگان را نیز به کانون سالخورده‌گان و مراکز مشابه اعزام می‌کند. معمولاً سالخورده‌گان در گروه‌های ۱۰ تا ۱۵ نفری و به طور رایگان چگونگی عبور از خیابان و خطرات احتمالی را آموزش می‌بینند.



افراد سالخورده سرعت و موقعیت وسایل نقلیه را اشتباه تخمین می‌زنند. در نتیجه این اشتباه، تصادف رخ می‌دهد. مدت سبز بودن چراغ راهنمایی ویژه عابران پیاده نیز کوتاه است. متأسفانه چراغ راهنمایی ویژه عابران پیاده متناسب با سرعت حرکت افراد پیر نیست. از این رو حتی محل خط کشی عابران پیاده نیز محل ایمنی نیست.

عبور افراد سالخورده، کانون خطر

متأسفانه زمان تمویض چراغ سبز به قرمز اصلاً متناسب با سرعت حرکت سالخورده‌گان نیست. در هر دو گروه، برنامه‌ریز شهری و یکی از مسئولان برگزاری همایش «سالخورده‌گان در ترافیک شهری» معتقد است افراد پیر حتی با وجود چراغهای عابر پیاده ایمن نیستند. به نظر در هر مدت زمان سبز بودن چراغهای عابر خیلی کوتاه است.

طبق بررسیهایی که او انجام داده است، تغییر رنگ چراغهای عابر، طبق سرعت حداقل ۱ تا ۲ متر در ثانیه تنظیم شده، یعنی چنین سرعتی لازم است تا عابران در زمان سبز بودن چراغ به سمت دیگر خیابان بروند. این زمان برای بسیاری از سالخورده‌گان مناسب نیست. سرعت حرکت سالخورده‌گان به خاطر سن بالا و موانع متعددی که در هنگام حرکت دارند، بین ۵۸ تا ۶۸ متر در ثانیه است. مشخص است که با چنین سرعتی تا رسیدن آنها به طرف دیگر خیابان چراغ دوباره قرمز می‌شود. خطر هنگامی به وجود می‌آید که راننده برای سبز شدن چراغ آماده شده و به محض سبز شدن چراغ راهنمایی شروع به حرکت می‌کند. عابر سالخورده هنوز در وسط خیابان است. همه کسانی که در ترافیک دخیل هستند اعم از رانندگان وسایل نقلیه و عابران در این صورت باید با احتیاط عمل کنند، حتی وقتی چراغ راهنمایی برای رانندگان سبز می‌شود نباید حرکت کنند تا مطمئن شوند هیچ عابری در محل خط‌کشی عابر پیاده وجود ندارد. سازمان ترافیک آلمان نظر برنامه‌ریزان شهری و رانندگان را به این امر مهم جلب می‌کند که سالخورده‌گان با سرعت کمی که دارند به زمان بیشتری نیاز دارند تا به سمت دیگر خیابان بروند.

طبق تحقیقاتی که در سوئیس انجام شده مشخص گردیده که بسیاری از رانندگان وسایل نقلیه شخصی مایل نیستند به عابر سالخورده اجازه دهند زودتر از آنها از خیابان عبور کنند. آنها ترجیح می‌دهند پیش از آنکه فرد سالخورده وارد خیابان شود حرکت کنند.

سهیم سالخورده‌گان در تصادفات

سالخورده‌گان اغلب کمتر از جوانان در تصادفات سهیم هستند. طبق آمار سال ۱۹۹۷، ۲۴ هزار و ۵۰۸ نفر از افراد بالای ۶۵ سال در تصادف جان سپردند. بر اساس سرشماری تصادفات متحرک به مرگ، رقم فوق ۶/۶ درصد از کل تصادفات است. از طرفی سالخورده‌گان در حدود ۱۵ درصد از مردم شهر را تشکیل می‌دهند. طبق آمار گفته شده اگر چه سالخورده‌گان کمتر از دیگران در تصادف اتومبیل درگیر بوده‌اند، اما جراحات آنان در آن درصد کم هم، بیش از دیگران بوده است. دلیل این موضوع عکس‌العمل کند آنان است. از طرف دیگر سالمندان به ندرت با اتومبیل شخصی، و بیشتر با دوچرخه و یا پیاده و بدون حفاظ در خیابان تردد می‌کنند. اما نباید فراموش کنیم که آنان هم نیاز دارند بدون ترس و دلهره به زندگی عادی خود ادامه دهند و این ما را بر آن می‌دارد که در امر ترافیک بیشتر مراعات حال آنان را بکنیم.

آمار سالخورده‌گان کشته شده در ترافیک طی سال ۱۹۹۶ به شرح زیر است:
۳۶ درصد پیاده، ۱۵ درصد دوچرخه‌سوار، ۲۴ درصد سرنشین وسیله شخصی و ۵ درصد بقیه عوامل ترافیکی.

سرژانو مارچلوبالبر ترجمه فرخ حسامیان

اطلاع‌رسانی و وسائل ارتباط جمعی، همراه با تفکیک بیشتر در فرآیند تولید باعث جای‌جایی‌های مهمی در تولید شده است. امروزه دانش و نیروی کار ارزان جای مواد اولیه را در عوامل اصلی تولید گرفته است. با تحرک پذیری بیشتر سرمایه، موانع نهادی و جغرافیایی روز به روز اهمیت خود را بیشتر از دست می‌دهند. حکومتها تسلط خود را بر اقتصاد از دست داده‌اند، بویژه در مواردی که سهم اصلی سرمایه گذارها از سوی شرکت‌های خارجی تأمین می‌شود. از سوی دیگر، اقتصاد آزاد همواره باعث کاهش نقش کنترل دولت می‌شود. برنامه‌های اصلاحات ساختاری که اخیراً در کشورهای در حال توسعه دنبال می‌شود، در جهت لیبرالی کردن اقتصادهای ملی و محلی بوده‌اند. هدف اصلی - اگر نگوییم تنها هدف - باز کردن درهای اقتصاد به روی رقابت آزاد با از میان برداشتن چارچوب‌های پیچیده و دست و پاگیر قانونی است؛ قوانینی که باعث آفت‌بازدهی و کاهش توان شرکت‌های کوچک و تولیدکننده‌های خرد می‌شود. نمی‌توان انکار کرد که بخش دولتی از نظر کارایی در تولید کالا و ارائه خدمات، سطح پایین‌تری از بخش خصوصی دارد و دلیل بقای شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی صرفاً فقدان رقابت بوده است. در روند جهانی شدن فعلی، به زحمت می‌توان با ایجاد موانع و سدهای سیاسی این گونه شرکت‌ها را حفظ کرد و مانع ورودشان به بازار رقابت شد. بخش دولتی در مقابل افزایش بازدهی در بخش خصوصی و ارائه خدمات و کالاهای بهتر، ناتوان تر جلوه می‌کند.

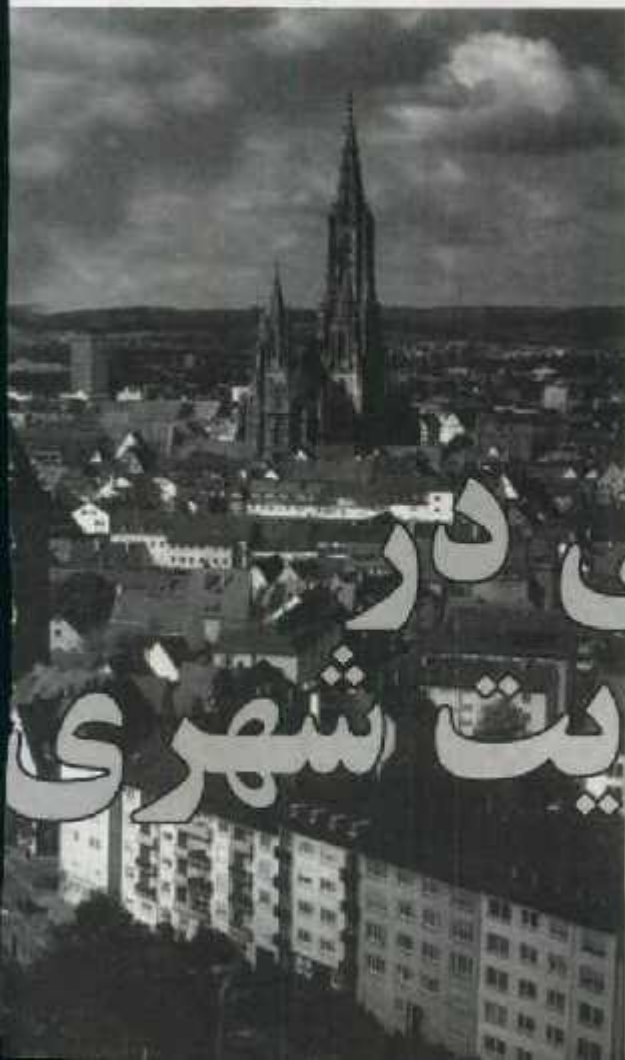
سیاست تمرکز زدایی که امروزه در کشورهای در حال توسعه مطرح است، گسست آشکاری با گذشته این کشورها دارند. کشورهای در حال توسعه معمولاً دارای حکومت‌های متمرکز بوده و دولتهای مرکزی تنها تصمیم‌گیرنده در مسائل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به حساب می‌آمدند. تنها تعداد معدودی از کشورهایی که هنوز در آنها رژیمهای نظامی و دیکتاتوری بر سر کارند، از این روند به‌کنار مانده‌اند.

هر چند ممکن است عده‌ای معتقد باشند در حال حاضر سیاستهای تمرکز زدایی بیشتر صوری هستند، ولی جای تردید نیست که نه تنها حکومت‌های این کشورها روز به روز انعطاف بیشتری در مورد افزایش اقتدار شهردارها و نقش جدید آنها نشان می‌دهند، بلکه شاید این شرایط تنها راه حل مشکلات این کشورها باشد.

همان‌طور که تحقیقات نشان می‌دهد روند جهانی شدن اقتصاد به‌طور حتم نقش دولت‌ها را تضعیف نموده است. قانون جدید

بسیاری از سیاستمداران و دولتمردان محلی نسبت به سیج اجتماعی، درگیر نمودن نیروهای مؤثر، سازش و اقدام هماهنگ و تمایز میان مدیریت و حکومت بینش لازم را ندارند

هنر اداره امور، آن نوع حکومتی است که قادر است عوامل مؤثر را در جامعه شهری در کنار یکدیگر بکار گیرد تا به اهدافی در جهت بهبود مناسبات اجتماعی و اقتصادی که زیربنای کارکرد شهر و جامعه است برسد



تمرکز زدایی در مدیریت شهری

در بسیاری از کشورها بویژه در آفریقا دولت مفهومی نسبتاً جدید است. بسیاری از دولتهای نوپا مفاهیم استعماری را یاد می‌کنند و مفهوم دولت - ملت هنوز جانفناده است. به همین دلیل، دولت در این کشورها با تحمیل قوانین و کنترل‌هایی که بیشتر مبتنی بر باندهاست تا واقعیات، باری اضافی تلقی می‌شود تا کمکی به جامعه و اقتصاد آن. تحمیل طرحهای جامع برای کنترل توسعه شهرها نمونه‌ای از این دست است.

دولتها در زمنه توزیع متعادل ثروت ناتوان ترند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شکاف بین اقلیت ثروتمند و اکثریت فقیر بویژه در شهرها عمیقتر شده است.

همان طور که اشاره شد روند جهانی شدن اقتصاد، اهمیت سنتی عوامل تولید را کاهش داده است. هر چند دسترسی به مواد اولیه و قرارگیری در مسیرهای ارتباطی هنوز هم عامل مهمی در تولید محسوب می‌شود ولی دیگر عامل حیاتی نیست. حتی نیروی کار از آن هم اهمیتی را که در گذشته داشت دیگر ندارد. چرا که امروزه این نیرو در تمام کشورها وجود دارد. تکنولوژی ارتباطات و جریان وسیع اطلاعات به سرمایه تحرک بخشیده است. سرمایه‌گذاری در مائیل، نایروبی یا ماناگوا از دیدگاه سرمایه هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارد. مهمترین و تعیین کننده‌ترین عامل در انتخاب بینه، شرایط سودآوری است. این شرایط، بیشتر محیط سرمایه‌گذاری است و عواملی چون تشویقهای مالیاتی، ثبات سیاسی، میزان فساد اداری و شرایط ایمنی را نیز در بر می‌گیرد. با

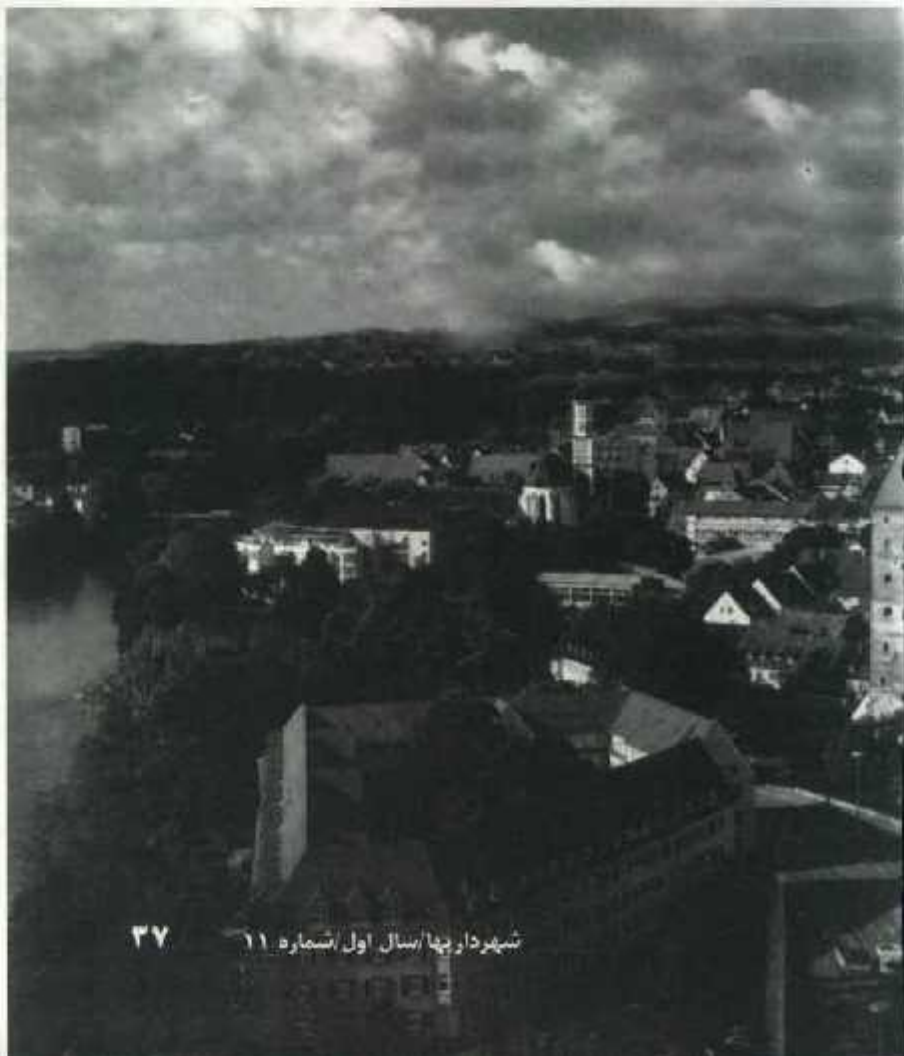
کاهش نقش دولت، حکومتهای محلی تأمین این شرایط را به عهده می‌گیرند. زمین ارزان قیمت برای صنایع، مصافیتهای مالیاتی، شهرداران فعال و مایل به تأمین زیرساختها و خدمات مورد نیاز و بالاخره شرایط امنیتی مناسب از عواملی هستند که جذب سرمایه را تشویق می‌کنند.

شاید این نکته متناقض به نظر برسد که در شرایطی که آزادیها هر چه بیشتر جهانی می‌شوند و شرایط محلی نیز روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابند، درست است که سرمایه تحرک فوق العاده‌ای پیدا کرده و به هر جایی می‌تواند برود ولی ناچار است سرانجام در جایی فرود آید و این هم در شهرهاست. به این دلیل آنچه در شهرها می‌گذرد، یعنی شرایط زیر ساختی و خدماتی، وضعیت مسکن، توان حل مسئله ترافیک، کاهش آلودگی هوا، میزان جرم، و جنایت و... در رقابت با شهرهای منطقه و دنیا اهمیت زیادی می‌یابند. بر همین اساس با تضعیف نقش دولتها و مرزهای ملی، حکومتهای محلی و شهری به کانون اصلی سیاست تمرکززدایی تبدیل می‌گردند. این امر را می‌توان در روند دموکراتیک شدن تعدادی از کشورها مشاهده کرد. با وجود مشکلات و موانع متعدد، در اکثر کشورها تقویت حکومتهای محلی، عنصری حیاتی و سوازی باروند تحولات اقتصادی تلقی می‌شوند.

رابطه مستقیمی بین شکل‌گیری دموکراسی (پلورالیسم، انتخابات شهرداران و شورای شهرها، شفافیت در نظامهای انتخاباتی) و اصلاحات اقتصادی وجود دارد. با کاهش بودجه‌های دولت که نتیجه تغییرات ساختی است، تقریباً تمامی پارانه‌ها حذف شده و در نتیجه شرایط بهداشتی، آموزشی، مسکن و بسیاری از خدمات مرتبط با جمعیت شهری به شدت تنزل یافته‌اند. کاهش پارانه‌ها و رفاه عمومی در صورتی پذیرفته می‌شوند که امتیازات سیاسی بیشتر داده شود و مشارکت بیشتر جامعه شهری در تصمیم‌گیری تأمین شود. باز کردن درهای اقتصاد معمولاً تنزل شدید ارزش پول ملی - مانند کشورهای فرانسوی زبان آفریقا در سال ۱۹۹۵ و نیز بیکاری وسیعی به دنبال دارد. رویارویی با این عواقب مستلزم وجود دموکراسی، بویژه در سطح محلی است تا از طریق آن بسیاری از اعتراضات و تظاهراتی که ممکن است انفجار خطرناکی را به وجود آورند، جذب شوند.

روند دموکراسی و سیاستهای تمرکززدایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نتیجه فشار مردم نیز هست. در آمریکای لاتین خواست مردم برای حکومتی محلی که پاسخگوی آنها بوده و شکاف بین آنها و دولت مرکزی را پر کند، نقش مهمی در روند دموکراسی داشته است. همین روند در کشورهای آفریقای شمالی که به طور سنتی دولتهای بسیار متمرکز داشتند نیز مشاهده می‌شود.

این نکته که روند تمرکززدایی تا چه حد نتیجه جنبشهای مردمی است و تا چه میزان لازمه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و کارکرد جهانی شدن بازارهاست خود جای بحث دارد. نتیجه این بحث هر چه باشد این نکته روشن است که جامعه محلی، یعنی شهر در سالهای آینده، مکان اصلی و شاید تنها مکان تعیین سیاستهاست.





یکی از شاخصه‌های تغییرات و اصلاحات ساختاری، کاهش هزینه‌های دولتی است. تمرکززدایی یکی از روشهای کاهش هزینه به شمار می‌آید زیرا بسیاری از امور و فعالیتها به حکومتهای محلی محول می‌شود، بدون اینکه منابع مالی لازم برای انجام آن امور به این حکومتها انتقال یابد. بسیاری از اشخاصی که از روند تمرکززدایی شکوه دارند و می‌گویند فقط مسئولیتهای حکومتهای محلی افزایش یافته است بدون اینکه منابع مالی لازم در اختیار آنان قرار گیرد، فراموش می‌کنند که یکی از اهداف روند تمرکززدایی، کاهش بار دولت مرکزی و مجبور کردن شهرداریها به تأمین منابع مالی لازم برای احداث مدارس، جاده، سیستم‌های آب و فاضلاب و یادست کم نگهداری تأسیسات و تجهیزات موجود است. سیاست خود کنایه مالی در پروژه‌های شهری نمونه بارزی از این انتقال است.

بنابراین در رقابت جهانی، شهرها با دو چالش متناقض روبرو هستند: از یک سو حکومتهای محلی ناچارند حداقلی از خدمات اولیه را برای جمعیتی در حال رشد که اکثر آنها از اقشار کم درآمد و فقیر هستند تأمین کنند و از سوی دیگر می‌بایست برای جذب سرمایه، شرایط و محیط شهری مطلوبی فراهم آورند و زیرساختها و خدمات مورد نیاز را در رقابت جهانی تأمین کنند. این همان تناقض قدیمی میان کارایی و برابری اجتماعی است، ولی با توجه

اشخاصی که از روند تمرکززدایی شکوه دارند و می‌گویند فقط مسئولیتهای حکومتهای محلی افزایش یافته است بدون اینکه منابع مالی لازم در اختیار آنان قرار گیرد، فراموش می‌کنند که یکی از اهداف روند تمرکززدایی، کاهش بار دولت مرکزی و مجبور کردن شهرداریها به تأمین منابع مالی لازم برای احداث مدارس، جاده، سیستم‌های آب و فاضلاب و یادست کم نگهداری تأسیسات و تجهیزات موجود است

مورد نحوه تخصیص بودجه پیدا کرده است و در عوض شهرداریها و سازمانهای شهرداری از اهمیت سیاسی بیشتری در تعیین سرنوشت شهر خود برخوردار شده‌اند.

تحول در سیاست محلی به این معنی است که نهادهای محلی، صرفاً مسئول تقسیم بودجه دولتی نیستند و نمی‌توانند تمام مسئولیت کمبودها و مشکلات را بر عهده دولت بگذارند. نتیجه این وضع این است که اولاً می‌بایست پروژه شهری مورد توافقی وجود داشته باشد که تعیین کند شهر آینده چگونه باشد که این خود مستلزم وجود چشم‌انداز میان مدتی برای کانالیزه کردن سرمایه گذارها بر اساس یک برنامه هماهنگ است تا از هرج و مرج فعلی در حرکت سرمایه‌ها جلوگیری کند. ثانیاً هر پروژه شهری نیازمند اطلاعات قابل اتکاست. در حال حاضر اکثر حکومتهای محلی دانش اندکی در زمینه درک شهر دارند. ثالثاً پروژه شهری باید به تصویب و توافق عوامل محلی متعددی برسد. شهرداری نمی‌تواند بدون هماهنگی بخش خصوصی، سازمانهای غیردولتی، شوراهای محلی، اهداف و برنامه‌های خود را تدوین نماید، چرا که بدون چنین هماهنگی نمی‌توان این بخشها را به مشارکت یا پروژه شهری فرا خواند.

این مسئله موضوع سهام داران بخش خصوصی و توانایی آنان را در بازیگری مؤثر در صحنه شهری به میان می‌کشد. با وجود ضعف این بخش، اما حضور دائمی آن در صحنه شهری مثلاً در شهرهای آمریکای لاتین، زمینه مناسبی برای ساختن یک پروژه شهری مورد توافق فراهم می‌شود. در این زمینه نهادهای بین‌المللی می‌بایست توجه خود را به تقویت سیاسی و فنی نهادهای محلی معطوف کنند.

این شرایط در آمریکا و آسیا متفاوت است. در این مناطق تأکید اصلی بر سازمانهای غیردولتی محلی است که نقش مؤثری در شکل دادن به آینده شهر دارند. گذار از مدیریت محلی به حکومت محلی در نهایت به معنی گذار از بوروکراسی به سیاست است. این فرصتی استثنایی برای به دست آوردن قدرت واقعی محلی و باز کردن راه دموکراسی در این کشورهاست که با چالشها و خطرات

بسیار متناقضی که در اختیار حکومت محلی است این تناقض شدت بیشتری پیدا می‌کند. تزلزل نقش دولت، عدم تمرکز و توزیع قدرت و روند جهانی شدن هر سه سرعت بر نقش حکومتهای محلی تأثیر می‌گذرانند. تا چند سال قبل به جای حکومت محلی «مدیریت محلی» مطرح بود، ولیفقه شهر داران و شهرداریها عمده‌تأجرای برنامه‌هایی بود که در سطح دولت و وزارتخانه‌ها تهیه و ابلاغ شده بود. در بهترین حالت شهر داران شهرهای مهمتر و بزرگتر این حق را پیدا می‌کردند که سهم بیشتری از بودجه ملی را به شهر خود اختصاص دهند، ولی باز هم در این حالت هیچ گونه حقی در مورد انتخاب نحوه هزینه این بودجه به نهادهای محلی وجود ندارد.

در برابر منابع محدود، تقاضاهای متعارض و شدت رقابت میان شهرها و دولتها روز به روز مشروعیت کمتری در تصمیم‌گیری در



تحول در سیاست محلی به این معنی است که نهادهای محلی، صرفاً مسئول تقسیم بودجه دولتی نیستند و نمی‌توانند تمام مسئولیت کمبودها و مشکلات را بر عهده دولت بگذارند

متعددتیز هم‌راه است. چالشها از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از شهرداریها، بویژه شهرداریهای شهرهای کوچک فاقد ابزار مناسب برای وظایف جدید هستند و نه تنها منابع لازم برای تحقق نقشهای جدید، کافی نیست بلکه اغلب آنچه می‌توان «فرهنگ حکومت و اداره امور» نامید نیز در این نهادها وجود ندارد. بسیاری از سیاستمداران و دولتمردان محلی نسبت به بسیج اجتماعی، درگیر نمودن نیروهای مؤثر، سازش و اقدام هماهنگ و تمایز میان مدیریت و حکومت، پیش لازم را ندارند. خطری که این وضعیت را تهدید می‌کند این است که با افزایش قدرت ارگانهای محلی، در صورت عدم موفقیت آن، روند دموکراسی زیر سؤال می‌رود و قسماً به عقب برمی‌گردد. هر چند به کارگیری مکانیسم‌های بازار برای تخصیص منابع و استفاده از بخش خصوصی در تولید و تأمین زیرساختها و خدمات اصلی کارایی اقتصادی شهری را افزایش می‌دهد، ولی اگر مقررات و قواعد این کار دقیقاً تدوین نشده باشند این خطر وجود دارد که این مکانیسمها باعث تقویت توزیع نامتوازن ثروت و امکانات و نتیجه تعمیق شکاف اجتماعی گردند. در این زمان حکومتهای محلی مقصد اصلی معرفی می‌شوند و تخصیص محلی منابع و قدرتهای محلی برای روند جهانی شدن و اصلاحات نامناسب تشخیص داده خواهند شد. در اینجا است که مفهوم «هنر اداره امور» پدید می‌آید که اغلب آن را به عنوان ایده‌های نو معرفی می‌کنند. در واقع مفهوم هنر اداره امور نه جدید است و نه از نظر سیاسی خنثی است.

بزای اینکه بتوان امور جامعه شهری یا روستایی را اداره کرد تنها نمی‌توان فقط یک نهاد صوری را با قدرت تصمیم‌گیری بی‌ریزی کرد، بلکه می‌بایست به عمل حکومت یعنی درگیری در

انخاذ تصمیم، انتخاب، جریمه کردن و سازش اتکا نمود! چیزی که سابقه‌ای طولانی در کشورهای اروپایی دارد. حکومت محلی و هنر اداره امور تنها به قدرت و مهارت در مدیریت و نیز چیزی که بانک جهانی به عنوان «مدیریت دقیق توسعه» از آن یاد می‌کند اطلاق نمی‌شود. هنر اداره امور آن نوع حکومتی است که قادر است عوامل مؤثر را در جامعه شهری در کنار یکدیگر بکار گیرد تا به اهدافی در جهت بهبود مناسبات اجتماعی و اقتصادی که زیربنای کارکرد شهر و جامعه است برسد. این برداشت سیاست از هنر اداره امور در اروپا به خوبی قابل درک است، زیرا در آنجا سیاست به عنوان هنر سازش میان منافع ارزشهای مختلف بویژه در سطح محلی، مفهومی جاافتاده است. از سوی دیگر باید توجه داشت که مفهوم هنر اداره امور دست کم تا آنجا که به مباحث توسعه مربوط می‌شود مفهومی برخاسته از شرایط اجتماعی و سیاسی در غرب است. آنچه بانک جهانی نیز بدان اشاره می‌کند از دموکراسی غربی نشأت گرفته است. چهار حوزه‌ای که بانک جهانی در تعریف هنر اداره امور از آن یاد می‌کند، یعنی «مدیریت بخش عمومی، حسابداری، چارچوب حقوقی توسعه و اطلاعات و شفافیت» در واقع شرایط ضروری برای گذار کردن مؤثر بازار و بخش خصوصی در اقتصاد نئولیبرال است و این الگوی اقتصادی در این مفهوم به عنوان تنها راه توسعه تلقی می‌شود.

اگر چنین باشد یعنی اگر سیاست نئولیبرال تنها گزینه توسعه کشورهای در حال توسعه باشد آن گاه باید پرسید آیا عواملی مانند حسابداری و حکومتهای شفاف قادر خواهند بود کمکی به این روند بکنند؟ موفقیت برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا، دست کم تا پیش از بحران اخیر آنها، بر پایه دموکراسی، تمرکززدایی و یا چیزی به نام هنر اداره امور به دست نیامده است. در نتیجه باید به روشنی درک کرد که توسعه صرفاً نتیجه هنر اداره امور نیست، بلکه امری سیاسی است. بدون چنین درکی بایست نسبت به موفقیت تمرکززدایی در ایجاد شرایط مطلوب شهری تردید کرد و تقویت حکومتهای محلی را به عنوان گامی ضروری، ولی نه کافی، در فائق آمدن بر نابرابریهای بین شهری و درون شهری تلقی نمود.

مشاور حقوقی

حسین احتشامی

حقوقدان

آنچه در ذیل می‌خوانید قدر مشترک سنوالاتی است که از مراکز استانها و شهرستانها به اداره کل حقوقی وزارت کشور ارسال شده‌اند و مشاور حقوقی ماهنامه با توجه به مشکلات و مسائل حقوقی شوراهای استخراج و تنظیم نموده است. بنابر این، پاسخ‌های ارائه شده به سنوالات مذکور به منزله دیدگاه‌های اداره کل حقوقی وزارت کشور تلقی می‌گردد.

استان تشکیل شده باشد همچوار خارج از عرف متداول و محدوده مورد عمل شهرداری است، با وجود این به لحاظ حل مشکل مطروحه بلا مانع به نظر می‌رسد.

با توجه به مفاد ماده ۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مبنی بر تشکیل شوراهای اسلامی برای نظارت بر امور شهر، شهرک و... چگونگی اقدام به تأسیس تعاونیهای تولید، توزیع و مصرف را که در بند ۷ ماده ۷۱ قانون یاد شده، پیش‌بینی شده است از نظر ابعاد نظارتی با اجرایی و به عبارت دیگر مجاز بودن شوراهای برای ورود به امور اجرایی تشریح نماید.

در خصوص بند ۷ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور (مصوب ۱۳۷۵) شورا، نقش سیاستگذار و تدوین کننده مقررات و قواعد لازم برای این گونه مؤسسات و تشکیلات را دارد اما در اجرا جز از بُعد نظارتی هیچ نقشی ندارد و از بازوهای اجرایی خود از جمله شهرداری و مؤسسات و شرکتها و وابسته به آن استفاده می‌کند و به عبارت دیگر شورا نظارت به مفهوم دخالت در امور دستگاههای اداری و اجرایی ندارد.

در شورای ۵ نفره به دلیل استعفا یکی از اعضا و جایگزینی اعضای علی‌البدل تعداد اعضا به ۴ نفر ارتقا یافته و همچنان باقی مانده است. آیا در شورای مذکور به علت نداشتن اعضای علی‌البدل و یا عدم حضور یک نفر عضو اصلی، نیازی به اعمال ماده ۳۱ قانون شوراهای هست یا خیر؟ انتخابات میان دورهای موضوع ماده ۲۱ قانون شوراهای ناظر به آن دسته از شوراهایی است که تعداد اعضا از حد تصاب برای رسمی شدن موضوع ماده ۱۵ قانون شوراهای ماده ۱۱ آیین نامه مالی - داخلی شورا کمتر باشد، به این نحو که تعداد اعضای باقی مانده فاقد رسمیت لازم برای تشکیل جلسات و اتخاذ تصمیم باشند.

در صورتی که شورای یاد شده در حال حاضر با استفاده از اعضای علی‌البدل در ۴ نفر باقی مانده است می‌تواند با رعایت حد تصاب مقرر در قانون، تشکیل جلسه داده و اتخاذ تصمیم نماید. آیا سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور می‌تواند مستند به بند تبصره ۸ قانون بودجه کل کشور، ۲ درصد از درآمد حاصله از عملکرد سازمان همیاری شهرداریها را با توجه به اینکه صدر صد سهام این سازمان متعلق به شهرداریهای همچوار در استان است مطالبه و ادعای وصول آن را بنماید یا خیر؟

بند تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ ناظر به آن دسته از واحدها و دستگاههایی است که خدمات خود را انحصاراً به منظور کسب درآمد ارائه می‌نمایند و در صدد جمع آوری سود هستند، در صورتی که شهرداریها با توجه به سختی و ماهیت امور قانونی محوله جزء مؤسسات عام‌المنفعه و غیر دولتی و عمومی محسوب شوند (ماده ۵ قانون محاسبات عمومی و قانون فهرست مؤسسات عمومی غیردولتی - مصوب سال ۱۳۷۳) حاصل عواید به دست آمده (عوارض قانونی) در قالب بودجه مصوب به طور کامل در جهت ارائه خدمات و انجام طرحهای عمرانی شهری به مصرف

در تبصره‌های ۲ و ۳ ذیل ماده ۱۰۰ آمده است چنانچه مالک و یا ذی نفع از پرداخت جریمه صادره از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰ خودداری نماید، پرونده مجدداً به همان کمیسیون ارسال و کمیسیون نیز نسبت به صدور رای تخریب اقدام خواهد نمود، اما این موضوع در تبصره ۴ که شکل تخلف نیز تغییر می‌یابد قید نگردیده است در این باره سنوالات زیر مطرح است:

الف - اعلام نماید آرای که از سوی کمیسیون های ماده ۱۰۰ به استناد تبصره ۴ صادر می‌گردد چنانچه مالک و یا ذی نفع از پرداخت جریمه خودداری نماید، آیا مجدداً قابل طرح در کمیسیون های یاد شده هست یا خیر؟

ب - آیا شهرداری می‌تواند نسبت به طرح موضوع کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها اقدام نماید؟

ج - چنانچه رای کمیسیون تجدید نظر از سوی دیوان عدالت اداری نقض و رسیدگی آن به کمیسیون هم‌عرض واگذار گردد، با توجه به اینکه نماینده وزارت کشور در کمیسیون های تجدید نظر استان یک نفر است، آیا می‌توان پرونده را در کمیسیون های هم‌عرض استان مطرح و یا به کمیسیون های هم‌عرض خارج از استان فرستاد یا خیر؟

الف - نظر به اینکه حکم تبصره های ۲ و ۳ ماده ۱۰۰ صرفاً ناظر به اضافه بنای مازاد بر تراکم است و متحصراً در این مورد، شهرداری مجاز به طرح پرونده در کمیسیون ماده ۱۰۰ برای پرداخت جریمه است. از آنجا که تبصره های یاد شده، نسبت به بنای در حد تراکم موضوع تبصره ۴ صراحتی ندارند، بنابراین شهرداری قانوناً نمی‌تواند نسبت به مواردی که بنا در حد تراکم (موضوع تبصره ۴) است تقاضای قطع بنا را از کمیسیون ماده ۱۰۰ بدهد و کمیسیون ماده ۱۰۰ هم در این مورد صالح به صدور و اتخاذ رای تصمیم نیست.

ب - صلاحیت قانونی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری - که ناظر به حل اختلاف بین مودی و شهرداری است - نسبت به عوارض شهرداری است و این امر به جرائم ماده ۱۰۰ قانون شهرداری - که ناشی از تخلف ساختمانی می‌باشد - تعلق نمی‌یابد.

ج - با توجه به مفاد تبصره ۱۰ ماده ۱۰۰، عضو کمیسیون بدوی که نسبت به پروندهای اتخاذ تصمیم نموده، نمی‌تواند در مرحله تجدید نظر به همان پرونده رسیدگی نماید و بر فرض هم که رای قطعی تجدید نظر از سوی دیوان عدالت اداری نقض و برای رسیدگی مجدد به همان کمیسیون ارجاع گردد، با همان ایراد مواجه می‌شود، از این رو با عنایت به اینکه کمیسیون تجدید نظر در

تعیین نرخ کرایه تعیین شده‌اند، آیا شوراهای اسلامی شهر با توجه به اختیارات ماده ۷۱ قانون شوراها می‌توانند نسبت به جرح و تعدیل میزان بهای بلیط اقدام نمایند یا خیر؟

ترتیباتی که برای تعیین نرخ کرایه در اساسنامه مورد عمل مقرر گردیده، کماکان می‌تواند ملاک عمل واقع شود. اما از آنجا که به موجب بند ۲۷ ماده ۷۱ قانون شوراها، شورا مرجع تصویب نرخ کرایه است، بنابراین آن قسمت از مواد اساسنامه که ناقض این اختیار است، اعتبار ندارد ولی سازمان می‌تواند پس از بررسی‌های به عمل آمده و تکمیل اقدامات انجام شده موضوع را برای تصویب به شورای شهر پیشنهاد نماید. بدیهی است، با عنایت به اطلاق مرجع تصویب و عمومیت و مفهوم که عنوان تصویب دارد، شورا می‌تواند نسبت به قبول یا رد و همچنین جرح و تعدیل میزان بهای بلیط یا تشخیص خود اتخاذ تصمیم نماید.

آیا شوراها می‌توانند از مهر برای ممهور نمودن اوراق و مکاتبات خود استفاده نمایند؟

در قانون شوراها و آیین نامه‌های اجرایی مربوطه، حکمی که مانع از ایجاد و استفاده مهر از سوی شورا باشد ملاحظه نگردید. مضافاً اینکه چنانچه مصوبات شورا علاوه بر امضای اعضا، ممهور به مهر شورا گردد، از درجه اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود. از این رو حکم مهر و استفاده از آن با توجه به شخصیت حقوقی مستقل شورا مانع قانونی ندارد.

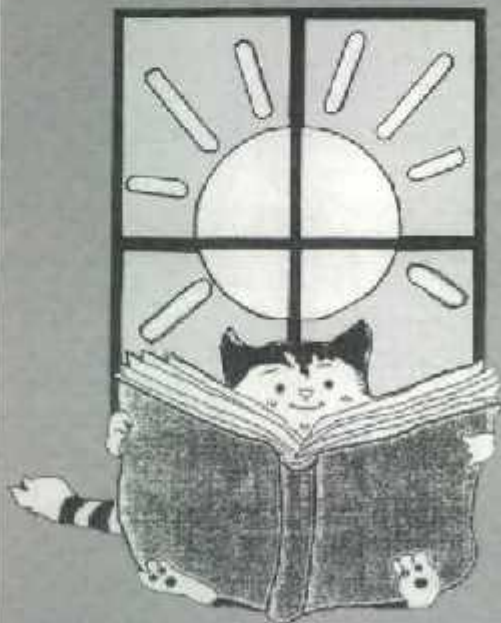
می‌رسد از این رو تلقی خدعاتی بودن شهردارها به صرف توجیه و انطباق حکم بند د تبصره ۸ قانون بودجه از منطبق و استدلال ضعیفی برخوردار است و با توجه به توضیح فوق، حکم تبصره یاد شده نمی‌تواند مورد نظر قانونگذار - با در نظر گرفتن کمکهای مالی که دولت در قالب همان قانون، سالیانه به بودجه شهردارهای کشور تزریق می‌نماید - باشد و منطقیاً هم با عملکرد شهردارها سازگاری ندارد.

از سوی دیگر سازمان همیاری شهردارها بر اساس سرمایه شهردارهای همجوار و به منظور تسریع در امور شهردارهای عضو، تأسیس یافته و کاملاً وابسته به شهردارهای ذی‌نفع است. هدف این سازمان پشتیبانی مالی، مدیریتی، امکانات و تجهیزات عمرانی، خدماتی و... به شهردارهای عضو است و حکم یاد شده سازمانهای وابسته دیگر را شامل نمی‌شود.

آیا واحدهای گشتار گوشت و طیور به دلیل اینکه محصول کار آنها تولیدی تلقی نمی‌شود، مشمول پرداخت ۱ درصد عوارض بر محصولات تولیدی می‌گردند یا خیر؟

مشمول اطلاق تعرفه عوارض ۱ درصد بر محصولات تولیدی به استثنای کالاهای پارانه‌ای، اعم و کلی است، یعنی شامل صنایع تبدیلی نیز می‌گردد به همین اعتبار گشتار گاوهای صنعتی گوشت و طیور نیز از این قاعده مستثنی نخواهند بود.

با توجه به اینکه شرکتها و سازمانهای اتوبوسرانی مطابق اساسنامه‌های مصوب به کیفیت که مقرر گردیده، مرجع



شرکت کار آلومینیوم

کارال

صنایع آلومینیوم در ساختمان

ارائه کننده خدمات فروش و نصب
در زمینه‌های نمای ساختمان
رستخیز کلی، کابله آکریلیک
دامپا - بافل - تاپز

نماینده رسمی فروش محصولات **مدالک**
(تکلیا دروینجره استناد دارد شده ایران)

تهران، سعادت آباد، پل مدیریت، ساختمان شماره ۶۷، طبقه چهارم شمالی

تلفن: ۲۰۹۱۸۶۰ - ۲۰۹۱۸۸۰ فاکس: ۲۰۸۴۴۷

از نگاه شهردار

گفتگو با صادق محمدی
شهردار آغاچاری
غلامرضا طالبی



عده پیرو منی، انقدر شد که تأسیسات تقویم چندم شد که شوکتی که تمام شده بود و از این هم از شهر رها شده بودم در جستجوی کار به اینجا آمدم. اینجا بخت بد و جالبی نشین شد. فرود آغاچاری و فرود استعد میلیم. همیشه اینان، اهواز و... چیزهای بی ما که ویش بر نوشتی مشابه جز خدا با تأسیس شوکت نفت متولد می شود و با این کار شوکت نفتی رو به پایان می رسد. سختی ترین است که این کار به شهر هاتر از حد مصر فاضلی دارند و با اینکه هر قبضی می بایست سر پیماندا حرف و حدیث بسیار است. اما صادق محمدی از شهر آغاچاری نامی توانست روی دست بگیرد و شاهد بر کتبی شهر باشند. پس گویند نزدیک آهواز و دهیو سر راهی که با این کار هزینه شده تا یک شهر، شهر شهید را حتی از این بود که محمدی که از دانشگاه تهران فوق لیسانس شیمی را در ده مصمم شد تا باقی کربن و استعداده صحیح از توشلی های موجود شهر را از او برگزینی. نجات دهد به راستی بر آغاچاری چه گذشته است؟

شمارش معکوس در آغاچاری از سال ۱۳۶۰ شروع شد. جمعیت شهر در آن موقع به ۴۰ هزار نفر رسیده بود، اما رو به کاهش گذاشت و اکنون در مرز ۱۲ هزار نفر است!

آقای محمدی چرا اصرار دارید شهر را زنده نگه دارید؟

ببینید ۲ میلیارد تومان سرمایه در این شهر خوابیده است؛ خیابانها، ادارات، مناطق مسکونی، شبکه های آب، برق و... بهتر نیست به جای اینکه شهرهای جدیدی مانند شیرین شهر و شهر جدید رامین در اهواز و جاهای دیگر احداث کنیم، جاهایی مانند آغاچاری را که هنوز استعداد شهر بودن خود را به طور کامل از دست نداده اند، احیا کنیم؟ اگر این اتفاق نیفتد، این ۲ میلیارد تومان بتدریج از بین می رود و برای احداث شرایطی مشابه در جایی دیگر، می بایست چند برابر هزینه کنیم و این یعنی بی توجهی به سرمایه های مادی و معنوی کشور.

ساکنان آغاچاری کجا رفته اند؟

چه فرقی می کند؟ هر جا سویی از امید دیدماند؛ امیدیه، اهواز و... در اهواز ۱۶ نقطه خاشیه نشین، با حدود ۴۰۰ هزار نفر جمعیت وجود دارد که عمدتاً در سالهای پس از انقلاب متولد شده اند. حصار آباد اهواز بیش از ۸۰ هزار نفر جمعیت دارد که قطعاً بخشی از مهاجران آغاچاری را در دل خود جای داده است.

برای زنده نگه داشتن شهر از کجا آغاز کردید؟

ابتدا می بایست جمعیت را نگه می داشتیم. حضور مردم در

شهر، باعث حیات شهر می شود.
علت مهاجرت مردم چه بود؟

مهمترین مشکل انسان اشتغال بود و در مراحل بعد، مسائلی چون کمبود امکانات، محیط کسالت آور زندگی، سیمای نامطلوب شهر و... ما این محورها را اولویت بندی کردیم و ایجاد اشتغال را به عنوان گام نخست برگزیدیم؛ یعنی راه اندازی مراکز تولیدی با امکانات شهرداری و یا مشارکت مردم و بخش خصوصی.

تا به حال در زمینه اشتغال زایی چه کرده اید؟

در چند محور کارهایی انجام داده ایم. با مالک یک کارخانه تولید رب گوجه فرنگی به توافق رسیدیم که با سهم مساوی این کارخانه را دوباره راه اندازی کنیم. اکنون ۸۰ نفر در این واحد تولیدی مشغول کارند. مورد دیگر قالی بافی و تولید توپ فوتبال است. کسانی را که توانایی دارند تشویق و ترغیب می کنیم تا سرمایه گذاری کنند و در راه اندازی کلاسهای آموزش صنایع دستی، سهمی به عهده بگیرند. به جهاد سازندگی، سازمان قنی و حرفه ای و سایر ادارات نیز گفتیم با این افراد در این زمینه همکاری کنند.

همکاری مردم به چه صورت است؟ در جاهایی که شما تعیین می کنید کار می کنند و با آن را در منازل خود به انجام می رسانند و به شما تحویل می دهند؟

به عنوان مثال ما به وسیله دستگاه پرس، چرم مورد نظر را به قطعات مشخص تقسیم می کنیم و آنها را در اختیار خانواده ها می گذاریم. آنان کار را پس از اینکه در منزل خود انجام دادند، به ما تحویل می دهند. با اداره کل صنایع دستی در مورد قالی بافی صحبت کرده ایم که در سالی که مربوط به شهرداری است کلاس آموزش را برگزار کند و در همین زمینه، بخش خصوصی را نیز تشویق کرده ایم که سرمایه گذاری کند و به خانواده ها دار قالی بدهند و سپس قالی را در بازار بفروشند.

برای نگهداشتن مردم در شهر فقط ایجاد اشتغال کافی نیست، شهر وند به امکانات تفریحی، ورزشی، فرهنگی، ساخت و ساز و... نیز نیاز دارد.

بله و به همین دلیل کار دیگر ما تشویق به ساخت و سازهای تجاری و مسکونی است. حتی امکاناتی هم در اختیار آنان می گذاریم؛ چه ادارات دولتی اقدام به این امر کنند و یا بخش خصوصی، برخی افراد تا به حال سرمایه گذاری کرده اند. با ادارات مختلف نیز هماهنگی هایی صورت گرفته است. خود شهرداری هم در تدارک ساختن منازل مسکونی است. بخش خصوصی تصمیم گرفته مجتمع پینشکان را بسازد و مردم نیز به ساختن منازل مسکونی توجه نشان داده اند.

آغاچاری چه سرمایه های خود را از دست داده است، برای زیباسازی شهر چه فکری کرده اید؟

تصمیم ما این است که چهره فرسوده، در هم ریخته و زشتی را که اکنون بر شهر حاکم است مرمت و ساماندهی کنیم. زیرا محیط زیبای شهری، زمینه دیگری است که مردم را به ماندن در شهر تشویق خواهد کرد. ما در همه سطح شهر نمی توانستیم کار کنیم، از این رو دو محور مهمتر را انتخاب کردیم؛ یکی محور ورودی و خروجی و دیگری بخش مرکزی شهر. محورهای ورودی و خروجی

روشهای کنترل آلودگی صوتی

علیرضا میکائیلی
دکتر در محیط زیست

نیاز به آرامش و سکونت از نیازهای اساسی هر انسان سالم است. انسان پس از فعالیت روزانه برای بازسازی توان از دست رفته خود به آرامش نیاز دارد. در صورت پذیرفتن این واقعیت باید میزان تراز صوتی محیط زیست - به عنوان یکی از شاخصهای مهم در تعیین کیفیت آن - به رسمیت شناخته شده و در برنامه ریزی و طراحی محیط شهری منظور شود.

در مجموع، با توجه به تعاریف متداول در مورد سر و صدا می توان گفت: «هر صدای ناخوایسته، ناخوشایند و گوش خراش، تحت هر شرایطی سر و صدا نامیده می شود». از آنجا که اغلب اختراعات بشر در قرون اخیر سر و صدا دارد، برای بهسازی محیط زیست از نظر آلودگی صوتی چهارمای جز به کارگیری روشهای کنترل سر و صدا در محیط وجود ندارد. در این مقاله ابتدا منابع تولیدکننده سر و صدا و اثر آن بر انسان و جانوران در محیط بیان شده و سپس به تشریح روشهای کنترل سر و صدا توجه شده است.

تعریف مفاهیم

از نظر روانشناسی سر و صدا عبارت است از صوت نامطلوب یا ناخوشایند و یا ناخوایسته. در تعریف علمی نیز سر و صدا مخلوطی است از صوتهای مختلف با طول موجها و شدتهای متفاوت که

ترکیب مشخص و معینی نداشته و برای گوش ناخوشایند است. از نظر کمی در تعریف آلودگی صوتی باید گفت هر گاه بار صوتی محیط از حدود ۸۰ تا ۸۵ دسی بل بر واحد سطح فراتر رود، انسان بتدریج دچار عوارض ناشی از تأثیر آلودگی صوتی (آستانه بحران) می شود و هر گاه بار صوتی محیط به حدود ۱۱۰ دسی بل بر واحد سطح برسد باعث ایجاد درد و بروز آسیبهای جدی در دستگاه شنوایی می شود و ممکن است پرده گوش نیز پاره شود (آستانه درد).

منابع تولید کننده سر و صدا

منابع تولید کننده سر و صدا را می توان به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

- ۱- وسایط نقلیه
- ۲- مراکز و فعالیتهای صنعتی
- ۳- ماشین آلات و تجهیزات ساختمانی
- ۴- سر و صدای فرودگاه و هواییها
- ۵- خطوط راه آهن و قطارها
- ۶- پارکها و مراکز تفریحی
- ۷- سر و صدای ایجاد شده در منازل.

تأثیر آلودگی صوتی بر انسان و موجودات دیگر

چنانچه انسان و نیز سایر موجودات به طور مداوم در معرض سر و صدای ناشی از منابع مولد آلودگی صوتی قرار گیرند، اثرات سوء سر و صدا در آنان آشکار می گردد. تأثیر صدا بر انسان به صورت زیر خلاصه می شود:

الف- اثرات شنوایی:

- ۱- ناشنوایی هیپاتی
- ۲- ناشنوایی عصبی
- ۳- ناشنوایی بیرونی

ب- اثرات غیر شنوایی:

- ۱- اثرات فیزیولوژیک
- ۲- اثرات اجتماعی
- ۳- اثر بر فعالیت و نحوه انجام کار.

آلودگی صوتی بر سایر موجودات نیز بی تأثیر نیست. چنانچه در کشاورزها مشخص شده است موشها تحت تأثیر صداهای با شدت ۱۰۰ دسی بل تغییر رنگ می دهند و در ۱۵۰ دسی بل می میرند. در بعضی از انواع ماهی و آبزیان صدای دار در اثر وجود سر و صدا در محیط، رشد غیر عادی و یا مراحل غیر عادی تولید مثل مشاهده شده است. جالب آنکه فرآورده های کشاورزی نیز تحت تأثیر صدا قرار می گیرند. به عنوان مثال در برخی از آزمایشها مشخص شده است که رشد تنباکو در اثر افزایش صدا کاهش می یابد.

روشهای کنترل آلودگی صوتی

روشهای کنترل سر و صدا را می توان به طور کلی به چهار بخش زیر تقسیم کرد:

- ۱- کاهش صدا از طریق ایجاد فضای سبز گیاهی
- ۲- کاهش صدا با استفاده از موانع
- ۳- کاهش صدا با استفاده از عایق صوتی
- ۴- حفاظت انفرادی.

۱- کاهش صدا از طریق ایجاد فضای سبز گیاهی

انواع پوششهای گیاهی سطح فوقانی خاک تأثیر قابل توجهی در کاهش آلودگی صوتی دارند. در صورتی که شرایط آرمانی پوشش گیاهی فراهم باشد یعنی فضای سبز از درختان، درختچه ها و بوته ها تشکیل شده و حداقل ۱۰۰ متر مساحت داشته باشد، بار صوتی حداکثر تا ۱۰ دسی بل بر سطح آفت خواهد کرد. تأثیر فضای سبز در کاهش آلودگی صوتی به عواملی مانند نوع گونه، ترکیب گونه ها، فاصله کمربند ایجاد شده نسبت به محل سکونت و خیابان و شب

می‌کنند صدا بلندتر است. در نتیجه فاصله دورتری را انتخاب می‌کنند.

البته در محیط‌های شهری که با کمبود زمین مواجه هستیم استفاده صرف از گیاهان اسکالیدر نیست. از این رو باید از روشهایی چون خاکریز سبز استفاده نمود. هر چه فاصله خاکریز با منبع صوت کمتر شود به همان نسبت بر وسعت سایه صوتی افزوده خواهد شد. در حقیقت، خاکریز سبز از همان قانون‌مندی‌هایی تبعیت می‌کند که دیوارهای صوت‌شکن تابع آن هستند. از روشهای دیگر کاهش بار صوتی محیط، استفاده هم‌زمان از مصالح غیر زنده و گیاهان به عنوان مصالح ساختمانی زنده است.

۲- کاهش صدا با استفاده از موانع

استفاده از موانع زیستی در سراسر اروپا و قسمتهایی از هند مورد بررسی قرار گرفته و توسعه یافته است. اخیراً ثابت شده استفاده از این موانع زیستی به دلیل نیاز به مراقبت و آبیاری در همه فصول چندان رضایت‌بخش نیست. موانع زیستی عبارت‌اند از:

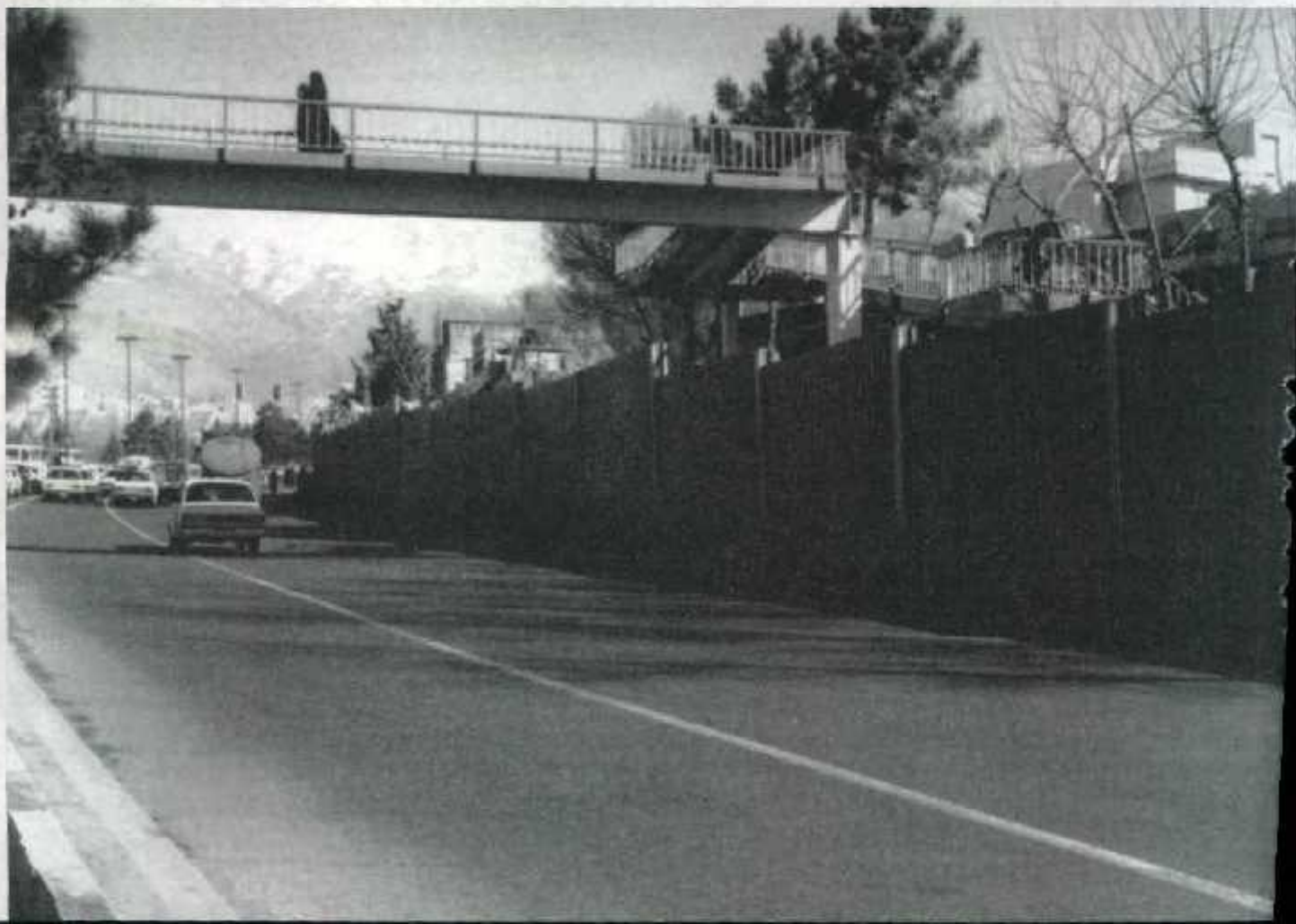
الف- دیوارهای پیش ساخته

این مانع شامل یک دیوار زمینهای است که در کنار چوبی فولادی به عنوان محافظ قرار گرفته است و ترکیبی از خاک در این زمینه یا صفحه پلی اتیلن قرار می‌گیرد. ترکیب خاک متناسب با نوع گیاهانی که استفاده شده، تعیین می‌شود. گیاهان در قسمتهای عمودی دیوارها در سطح صفحه فولادی و در حفره‌های ایجادشده در زمینه یا پلی اتیلن کاشته می‌شود. ارتفاع این مانع حدود ۶ متر است. گرچه معمولاً ارتفاع ۴ تا ۶ متر را برای این موانع در نظر

زمین بستگی دارد. زمانی که از پوشش گیاهی به عنوان کاهش‌دهنده سر و صدا استفاده می‌شود باید موارد زیر رعایت گردد:

- ۱- فضای سبز عمود بر مسیر انتشار صوت طراحی شود.
- ۲- سازه گیاهی به صورت صوت‌شکن عمق کافی داشته باشد.
- ۳- فضای سبز از سطح زمین شروع و تا تاج درختان ادامه یابد.
- ۴- فضای سبز کاملاً آسوده و متراکم باشد.
- ۵- در فضای سبز حتی‌الامکان اکثریت با گونه‌های پهن برگ همیشه سبز باشد.

لازم به ذکر است آنچه اثر پوشش گیاهی را در کاهش آلودگی صوتی بیشتر می‌کند، جنبه زیبایی‌شناختی و روانشناختی آن است. در حقیقت گیاهان به دلیل رنگ آرامش‌بخش خود و نیز پوشاندن صحنه بر تحرک ترافیک که چشم و گوش و روان را می‌آزارد، نقش حائل بصری - روانی را ایفا می‌کنند و شرایط سخت محیط زیست را قابل تحمل‌تر می‌نمایند. در این زمینه تحقیقی در کشور ژاپن در سال ۱۹۹۱ صورت گرفته که در آن دو منطقه یکی کاملاً با حائلی از نوع آرس و دیگری به صورت فضای باز نسبت به خیابان مورد مطالعه قرار گرفت. ابتدا انفراد در موقعیتی مین داخل منطقه پوشیده‌شده از آرس قرار گرفتند، به طوری که صدای اتومبیل در زمان مشخصی شنیده می‌شد و جایگاه تعیین شده در فاصله ۴ متری از لبه خیابان بود. سپس از افراد خواسته شد در منطقه باز در قاصدهای نسبت به خیابان بایستند که صدا را در همان وضعیت احساسی کنند. مشخص شد که همه افراد، موقعیتهایی را انتخاب کردند که بیش از ۴ متر از خیابان فاصله داشت. این آزمایش نشان داد که اثر بصری، افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل در فضای باز احساس



اکولوژیکی ایجاد می کنند. چرا که با اصلاح خاکه ایجاد شیب مناسب و اصلاح محیطه باعث تجمع گیاهان وحشی و دیگر گونه های گیاهی می شوند و رفته رفته زیستگاه موجوداتی چون حشرات، پروانه ها، بی مهرگان، پستانداران کوچک و خزندگان می گردد.

۳- کاهش صدا با استفاده از عایق صوتی

این موانع در کشورهای اروپایی، امریکایی و ژاپن حشداول است. این نوع حایل های صوتی باید به گونه ای طراحی منظور شوند که از نظر معماری شهری و چشم انداز یا سیمای محیط تاثیر منفی نداشته باشند. سه نوع دیوار اکوستیکی به نام های بازتابی، جذب کننده و ارتجاعی وجود دارند. موانع جذب کننده و ارتجاعی به طور کلی صاف هستند. در حالی که موانع بازتابی سر و صدا ممکن است صاف بوده و نقش حائل بصری را ایفا کنند و یا روشن و شفاف باشند. نوع جذب کننده را در نواحی که مناطق مسکونی در دو طرف جاده وجود دارد و انعکاس صدا نیز یک شکل است. به کار می برند و نوع بازتابی در موارد دیگر کاربرد دارد.



شکل ۲: ارتفاع مانع



شکل ۳: فاصله مانع از منبع صوتی



می گیرند. عرض این موانع ۶ دهم متر است و این امر ممکن است باعث خشک شدن گیاهان شود. از این رو این قبیل موانع نیاز به آبیاری دارند. در هلند اغلب این موانع با گیاه هنریا هلیکس پوشیده شده اند.

ب- مبداهای گیاهی ۲

این نوع مانع ترکیبی است از تخت های عمودی در میان رشته های سلاخی بید که به شکل سدی بزرگ به هم پیچیده شده اند و با ترکیب ویزهای از خاک پر شده اند. ساختمان این مانع با استفاده از تخته، بند و طناب تقویت و محکم می شوند. لوله های آبیاری نیز می توانند درون این ساخت به کار روند.

ج- استفاده از قابلهای ۳

این مانع دیواری است با قابلهای از قبل ریخته شده که یکی روی دیگری قرار می گیرد. البته منطقه شروع به عنوان پایه عرض تراست و هرچه بالا می رود از تعداد واحدها کم می شود. عرض دیوار در پایه حدود ۱/۶ متر و ارتفاع آن ۵ متر است. این دیوارها می توانند حدود ۱۰ درجه از خط عمود فاصله داشته باشند.

تأثیر فضای سبز در کاهش آلودگی صوتی به عواملی مانند نوع گونه، ترکیب گونه ها، فاصله کمربند ایجاد شده نسبت به محل سکونت و خیابان و شیب زمین بستگی دارد

گیاهان به دلیل رنگ آرامش بخش خود و نیز پوشاندن صحنه پر تحرک ترافیک که چشم و گوش و روان را می آزارد، نقش حائل بصری-روانی را ایفا می کنند و شرایط سخت محیط زیست را قابل تحمل تر می نمایند

چهار عامل مهمی که کار کردهای اکوستیکی یک حایل را تحت نفوذ خود درمی آورد عبارت اند از:

- ۱- فاصله: یک مانع صوتی باید تا حد امکان نزدیک منبع سر و صدا بنا شود. (شکل ۲)
- ۲- ارتفاع: کمترین ارتفاع مانع باید به گونه ای باشد که خط دید بین منبع و گیرنده قطع شود. (شکل ۳)
- ۳- بیوستگی مانع: هیچ شکاف یا روزنه ای نباید در مانع صوتی ایجاد شود و مانع باید به طور مؤثر نسبت به هوا غیر قابل نفوذ باشد. (شکل ۳)
- ۴- طول مانع: طول حایل صوتی باید حداقل یک تا دو برابر فاصله بین مانع و ساختمان باشد تا انتشار صدا در دو سر مانع به حداقل برسد. (شکل ۵)

انواع موانع به کار برده شده عبارت اند از:

۶- دیوارهای چوبی: این مانع بیش از سایرین در کثرت جادها به کار می رود و بخوبی با سیمای محیط حواصع روستایی تناسب دارد. در برخی مراحل نیز می تواند برای منازل شهری به کار رود که در این صورت لازم است مطابق اصول طراحی باغ طرح ریزی شود.

د- استفاده از سبدهای خاکی ۴

اگر چه استفاده از سبدها اغلب به صورت قرار دادن چوب و بتن برای نگهداری زمین است، اما به عنوان موانع صوتی می توانند به صورت ترکیب سبدها در هر دو طرف و با استفاده از سبدها برای سرآشیمی خلوی یک سد خاکی مورد استفاده قرار گیرند.

۵- خاکریزهای سبز

با کاشت گیاه بر روی خاکریز زمینی می توانیم خاکریز سبز ایجاد کنیم. باید توجه داشته باشیم که هر گاه کاشت گیاه دقیقاً از ابتدای خاکریز شروع و در انتهای آن خاتمه یابد، غیر طبیعی به نظر می رسد و وجود خاکریز را بیشتر تأکید می کند. از این رو باید کاشت گیاه از دو طرف ادامه یابد تا به پنهان کردن خاکریز کمک بیشتری کند. (شکل ۱)

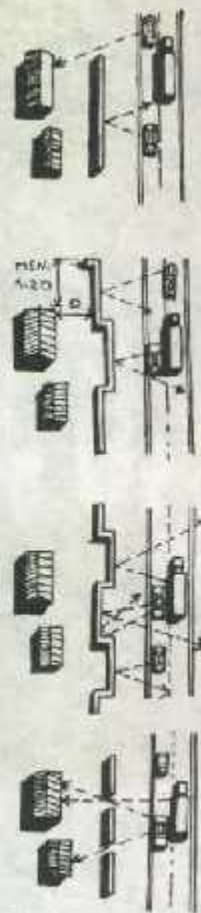
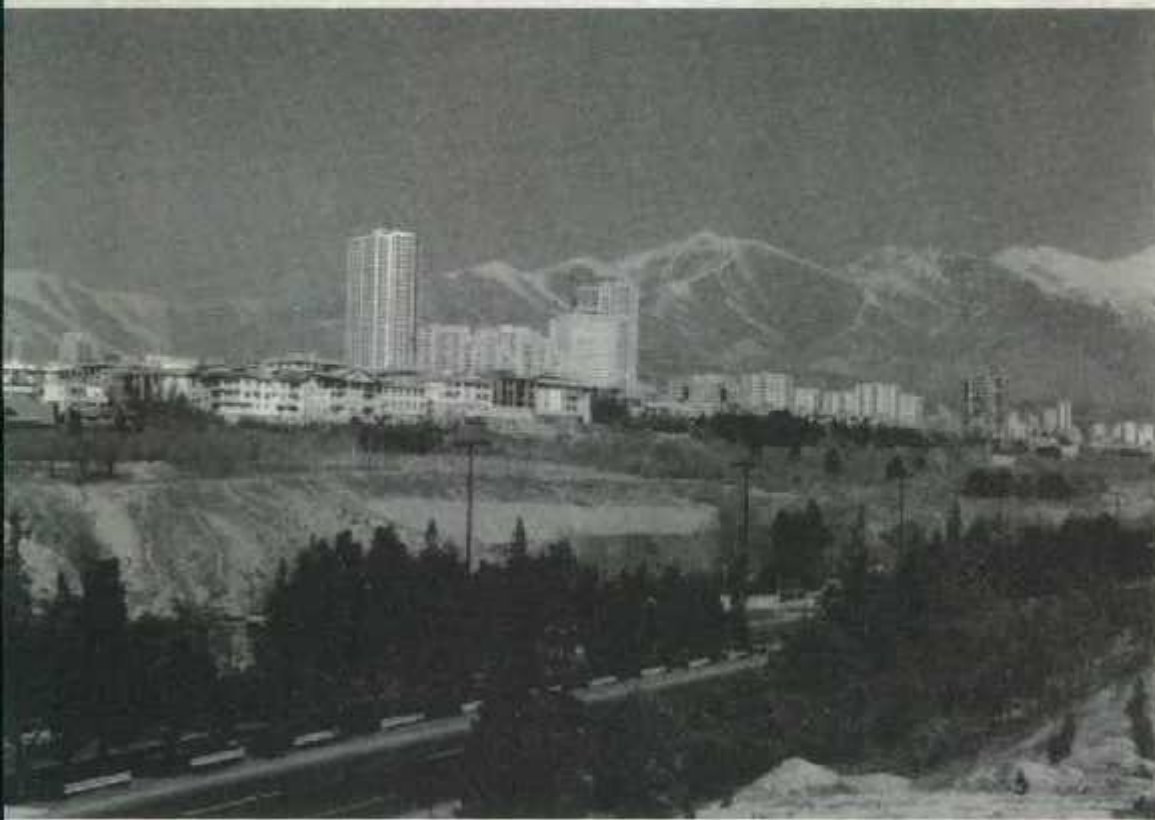
خاکریزهای سبز به دو دلیل سودمند هستند: اول اینکه با محصور کردن خاک یا ریشه خود و نیز جذب آب و کاهش سرعت آن باعث تثبیت خاک می شوند و دوم اینکه چون وجه شیبدار خاکریز را با سیمای آن محیط شبیه می سازند زیبایی بیشتری در محیط ایجاد می کنند. خاکریز گیاهکاری شده فرصتی را نیز برای تنوع

شکل ۱: ایجاد فرم خاکریز سبز با دو طرف گرافن گیاهات بصری



پانویس

- 1- Box Wall Bio - Barriers
- 2- Willow - Weave Bio - Barriers
- 3- Stack Bio - Barriers
- 4- Crib Wall Bio - Barriers



شکل ۳: جدول منابع

شکل ۴: ایجاد سنگساز - مانع

مأخذ: Colin English (1999)

از وسایل و تدابیر زیر استفاده کند:

- قرار دادن موادی در مجرای گوش خارجی: برای این منظور از پنبه، گاز، لاستیک نرم، پلاستیک، موم و... استفاده می کنند. باید توجه داشت که هنگام استفاده از این قبیل مواد فشاری به مجرای گوش وارد نشود و موجب عفونت نگردد.

- استفاده از گوشیه های مخصوص: با استفاده از گوشیه های مخصوص روی گوش خارجی را می پوشانند. مزیت این روش در این است که موجب تحریک و عفونت مجرای گوش نمی شود. البته باید توجه داشت که در روش فوق نه آسان هستند و نه مؤثر، چون مانع نفوذ صدای شدید بالاتر از ۴۵ دسی بل بر سطح که از راه استخوان منتقل می شود نمی گردند.

- استفاده از کلاهخود: کلاهخودهایی هستند که مجهز به گوشی بوده و می توانند از نفوذ صداهای شدید از راه استخوان و گوش خارجی جلوگیری کنند.

نتیجه گیری:

در این مقاله سعی شد مفهوم آلودگی صوتی و راههای کاهش و پیشگیری از آنتشار نامطلوب آن در محیط مورد شناسایی قرار گرفته و روشهای قابل اجرا به بحث گذارده شود. تا شاید بتوان در محیطی سالم و آرامش بخش از زندگی مطلوب و کم سرو صدا برخوردار شد. با توجه به تمام مسائل گفته شده در این مقاله، باید خاطر نشان کرد آنچه در کاهش و کنترل آلودگی صوتی نقش مهمی دارد تعیین و تصویب «این نامه کنترل آلودگی صوتی» است. به شرط اینکه با ضمانت اجرایی قوی همراه باشد تا بدین وسیله تا حدی سرو صدای موجود در محیط تقلیل یابد و به شرایط مطلوب زندگی در جوامع صنعتی نزدیک شود.

در فواصلی از جاده ها که مسافت طولانی است این مانع را به همراه موانع دیگر و نیز پوشش گیاهی استفاده می کنند.

۶- دیوارهای فولادی: این موانع بیشتر از نوع جذب هستند ولی نوع بازتابی آنها هم ساخته شده است. این نوع مانع معمولاً طوری طراحی می شود که در نمای ظاهری آن از یک جسم متخلخل استفاده می شود و یک فولاد یکپارچه یا آلومینیم به عنوان صفحه ای که فاقد سوراخ است در آن به کار می رود.

۷- دیوارهای بتنی: این دیوارها نیز مانند موانع فولادی به دو نوع بازتابی و جذب کننده تقسیم می شوند. استفاده از مواد جاذب صوت در قسمتهای خالی ساختمان می تواند تأثیری مثبت بر میزان عایق نمودن در برابر صوت داشته باشد. عایق سازی به دو صورت انجام می شود:

الف: عایق سازی در مقابل امواج صوتی به وسیله جداکننده ها (دیوارها) شامل: سر استفاده از دیوارهای چندتایی، استفاده از کف پوش چند لایه متشکل از لایه مقاوم و لایه لاستیکی، استفاده از پنجره دو شیشه ای و سه شیشه ای.

ب: عایق سازی با استفاده از مواد جاذب صوت: مواد جاذب صوت عبارتند از:

- جذب کننده های قیصری: معمولاً مواد فیبری متخلخل بهترین مواد جاذب صوت هستند.

- جذب کننده عشایی - اسفنجی: اختلاف عمده این نوع با نوع قبل آن است که این نوع عایق در فرکانسهای پایین، خاصیت جذب بالاتری دارد.

۴- حفاظت انفرادی
در مواردی که تدابیر فنی و اداری مؤثر نباشد، شخص می تواند

منابع

- ۱- بهرام سلطانی، کادرباز، مجموعه منابع و روش های نظرسازی، مجله علمی مهندسی، مرکز تحقیقات و مطالعات تهران، سرویس همکاران ایران و دانشکده جامع تکنولوژی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- مام سیرت، پرورش و استعمال گل پنبه، نمود و جالی، پدافست سازمان تاس پهر، تهران، ۱۳۷۳.
- ۳- عباسپور محمود، مهندسی محیط زیست، جلد دوم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۳۱.
- ۴- شامسور، محیط و پروژهای معماری، پژوهش های محیطی و اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۵- گرمانی، احسان، آلودگی صوتی و روش های مقابله، نشر مهندسی، جلد نخست، تهران، ۱۳۷۵.
- 6- Anonymous, Expressway Landscaping in Japan. Prepared by Expressway Landscape Architect Mission Japan Highway landscape, Association for the Republic of Turkey, 1991, P.171.
- 7- Benz kotzen and Colin English, Environmental Noise Barriers, E.& FN. Spon An Imprint of Routledge, London and New York, 1991, P. 165
- 8- Harris, ch.w. and J.N.T. Penis, Time-Saver standards for Landscape Architecture, McGraw-Hill New York, U.S.A 1998.

نازوان شهری برای پرندگان

نازیلا مرادی



اصفهان، با اشاره به مسائل یاد شده می‌گوید: شهرناری اصفهان در برنامهریزی برای پروژه باغ پرندگان به راحتی به نتیجه رسید. در ابتدا قصد ما این بود که این باغ علاوه بر مکانی تفریحی، جنبه‌های آموزشی نیز داشته باشد. به این ترتیب، تفکر احداث باغ پرندگان، با تکیه بر پشتوانه توریستی شهر و با توجه به علاقه و نیاز شهروندان به احداث مجموعه‌های علمی، تفریحی و آموزشی در سال ۱۳۷۳ شکل گرفت. آشنایی با گونه‌های مختلف پرندگان و ایجاد ارتقای فرهنگ زیست محیطی در میان مردم، از اهدافی بود که در طرح ضروری به نظر می‌رسید. پروژه باغ پرندگان، در سال ۱۳۷۴ طی بازدیدی که شهردار وقت اصفهان از باغ پرندگان مالزی داشت، مطرح شد. ایده باغ پرندگان در اصفهان - که خواهر خوانده کوالالامپور مالزی نیز هست - از همان سال به طور جدی پیگیری شد و به مرحله اجرا درآمد. این پروژه پس از طی دوره‌های ۱۲ ماهه در ۲۸ مرداد ۱۳۷۵ به اتمام رسید.

محمد عقیلی، کارشناس دفتر زیباسازی شهر اصفهان و معمار پروژه، ضمن اشاره به بدیع بودن طرح باغ پرندگان می‌گوید: در زمینه انجام پروژه‌های تفریحی، بحث انتخاب و احداث فضاهای بدیع مطرح می‌شود. خصوصیت پروژه‌هایی از نوع باغ پرندگان، سازگاری و جذابیت آن است. باغ پرندگان در حال حاضر زیر نظر اداره رفاهی و تفریحی شهرداری اصفهان، فعالیت می‌کند. این مجموعه با وسعتی بالغ بر ۵۰ هزار متر مربع، در پارک طبیعی نازوان، در جنوب غربی اصفهان قرار دارد. این باغ در حاشیه زاینده رود قرار گرفته و مساحت مفید آن در حدود ۱۷ هزار متر مربع است. روی باغ پوششی از توری کالواییزه با مساحت ۴۰ هزار متر مربع قرار دارد که بر روی ۱۶ ستون فلزی به ارتفاع ۲۵ تا ۳۰ متر نصب شده است. در وسط زاینده رود، جزیره‌ای با مساحت ۶ هزار متر مربع وجود دارد که به باغ مرتبط است و حیوانات اهلی و نیمه اهلی در آن نگهداری می‌شوند. از مساحت ۱۷ هزار متری محوطه ۶ هزار متر به پارکینگ، ۶۰۰ متر به مساحت ساختمان اصلی و حدود یک هزار و ۷۰۰ متر به پرکه

نازوان که در گویش مردم اصفهان، نازونوش خوانند، تنها تا یک قرن پیش، از دوران صفویه تا ظل السلطان، ناحیه‌ای آکنده از بیشه و باغ بود؛ باغهایی که کمپفر در سفرنامه خود تصاحب آن را، وسیله‌ای برای تشاخر اجتماعی عنوان کرده است. اینک خاطره باغهای نازون در ذهن زنان و مردان سالخورده اصفهان، به سبب فراموشی نشته است و عطر شکوفه‌های گیلاس و افاقیا در محوم آنسوه سیمان به تاراج رفته است. نازوان که یادگار ۴۰ باغ از گذشته‌های دور است، اینک در دل خویش شهر کوچک و محصور پرندگان را جای داده است؛ شهری که خاطرات از یاد رفته و غبار آلود نازون را به تلنگری شاید، زندگانی دوباره بخشد.

اینکه چرا پارک طبیعی نازوان با ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی خاص خود، به عنوان باغ پرندگان انتخاب شد، به نقش تاریخی باغ در فرهنگ مردم اصفهان و علاقه ویژه آنان به باغ و باغداری باز می‌گردد. با یک نگاهی تاریخی باید گفت پس از آنکه کشاورزی در میان اقوام رواج یافت و باغداری به مفهوم اصل خود رنگ باخته، محیط زیست دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شد. به این ترتیب باغداری به دوره‌ای برای آشتی بشر با محیط پیرامونش تبدیل شد. اکنون نیز با همه بی‌مهری‌هایی که نسبت به باغ و فضای سبز مؤثر وجود دارد، هدف تمامی حرکت‌هایی که در جهت توسعه و تبلور باغها صورت می‌گیرد، این است که رابطه انسان را با محیط زیست، همچنان مبتنی بر صلح و صفا نگاه دارد.

به هر حال این حقیقتی است که شهر بدون انسان، مرده، بی‌حرکت و فاقد بویایی لازم است. برای ایجاد تناسب میان انسان و شهر، باید گفت اگر نطفه شهر و جاده‌سازی برای چهره شهر، امری لازم و گریزناپذیر است، انجام فعالیت‌هایی در جهت تلطیف روح و روان شهروندان نیز به مراتب ضروری‌تر است. با چنین تعبیری معنای سازده‌های شهری در زندگی انسان دچار تحولی عمیق می‌شود.

حسن فقیهیان، مدیر عامل اداره رفاهی و تفریحی شهرداری

داخل باغ اختصاصی یافته است. در حال حاضر تعداد گونه‌هایی که در باغ پرندگان اصفهان وجود دارد، متجاوز از ۹۰ گونه و بالغ بر ۴ هزار پرندۀ است. با توجه به تفاوت شرایط جغرافیایی و اقلیمی زیستگاه‌های پرندگان و تنوع و تفاوت گونه‌ها، انتخاب محل باغ پرندگان اصفهان به نحوی است که با فاصله‌ای نه چندان زیاد از شهر، شرایط آب و هوایی مناسبی برای پرندگان ایجاد نماید. لازم به ذکر است تراکم گونه‌ای پرندگان در باغ، به میزان سهولت جمع‌آوری پرندگان و سازگاری آنها با شرایط محیطی حاکم بستگی دارد. به‌طوریکه تعداد پرندگان متعلق به برخی از گونه‌ها، صرفاً به یک جهت می‌رسد. این نوع پرندگان در قفس‌های شیشه‌ای ویژه‌ای نگهداری می‌شوند تا از شرایط محیطی مناسب و مراقبت‌های ویژه نیز برخوردار شوند. نکته قابل توجه اینکه در میان انواع پرندگان، هرگونه پرندۀ با توجه به شیوه زندگی و نوع تغذیه خود، جایگاه خاصی از نظر مکانی دارد. به عنوان مثال پرندگان تککاری در مکانی محصور و پرندگان آب چر مانند انواع مرغابی در آبگیر به سر می‌برند. همچنین برای لانه سازی محل‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند. این نکته نیز در باغ پرندگان مدنظر قرار گرفته است. براین اساس تعدادی از لانه‌ها در مناطق سنگلاخی سطح زمین و با صخره‌های مصنوعی و تعدادی دیگر روی تنه درختان ساخته شده است. ساختمان اصلی باغ پرندگان شامل سالن تاکسیدرمی، کلینیک دامپزشکی، سالن تکثیر، راهنمای تور، سالن آموزش و نمازخانه می‌شود. در بخش تاکسیدرمی، پرندگانی که به دلایل مختلف تلف می‌شوند خشک شده و مراحل تاکسیدرمی روی آنان انجام می‌شود.

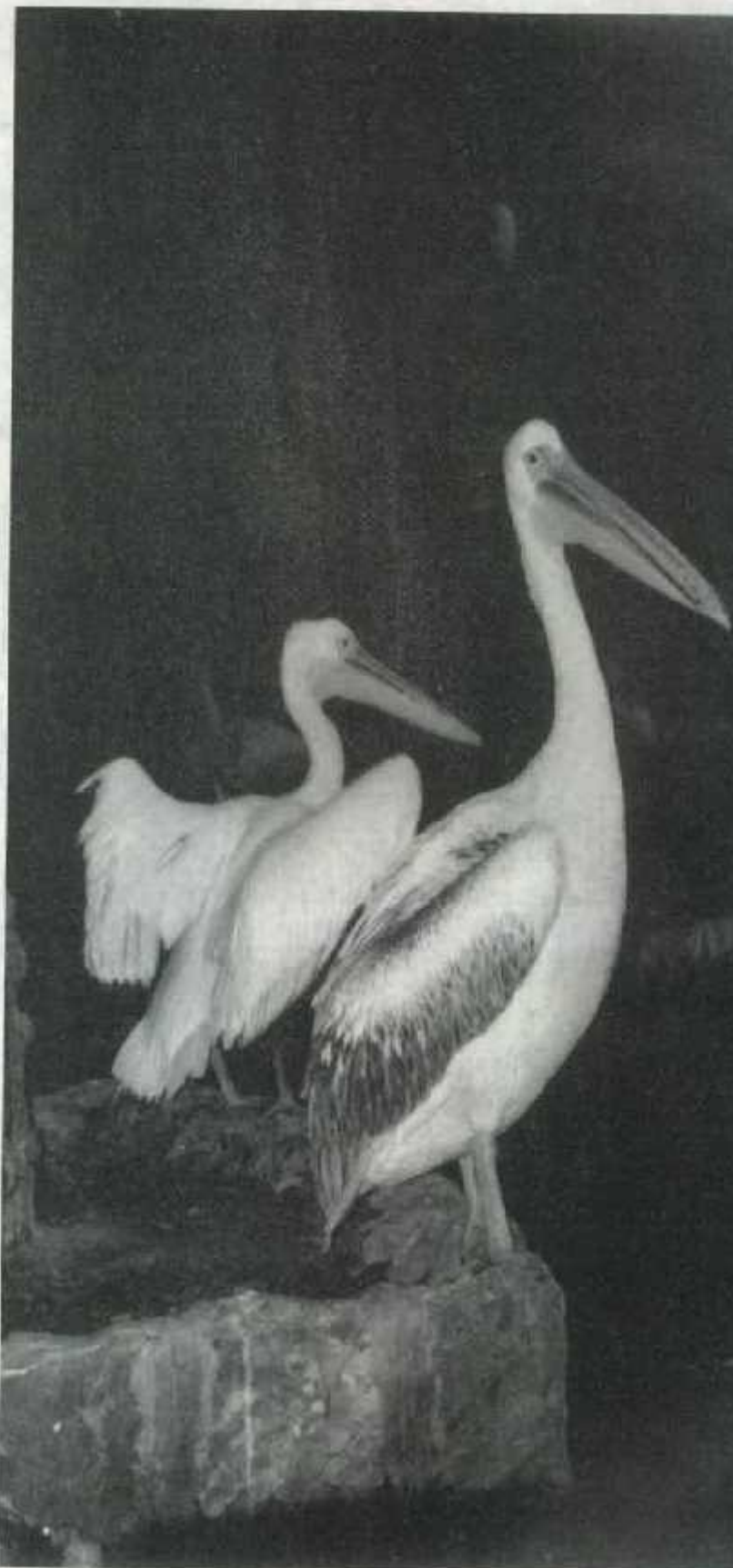
ضرورت احداث کلینیک باغ پرندگان به موازات بخش‌های دیگر از همان ابتدا به روشی آشکار شد. از آنجا که در فصل‌های تابستان و تعطیلات عید، روزانه ۲ تا ۳ هزار مراجعه‌کننده از باغ بازدید می‌کنند، امکان بیماری پرندگان در این ایام افزایش می‌یابد. وظیفه اصلی کلینیک جمع‌آوری پرندۀهایی است که حلالی از بیماری را بروز می‌کنند. مهمترین هدف در کلینیک باغ پرندگان، پیشگیری است. به این ترتیب پرندگانی که از خارج به باغ منتقل می‌شوند مدتی در قرنطینه به سر می‌برند.

از دیگر بخش‌های ساختمان اصلی، سالن تکثیر یا واحد تخم‌گذاری است. سید جلال عورانی، سرپرست باغ پرندگان در این باره می‌گوید: مهمترین روش جبران تلفات، تکثیر پرندگان است. اکنون در کارگاه تکثیر باغ پرندگان ۱۷ نوع پرندۀ شامل انواع مختلف و کمیاب قرقاول، طوطی، مرغ عشق و قنقار تولید می‌شود.

همچنین در کنار این مجموعه سالن آموزش به منظور اطلاع رسانی و راهنمایی بازدیدکنندگان احداث شده است که در قالب اردوها، مدارس و دانشگاه‌ها از باغ پرندگان بازدید می‌کنند.

اهداف قابل توسعه

اگر چه تا اینجای بحث، اهداف مشخصی از ایجاد باغ پرندگان، یعنی جنبه‌های تفریحی، آموزشی و علمی مطرح شد، اما با نگاهی دیگر به دو نوع هدف در شکل‌گیری این باغ برمی‌خوریم که در این صورت اهدافی که تا اینجای بحث عنوان شد، اهداف پیش‌بینی شده و اهدافی که ذکر آن خواهد رفت، اهداف قابل توسعه پروژه باغ



میدان نقش جهان نزد تورمستها، مبادله اطلاعات و رابطه علمی بین دانشگاه و باغ پرندگان، مطرح شدن مقالات آموزشی مرکز در سمینارهای مرتبط با پرندگان و محیط زیست و خاطرات رنگینی که بازدید کنندگان و به ویژه کودکان از باغ با خود به همراه می برند، همه حکایت از آن دارد که پروژه باغ پرندگان به بسیاری از اهداف پیش بینی شده و قابل توسعه خود دست یافته است.

معماری در باغ پرندگان

مهمترین وظیفه معماری در هر محوطه، پاسخ به خواسته های

پرندگان محسوب می شود. منصور بنایی زاده، مدیر فرهنگی اداره رفاهی تبرجی، در این باره می گویند: ما در حین کار به این نتیجه رسیدیم که باید هدفمان را بلندتر در نظر می گرفتیم. البته این مطلب به این معنی نیست که ما به اهداف خود نرسیدیم، بلکه اهداف پروژه، بلند ترسیم نشده بود.

ویژگی این پروژه، به دلیل ارتباط آن با پرندگان و نحوه زندگی انسان، دارای قابلیت گسترش فوق العاده ای است. به هر حال کسی که برای بازدید به باغ می آید برای بازدید بعدی باید چیزهایی جدید ببیند اگر چه در آغاز، به دلیل نبود تجربه اهداف اندکی در نظر گرفته شد، اما در حین کار، با توجه به استقبال مردم و گستردگی تجربیات علمی و عملی در این زمینه، اهداف جدیدی برای توسعه باغ مطرح شد. اکنون نیز با توجه به زمینه های مناسبی که به وجود آمده است، برنامه های بسیاری برای توسعه فیزیکی و فرهنگی باغ پرندگان در دست بررسی و اجراست. عمرانی ضمن تأیید این مطلب به لزوم ایجاد تنوع در باغ اشاره می کند و می گویند: اگر باغ پرندگان تا به حال هیچ تصویری نمی کرد، بازدید کنندگان آن هم اقتزایش نمی یافتند. آمار و ارقام گواه این مطلب است. او می افزاید: ما تا حد امکان سعی کرده ایم به تعداد پرندگان و زمینسگانه های آنان اضافه کنیم، چرا که اگر این باغ به همان شکل اولیه خود باقی می ماند جاذبه خود را از دست می داد و زنده نمی ماند. به این ترتیب در زمینه اهداف قابل گسترش در باغ پرندگان، راه اندازی فاز ۲ و ۳ نیز، جزء برنامه های آینده این پروژه تعریف شد. عقلی در از تایید با ویژگی قابلیت توسعه اهداف پروژه می گویند: ابتدا ناشناخته هایی در پروژه وجود داشت که قابلیت توسعه طرح را پررنگ تر می کرد، با وجود اینکه تلاش همه همکاران بر این بود که ناشناخته ها را قبل از شکل گیری پروژه شناسایی کنند، اما به هر حال نکات مبهمی باقی ماند که در حین انجام پروژه خود را نمایاند. تجربیاتی که در طول اجرای کار به دست آمد، در ابتدای کار قابل دسترس نبود، به عنوان مثال، اطلاعات و مشخصات کاملی درباره گونه ای از پرند که جمع آوری می کردیم و رفتارها و محیط فیزیکی او را حدس می زدیم اما در عمل تفاوت هایی دیده می شد.

عقلی با اشاره به اینکه اگر شهرداری اصفهان تصمیم دارد پروژه را گسترش دهد، امکانات لازم نیز برای چنین کاری وجود دارد می افزاید: در این گونه پروژه ها، لازم است هر از گاهی بازنگری انجام گیرد. این کار در اصفهان مرسوم است و ما آن را ساماندهی می نامیم. از آنجا که توقع شهروندان اصفهانی از شهرداری زیاد است، دوباره نگاه کردن به محوطه هایی که وظیفه سرویس دهی به شهروندان را به عهده دارند، در اصفهان امری رایج است. پروژه باغ پرندگان، استعداد بازنگری را در پوشش گیاهی، مبلمان و گونه های پرندگانش داراست. همچنان که پیشتر نیز گفته شد، اگر چه مواردی چون تجربه و کمبود اطلاعات و منابع مورد نیاز در این حیطه، مسائل، ناشناخته و ابهام های بسیاری بر جای گذاشته است اما حسن نکته از زمان اتمام پروژه تاکنون به ویژگی و حسن آن تبدیل شده است، چرا که هیچ پروژه ای بدون در نظر گرفتن امکان توسعه نمی تواند به عنوان پروژه های بدون در نظر گرفتن امکان مسائلی همچون میل دیدار از باغ پرندگان به موازات بازدید از



مسائلی همچون میل دیدار از باغ پرندگان به موازات بازدید از میدان نقش جهان نزد تور یستها، مبادله اطلاعات و رابطه علمی بین دانشگاه و باغ پرندگان، مطرح شدن مقالات آموزشی مرکز در سمینارهای مرتبط با پرندگان و محیط زیست و خاطرات رنگینی که بازدید کنندگان و به ویژه کودکان از باغ یا خود به همراه می برند، همه حکایت از آن دارد که پروژه باغ پرندگان به بسیاری از اهداف پیش بینی شده و قابل توسعه خود دست یافته است

مشخصه های فنی پروژه

یکی از ویژگیهای باغ پرندگان سیستم سازه ای آن است. عظمت این سازه به اندازه ای است که بازدید کنندگان در دقایق اول، تنها تور و پوشش روی محوطه و ستونهای نگهدارنده آن را می بینند. همچنان که اشاره شد، روی باغ با درختهای بلند و پرندگانش، چادری از تور گالوانیزه یا مساحت ۳۰ هزار متر مربع خیمه زده است. ارتفاع این تور از زمین در نقاط مختلف بین ۲۵ تا ۳۰ متر است. توریها به صورت ورقه های ۳۰ در ۴ متری به یکدیگر وصل شده و تور روی ۱۶ ستون با ارتفاع متفاوت پهن شده است. طراحی ستونها توسط سه کارشناس زبده انجام و مورد تأیید شهرداری قرار گرفته و اجرا شده است. نیروی کششی کابلهایی که توری را نگه می دارند، هر از گاهی توسط کامپیوتر اندازه گیری می شود تا از تشنه های پیش بینی نشده روی سازه ها جلوگیری شود. برای جلوگیری از اینکه در بادهای شدید، فشار روی یک ناحیه وارد نشود، ستونها یک تا دو متر امکان جابه جایی دارند. با این حرکت، فشار وارد روی کل سازه پخش می شود و ضریب مقاومت آن را در برابر تشنه های شدید جوی افزایش می دهد.

هزینه ها و اهداف اقتصادی

این پروژه که با هزینه ای بالغ بر ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال، یکی از پرهزینه ترین پروژه های تفریحی - آموزشی در سطح کشور است، با همکاری معاونتهای مختلف شهرداری اصفهان، جامایی، اجرا و بهره برداری شده است. از آنجا که میانگین بازدید کننده در ایام تعطیل به ۲ هزار و ۵۰۰ نفر در روز می رسد، باغ پرندگان در تأمین هزینه های جاری خود به مرز خود کفایی رسیده است. عصرانی در این زمینه می گوید: اگر نتایج را که الآن در دست داریم، از ابتدای کار به همراه داشتیم شاید هزینه کمتری صرف می شد. به هر حال ۲۰۰ میلیون تومان از هزینه صرف شده به پیمانکارانی داده شد که اجرای سازه را به عهده داشتند. از آنجا که ۹۰ درصد مسافران و توریستهایی که به اصفهان می آیند از باغ دیدن می کنند، منبع درآمد خوبی برای باغ ایجاد شده است. عقلی در پاسخ به این سؤال که آیا پروژه از نظر اقتصادی توجه مناسبی دارد، می گوید: در زمینه کارهایی که شهرداری انجام می دهد بویژه در این پروژه، توجه اقتصادی به راحتی امکانپذیر نیست. یک پارک نمی تواند برای شهرداری درآمدی داشته باشد، با وجود این فکر می کنیم باغ پرندگان توجه اقتصادی لازم را دارد.

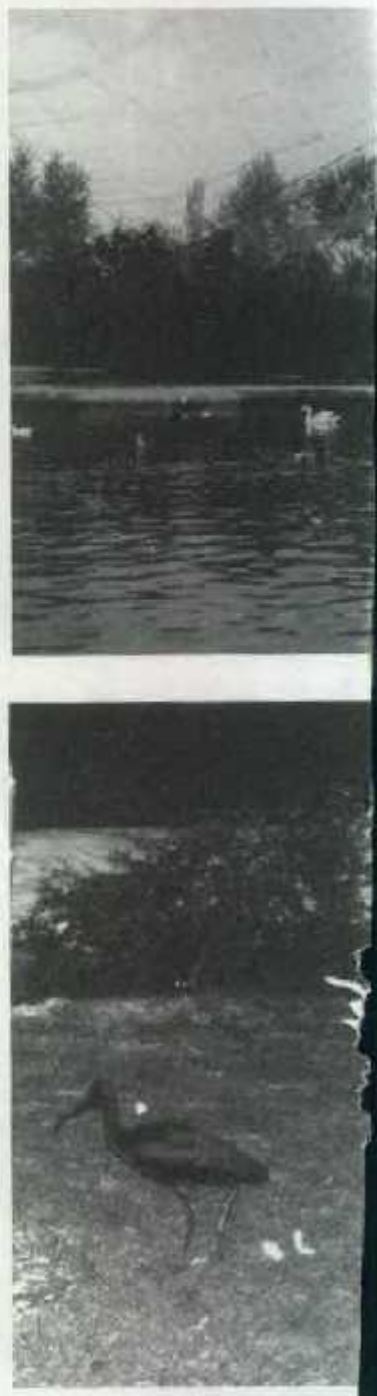
موانع اجرایی

زستان سال ۱۳۷۲ برای دست اندر کاران پروژه باغ پرندگان زمستان تلخی بود. در این سال، پس از بارندگی سنگین و بارش بی سابقه برف، ستونها و پوشش توری روی آنها که مقاومتشان تنها در برابر بارندگیهای معمول در اصفهان پیش بینی شده بود، سنگینی حجم بی سابقه برف را برگرده خویش احساس کردند. از سوی دیگر، سرمای هوا که حدود ۱۵ درجه زیر صفر رسیده بود، امکان خوب سریع برفها را متغی می کرد. در نتیجه برفها روی پوشش توری یخ بست و وزن زیادی بیافزود. از آنجا که ستونها ثابت بودند و امکان مقاومت نداشتند، سقوط کردند و پوشش توری روی سازه فرود آمد. این ماجرا پس از گذشت ۲ سال در شهرداری

آن محوطه است. با این ادعا، معماری در پروژه باغ پرندگان دارای ویژگیهایی است که پاسخ بسیاری از خواسته های پروژه را در دل خویش جای داده است. طراحی ایده ای به نام باغ پرندگان اصفهان، شامل قضا سازی، محوطه سازی و میلمان، با همکاری کارشناسان دفتر زیباسازی و بنا نظارت معمار پروژه، محمد عقلی، صورت گرفته است. عقلی با اشاره به اینکه جانمایی و انتخاب مکان احداث پروژه با حساسیت ویژه ای صورت گرفته، می گوید: ابتدا قرار بود باغ در محل فعلی باغ گلها احداث شود، اما بعد تصمیم بر این شد که پروژه در ۴ کیلومتری اصفهان و در پارک نازوان احداث گردد.

در معماری باغ پرندگان تا حد امکان سعی شده است از مصالح و امکانات غیر طبیعی استفاده نشود و این امکانات ضمن اینکه عناصر متشکله آن رنگ و بوی ایرانی دارند، زمینه و بستر مناسبی را در جهت اهداف اصلی پروژه ایجاد نمایند. در باغ پرندگان برخلاف روال معمول که پرندگان را در قفس تماشا می کنند، تماشاچی وارد قفس سبزی می شود و به درون خانه پرندگان پا می گذارد. عقلی در پاسخ به این سؤال که چرا روی عنصر ایرانی بودن تا به این حد تأکید شده است، می گوید: باغ پرندگان سوزهای غربی است و به همین دلیل در معماری این پروژه تلاش بر این بود که ایرانی بودن فضا در میلمان، الایق ها و عناصر دیگری که داخل باغ وجود دارد، نشان داده شود. عقلی می افزاید: ما مجاز نبودیم هر فرم و عنصری را که ساخته تفکر دیگران است به کار بگیریم. از طرف دیگر در معماری این پروژه توجه به این نکته ضروری است که نباید استعدادهای محیط را از بین ببریم. به همین دلیل دری که بازدید کنندگان از آن وارد مجموعه می شود به عنوان فیلتری برای جلوگیری از خروج پرندها از باغ طراحی شده است.

مسواری که ذکر آن رفت، در تمامی باغهای پرندگان دنیا مدنظر قرار می گیرد. اما در باغ پرندگان اصفهان دارای شکل و اسلوب و هندسه های ایرانی هستند. هندسه ای که نشأت گرفته از الفبای معماری محیطی است که در آن زندگی می کنیم. عقلی در این زمینه می افزاید: در معماری باغ پرندگان تا حد امکان به این الفبا توجه کرده ایم. برای اینکه اقبال مردم به پروژه از جنبه معماری آن بررسی شود، باید دید محوطه و فضا چقدر به بازدید کنندگان، در جهت اهداف اصلی طرح امکانات می دهد. به هر حال استقبال مسافران، توریستها و شهروندان اصفهانی از باغ، گویای این مطلب است که فضاها برای تماشا و گرفتن اطلاعات تا حد قابل قبولی آماده سازی شده اند.





در باغ پرندگان برخلاف روال معمول که پرندگان را در قفس تماشا می کنند، تماشاچی وارد قفس بزرگی می شود و به درون خانه پرندگان پا می گذارد

نازوان شهری برای پرندگان است؛ پرندگانی که پرواز را به رسمی دیگر گونه آزموده اند، رسمی که سقف آسمان را برای پرواز کوتاه و کوتاhter می کند

اصفهان، همچنان در حال پیگیری است و حساسیت ویژه‌ای که نسبت به این مسئله در شهرداری اصفهان وجود دارد به اندازه‌ای است که دستفیلد کاران و کارشناسان به سختی در این زمینه حاضر به گفتگو هستند. به هر تقدیر پس از این اتفاق، تحولی اساسی در سیستم سازه و مقاومت سازه‌ای پروژه رخ داد که بیشتر ذکر آن رفت. از مشکلات دیگری که پروژه در ابتدا با آن روبرو بود، مالکیت اراضی پروژه بود. پس از جانمایی پروژه، صرف نظر از زمینهایی که در مالکیت شهرداری بودند، بخشی از زمینها در تملک افراد حقیقی قرار داشت. به عنوان مثال پروژه در مرحله‌ای متوقف می شد تا کشاورز محصول خود را از زمین برداشت کند و سپس زمین مورد نظر خریداری می شد.

نکته مهم، تأثیر ناساگهانی پروژه بر افزایش قیمت زمینهای اطراف است. یک شهروند اصفهانی در این باره می گویند: شهرداری بدون مطالعه و شناخته تصمیم به احداث باغ پرندگان گرفت. روال طبیعی کار باید به گونه‌ای انجام می گرفت که تمام زمینهای مورد نیاز، ابتدا خریداری و سپس پروژه در آن اجرا می شد. اما با خرید بخشی از زمینها و آشکار شدن محل یاد شده به عنوان باغ پرندگان،

قیمت زمینهای اطراف ۴ تا ۵ برابر افزایش یافت. در نهایت شهرداری نیز مجبور شد بسیاری از زمینها را با قیمتی گزاف تحت مالکیت خود در آورد. از دیگر مشکلات اجرایی پروژه پوشش توری روی باغ بود. نصب تور ۴۰ هزار متری در ارتفاع ۲۰ متری کاری بسیار مشکل بود. توریها به عرض ۲ متر و طول ۲۰ متر دوخته می شدند و با جرثقیل بالا می رفتند و سپس در ارتفاع ۲۰ متری ورقه‌های توری باز می شدند و با دست با یکدیگر دوخته می شدند. از آنجا که فضای منطقه نازوان در زمستان سردتر و در تابستان گرمتر از نواحی دیگر اصفهان است، کار در این ارتفاع برای پیمانکاران بسیار مشکل بود.

مسئله دیگر گرانی پرندگان خارجی و عقیم کردن آنها توسط فروشنده بود. این کار برای عدم امکان از دیاد نسل صورت می گرفت. همچنین منبع و مرجع معتبر و مشخص درباره پرندگان وجود نداشت، حتی در صورت دستیابی به اطلاعات خارجی، این اطلاعات با توجه به موقعیت اقلیمی باغ پرندگان، چندان قابل استفاده نبود. مشکل دیگر، مسائل طبیعی خود پرندگان بود. مواردی چون پرندگی سبزی میان پرندگان، عدم پذیرش پرندگی جدید از سوی پرندگان قدیمی تر و عدم آشنایی پرندگان با سازه و پوشش روی سقف مشکلاتی را ایجاد می کرد. این مشکل با تمهیداتی چون نگهداری پرندگان تازه وارد در داخل قفسی کوچک و آشنایی تدریجی آنها با تور و پوشش روی باغ و کشیدن پراه، تا حد قابل قبولی حل شد.

برنامه‌های آینده

یکی از مهمترین برنامه‌هایی که برای توسعه باغ پرندگان پیش‌بینی شده است، آزادسازی یک هزار و ۲۰۰ هکتار از اراضی بین یل وزیر تا کوه آتش است. گسترش پروژه به فاز ۲ و ۳ و مساحت آکواریم، پیامد آزاد سازی اراضی یاد شده خواهد بود. همچنین احداث نمایشگاهی از پرندگانی که مراحل تاکسیدرمی روی انسان انجام شده است، راه‌اندازی بازار پرندگان و جمع آوری گونه‌های بیشتر و کمیاب تر از پرندگانی که توانایی سازگاری با آب و هوای اصفهان را داشته باشند، از جمله مهمترین اهداف آینده باغ پرندگان است. در کنار این اهداف از اطلاع رسانی علمی نیز نباید غافل بود. برای این منظور، تهیه گزارش، پرورش، جزوه‌های علمی و انتشار کتاب درباره سیر زندگی پرندگان، در اولویت قرار می گیرد.

حرف آخر

چنان که پیداست، پروژه باغ پرندگان تا زمان اتمام خود، فراز و فرود بسیاری را از سر گذرانده است. با دیدی خوشبینانه، اگر پروژه باغ پرندگان را محصول دوره سیاستهای سریع و مطالعه نشده ندانیم، باید بگوییم این پروژه اکنون به قوام و ثباتی نسبی دست یافته است. از آنجا که در ابتدا، مهمترین هدف حراحتن پروژه باغ پرندگان، پرورنگ کردن جنبه‌های تفریحی، آموزشی بوده، اکنون به نظر می رسد این هدف در پارک نازوان و باغ پرندگان به روشنی اجرا شده است. به هر تقدیر نازوان شهری برای پرندگان است! پرندگانی که پرواز را به رسمی دیگر گونه آزموده اند، رسمی که سقف آسمان را برای پرواز کوتاه و کوتاhter می کند.

قیام بچه‌های دهلی علیه آلودگی هوا

گروهی از دانش آموزان دبیرستانی کنترل ترافیک را در شهر دهلی نو در دست گرفتند.

در صبح یکی از روزهای ماه گذشته، گروهی از دانش آموزان دبیرستانی در اعتراض به هوای آلوده شهر، کنترل ترافیک یک چهارراه شلوغ را در دهلی نو به دست گرفتند. این دانش آموزان به طور جدی جلوی خودروها را می گرفتند و کارت آلودگی هوای آنان را کنترل می کردند و به رانندگانی که فاقد این کارت بودند و یا از زمان اعتبار ۳ ماهه کارت آنان گذشته بود تذکر می دادند و اعلام می نمودند که در صورتی که در نوبت بعدی کنترل، کارت نداشته باشند جریمه سنگینی خواهند شد و در ضمن به خودروهایی که دارای کارت کنترل آلودگی هوا بودند، کارت تقدیر می دادند.

سیاسی از رانندگان اتوبوس و سواری از ایستادن اجتناب می نمودند و مسافران به

طراحی محلات شهری با ارتکاب جرم ارتباط دارد

پژوهشگران دانشگاه طراحی محیط لندن به این نتیجه رسیده‌اند که طراحی خیابانها، ساختمانها و خانه‌ها می‌تواند در افزایش یا کاهش جرم مؤثر باشند. بر اساس این مطالعات، در فضاهای شهری که خیابانها، کوچه‌ها و بلوارهای باز و مرتبط با هم وجود دارند، به نحوی که نمی‌توان ساکنان آن را از عبوران تمیز داد،

خیابانهای انگلیس با سیستم تلویزیونی مدار بسته امن می‌شود

با ابتکار جدید پلیس انگلیس، میزان ارتکاب جرم و جنایت در خیابانهای نیوکاستل، بیرمنگام، کاونتری و لیورپول کاهش یافت. سیستم جدید پلیس، گشت‌زنی است که بدون نیاز به خواب و خوراک می‌تواند به

علت به وجود آمدن تأخیر در رسیدن به محل کارشان به دانش آموزان پرداخت می‌کردند. اما دانش آموزان با روحیه‌ای شاد سرگرم کار خویش بودند و در تعطیلات تابستان با نظم بیشتری به کار خود ادامه دادند.

دهلی نو، چهارمین شهر بزرگ آلوده جهان در هندوستان می‌شمارد. به یک مسخ نیست، مردم آن آلوده‌ترین هوارا نسبت به سایر شهرهای هند استنشاق می‌کنند و بیشتر از ۱۲ درصد دانش آموزان مبتلا به آسم می‌شوند. یک سوم جمعیت شهر از بیماریهایی مزمن تنفسی رنج می‌برند. بررسی مرکز محیط زیست دهلی نشان می‌دهد ۶۴ درصد آلودگی هوای دهلی ناشی از وسائط نقلیه موتوری است. پتیز نامناسب، ۹۷ درصد اکسید نیتروژن و ۷۶ درصد دی‌اکسید کربن بوجود می‌آورد. کارشناسان سازمان بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ اعلام کردند هزینه بی‌توجهی و مسامحه دولت هند به آلودگی هوا، فقط در دهلی می‌باید ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. اگر هوای دهلی تمیز شود هم هزینه یاد شده حذف می‌شود و هم از مرگ بیش از ۴۰ هزار نوجوان در سال و ابتدای ۱۷ میلیون نفر به بیماریهایی تنفسی جلوگیری می‌شود. اما این گزارشهای تکان دهنده بارها در کنفرانسها مطرح شده است بدون اینکه هیچ‌گونه

میزان ارتکاب جرائم افزایش می‌یابد. برعکس، در فضاهایی که تعداد پن بستها بیشتر است و خانه‌ها در دایره‌ای محدود قرار گرفته‌اند، سیستم نظارتی این گونه مناطق به گونه‌ای است که تردد غیرساکنان را محدود و حتی ممنوع می‌کند، در نتیجه میزان ارتکاب جرائم نیز کاهش می‌یابد. بویژه زمانی که تعداد

روبارویی یا جرائم بیدارزد، این سیستم نوعی تلویزیون مدار بسته است که با استفاده از دوربینهای نصب شده در خیابانها می‌تواند به طور ۲۴ ساعته مناطق را تحت نظارت و کنترل قرار دهد. از مدتها قبل، پلیس متوجه شده بود عده‌ای از سارقین، با سرقت ماشینها و استفاده از آنها در شکستن در و پنجره مغازه‌ها، تصامی محتویات مغازه‌ها را قبل از رسیدن پلیس به سرقت می‌بردند. پلیس نیوکاستل با تحلیل دقیق

اقدام مؤثری صورت بگیرد. آلودگی هوا ضریب هوشی بچه‌ها را نیز پایین می‌آورد. نتیجه این شد که بچه‌های مدارس دهلی تصمیم گرفتند بیشتر از این شاهد نابودی شش، مغز و آینده خود نباشند و اگر بزرگترها به حرف دیگر بزرگترها گوش نمی‌دهند، خود جلوی این جریان را بگیرند. ایده فعالیت دانش آموزان در حمایت از پاکسازی هوای دهلی از یک بخش خصوصی بود. یک شرکت تبلیغاتی به نام تولیدکار در قراخوانی عمومی، مدیران مدارس را به حمایت از این طرح ترغیب نمود، اما کار ساده‌ای نبود. حتی مرکز دولتی ضد آلودگی هوا در هند با وجود مشارکتی که در این طرح داشت، در مراحل اولیه بسیار بدبینی و شک به فعالیت دانش آموزان و موفقیت آنان می‌نگریست.

طراحی این ایده بسیار موفقیت آمیز بوده است، تا جایی که در حال حاضر دانش آموزان یادشده در پروژه‌ای که به وسیله ژاپنی‌ها برای آزمایش سطح آلودگی شهرهای بزرگ آسیا برپا شده است شرکت کرده‌اند.

آلودگی هوا در زندگی روزمره قابل لمس است؛ سادگی یا سردی شدید به خانه برمی‌گردد، فلش آموزشی در راه رفتن به مدرسه به سرفه می‌افتد. کار این نوجوانان در واقع مبارزه‌ای است که باعث تحرک بزرگترها هم می‌شود.

ساکنان کم باشند و همه یکدیگر را بشناسند.

گفتنی است پژوهشگران گروه طراحی محیط همچنین متوجه شده‌اند که ساختمانهای حاشیه خیابانهای که فضای پشت آنها به وسیله سایر ساختمانها حفاظت می‌شود، از امنیت بیشتری برخوردارند.

زمان و مکان وقوع این جرائم، دوربینهای مخفی در محله‌های جرم نصب نمود و کمتر از ۲ روز پس از این اقدام، میزان جرائم به یک سوم تقلیل یافت. این سیستم در سایر شهرهای انگلیس نیز مورد استقبال قرار گرفت.

گفتنی است پس از راه‌اندازی سیستم یاد شده، امنیت عمومی افزایش یافته است و این دوربینها مزگی متبر در محکومیت افراد خاطی در دادگاهها بوده‌اند.

سان ديه گو به مرکز تفريحي - تجاري تبديل می شود

وزارت کشور ایالات متحده با همکاری شهرداری کالیفرنیا، پارک حیات و حش شهری بی نظیری در سان ديه گوايجاد می کند.

سان ديه گو در غرب کالیفرنیا یکی از مناطقی مستعد و پر جاذبه برای مؤسسات توسعه و عمرانی است. بکر بودن منطقه، آن را به مأمی مناسب برای گونه های گیاهی و

زندگی دوباره شهر قدیمی هالبر اشتات

به گزارش شبکه تلویزیونی DW آلمان، شهردار شهر قدیمی هالبر اشتات در آلمان با استفاده از درآمدهای عمومی شهرداری، اقدام به خرید ساختمانهای قدیمی و بازسازی آنها نموده است. در این مورد ابتدا شهرداری مبلغ ۲ میلیارد مارک سرمایه گذاری نمود و به دنبال آن سازمانهای دیگر شهر، پرداخت هزینه ساماندهی اماکن یاد شده را متقبل شدند. هالبر اشتات شهری قدیمی است که در

جانوری در حال انقراض تبدیل کرده است. از این رو مقامات ایالتی و فدرال امریکا طرحی برای حفاظت از محیط زیست متعلقه در نظر گرفته اند که ۱۷۲ هزار آکر منطقه را در بر می گیرد و ۵۷ هزار آکر آن در حریم شهر قرار دارد. به گفته بروس بابیت، وزیر کشور ایالات متحده، این طرح نه تنها گونه های در حال انقراض بلکه تمامی گونه های مرتبط با یک اکوسیستم را تحت

پوشش قرار می دهد. او در ادامه افزود این طرح در منطقه سان ديه گو به صورت آزمایشی اجرا می شود و در صورت موفقیت، در سایر مناطق کشور نیز به اجرا در می آید. سوزان گلنیک، شهردار کالیفرنیا، نیز با تأکید بر سودآوری این طرح اظهار داشت: با تسهیلات و تمهیداتی که صورت گرفته، صاحبان اراضی می توانند با هزینه اندکی به ساخت و ساز در اراضی خود بپردازند.

مسکونی بود، بازسازی و به عنوان خانه شخصی خود قابل سکونت نمود. گفتنی است هدف از بازسازی و نوسازی هالبر اشتات تلفیق معماری قدیم و جدید است. در حال حاضر کارشناسان مرمت آثار تاریخی با استفاده از پیشرفته ترین تکنیک ها آثار ارزشمندی را احیا نموده و زندگی دوباره ای به این شهر قراوش شده داده اند.

سال ۱۹۴۹ بمباران شد و حدود ۸۰ درصد از ساختمانهای مرکزی آن ویران گردید. این شهر موطن کلیمین در آلمان است و دارای عمارات بسیار قدیمی است. با توجه به گذشته تاریخی این شهر، گوتمر مینز شهردار هالبر اشتات در سال ۱۹۹۰ با استفاده از درآمدهای عمومی شهرداری شروع به خریداری و بازسازی بناهای تاریخی شهر نمود. از جمله عمارت پادشاهی ۳۰۰ ساله ای را که فرسوده و غیر

دلچسب نبوده و هیچ طرحی تأیید نشده است و به نظر می آید این گروه باید تقویت شود.

مشکل عمده ای که پیش روی شهرداری فرانکفورت است این است که با توجه به شکل گرفتن میدین مرکزی و خیابانهای اطراف آنها، امکان تهیه فضایی به عنوان فضای سبز چندان ممکن نیست. سطوح عرض فضای سبزی که در پروژه فرانکفورت ربا تعبیه شده است فقط وقتی حاصل می شود که از زمینهای حاشیه شهر نیز استفاده شود. البته با توجه به تنوع سازمانهای تصمیم گیرنده این موضوع در شهر فرانکفورت، تمرکز سی به آن زمینها چندان آسان نیست. اما شهرداری فرانکفورت اعتقاد دارد که می بایست این طرح عملی شود. در حال حاضر کارگاهی در فرانکفورت تیمکتهای شهری را در مدلهای زیبا و یک شکل می سازد و هر روز تعداد زیادی از آنها در فضاهای سبز شهر قرار می گیرند. توجه به محفظه های زیاده، محلی برای پارک دو چرخه ها، تابلوهای تبلیغاتی رنگارنگ از برنامه های بعدی است.

موضوع در نظر گرفته و اقدام به تشکیل بخش تازه ای در شهرداری نموده است که فقط در زمینه تهیه الگوهای طراحی شهری فضای سبز فعالیت کند.

با اجرای این طرح موقعیتهای بسیار مناسبی برای استراحت مفید افراد به وجود می آید و مردم زندگی بهتری در شهر پیدا می کنند. در این طرح به ایمنی کودکان نیز توجه شده، به این نحو که مکانهایی که با برداشتن حفاظ برای کودکان، تهدید کننده خواهند شد با گیاهان مناسب پوشانده می شوند. آنچه جالب توجه است استفاده از نظرات ساکنان مناطق و استفاده کنندگان فضای سبز است. شهرداری اقدام به برگزاری کارگاههای جمعی نموده و از ۱۹ شرکت بزرگ ساختمانی، برای تشکیل گروه طراحی فضای سبز فرانکفورت و شرکت در کارگاهها دعوت نموده است. این گروه می بایست در زمینه مشکلات اجتماعی درون شهری و تک تک قسمتهای شهر نیز مطالعه کنند و طرحهایی برای بهبود مشکلات فضای سبز با در نظر گرفتن ترافیک و ساخت و ساز شهری ارائه دهند اما نتایج کارگاهها

فضاهای سبز در فرانکفورت، اولین شهر بزرگ آلمان، بدون حفاظ و نرده می شوند.

شهرداری فرانکفورت با برداشتن حصارها و نرده ها و ایجاد میلمان هماهنگ در فضاهای سبز، زیبایی پارکهای شهر را چندین برابر خواهد کرد. شهروندان و سیاستمداران و رسانه های فرانکفورت مثل بیشتر شهرها گاه از وضع نامطلوب فضای سبز شهر شکایت دارند اما شهرداری فرانکفورت از ۷ مه ۱۹۹۸ تصمیم جدی گرفته است پروژه فرانکفورت زیبا طی ۱۰ سال اجرا شود و ساختار و نوعی فضای سبز در فرانکفورت به طور اساسی بهبود پیدا کند. شهرداری یاد شده ۱۰ میلیون مارک اعتبار در سالهای ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ برای این

فرانکفورت زیبامی شود

مهمترین نگرانی شهرداران

در نظر خواهی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNPP) در چند اجلاس مقدماتی، که در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ از شهرداران شرکت کننده صورت گرفت، معلوم شد ۲۸۶ شهردار از کشورهای

خواهی سال ۱۹۹۷، ۷۰ درصد شهرداران کشور های توسعه یافته و یا در حال توسعه فقیر را نیز در شهرها در ردیف سایر مشکلات خود مطرح کرده بودند.

مختلف، بیکاری شهروندان را در رأس مشکلات خود می دانند. دفع نامناسب مواد زائد جامد و کمبود مسکن به ترتیب از دیگر مشکلات شهری مورد توجه این شهرداران بود. در نظر

شهر داران بارسلون نشان طلا گرفتند

مؤسسه معماری بریتانیا، نفیس ترین جایزه خود را به شهر بارسلون اعطا کرد. بارسلون این جایزه را به خاطر موفقیت در تجدید حیات شهر و استفاده مناسب از معماری و طراحی کسب کرد. جالب توجه است که هیچکدام از ۳ نفر برنده نشان طلا، معمار نبودند بلکه شهردارانی بودند که در مدیریت شهر به تغییر فضای عمومی و باز تولید اقتصادی شهر توجه نشان داده بودند. این شهرداران قبل از برگزینی بازیهای المپیک ۱۹۹۲، هزینه‌ای بالغ بر ۵ میلیون دلار را به تجدید حیات شهر تخصیص دادند در حال حاضر فن آوری شهری بارسلون می‌تواند الگویی موفق برای مدیریت شهری سایر شهرهای دنیا باشد.



ایستگاهی بزرگ در اشتوتگارت



به گزارش شبکه تلویزیونی آلمان DW، یک شرکت بزرگ آلمانی اقدام به تهیه

طرح و ساخت ایستگاه قطار اشتوتگارت نموده است. اجرای این طرح چند میلیاردی می‌آورد.

به دلیل مشکلات فراوان هنوز انجام نشده است. طبق نقشه این پروژه، ایستگاه قطار از دو بخش زیرزمین و روی زمین تشکیل می‌شود. در بخش زیرزمین، چند پاند برای تردد قطارها پیش بینی شده است و بالای سر قطارها، نزدیک به سقف، پلهایی برای عبور مسافران اختصاص یافته است. در بخش روی زمین فضای سبز زیبایی در کنار خیابان و ساختمانهای ایستگاه تعبیه شده است. نورگیرهای بزرگی شبیه چشم به طول ۴۲۰ متر روشایی زیرزمین را تأمین می‌کنند و نحوه قرار گرفتن آن به گونه‌ای است که چشم‌اندازی زیاده سطح رویی و بین درختان فضای سبز به وجود می‌آورد.

دولت هند قانون حد نصاب زمین شهری را لغو می‌کند

قانون حد نصاب زمین شهری ۱۹۷۶ در هندوستان که موجبات نارضایتی مردم را فراهم کرده بود لغو شد. این قانون که در سال ۱۹۷۶ از سوی

حزب سوسیالیست حاکم در هند، به منظور کمک به افسار کم درآمد در شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر به تصویب رسیده بود، نه تنها نتوانست مشکلات مسکن را حل کند بلکه موجبات نارضایتی بسیاری را نیز فراهم نمود. از این رو در اوایل سال ۱۹۹۹

این قانون لغو شد و بلافاصله مورد استقبال مردم قرار گرفت. به گفته صاحب‌انظران برای حل مشکل مسکن در هند باید به سایر عوامل از جمله اجاره خانه‌ها نیز نظارت به عمل آید.

دولت هندوستان در ۱۹۷۶ میلادی این قانون را لغو کرد.



تجهیزات آب‌نما

طرح - اجرا - فروش

پس از سالها فعالیت در صنعت آب بهترین کالا و خدمات عرضه می‌گردد

تلفن: ۷۵۲-۱۵۱ فاکس: ۷۵۲۶۶۶۶

صندوق پستی: ۳۶۱-۱۵۶۵۵ کدپستی: ۱۵۶۲۷

دراسته پژوهش‌های فرهنگی - هنری و انتشاراتی

مولیان جم

ناشر متون تخصصی و عمومی شهرسازی

مشاور خدمات چاپ و نشر

تلفن: ۶۸۷۸۵۹۳

سرگذشت بند «ج» تبصره ۱۹ قانون بودجه کل کشور

شهرام سعادت آملی
مسئول گروه توزیع اعتبارات و تنظیم حسابها
دفتر برنامه ریزی عمرانی

دیباچه

پس از تشکیل شوراهای اسلامی شهرهای کشور، اغلب این شوراهای در مواجهه با مشکلات مالی شهرداریها در راس برنامه های خود به بررسی منابع درآمد شهرداریها پرداخته اند و تجدید نظر در میزان عوارض و بهای خدمات مورد عمل فعلی، شناخت منابع جدید و مناسب راهکارهای ممکن را در دستور کار و جریان اقدام قرار داده اند. از جمله بعضی از شوراهای شهر در راه بررسی عوارض مصوبی که توسط شهرداریها وصول نمی شود، توجه یافتند که در سطح شهر عوارضی تحت عنوان عوارض از حقوق گمرکی، عوارض تعاون و عوارض توأم با مالیات وصول و به حساب خزانه داری کل واریز و در اختیار وزارت کشور قرار می گیرد. این آگاهی زمینه ای برای پیگیری پرداخت عوارض یاد شده به شهرداریهای مربوطه شد که در چند ماه گذشته موضوع مکاتباتی با وزارت کشور بوده است. اگر چه به این مکاتبات براساس مابلی قانونی مربوطه به موقع پاسخ داده شده است. ولی به نظر می رسد که به هر حال در این موضوع برای بسیاری از شوراهای شهرداریهای کشور همچنان ابهاماتی وجود دارد. از این رو نگارنده با مرور سوابق موضوع و چگونگی وصول این عوارض توسط وزارت کشور و نحوه توزیع آن بین شهرداریهای کشور در چند بر آمده است. اطلاعات مناسبی در این زمینه به شوراهای اسلامی شهرهای کشور و شهرداریها ارائه نماید.

پیشینه و پایه ها

وجهی که به موجب مفاد بند «ج» تبصره ۱۹ قانون بودجه کل کشور، سالیانه در اختیار وزارت کشور قرار می گیرد در ۴۰ سال سابقه دارد و مطالعه سوابق مربوطه، خود پاسخگوی بسیاری از ابهامات و سوالات است:

الف - منبع درآمد اصلی این وجه موضوع وصول عوارض از گمرکات کشور است که به موجب قانون معروف «لغو

عوارض دروازه ای» مصوب ۱۳۴۸/۲/۲۳ و جهت قانونی یافتن است. ولی نکته حائز اهمیت اینکه ماده ۱ قانون یاد شده تصریح می نماید:

«عمل دولت میش بر اساس بعضی از عوارض شهرداریها و وضع عوارض دیگر و طرز تقسیم آن در تاریخ فروردین ماه ۱۳۴۲ طبق ماده واحده قانون بیستم آذر ماه ۱۳۳۲ مربوط به تصویب نامها ۱ به شرح مواد زیر تأیید می شود» و مواد و تبصره های بعدی این قانون عیناً مفاد تصویب نامه مورخ ۱۳۴۲/۱/۲۶ هیئت وزیران را تأیید می نماید.

حال که قانون لغو عوارض دروازه ای ما را به تصویب نامه مورخ ۱۳۴۲/۱/۲۶ هیئت وزیران رهنمون شد، بینیم این تصویب نامه چه بوده و چگونه شکل گرفته است. وزارت کشور طبق پیشنهاد شماره ۱/۲۳۲۳۶ مورخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۷ عنوان نخست وزیر وقت با شرح توضیحاتی که مطالعه آن کمک شایانی به درک علل لغو عوارض دروازه ای و برقراری عوارض جایگزین می نماید، اعلام نمود: «نظر به قلت و عدم نکافی درآمد شهرداریها و عدم استفاده از منابع سالم و برادر آمد، نقص سیستم وصولی و فقدان تعادل در تقسیم عوارض به سود شهرداریها از کالاهای وارده به کشور یا صادره از کشور از یک طرف و فساداتی که از طرز وصول عوارض دروازه ای برای شهرداریها حاصل شده است از طرف دیگر، لزوم مطالعات دقیق را در زمینه لغو عوارض دروازه ای و جایگزین ساختن آن با عوارض سالم و متناسب دیگر ایجاد می کرد و با توجه به نظرات اعلیحضرت همایونی او هیئت محترم دولت و بنا به توصیه گنگره اقتصادی کشور و بررسی موضوع در کمیسیون هایی با حضور وزیر اقتصاد و نمایندگان وزارت دارایی و مشاوران وزارت کشور تشکیل و ضرورت لغو عوارض دروازه ای را بنا به دلایل زیر ضروری اعلام نمود:

۱- عوارض دروازه ای با اصول اقتصادی و اجتماعی کشور منطبق نبوده و منشأ فساد زیادی برای شهرداریان و کارمندان شهرداریها می باشد و بر اثر تماس روزمره ماسوران وصول با مردم موجب عدم رضایت دائمی اهالی شهرها فراهم می گردد.

۲- عوارض دروازه ای از نوع عوارض پر مصرف بوده و قیمت اجناس مورد نیاز عمومی و مخصوصاً کالاهای کثیرالمصرف

را اضافه می نماید و تحمیل آن بیشتر بر طبقات کم درآمد می باشد.

۳- هزینه وصول عوارض دروازه ای به واسطه لزوم گماردن ماسوران متعدد و بازرسانی که در داخل و خارج شهرها به منظور جلوگیری از قاچاق عوارض تعیین می شوند، تناسبی با درآمد حاصله ندارد.

۴- ایجاد پاسگاههای متعدد بازرسی و وصول عوارض در شهرها در پایین آوردن سطح مبادلات داخلی و در نتیجه کشور تأثیر زیادی دارد.

۵- از موافقانه و همچنین محصولات کنار خانجات در موقع ورود و صدور کالا در چند نوبت و در چند نقطه به دفعات عوارض مطالبه می شود. و بر این اساس طرح تصویب نامه «لغو عوارض دروازه ای» برای تصویب هیئت وزیران ارائه شد. این تصویب نامه و به دنبال آن قانون مصوب، تأیید کننده آن شامل تصمیمات مهمی به شرح زیر است:

۱- وضع و اخذ هرگونه عوارض از طرف انحصار شهر و شهرداریها بر کالاهای وارده به شهرها و یا صادره از شهرها که وصول آن مستلزم وجود پاسگاه در محل شهرها باشد ممنوع است.

۲- براساس حقوق گمرکی و سود بازرگانی کلیه واردات کشور که به وسیله اداره کل گمرک وصول می شود صدی ۶ اضافه به عنوان عوارض دریافت می گردد.

۳- بر عوارضی که تا تاریخ ۱۳۳۲/۱/۲۶ شهرداریها از قند و شکر مصرف داخلی دریافت می داشتند، هر کیلو نیک ریال افزوده می شود.

۴- عواید وصولی فوق در آخر هر ماه به وزارت کشور تحویل می شود که بنا به احتیاجات شهرهای مختلف بین شهرداریها تقسیم گردد.

۵- عوارضی که در حال حاضر به وسیله ادارات گمرک خرده شهر و سایر بنادر نقاط مرزی گرفته می شود ۳ کماکان اخذ و در اختیار وزارت کشور قرار خواهد گرفت که بر طبق مفاد این تصویب نامه به مصرف برسد. بنابراین ملاحظه می شود که عوارض یاد شده از سال ۱۳۳۲ به موجب مصوبه هیئت وزیران و از سال ۱۳۳۸ با تأیید قانونی مصوبه یاد شده به صورت متمرکز وصول و در اختیار وزارت کشور قرار می گیرد و این عوارض به همه شهرداریهای کشور تعلق دارد.

همچنین جالب توجه است بدانیم که بموجب مصوبه سال ۱۳۳۲ صریحاً مقرر

۱- لایحه قانونی توزیع بودجه به تصویب نامهایی که از تاریخ ۱۹ دیهشت ۱۳۳۲ تاریخ افتتاح سیدالکسین ۱۶ مهر ۱۳۳۲ از سوی هیئت وزیران صادر شده است. (مصوب ۱۲ آذر ۱۳۳۲)
۲- تبصره ۱۹ قانون بودجه اعتبارات جاری که شامل فرخواستهایی بود که در مقابل و مقادیر مورد نظر را طبق آن صرفه ها، بیانات، نظرات و مقاصد جاری شده جان می رده تا آنکه در روزی که تهیه حاصل شود.
۳- در این عوارض معروف، منظور از نظرسنجی مستند به بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها و توسط انجمن شهرهای محل وضع وصول می شده و در شهرهای مختلف بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از کل عوارض واریزاتی بوده است و فقط به شهرهای بزرگی و مرکزی اختصاص نداشته است. از جمله به موجب بند ۳ تصویب نامه شماره ۸۶۸۷ مورخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۶ هیئت وزیران از کلیه کالاهای وارده به گمرک تهران ضمن یک باب به دفع شهرداری تهران دریافت و - به منظور نگهداری مستحقات طبق آییننامه هیئت نظرس عمرانی مصوب هیئت وزیران مورخ ۱۳۳۷/۵/۲۳ اختصاص داده شود.
۴- تبصره ۲ ماده ۲ تصویب نامه شماره ۱۲۴۴ مورخ ۱۳۳۲/۱/۲۶ طوط دولت می گوید: «به منظور اینکه امور جاری شهرداریهای کشور در اجرائی این تصویب نامه تأمین نگردد از تاریخ دیهشت ۱۳۳۲ در هر ماه اندک کل امور شهرداریها از محل موجودی خود خارج یک دوازدهم مبلغی که از محل اجرائی این تصویب نامه پیش می رسد، در اختیار شهرداریها خواهد گذارد و این نشان می دهد آثار مکمل امور شهرداریهای وزارت کشور قبل از سال ۱۳۳۲ نیز وجود در اختیار داشته است و حتی قبل از انقلاب در مناطقی عنوان این اداره کل، اداره کل امور عالی و نظارت بر شهرداریها بوده است.

شده که عوارض یاد شده در آخر هر ماه به اداره کل امور شهرداریها، وزارت کشور تحویل شود، در حقیقت وجود وظایف و تشکیلات وصول عوارض متمرکز و تقسیم آن بین شهرداریهای کشور در حوزه معاونت عمرانی وزارت کشور، مستقل از امور مالی و ذی حسانی وزارت کشور، دارای چنین پیشینه‌ای است که تا به امروز نیز ادامه یافته است.^۴

ب- علاوه بر دو منبع درآمد فوق (عوارض صدی شش حقوق گمرکی و سود بازرگانی - عوارض تعاون) سومین منبع مهم دیگر وجوه متمرکز شهرداریها، عوارض توأم با مالیات است؛ و سابقه وصول آن به شرح زیر است: بند «ج» ماده ۳ قانون لغو عوارض دروازه‌های اشعار می‌دارد که «سه‌می شهرداریها از محل مالیات بر درآمدی که از صدی ۱۰ به صدی ۱۵ افزایش یافته، به وسیله وزارت دارایی وصول و مستقیماً به شهرداری محل پرداخت می‌شده، از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۳۸ طبق ماده ۱۶۶ قانون مالیاتهای مستقیم وصول و به شهرداری محل

پرداخت خواهد شده. ضمن اینکه در این قانون نرخ به میزان ۳ درصد تعیین شده است.

این عوارض تا سال ۱۳۵۴ به همین نحو توسط دارایی وصول و به شهرداریهای محل پرداخت می‌شده است. ولی در سال ۱۳۵۴ با تصویب قانون «تشکیل صندوق مشترک شهرداریها» عوارض یاد شده به عنوان یکی از منابع سرمایه صندوق تعیین و پرداخت آن به شهرداریها قطع گردیده و از سال ۱۳۶۲ نیز به موجب قانون انحلال صندوق مشترک شهرداریها به وزارت کشور داده شد تا با درآمدهای حاصل از اجرای قانون لغو عوارض دروازه‌های به منظور تیل به خود کفایی بین شهرداریهای کشور توزیع نماید. تا این عوارض یاد شده نیز از ۲۴ سال پیش تاکنون به عنوان یکی از منابع متمرکز شهرداریها وصول می‌شود.

البته شایان ذکر است که پس از تصویب قانون جدید مالیاتهای مستقیم در سال ۱۳۶۶ ماده ۱۶۶ آن حذف شد، ولی بر اثر پیگیریها و اقدامات مؤثر و به موقع وزارت کشور وصول ۳ درصد عوارض

شهرداریها بناً به موجب مفاد تبصره ۵۰ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایفا و از سال ۱۳۷۳ نیز طبق موافقت ریاست جمهوری وقت در اجرای ماده ۲۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت تداوم یافته و گماکان به صورت متمرکز توسط دارایی وصول و به حساب خزانه وازیر و در اختیار وزارت کشور قرار می‌گیرد. و جوه یاد شده تا سال ۱۳۶۷ به طور مستقیم بر طبق قوانین موضوعه از طریق خزانه در اختیار وزارت کشور و حوزه معاونت امور عمرانی قرار می‌گرفته و بر اساس ضوابط و معیارهای مقرر در قوانین یاد شده بین شهرداریهای کشور تقسیم می‌شده، ولی از سال ۱۳۶۸ به موجب مفاد بند «ج» تبصره ۱۹ مقرر شد که این وجوه جهت تأمین خود کفایی و تقسیم بین شهرداریهای کشور در اختیار وزارت کشور - سازمان شهرداریها قرار بگیرد.

در شماره بعد به بررسی چگونگی توزیع این وجوه بین شهرداریهای کشور در دو مقطع قبل از سال ۱۳۶۸ و بعد از آن خواهیم پرداخت.

ویژگیهای بخشنامه بودجه سال ۱۳۷۹ شهرداریهای کشور

وزارت کشور همه ساله به سبب تهیه بخشنامه بودجه کل کشور، بر اساس اصول سیاستهای کلان دولت در تهیه برنامه و بودجه فصل عمران شهری و رهنمودهای خاص تهیه بودجه مؤسسات عمومی غیردولتی در بخشنامه بودجه سالیانه کل کشور و همچنین با توجه به سیاستهای اجرایی وزارت کشور برای پیشبرد برنامه‌های عمران و خدمات شهری، بخشنامه بودجه شهرداریهای کشور را تهیه و ابلاغ می‌نماید تا در تنظیم بودجه شهرداریها مورد استفاده قرار گیرد. در اوایل بهمن ماه سال جاری بخشنامه بودجه سال ۱۳۷۹ شهرداریهای کشور تهیه و به استانداردهای کشور ابلاغ شد.

ویژگی و تغییرات بخشنامه بودجه سال ۱۳۷۹ شهرداریهای کشور نسبت به پنج سال گذشته بیشتر مربوط به تفاوت‌های نظام برنامه‌ریزی برنامه دوم و سوم توسعه کل کشور است که موجب تغییر در شیوه بررسی و جمع‌بندی برنامه‌های فصل عمران شهری در شورای برنامه‌ریزی بخش مسکن، عمران شهری و روستایی نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم

متحول نموده و از سال ۱۳۷۱ تاکنون مبتنی تهیه و تنظیم بودجه شهرداریهاست. بودجه شهرداریها به صورت هماهنگ طبق فرم انجمنی تفصیلی تهیه می‌شود که دیسکت آن به همراه بخشنامه برای شهرداریها ارسال شده و راهنمایهای لازم برای کاربری سیستم داده شده است.

در این فصل تأکید شده که استانداردها ضمن نظارت بر کلیه مراحل ثبت و بارش اطلاعات بودجه شهرداریهای تابعه در فرم افزار مربوطه و پس از حصول اطمینان از صحت ارقام نسبت به چاپ فرم شماره ۱۰ (فرم خلاصه و تعادل درآمد و اعتبارات) اقدام و با اطمینان از عدم وجود خطا، اشکال و ویرس، نسخه‌ای از فرم‌افزار را با فرم شماره ۱۰ حداکثر تا ۱۵/۱۲/۷۸ به وزارت کشور ارسال نمایند.

ضمناً با توجه به راهاندازی شبکه اطلاع رسانی شوراهای و شهرداریها، مسئولان مربوطه در استانداردها می‌توانند نسبت به ارسال اطلاعات از طریق شبکه یاد شده اقدام نمایند. وزارت کشور پس از دریافت این اطلاعات اقدام به تهیه کتاب خلاصه بودجه شهرداریهای کشور با جمع بندی استانی و کشوری می‌نماید که اطلاعات شناسی برای تجزیه و تحلیل وضعیت مالی شهرداریهای کشور به دست می‌دهد.

فصل دوم - سیاستها و رهنمودهای کلی: ادامه در ص ۶۴

توسعه کشور شده است که این امر خود بر جهت‌گیری بودجه سالیانه شهرداریها و نحوه برآورد اعتبارات برنامه‌های مختلف عمران شهری تأثیر مستقیم دارد.

در این بخشنامه ضمن تبیین نحوه تنظیم بودجه شهرداریها در سال ۱۳۷۹، بر ضرورت توجه شهرداریها به رهنمودهای کلی دولت و سیاستهای استراتژیک و رهنمودهای عملیاتی شده، برنامه‌های متمم فصل عمران شهری در برنامه سوم توسعه تأکید شده و در پنج فصل راهنمایهای لازم به شهرداریهای کشور داده شده است.

فصل اول - نحوه تهیه و تنظیم بودجه شهرداریها در این فصل به شکل و فرم تهیه بودجه توجه و اعلام شده که در سال ۱۳۷۹ بودجه شهرداریها مانند سالهای قبل طبق دستورالعمل تهیه بودجه برنامه‌های شهرداریها تنظیم می‌شود. این دستورالعمل در اجرای مفاد ماده ۲۵ آیین‌نامه مالی شهرداریها در سال ۱۳۷۰ تهیه و ابلاغ گردید که تنظیم بودجه شهرداریها را از روش متداول به روش برنامه‌ای

شهر دارا

مهمترین اقدام در سال ۷۸، اصلی ترین برنامه در سال ۷۹

یک سال دیگر گذشت و در آغاز سال جدید قدمی گرفته ایم. اگر هر سال در چنین مواقعی به این بیندیشیم که در سال گذشته چه کردیم و در سال آینده باید چه کارهایی را انجام دهیم قطعاً به سره پیشروی از گذر می‌روفته ایم. خواهیم گرفته این تو سنوآل را اما شهر دارا بعد از این گذاشتیم:

مهمترین کار شهرداری در سال ۱۳۷۸ چه بود؟ مهمترین برنامه شهرداری در سال ۱۳۷۹ چیست؟

تهران بر اساس گزارش اداره کل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران، این شهرداری چهار پروژه مهم را در سال ۱۳۷۸ به انجام رسانده ۱- ایجاد خانه سبز و خانه ریخته برای جمع آوری کودکان خیابانی دختر و پسر. ۲- احداث فاز اول کارخانه ۲ هزار تنی کمیوست که ریزک با ظرفیت یک هزار تن: این کارخانه به وسیله

سازمان بازیافت وابسته به شهرداری تهران با هزینه‌ای معادل ۳۰ میلیارد ریال و ۴ میلیون دلار ارز اجرا شد و بهره‌برداری از فاز دوم آن در سال آینده صورت خواهد گرفت. ۳- احداث پروژه ادامه بزرگراه آیت الله صدر در غرب تهران: این پروژه ۵ کیلومتری با ۸ دهانه پل به منظور گسترش شبکه بزرگراهها، معابر و روان سازی ترافیک شرقی و غربی تهران اجرا شده است و در آینده نزدیک به بهره‌برداری می‌رسد. احداث این پروژه بالغ بر یک صد و ۳۰ میلیارد ریال هزینه در برداشته است. ۴- تکمیل و افتتاح استادیوم ورزشی شهید هرنیدی و تبدیل محل سابق میدان میوه و تره‌بار به فضای سبز خدماتی ورزشی: ورزشگاه شهید هرنیدی در یکی از محرومترین نقاط تهران (دروازه غار) احداث شده و کار تبدیل میدان میوه و تره‌بار به مجتمع فرهنگی، تفریحی، ورزشی ادامه دارد.

شهرداری تهران برای سال ۱۳۷۹ عملیات احداث فاز دوم بزرگراه یادگار امام را در برنانه دارد. این پروژه حدفاصل خیابان ایوانک، تا سناوات آباد را در بر می‌گیرد. گشتی است مجموع دو فاز بزرگراه یادگار امام ۱۳/۵ کیلومتر است. برای انجام این پروژه بالغ بر ۲۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال بودجه پیش‌بینی شده است.

استثنای هر کوی

اراکه افزودن همسر، شهردار اراک می‌گوید: در حالی که گذشت شهرداری اراک پنج پارک و بوستان به مساحت ۱۹ هکتار احداث نموده و همچنین ۳۳ هزار و ۶۵۰ متر از خیابانهای شهر را جدول گذاری نمود. وی افزود به علت آماده نبودن پیش‌بینی بودجه شهرداری در سال ۱۳۷۹، برنامه‌های مهم سال آینده هنوز به تصویب نرسیده است.

تفرش: تکمیل دو خیابان و یک کانال ۱۲۰ متری مهمترین فعالیت‌های شهرداری تفرش در سال ۱۳۷۸ بوده است. این سه طرح اعتباری بالغ بر ۶۷۰ میلیون ریال را به خود اختصاص داده است. شهردار تفرش می‌گوید: برای سال ۱۳۷۹ ساخت نمازخانه در پارکهای سطح شهر را در برنامه داریم.

وی می‌افزاید: با توجه به موقعیت جغرافیایی تفرش و نبود ماشین‌آلات راه سازی و پیمانکاران واحد شرایط بیشتر پروژه‌های عمرانی این شهرستان با کندی و رکود روبروست.

استثنای ایلیچین غوبی

مهاساد: سلطانی شهردار مهاساد می‌گوید: احداث «پل دهم برغوب» مهمترین فعالیت شهرداری در سال ۱۳۷۸ بود. این پل ۲۵ متری با اعتباری بالغ بر ۵۴۰ میلیون ریال به منظور روانی ترافیک ورودی شهر از طرف میانقواب احداث شده است. تکمیل طرح ترمینال جدید شهر مهمترین فعالیت این شهرداری در سال ۱۳۷۹ است. سلطانی می‌گوید: مهاساد جمعیتی معادل ۱۲۰ هزار و ۲۱۲ نفر دارد. ولی ترمینال فعلی با تردد ۲ هزار و ۲۰۰ مسافر در روز، فاقد امکانات رفاهی مناسب است. احداث ترمینال جدید ۲ سال است شروع شده ولی به علت کمبود شدید اعتبارات مالی، روال کار آن به کندی پیش می‌رود.

تقده: بخشایشی، شهردار تقده می‌گوید: جدول گذاری معابر اصلی شهر و زیر سازی آنها بر اساس طرح جامع شهر مهمترین فعالیت شهرداری در سال ۱۳۷۸ بود. برای سال ۱۳۷۹ احداث میادین ورودی شهر و میدان میوه و تره‌بار در برنانه است. شهردار تقده کمیود کادر فنی و ماشین‌آلات و مصالح زیر سازی را معنی در پیشرفت طرح‌های عمرانی شهرداری می‌داند.

استثنای همدانی

تویسرکان: مهمترین فعالیت‌های شهرداری تویسرکان در سال ۱۳۷۸ احداث ۲ هزار و ۲۸۰ متر مربع پیاده روی، یک هزار و ۱۰۰ متر بلوار و ۱۳ هزار و ۵۹۵ متر کانال هدایت آبیهای سطحی بوده است.

بهار: اجرای بلوار ۱ هزار و ۳۰۰ متری شهید باهنر مهمترین فعالیت شهرداری بهار در سال ۱۳۷۸ بوده است. پوینده: شهردار بهار می‌گوید: راه میان‌بری که از جاده همدان - تهران شروع می‌شود و با گذشتن از شهر بهار به جاده همدان - کرمانشاه منتهی می‌شود، مورد توجه رانندگان کامیونتهاست. از این رو این امر باعث خسارات مالی و جانی و آلودگیهای صوتی و زیست محیطی در شهر شده است که با ادامه این بلوار و احداث جاده کمربندی ضمن کاهش ترافیک در شهر، خسارات یاد شده از بین می‌رود. شهرداری بهار در سال ۱۳۷۹ در نظر دارد این جاده کمربندی را تکمیل نماید. ولی برای تملک زمینهای کشاورزی مسیر آن به اعتباری معادل ۹۰ میلیون ریال نیاز دارد که تأمین نشده است.

گیودر آهنگ: مهدوی، شهردار گیودر آهنگ، آماده سازی کوچهای شهر، ساختن پیاده‌رو، جدول گذاری یک بلوار و

لا یروبی کانال کشتار گاه شهر را
مهمترین فعالیت‌های شهرداری این شهر در
سال ۱۳۷۸ می‌داند.

● هم‌دان: مهمترین فعالیت شهرداری
هم‌دان در سال ۱۳۷۸، برآه اندازی پلاند دوم
پلوار لوند با هزینه‌ای معادل ۱۳۲ میلیون و
۷۵۰ هزار تومان بوده است. برای انجام این
طرح صد میلیون تومان هزینه تملک
املاک مسیر پلوار شده است.

استان گیلان

● روانسر: امرآه نژاد شهردار روانسر
مهمترین فعالیت شهرداری را در سال
۱۳۷۸ آسفالت معابر می‌داند و برای سال
۱۳۷۹ ساماندهی منطقه سرآب روانسر را در
برنامه دارد. جذب توریست و بهبود محیط
شهری از اهداف برنامه شهرداری در سال
۱۳۷۹ است. ولی با مشکلات کمبود اعتبار و
نداشتن ماشین آلات عمرانی روبروست.

استان اصفهان

● خورزوق بر خوار: نوری، شهردار
خورزوق می‌گوید: در سال ۱۳۷۸ شهرداری
توانست دو پارک، مجموعاً با مساحت ۳
هزار و ۵۰۰ متر مربع با اعتباری معادل ۱۵۰
میلیون ریال احداث نماید. همچنین آسفالت
معابر این شهر با صرف هزینه ۲۲۰ میلیون
ریال از فعالیت‌های مهم این شهرداری بود.

● اردستان: شفیعی اردستانی شهردار
می‌گوید: مهمترین فعالیت شهرداری در
سال ۱۳۷۸ بهسازی و احداث طبقه دوم
ساختمان شهرداری، احداث چهار میدان و
یک پارک بود و در سال ۱۳۷۹ ایجاد
کمربندی در شرق و غرب شهر را در برنامه
دارد.

استان سمنان

● شاهرود: شهرداری شاهرود در سال
۱۳۷۸ توانست سازمان اتوبوسرانی خود را
راه‌اندازی نماید و برای سال ۱۳۷۹ در نظر

دارد بنا احداث مجتمع تجاری بزرگی در
میدان مرکزی شهر به بهبود وضعیت
اقتصادی و اشتغال زایی شهر کمک نماید.
برای این طرح شهرداری شاهرود به
اعتباری بالغ بر ۲/۵ میلیارد تومان نیاز دارد.

● مهدی شهر: مهمترین فعالیت
شهرداری شهر در سال گذشته اجرای
طرح‌های توسعه بافت قدیم شهر بوده است.
همچنین این شهرداری اقدام به بازگشایی
خیابان حسینیه اعظم و خیابان امام خمینی
نموده است. گفتنی است از سال ۱۳۶۸ تاکنون
مالکان بلاک‌های مسیرهای یاد شده
با توجه به طرح هادی شهر حق هیچ گونه
خرید، فروش، تعمیر نداشتند و در نتیجه
بیشتر ساختمانها رو به خرابی بوده و این
مطلبه به مخروبه‌های تبدیل شده است.
شهردار با اجرای این طرح ضمن توسعه
شهر مانع از پراکندگی ساکنان این مناطق از
نظر فرهنگی، قومی و... شده است.

● شهرداری مهدی شهر برای سال
۱۳۷۹ ادامه بازگشایی بافت‌های قدیم شهر
و احداث سه پارک را در برنامه دارد.

● سمنان: اجرای میلان و زیبا سازی
معابر سطح شهر و بازگشایی خیابانهای
بافت قدیم شهر با اعتباری بالغ بر ۳ میلیارد
ریال از مهمترین فعالیت‌های شهرداری
سمنان در سال گذشته بوده است. این
شهرداری همچنین در سال گذشته ۶۲ هزار
و ۲۵۷ متر از خیابانهای شهر را با اعتباری
بالغ بر یک میلیارد و ۵۵۸ میلیون و ۹۵۲
هزار ریال جفول گذاری نموده است.
مهمترین برنامه این شهرداری در سال
۱۳۷۹ احداث دو پارک ۸۰ هکتاری و ۳۰
هکتاری است. شهردار سمنان می‌گوید:
سالانه نزدیک به ۴ میلیون نفر مسافر از
سنت سمنان به مشهد تردد می‌نمایند. از
این رو احداث این دو پارک در مدخل

ورودی شهر به رفاه آنان کمک می‌نماید
استان آذربایجان شرقی

● زنوز: رحبیر، شهردار زنوز، احداث
یک خیابان با اعتباری معادل ۴۰۰ میلیون
ریال و احداث پارکی به مساحت ۳ هزار و
۶۰۰ متر مربع با اعتبار ۸۰ میلیون ریال را
مهمترین فعالیت شهرداری در سال ۱۳۷۸
می‌داند. وی می‌گوید: برای سال ۱۳۷۹
احداث سه خیابان با مجموع اعتباری معادل
۷۰۰ میلیون ریال و توسعه فضای سبز از
مهمترین فعالیت‌های شهرداری است.

● تبریز: شهرداری تبریز در سال
گذشته توانسته است ۷۵٪ از طرح کنار
گذر شمالی تبریز را که از سال ۱۳۷۱ شروع
شده بود به انجام برساند. این طرح موجب
ساماندهی ترافیک بیرون شهری یعنی
اتصال محور تبریز - بازارگان می‌شود و
همچنین باعث از بین رفتن بافت نامنگون
حاصل از ساخت و سازهای غیرمجاز شمال
شهر می‌شود. شهرداری در اجرای این طرح
با مشکل مسیر گشایی و تخریب ساخت و
سازهای غیر مجاز و مشکلات مالی و
اعتباری روبرو بوده است.

● شهرداری تبریز اجرای ترمینال
مسافری تبریز و ادامه طرح کنار گذر
شمالی را از مهمترین برنامه‌های خود
می‌داند.

استان بوشهر

● خرم‌آباد: خرم‌آباد شهری با ۲۵۰ هزار
نفر جمعیت است. روستایی، شهردار آن
می‌گوید: مهمترین کار شهرداری خرم‌آباد
در سال گذشته این بود که باغ کشاورزی به
مساحت ۴۵ هکتار را به تملک خود درآورد.
این باغ قبل از تملک توسط شهرداری محل
آسکان تعدادی از پرسنل اداره کشاورزی بود
و در نتیجه با توجه به محصور بودن، از دید
عموم شهر و تفریح دور بوده است و علاوه بر



اینکه تأثیری در زیبایی شهر نداشت، محدود کردن چندین محله، مانع از توسعه معابر می‌شد. این باغ ۴۵ هکتاری سرانه فضای سبز شهر خرم‌آباد را به میزان زیادی افزایش داده است. برای سال ۱۳۷۹ شهرداری خرم‌آباد عملیات ساخت ترمینال بیرون استانی را در زمینی به مساحت ۷ هکتار در برنامه دارد. این ترمینال با سرمایه‌گذاری بالغ بر ۷ میلیارد ریال با مشارکت بخش خصوصی ساخته خواهد شد.

استان همدان

● **آباد:** علقیان شهردار آبانده می‌گویند در سال گذشته شهرداری توانسته است مرحله دوم مجتمع تفریحی «تل آسیاب» را به انجام برساند. همچنین توسعه معابر چهار خیابان شهر از مهمترین فعالیتها بوده است.

● **شیراز:** شهرداری شیراز در سال ۱۳۷۸ به عنوان مهمترین فعالیت خود به سامان بخشی سراسری «رودخانه خشک» پرداخته است. این رودخانه مهمترین مشخصه شهری در شیراز است و شهرداری با اختصاص هزینه‌ای معادل یک میلیارد تومان ۵ طرح مختلف را در آن به اجرا درآورد.

در سال ۱۳۷۹ شهرداری شیراز اجرای جدی طرح خصوصی سازی را در برنامه دارد و تکمیل دو بوستان بزرگ شهر از مهمترین فعالیتهای شهرداری است. گفتنی است بودجه احتمالی شهرداری شیراز در سال ۱۳۷۹ رقمی معادل ۲۳ میلیارد تومان پیش‌بینی شده است.

استان اذربایجان مرکزی

● **اردبیل:** مهمترین فعالیت شهرداری اردبیل در سال ۱۳۷۸، زیر سازی ۱۸۰ هزار مترمربع از معابر و تملک سه باغ برای رفع کمبود سرانه فضای سبز شهری بوده است. این شهرداری برای سال ۱۳۷۹ در نظر دارد با ایجاد کمربندی در شهر به ساماندهی ترافیک بپردازد.

استان خراسان

● **نیشابور:** مهمترین فعالیت شهرداری نیشابور در سال ۱۳۷۸ احداث ۵ هزار و ۵۰۰ متر کانال و ۱۵ هزار متر کانو برای هدایت آبهای سطحی شهر بوده است. همچنین در ارتباط با زیباسازی شهر، شهرداری نیشابور اقدام به احداث پارک محله در هفت نقطه از شهر نموده که جمعاً مساحتی حدود ۲۵ هزار مترمربع را در بر می‌گیرند. برای سال ۱۳۷۹ این شهرداری در نظر دارد مجموعه

کشتار گشاه قدیمی و بلااستفاده را به مجموعه فرهنگی، ورزشی و هنری تبدیل کند.

استان زنجان

زنجان: شهرداری زنجان در سال گذشته احداث میادین را مهمترین فعالیت خود می‌داند و با احداث چهار میدان در سطح شهر به کاهش مشکلات ترافیکی کمک نموده است. همچنین این شهرداری توانسته است میزان سرانه فضای سبز شهر را به حد استاندارد نزدیک نماید و در این زمینه اقدام به کاشت تعداد ۳۰۹ هزار و ۶۷۸ اصله نهال، ۸ هزار و ۶۴۰ مترمربع گلکاری، یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۲۰۰ مترمربع گلکاری تشایی و ۱۹ هزار و ۳۰۰ مترمربع چمن کاری و تولید کاشت و داشت ۳۶ هزار و ۳۳ اصله درخت نموده است.

این شهرداری توانسته است در سال گذشته مبلغ ۱۷۰ میلیون و ۹۸۶ هزار و ۶۶۵ ریال از محل فروش گل و نهال درآمد کسب نماید.

استان چهارمحال و بختیاری

● **لردگان:** این شهر ۲۱ هزار و ۳۵۰ نفر جمعیت دارد و به علت بن‌بست بودن از نظر موقعیت جغرافیایی و بیکاری مردم شهر و فقر مالی دچار محرومیتی است که فعالیتهای عمرانی شهرداری را دچار رکود می‌کند. از این رو مهمترین فعالیت شهرداری لردگان در سال ۱۳۷۸ به خدمات شهری اختصاص داشته است. از جمله ۲۴۷ مورد تمدید پروانه کسب، لوله کشی آب فضای سبز، رفع نواقص ساختمان کشتار گشاه، جمع آوری زباله و این شهرداری برای سال ۱۳۷۹ در نظر دارد به تکمیل ساختمان ترمینال، احداث میدان میوه و ترهبار و مجتمع کارگاهی بپردازد.

● **شهرکرد:** ساکنین، شهردار شهرکرد، مهمترین فعالیت خود را در سال ۱۳۷۸ اجرای پروژه شهرسازی در شهر می‌داند. این پروژه در زمینی به مساحت ۲/۵ هکتار احداث شده است. برای سال ۱۳۷۹ شهرداری شهرکرد در نظر دارد به نصب تأسیسات آب جهت آبیاری فضای چند منطقه از شهر و ایجاد سه پارک محله‌ای بپردازد. گفتنی است شهرکرد جمعیتی حدود ۱۳۰ هزار نفر دارد و بودجه شهرداری آن برای سال ۱۳۷۹ بالغ بر ۲۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است.

استان سیستان و بلوچستان

● **زابل:** مهمترین فعالیت شهرداری زابل در سال گذشته شروع عملیات اجرایی

فساز اول ترمینال مسافری در زمینی به مساحت ۵۰ هزار متر مربع بوده است. احداث این ترمینال با توجه به نیاز شهروندان زابلی در خصوص داشتن ترمینالی مناسب و جا به جایی تعاونیهای مسافری که به صورت پراکنده در سطح شهر زابل باعث ایجاد ترافیک و مزاحمتهای زیست محیطی می‌شدند، با اعتبار اولیه ۵۰۰ میلیون ریال آغاز گردیده است.

شهرداری زابل برای سال ۱۳۷۹ شروع مطالعات و اجرای طرح جمع‌آوری آبهای سطحی شهر زابل را در برنامه دارد. این موضوع به علت عدم نفوذپذیری جنس خاک شهر زابل یکی از معضلات اساسی شهرداری است.

استان گلستان

● **رشت:** حمیدی، شهردار رشت، به اهمیت حفظ و نگهداری فضای سبز و توسعه آن اشاره می‌کند و می‌گوید: شهرداری رشت به منظور افزایش سرانه فضای سبز، تلطیف هوای شهر، ممانعت از جاری شدن سیلاب و جلوگیری از فرسایش خاک به عنوان مهمترین فعالیت خود در سال گذشته، بوستان ملت را به مساحت ۱۲ هکتار احداث نموده است. این بوستان چهارمین بوستان بزرگ رشت به حساب می‌آید. شهرداری رشت برای سال ۱۳۷۹ اراضه فاز پنجم کمربندی رشت را در برنامه دارد. این کمربندی موجب کاهش بار ترافیکی در رشتیان و چهار سرا و تسهیل در رفت و آمد وسائط نقلیه می‌شود و کوتاهترین مسیر را برای خودروهای که از جاده تهران و فومن قصد عزیمت به انزلی را دارند ایجاد می‌کند. این پروژه ۷۰۰ میلیون تومان هزینه در بر دارد که تأمین آن به طور کامل از محل درآمدهای شهرداری رشت است.

استان خوزستان

● **اهواز:** سلیمانی، شهردار اهواز احداث ۴ کانال را جزء مهمترین فعالیتهای شهرداری در سال ۱۳۷۸ می‌داند. این چهار کانال جمعاً اعتباری بالغ بر ۷ میلیارد و ۱۵۰ میلیون ریال را در بر داشته است. شهرداری اهواز برای سال ۱۳۷۹ احداث پروژه‌های عمرانی ساحل کارون را در برنامه دارد که مجموعاً ۱۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال اعتبار برای آن پیش‌بینی شده است. همچنین احداث پروژه میدان میوه و ترهبار مرکزی به اعتبار ۲۰ میلیارد ریال در برنامه سال ۱۳۷۹ است.

استفاده از تاکسی مترراهی برای ضابطه مند نمودن نرخ کرایه تاکسی

هر روز بارها بین شهروندان و رانندگان تاکسی بر سر نرخ کرایه مسیر مجدداً در می‌گیرد. کرایه‌ها هر روز گرانتر می‌شوند، اما با وجود این، رضایت خاطر رانندگان فراهم نمی‌شود و شهروندان هنوز موقع پیاده شدن از تاکسی، دقیقاً نمی‌دانند چه مبلغی باید بپردازند.

گروه رئیس کمیسیون طرح و توسعه شورای شهر تهران، این مشکل را از آن بود ضابطه‌های مندون در نرخگذاری کرایه تاکسی می‌داند و می‌گوید: شهر تهران گسترش بی‌رویه‌ای پیدا نموده و تا به امروز تمامی بازار ترافیکی آن بر سطح زمین بوده است. این در حالی است که در ساعات زیادی از روز گره‌های ترافیکی در مناطق مختلفی از شهر به وجود می‌آید و موجب صرف زمانی طولانی برای طی مسیر می‌شود.

وی می‌افزاید: این موضوع به ساختار بافت شهر تهران مربوط می‌شود که باید بتدریج و با صرف هزینه‌های بسیار حل شود، اما همین موضوع باعث شده است که تعیین نرخ تاکسی دچار معادلات پیچیده‌ای شود و با اینکه تعیین نرخ تاکسی جزء وظایف شورای شهر است، اما عملاً تاکنون اقدامی در این مورد نکرده است.

علی نژاد مسئول، گروه حمل و نقل همگانی دفتر حمل و نقل شورایی هم‌اکنونی ترافیک شهرهای کشور، می‌گوید: طبق قانون مصوب سال ۱۳۳۱ شورای شهرها موظف به مدیریت اتوبوسرانی و انتقال دسته جمعی مسافران شده‌اند، اما طی این سالها، عملاً به دلیل تمرکز فعالیتهای شهرداریها در بخش اتوبوسرانی و بسنده نمودن امور تاکسیرانیها صرفاً به صدور مجوز استفاده از امتیاز شهرداریها، مراکز تصمیم‌گیری متعددی در این خصوص دخالت نموده‌اند، تا جایی که اشتغال به موضوع تاکسیرانی را در حد صنف قلمداد نمودند. وی می‌افزاید: از این رو ایجاد تمرکز برای تصمیم‌گیری واحد در امور تاکسیرانی ضرورت داشت. در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۸ شورای انقلاب اقدام به

تصویب لایحه قانونی نمود و موضوع آن لایحه تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران بود. به دنبال آن در تیز سال ۱۳۵۹ با تصویب قانون نظام صنفی، صراحتاً اتوبوس و تاکسی شهری از شمول اصناف قانون نظام صنفی خارج شدند، اما با توجه سابقه قبلی هنوز دخالتهای مراجع مختلف در سایر شهرهای کشور وجود داشت، از این رو در سال ۱۳۷۲ تصویب قانون مصوب ۱۳۵۹ الحاقی شد و مقرر شد امور تاکسیرانی سایر شهرهای کشور نیز توسط شهرداریهای مربوط اداره شود و تمامی قوانین و مقررات معیار لغو گردد. در ۱۳۷۲ برای آن، آیین‌نامه اجرایی مشتمل بر ۱۹ ماده تهیه و تصویب شد و به شهرداریهای سراسر کشور ابلاغ گردید، اما عملاً شهرداریها توجه چندانی به آن ننمودند. در این میان طبق بند «خ» ماده ۱۲ آیین‌نامه یاد شده شرایط لازم برای اشخاص حقوقی که تقاضای دریافت پروانه بهره‌برداری تاکسی را دارند، تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نیز نصب و استفاده از تاکسی متر بود. از طرفی در ۱۳۷۵/۱/۲۸ هیئت دولت مصوبه‌ای تهیه نمود که بر اساس آن مقرر شد تمامی تاکسی‌ها به سیستم تاکسی متر و گاز سوز مجهز شوند و تعیین میزان کرایه توسط تاکسی متر انجام گردد. علی نژاد می‌گوید: برای اجرای قطعی این مصوبه لازم بود دستورالعمل روش نرخگذاری کرایه تاکسی و تنظیم تاکسی متر در شهرهای کشور فراهم شود. دفتر حمل و نقل و دبیرخانه شورایی هم‌اکنونی ترافیک شهرهای کشور در سال ۱۳۷۷ با همکاریهای اداره کل امور شهرداریها اقدام به این امر نمود. یک گروه کارشناسی با برقراری ارتباط با مراکز سازنده خودرو، تعمیرگاهها، رانندگان تاکسی، مسافران، سازمان تأمین اجتماعی و... گزارشهای کارشناسی تهیه نمودند و بر اساس آن دستورالعمل روش نرخگذاری کرایه تاکسی و تنظیم تاکسی متر تهیه و در ۱۳۷۷/۱۲/۲۶ تصویب شد.

در این دستورالعمل ابتدا هزینه‌های تاکسی - که شامل هزینه‌های مربوط به خودرو و راننده است - محاسبه می‌شود و با توجه به پارامترهای کارکردی خودرو با تعیین مقدار نرخ ورودی و نرخ کرایه تاکسی بر حسب زمان و مسافت می‌شود. هزینه‌های مربوط به وسیله نقلیه، هزینه‌های کارکرد و نگهداری، بیمه، عوارض، مالیات، معاینه، سود سرمایه اولیه

مشکلات سازمان تاکسیرانی تهران مدتها مورد بررسی کارشناسی قرار گرفته است. از این رو این طرح از تهران شروع می‌شود و با رفع مشکلات آن در سایر شهرهای کشور نیز به اجرا در خواهد آمد. در حال حاضر دفتر حمل و نقل و دبیرخانه شورایی ترافیک از سازمانهای تاکسیرانی شهرهای کشور خواسته است،

تقطعه نظرات و مشکلات خود را که باعث عدم نصب و استفاده از تاکسی متر شده است منعکس نمایند تا با جمع بندی و حل آنها، نرخگذاری و استفاده از تاکسی متر در آن شهرها نیز امکانپذیر شود. گفتنی است در حال حاضر شهرهای اصفهان، تبریز و مشهد برای استفاده از تاکسی متر در تاکسی‌های شهر توان و آمادگی لازم را

دارند. دفتر شورایی ترافیک کاتالوگ‌ها و اعلامیه‌های گوناگونی از دو کارخانه عمده داخلی تولید کننده تاکسی متر تهیه نموده است که سازمانهای تاکسیرانی می‌توانند با استفاده از آنها برای تهیه تاکسی متر مورد نیاز خود اقدام نمایند.

انجمنهای شورایی

و

مسئولیت پذیری شهروندان



که یک نفر از آنان رابط انجمن با شورای شهر می‌شود و یک نفر رابط با شهرداری. کنار انجمنهای شورایی دو ستاد نیز تشکیل می‌شود: ستاد رابطین با شورای شهر و ستاد رابطین با شهرداری و سایر سازمانها که موظفاند مسائل محله خود را به شهرداری و سایر سازمانها منتقل کنند.

پیران امروز آمادگی می‌کند که بعد از انتخابات مجلس در چند محله، طرح انجمن شورای باری با استفاده از الگوی علمی به صورت آزمایشی به اجرا درآید و در یک محدوده چند ماهه ارزیابی شود و بعد از دفع گمراهیهای آن از سال ۷۹ در ۲۶۰ محله تهران تعمیم یابد. وی تأکید می‌کند انجمنهای شورای باری در واقع نهادهای خود جوش مردمی هستند که مشارکتی داوطلبانه و غیرسیاسی دارند و تقریباً ساختار آنها شبیه به سازمانهای غیردولتی مردمی است. شوراهای در ایران شوراهای اجتماعی هستند و تنها کار سیاسی آنها انتخاب دهیار و شهردار است و با درگیر نمودن خود با موضوعات سیاسی عملاً از اهداف اصلی خود بازمی‌مانند.

پیران بر اهمیت حقوق شهروندی تأکید نموده و می‌گوید: با اجرای طرح انجمنهای شورایی و مشارکت مردم با این انجمنها آموزش حق شهروندی و نظایف شهروندی ترویج خواهند شد و لازمه اجرای صحیح آن خودکفا بودن این انجمنهاست. او می‌افزاید: بسیاری از وظایفی که برای این انجمنها در نظر گرفته شده چندان هزینه‌ای در بر ندارد، اما در شرایط فعلی اگر به طور کلی این انجمنها بدون کمک مالی رها شوند طرح با شکست مواجه می‌شود. اما زمانی که بحثهای مشارکتی مورد پذیرش مردم قرار گیرد و نهادینه شود، می‌توان این انجمنها را به صورت خودکفا در آورد. وی شروط موفقیت انجمنهای شورایی را همکاری و مشارکت ساکنان هر محله دانست.

پیر نشده است. باید شوراهای استانی و نیز شوراهای دیگر در سطوح مختلف تشکیل بشود. ماده ۷۰ قانون شوراهای می‌گوید: شوراهای می‌توانند برای انجام بهتر امور خود به تشکیل انجمنهای گوناگون مبادرت نمایند. این ماده پایه اساسی طرح شورای باری پرویز پیران شد. وی طرح انجمن شورایی را به شورای شهر ارائه نمود که تصویب شد و در حال حاضر در مرحله تدوین طرح اجرایی قرار دارد. پیران می‌گوید: طرح شورای باری فقط به مسائل شهری اکتفا نمی‌کند و در واقع نه تنها شهرداری بلکه سازمانهای بسیاری را درگیر می‌کند و بیشتر جنبه آموزشی و ترویجی دارد، اما دخالتی مستقیم در کارهای روزمره شهرداری ندارد.

بر اساس طرح شورای باری، یک ستاد مرکزی با عنوان ستاد هماهنگی و پشتیبانی در شورای شهر تشکیل می‌شود و از طریق ست نام و گزینش افراد لازم از بین داوطلبان هر محله انجمنهای شورای باری را برای محلات شهر ایجاد می‌کنند. هر انجمن شورایی از ۷ نفر تشکیل می‌شود

شورای ۱۵ نفره شهر تهران برای جمعیت ۱۰ میلیونی این شهر به کدام کار می‌توانند برسند؟ شوراهای درگیر مسائل روزمره شهرداریها شده‌اند، افرادی که در احداث ساختمان تخلف نموده و کمیسیون ماده ۱۰۰ جریمه‌های برای آنها مشخص کرده است به شوراهای شکایت می‌کنند. شورایی که وارد این گونه موضوعات ریز و درشت می‌شود موفقیت خود را از دست خواهد داد. مردم شوراهای را انتخاب کردند و سپس به خانه خود رفته و منتظره معجزه شوراهای هستند، غافل از اینکه شوراهای بدون کمک مردم توان هیچ کاری را ندارند. پرویز پیران استاد دانشگاه علامه طباطبائی می‌گوید: ذهنیات فوق باعث شد مهمترین اشکال ساختاری شورا را در فقتان نهادهای پایین دست و بالای دست بدانیم. در دمکراسی مشارکتی که در یک سوی آن مجلس شورای اسلامی قرار دارد، لازم است شوراهای پایین دست تا سطوح بسیار خرد و مقیاسهای بسیار کوچک تشکیل شوند، اما حتی با تشکیل شوراهای شهر هم این خلأ

آیا تجربه مشارکت جوانان در ایجاد بوستان طبیعه تکرار خواهد شد



با مشارکت جوانان در تیرماه سال ۷۸، بوستان طبیعه در منطقه یک شهرداری تهران افتتاح شد. این بوستان در واقع گورستانی متروکه در محله دزاشیب تهران بود که از سال ۱۳۳۲ شهرداری به عنوان گلخانه از آن استفاده می کرد. در زمان مدیریت حسامی نژاد، شهردار سابق منطقه یک شهرداری تهران، مشارکت در تغییر کاربری این گلخانه به بوستان برای اوقات فراغت جوانان و ساکنان محله به انجمن جوانان شمشیر پیشنهاد شد. این انجمن که از حدود ۳۰۰ جوان در ده سنی بین ۱۸ تا ۲۵ سال تشکیل شده است، جلسات خود را با همکاری شهرداری منطقه یک در سالن اجتماعی فرهنگی ساختمان شهرداری برگزار نمود و از این طرح استقبال گسترده ای به عمل آورد. مستقیمی، یکی از جوانانی که فعالیت عمده ای در این امر داشت می گوید: این گروه از جوانان برای فعالیتهای اجتماعی فرهنگی خود خواستار ردیف بودجه ای از شهرداری منطقه یک بودند. اما شهرداری امکان تخصیص این بودجه را نداشت ولی با اعتمادی که به جوانان نمود پیشنهاد کرد در احداث بوستان طبیعه مشارکت نماییم. فعالیت گروه با معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه یک هماهنگ شد و از طریق خدمات شهری اجرای امور به آنان واگذار گردید. این جوانان بدون هیچ چشم داشت مالی و فقط به عنوان مشارکنی داوطلبانه در جهت بهبود وضعیت منطقه سکونت خود به فعالیت پرداختند و حتی صندوقی تهیه کردند و متداری از هزینه های احداث بوستان را خود تقبل نمودند. مستقیمی می افزاید: کمیته کارشناسی متشکل از ۸ نفر از جوانان تشکیل شد که هر یک تحصیلاتی در رشته عمران داشتند، یکی از جوانان هم که دانشجوی کارشناسی ارشد باغبانی بود طراحی پارک را برعهده گرفت. در ابتدای کار تعدادی از پیمانکاران به جوانان پیشنهاد کردند در عوض دریافت وجهی، کار اجرای بوستان را به آنان واگذار کنند که از سوی جوانان پذیرفته نشد. البته در قسمتهای خاکبرداری و خاکریزی کار به پیمانکاران سپرده شد که طرف حساب آنان جوانان بودند. در این بوستان ۲ هزار متر مربعی ۲۰ نوع گونه گیاهی، گل و درختچه کاشته شده از جمله پایتال سبز، پایتال ابلق، رز هفت رنگ، رز میناسوری، رعنا و درختان اقلایا، ییرو کانتا و اسپرو. گفتنی است این جوانان برای شناخت لازم نسبت به گونه های



انتخابی جزواتی را در زمینه باغبانی مطالعه نمودند. مستقیمی در این مورد می گوید: شهرداری ناظری ویژه برای فضای سبز داشت که بازدید از مجموعه را بر عهده داشت و نکاتی را در حفظ گونه های گیاهی گوشزد می نمود. اما در زمینه اطلاع رسانی چندان کمکی نشده از این رو خود اقدام به تهیه جزواتی در زمینه آب دهی، نوع خاک مناسب گونه ها، گل دهی، گل گیری و موضوعاتی از این قبیل نمود. تا گیاهانی که با هزینه بسیار تهیه شده بودند از بین نروند. این گروه ۳۰۰ نفره به مدت ۸ ماه در اجرای طرح یادشده مشارکت نمودند و نتیجه کار این بود که هزینه نهایی ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر از هزینه های مشابه توسط پیمانکاران دیگر تمام شد. مستقیمی می گوید: ما برای حفظ مصالح و لوازمی که در زمان اجرا در محل قرار داشت مجبور شدیم چندین شب در محل بوستان بمانیم و نگهبانی دهیم. همچنین در زمان کاشت چمن و گلها جوانان به نوبت کشیک می دادند که آسیبی به گیاهان نرسد. گفتنی است این گروه پیشنهادی به شورای شهر تهران ارائه نمودند مبنی بر اینکه امور یک ناحیه از هر منطقه شهرداری به جوانان سپرده شود تا با علاقه و نشاطی که آنان به فعالیت های جمعی دارند، زیاده سازی و خدمات شهری آن ناحیه به نحو احسن انجام بگیرد و از هدر رفتن هزینه شهرداری جلوگیری شود. این پروژه نهم تیرماه سال ۷۸ با حضور اعضای شورای شهر تهران به بهره برداری رسید و خبر آن با تأکید بر مشارکت جوانان در پروژه در روزنامه همنهبری مورخ ۱۲ تیرماه ۷۸ درج گردید. گفتنی است در مدتی که از تاریخ بهره برداری این بوستان می گذرد مدیریت و کسب شهرداری منطقه یک چندین بار دچار تغییر شده و فعالیت های این جوانان متوقف شده است، به طوری که در سرانجام خبرنگار ما به این منطقه از شهرداری مسئولان فضای سبز و معاونت فرهنگی اجتماعی، مشارکت جوانان را در این طرح نفی نمودند و ابراز داشتند: این موضوع شایعه ای است که پراکنده شده، اجرای این بوستان به عهده

شرکت همیاران ره بی بوده است و اگر جوانان مشارکتی داشته اند به آن صورت که توجیف شده، بوده است. بلکه فقط در حیطه گل کاری بوده است. به نظر این مسئولان تأکید بر مشارکت جوانان در این بوستان فقط تمسیدی نمایشی در روز بهره برداری داشته است و به گفته یکی از مسئولان مگر می شود وقتی شورای شهر دیدگان برای بازدید از بهره برداری یک طرح می آیند، به آنها فقط مشتکی خاک و گل در ۲ هزار متر زمین نشان داد؟ لازم بود از مشارکت جوانان و فعالیت های فرهنگی که قرار است این جوانان در آن بوستان انجام دهند نیز صحبتی به میان آید. هاشمی، مسئول حوزه فنی و عمرانی شهرداری منطقه یک، می گوید: مشارکت مردم در شمال تهران در حیطه سرمایه گذاری ساخت و ساز بوده که عملاً با متوقف شدن برج سازی در منطقه از بین رفته و شهرداری می ران است تا با ایجاد راهکارهای جدید میزان مشارکت مخدوش شده را بالا ببرد که از جمله این راهکارها مشارکت مردم در حفظ و نگهداری فضای سبز است. خسروی، مسئول دفتر فضای سبز شهرداری منطقه یک می گوید: هر سال پانزدهم اسفند ماه اهالی شمشیران به تفریحی دارآباد می آیند و از شهرداری نهال می گیرند و در ارتفاعات می کازند؛ در واقع این فعالیت را می توان مشارکت مردمی خواند نه فعالیت در بوستان طبیعه. خسروی احداث بوستان طبیعه را چندان مهم نمی داند و می گوید: منطقه شمشیران خانه هایی دارد که هر کدام عملاً دارای فضاهای سبزی یا مترها بالا هستند و در واقع ساخت بوستان و پارک در این منطقه به اندازه سایر مناطق اهمیت ندارد. بهتر است مشارکت مردمی، برای نگهداری حیاطها و باغهای خود آنان جهت پیدا کند. اما ساخت بوستانی به مساحت بسیار کم که عملاً نه پارک است و نه یک مرکز فرهنگی چندان لزومی نداشته است. گفتنی است شهرداری منطقه یک تهران ۲۵۴ میلیون و ۹۳۷ هزار و ۵۸۸ متر مربع فضای سبز را تحت نظارت خود دارد.

ویژگیهای بخشنامه بودجه...

در این فصل تصریح شده است که سیاستها و رهنمودهای کلی قابل توجه در برنامه میان مدت و بودجه سالیانه شهرداریها، برگرفته از سیاستها و رهنمودهای کلی فصل عمران شهری در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کل کشور است. نظر به اینکه دستورالعمل تهیه برنامه پنجساله توسعه و عمران شهرداریها به مثابه یک برنامه میان مدت از نظر نحوه تنظیم هیاکنون در دفتر برنامه ریزی عمرانی مراحل نهایی را طی می کند، از این رو پس از تصویب لایحه برنامه سوم توسعه، سیاستها و رهنمودهای برنامه پنجساله شهرداریها مشخص و مبنای تهیه برنامه و بودجه سالیانه خواهد بود. ولی در عین حال یک رهنمود مهم محسوب هبت و بربران در خصوص توسعه مشارکت مردمی در اداره امور با جهت گیری تحقق مطلوب و مطابق حاکمیتی از طریق واگذاری تصدی امور غیر حاکمیتی به مردم و تقویت سازمانهای غیر دولتی» در این فصل درج و اعلام شده است که شهرداریها و شوراهای اسلامی، با بررسی امکانات و محدودیتهای موجود در هر شهر می توانند آمادگی لازم را برای گسترش مشارکت مردمی و پذیرش امور غیر حاکمیتی دولت ایجاد کنند.

فصل سوم - سیاستهای استراتژیک و رهنمودهای عملیاتی شده و تغییرات کنی: در این فصل با ارائه تصویر «چشم انداز آینده» فصل عمران شهری طبق اسناد برنامه سوم توسعه کل کشور اعلام شده است. بحث خطی مدیریت شهری و سازماندهی خدمات رسانی و ایجاد تأسیسات زیربنایی همچنان در رأس امور توسعه شهری قرار دارند. همچنین بر اساس اسناد برنامه سوم چالشهای آینده بخش در ارتباط با مدیریت شهر و شهرداریها بر شمرده شده و در ادامه، سیاستهای استراتژیک برنامه های مهم فصل عمران شهری بیان شده اند. خلاصه و اهم این سیاستها عبارتند از:

- ایجاد انسجام و هماهنگی در نظام مدیریت شهری و محلی به منظور نظارت و هدایت فرآیند توسعه شهرها.

- ارتقای بهره روری تأسیسات و تسهیلات شهری به همراه ترویج صرفه جویی در مصرف، ملاحظه مسائل زیست محیطی، ایجاد انضباط و ساده سازی در نحوه ارائه خدمات زیربنایی.

- ارتقای آگاهیهای عمومی، آموزش شهروندان، تقویت نظام اطلاع رسانی و توسعه منابع انسانی.

- دستیابی به حمل و نقل مناسب و آسین با تاکید بر حفظ محیط زیست و توسعه و

گسترش حمل و نقل عمومی ارزان قیمت، - ایمن سازی شهرها و اصلاح نظام مدیریت بحران (قبل، حین و بعد از وقوع حوادث).

- هدایت و کنترل توسعه شهرها و حمایت از شهرهای کوچک و متوسط با تکیه بر جلوگیری از توسعه کلان شهرها (بویژه تهران) و استفاده بهینه از اراضی شهری.

در آخرین بخش این فصل نیز فرآیند بررسی و عملیاتی کردن رهنمودهای مهم فصل عمران شهری به منظور تعیین یک سلسله اقدامات مشخص، سیاستها، روشها و راهکارهای اجرایی که به تصویب شورای برنامه ریزی بخش رسیده اعلام شده که عبارتند از (وضع یا اصلاح قوانین، اصلاحات سازمانی و تشکیلاتی و اصلاح سیاستها و روشهای اجرایی). در این چارچوب فرآیند بررسی و عملیاتی کردن برنامه های مهم فصل عمران شهری شامل (فضاهای سبز شهری، خدمات آتش نشانی، تأسیسات و تجهیزات شهری، ماشین آلات عمرانی و خدماتی، تحقیقات شهری، نظام مدیریت بحران مقابله با حوادث غیر مترقبه و حمل و نقل شهری) به موجب ۸ فقره فرم پیوست بخشنامه ارائه شده است و به موجب ۲ فقره فرم نیز تغییرات کمی حاصل از اجرای رهنمودها طبق فرآیند پیش گفته به اطلاع شهرداریهای کشور رسیده است تا با تطبیق وضعیت موجود هر شهر با شاخصهای تغییرات، فاصله خود را تا وضعیت مورد انتظار تعیین نمایند و برنامه ریزیهای لازم را انجام دهند.

فصل چهارم - سیاستهای اجرایی: در این فصل از بخشنامه سیاستها و راهکارهای اجرایی کلی که بنا به مقتضیات و شرایط خاص ضرورت می یابند و در بودجه سال ۱۳۷۹ شهرداریها باید مورد توجه قرار گیرند تبیین شده است. اهم این سیاستها به شرح زیر است:

- ساماندهی وضع وصول عوارض و بهای خدمات با توجه به زمینه مناسب مشارکت شهروندان که با استقرار شوراهای اسلامی شهرها در امر مدیریت شهری فراهم شده است.

- جلب مشارکت شهروندان در فعالتهای شهری با توجه به تعریف الگوهای مشارکت.

- ارتقای بهره روری که با توجه به مباحث علمی مربوط به عوامل مؤثر در بهره روری یعنی نیروی انسانی، سرمایه، تجهیزات، مدیریت، مواد، روش و اندازه گیری قابل ارزیابی و برنامه ریزی هستند.

- کاهش تصدی در ارائه خدمات شهری با واگذاری بعضی از وظایف به بخش خصوصی و اعمال مدیریت در این امور.

- ساماندهی سیستم حمل و نقل عمومی جهت رفع نارساییهای اساسی سیستم در ابعاد مختلف (ناوگان، شبکه، مدیریت، ساختار و تشکیلات، تجهیزات، نظام اطلاعاتی و نظام درآمدی) با رهنمودهای مشخصی که در بخشنامه به آن اشاره شده است.

- ضرورت نظارت شهرداریها بر امر مدیریت حمل و نقل و توجه به تقویت و توسعه سیستم حمل و نقل عمومی و تأثیر اعتبار لازم در بودجه برای خرید اتوبوس سهمیه اتوبوسرانیهای وابسته.

- لزوم توجه شهرداریها به جاذبه های تاریخی و فرهنگی و جلوه های طبیعی برای جلب گردشگران داخل و خارجی.

- توجه به بهداشت محیط شهری و حفظ محیط زیست با پیش بینی اعتبارات لازم در بودجه جهت بهبود شیوه های جمع آوری، حمل، اسحا و بازیافت بهداشتی مواد زائد جامد شهری، نظیف مکانیزه محیط شهری و نفضه باصلاح روشهای تخلیه فاضلابهای تأسیسات شهری مثل کشتارگاهها و غسالخانهها.

- ضرورت تأمین اعتبارات لازم به منظور مصون سازی شهرها در مقابل بلایای طبیعی و پیشگیری از حوادث غیر مترقبه طبیعی، نظارت بر حسن اجرای پروژه های ساختمانی و رعایت آیین نامه های مربوط به مقاوم سازی تأسیسات شهری و تهیه در برابر زلزله، آموزش شهروندان و تجهیز ایستگاههای آتش نشانی به خودروها و لوازم آتش نشانی و تجارت).

فصل پنجم - ضوابط مالی: در این فصل تأکید شده است که اساس و مانی ضوابط مالی بودجه شهرداریها به موجب قانون و آیین نامه های مالی و معاملاتی شهرداریها و قوانین و مقررات استخدامی و سایر بخشنامه ها و دستورالعملهای مورد عمل شهرداریها تعیین می شود. ولی در عین حال ضوابط مالی بودجه سال ۱۳۷۹ شهرداریها بر شمرده شده است که مهمترین آن تعیین ضوابط مربوط به نحوه برآورد اعتبار هزینه های وظیفه خدمات اداری شورای شهر و چگونگی پرداخت آن به شورا است. همچنین در ادامه این فصل مهمترین ضوابطی که شهرداریها برای جذب اعتبارات طرحها و ردیفهای بودجه کل کشور و اعتبارات از محل وجوه متمرکز در اختیار وزارت کشور باید رعایت کنند تبیین شده است.

● سومین نشست معاونان خدمات شهری شهرداریها بهمن ماه ۷۸ با حضور معاونان خدمات شهری همدان، زرین شهر، یسزد، زنجان و سنندج در کرمانشاه برگزار شد. در این نشست پیشنهاد شد نحوه محاسبه هزینه برق چاه موتور و روشنایی پارکها که در حال حاضر با تعرفه تجاری محاسبه می شود با تعرفه کشاورزی محاسبه شود. همچنین مطرح شد از آنجا که آب مصرفی شهرداریها بویژه در پارکها و مکانهای عمومی است هزینه فاضلاب آن محاسبه نشود. در این نشست پروژه بیوکمپوست و بازیافت مواد زاید شهری کرمانشاه معرفی شد که بهر میرداری آن از خرداد سال آینده آغاز می شود.

● در سال گذشته، هنوز ۶ هزار و ۴۹۲ پروژه که قبل از برنامه دوم توسعه آغاز شده بودند در دست اجرا بود. از این رو سازمان برنامه و بودجه اعلام نمود: سیاست کنترل پروژههای جدید و تمین تکلیف پروژههای نیمه تمام می بایست همچنان از طرف کمیته های برنامه ریزی استانها اعمال شود و ساماندهی پروژههای عمرانی و طرحهایی که بیش از ۴ سال از شروع عملیات آنها می گذرد مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرند.

● در دومین نشست معاونان خدمات شهری کلان شهرهای کشور در شیراز، روند خصوصی سازی امور خدمات شهری بررسی شد. در این نشست واگذاری حداقل ۵۰ درصد از امور اجرایی خدمات شهری در سال ۱۳۷۹ به بخش خصوصی، با توجه به هزینه شدن ۵۰ درصد از بودجه کلان شهرها در امور جاری و خدمات شهری، مورد بررسی قرار گرفت.

● در ادامه سلسله سخنرانیهایی که از سوی مرکز مقالات بر نامه ریزی شهری وزارت کشور برگزار می شود، چهارمین سخنرانی، توسط پرویز پیران استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تحت عنوان ناهماهنگی در نظام شهری کشور با تأکید بر جایگاه شهرهای متوسط ایراد گردید. او گفت: در کشورهای جهان سوم به علت عدم تحقق آمایش سرزمین و توسعه ناهمگون زیرساختها در فضای ملی، بخش عمده امکانات به یک یا دو شهر اختصاص می یابد و به همین دلیل جمعیت انبوهی به آنجا سرازیر می شود که باعث مشکلاتی چون ترافیک و حمل و نقل شهری، ناسمین آب و انرژی و مسکن غیر استاندارد می شود. پیران افزود: برای حل مشکلات پلا شده، تقویت شهرهای متوسط راهکاری جدی محسوب می شود. گفتنی است اتحادیه جهانی معماران با توجه به این موضوع، برنامه ای را تحت عنوان شهرهای متوسط طراحی و به اجرا گذاشته است که پیران به عنوان نماینده آن در خاورمیانه عهده دار فراهم آوردن زمینه

عضویت شهرهای متوسط منطقه یاد شده در شبکه جهانی شهرهای متوسط است. او همچنین در این مراسم شرایط عضویت و فواید آن را در شبکه یاد شده تشریح و تبیین نمود.

● شورای جوانان تفرش با حضور جوانان و فرماندار شهر تشکیل شد و اعضای ۵ نفره آن انتخاب گردید و در ادامه فعالیت، اقدام به تشکیل کمیسیون بانوان نمود. همچنین این شورا آمادگی خود را برای ارتباط با شوراهای جوانان شهرهای دیگر اعلام نموده است.

● به گزارش سخنگوی شورای شهر زاهدان در فعالیت ۸ ماهه شورا به ۴ هزار و ۵۰۰ فقره شکایت رسیدگی شده است و ۱۴۰ پروژه با اعتباری معادل یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان به انجام رسیده است.

● به گزارش استانداری ایلام، با مشارکت سازمان همیاری شهرداریها و چند شهرداری استان ایلام احداث کارخانه گچ دهلران شروع شد. این کارخانه با سرمایه ای بالغ بر ۵ میلیارد ریال راه اندازی می شود که مبلغ یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال آن از محل اعتبارات تبصره ۱۹ است. ۲۵ درصد از سهام این کارخانه مربوط به سازمان همیاری استان ایلام، ۲۷ درصد شهرداری ایلام و ۲۰ درصد شهرداری دهلران است. همچنین شهرداریهای پهل و میمه و زرین آباد هر کدام در ۹ درصد از این سهام مشارکت دارند. گفتنی است این پروژه قرار است در پایان سه ماهه اول سال ۱۳۷۹ راه اندازی شود.



سمرقند و بخارا احیا یا زوال

ترجمه و اقتباس: فرگس زهره‌نسیب



سمرقند در ارتفاع ۶۷۸ متری و بخارا در ۵۸ متری از سطح دریا قرار دارد. این دو شهر دارای نوعی آب و هوای نامساعد بومی هستند. گناه در زمستان برقی خفیف می‌بارد و درجه سرما تا ۲۵ درجه زیر صفر می‌رسد. در صورتی که در تابستان به ۴۱ درجه سانتی گراد بالغ می‌شود.

در دوره اسلامی سمرقند همیشه مهمترین شهر تمامی منطقه محسوب می‌شد، حتی در عصر سامانی که بخارا پایتخت بود، سمرقند بر آن برتری داشت. این شهر در محل تلاقی راههای بازرگانی قرار داشت. راه بازرگانی هند از طریق بلخ و راه ایران از طریق مرو بود. سمرقند به وسیله مستملکات ترکستان از سوی شرق به چین راه یافت^۱. به علاوه حاصلخیزی فوق‌العاده خاک آن، تمرکز جمعیتی زیادی را در نواحی نزدیک آن میسر ساخت. امروزه نیز سمرقند جمعیتی بالغ بر ۱۹۵ هزار نفر را در خود جای داده است^۲. مکان باستانی شهر سمرقند مربوط به پیش از عصر تیموری، روی تپه‌ای معروف به تپه افراسیاب، در شمال شهر فعلی مورد کاوش قرار گرفته است. اگر از فراز یکی از بالکنهای هتل افراسیاب در مرکز سمرقند نگاهی اجمالی به شهر بیندازیم، چندین بنای تاریخی را که در حاله‌ای شیرین رنگ فرو رفته‌اند خواهیم دید. در جنوب گوراند یا مقبره تیمور لنگ کتیدی آبی رنگ و شیاردار و منازمهایی که آن را دربر گرفته‌اند وجود دارد. در نیم ماهلی شرقی، ریگستان گسترده‌ای قاب گرفته شده

از خراسان بزرگ تا جمهوریه‌های تازه استقلال یافته از بکستان و تاجیکستان به دنبال شهرهایی گشته‌ایم که بیش از آنکه جسم به غارت رفته‌شان را بباییم روح پا برجای آنها را در میان سطور درهم اشعار شاعران و نویسندگان دلسوخته یافته‌ایم. سمرقند و بخارا، دو شهری که از قدیمی‌ترین و تاریخی‌ترین شهرهای آسیای میانه به شمار می‌روند؛ سرزمینهایی در شمال شرقی ایران که در افسانه‌های کهن تاریخی توران زمین نام گرفته‌اند. در ادوار اسلامی این نواحی را اسغدیاماوراءالنهر و خوارزم گفته‌اند. وزیرافشان یکی از سه ناحیه منطقه توران است که شهرهای سمرقند و بخارا را در دل خود جای داده است.^۱

است، میدانی بزرگ که در کنار آن مدرسه و خانقاه الغیبگ و چندین بنای مذهبی و تجاری دیگر واقع شده است.^۴

این نمونه‌ای است از «مجموعه شهری» براساس میدانی باز که در عصر تیموری فراوان پیدا می‌شود. در عصر تیموری شهرسازی به معنی واقعی آغاز شد. بیشتر بناها طوری طرح ریزی شده که از بناهای اطراف خود جدا و مشخص باشند و معمولاً سطح اصلاح چنین بناهایی بناکاشی پوشیده شده است.^۵ اینها نشانه‌هایی از شهر باستانی سمرقند است که در حومه جنوبی تپه افراسیاب به جای مانده‌اند. چیزی حدود ده دوازده بنا که متعلق به قرن پانزدهم تا هفدهم است و امروزه در زیر ساختمانهای جدید شهر فعلی قرار دارند. لرد گرزن در سال ۱۸۸۹ به سمرقند آمد و از شکوه و عظمت بناهایی که در سمرقند چشم او را خیره کرده بود، زبان به ستایش گشود. او سمرقند را مکانی عمومی تصویر کرده است که دور تاوران را کلیساهای جامع دوره گوئیک احاطه کرده‌اند. این خود چشم اندازی مهیج

شده‌اند و آنچه به جای مانده است، مخدوش و نیمه ویران است. ولی طی چند سال اخیر با امتیازات محدودی که به دشواری هم به دست آمده‌اند، توافقی صورت گرفته است که بعضی از این آثار ترمیم و بازسازی شوند. در صورت این آثار سعی شده است در حد امکان از رنگهای طبیعی که با ظرافت ساخته و پرداخته می‌شوند استفاده شود و از به کارگیری رنگهای تند و زنده که از محصولات ماشینی کارخانه‌های بزرگ هستند بپرهیز شود. در مقاله‌ای که اخیراً استفان کین زر در نیویورک تایمز به چاپ رسانده آمده است: «سمرقند کم کم به بار می‌میدل می‌شود که متناسب با حال و هوای لاس و گاس است و به طرز رنج‌آوری از حیطه خود بیرون افتاده است». در همین مقاله فرایندی بزرگ «سورخ محلی» توضیح می‌دهد: «دانشجویان ما تلاش می‌کنند آنچه را پیش از این اتفاق افتاده است متوقف کنند، اما چیزی که خواسته آنها را عملی کند وجود ندارد. وقتی عده‌ای از دولتمردان می‌آیند و می‌گویند در ویرانه‌های سمرقند چیز جالبی وجود ندارد که ارزش سرمایه‌گذاری داشته باشد، باید بپذیریم تنها راه ممکن برای بازسازی این آثار توجهی است که مردم به آنها مبذول می‌دارند و با اعتراض خود به این رویه دولت، توجه آنان را نیز جلب می‌کنند».^۸

توجه به این واقعیت مهم است که این آثار مورد توجه بسیاری از توریست‌های دنیاست. در آمار گذشته‌های که شوروی سابق ارائه کرده، تعداد بازدید کنندگان را به تعداد کوهپای سمرقند ذکر کرده است. از آن موقع یعنی زمان استقلال تاکنون به نظر می‌رسد این رفت و آمدها کمتر شده است. ولی طی ۵ سال گذشته امکاناتی فراهم شده که هدف آن افزایش تعداد توریست از ۶۰ هزار به ۸۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۰ است. علاوه بر این قرار است ۲۰ هتل بزرگ برای اسکان آنها ساخته شود. ولی این نیز هدفی غیر واقع گویانه است. با توجه به اینکه در اواخر اکتبر - ماهی که همه ترجیح می‌دهند از کشورهای بیابانی دیدن کنند - هتلها عملاً خالی می‌مانند و تعداد بازدید کنندگان از مکانهای اصلی خیلی کم است. در جایی که تدابیری این چنین اندیشیده‌اند از بهسازی و یا اصلاح زیر بنا و ساخت و ساز خبری نیست. اکنون در سمرقند یکتواختی را مشاهده می‌کنیم که در آن نوار باریکی از زمینهای بی‌درخت که در آن خانه سازی شده چون دیواری، ویرانه‌ها را در پشت خود پنهان کرده است؛ دیواری از جنس بتن و پولاد. به مردم اجازه داده می‌شود خانه‌هایشان را بنا کنند، حتی در سوادری دولت به آنها کمک مالی نیز می‌کند و با اعتباراتی برای ساختن مساجد و یا محلهایی برای گردهمایی عمومی می‌دهد. ولی وجود چنین محله‌های پرجمعیت و پررفت و آمد و بافت فشرده‌ای که پدید می‌آید مرگ زودرسی برای بناهای تاریخی نیز خواهد بود. سیاستهای دولت نیز این مرگ زودرس را شتاب می‌دهند. رئیس جمهور کنونی ازبکستان، اسلام کریموف که در سال ۱۹۹۵ با ۹۹/۶ درصد آرایه ریاست جمهوری رسید، در سمرقند به دنیا آمده است و در این شهر احساس هویت می‌کند، ولی تیمورلنگ - که هرگز در ازبکستان نرسیده بود - به نظرش بی‌ارزش می‌رسید تردید به خود راه نمی‌داد - بیش از او در آجیای

وقتی عده‌ای از دولتمردان می‌آیند و می‌گویند در ویرانه‌های سمرقند چیز جالبی وجود ندارد که ارزش سرمایه‌گذاری داشته باشد، باید بپذیریم تنها راه ممکن برای بازسازی این آثار توجهی است که مردم به آنها مبذول می‌دارند و با اعتراض خود به این رویه دولت، توجه آنان را نیز جلب می‌کنند

است که ما را در عین حال خشنود و عمگین می‌سازد. در زیر ظاهر پرجنبه و با ابهت این شهر فراموش شده چه می‌گذرد؟ حقیقت این است که همه این زیبایی‌ها در حال تابودی‌اند. در زیر ظاهر زیبای شهر هویت ملی چند نسل را موریانه زده است. چه تناسبی بین آيازتمان‌های ساخته شده از بتن و پولاد و خشت‌های خام و آجر و کاشیهای معرق وجود دارد؟ گرزن باشم هنری خود زیبایی را درک می‌کند و عکسهای اوربگستان گنبد‌های شکسته و هلالی‌های عربی را نشان می‌دهند که از بی‌نظمی و درهم ریختگی رویه رشدی حکایت می‌کنند و یادآور بازارهای مکاره هستند.^۶ حیرت‌انگیز اینجاست که هر یک از این بناهای یادبود با وجود زمین لرزه‌ها و غارتگریهای حکومت لگام گسیخته استالینی که اصالت ملی مذهبی این آثار را در زیر چکمه‌های ایدئولوژی خود لگمال کرده‌اند - در تمام این سالها بر جای مانده‌اند. تمدن اسلامی همواره مورد ظلم واقع شده است. ویل دورانت، مورخ بزرگ، از سمرقند در قرن ششم هجری به عنوان یکی از سنگرهای تمدن اسلامی یاد می‌کند و می‌گوید: «در سراسر ترکستان شرقی و ایران شهرهایی که سنگر گاههای تمدن اسلامی بود، یکی از پس دیگری طعمه چپاول، کشتار و آتش‌سوزی شد که بخارا، سمرقند و نیشابور از مهمترین آنها به شمار می‌روند».^۷

در زمان سیطره کمونیسم بناهای تاریخی زیادی ویران

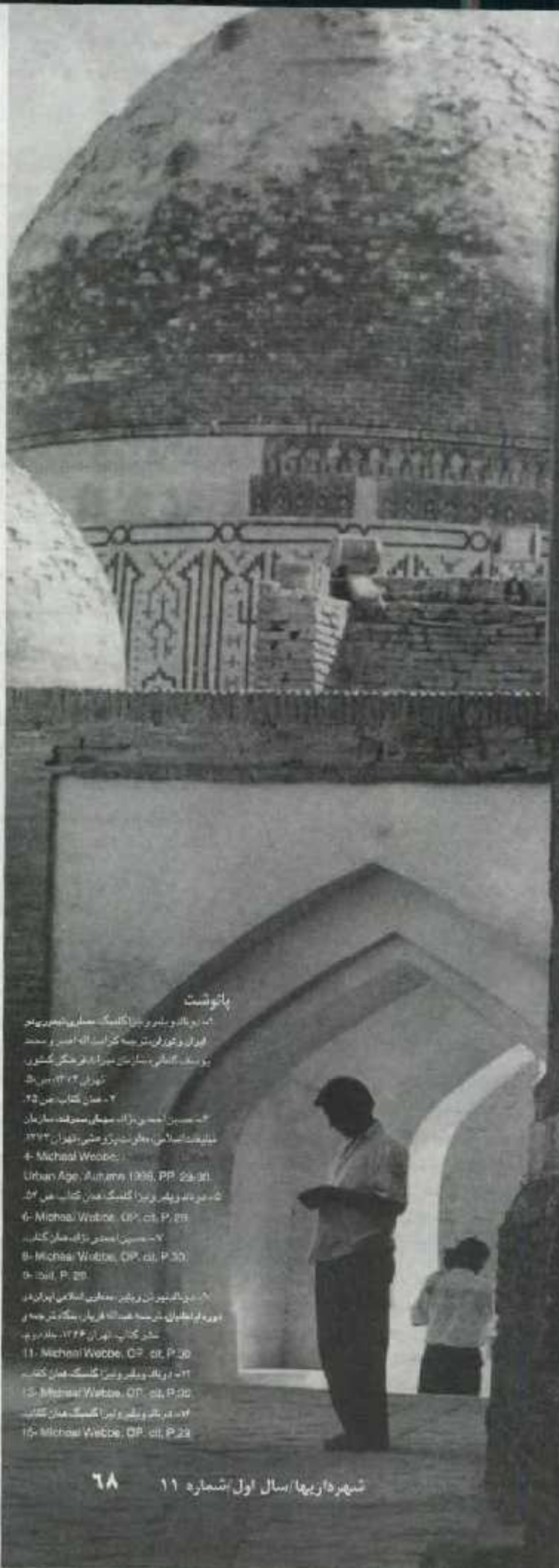
این شهر همت کرده است (۹).

تیمور اقتدار احداث ۸ اثر موجود و ۲۵ بنای دیگر را که فقط در متون تاریخی ذکر آنها رفته، نصیب خود کرده است. علاوه بر این حدود ۶۵ کاخ در باغهای حومه سمرقند و نیز زیارتگاههایی که اندازه و شکوه و جلال آنها با هم متفاوت است مثل چشمه ایوب بخارا که بنای آجری ساده‌ای است از دیگر آثار اوست. از مهمترین طرحهای تیمور لنگ تجدید حیات سمرقند به عنوان پایتخت امپراطوری بود که در احداث مسجد جامع جدید و بک شاهراه بازگانی بزرگ که شهر جدید را به میدان کهنه ریگستان مربوط می‌ساخت تجلی یافته است.

انشارهای فهرست وار سه طرحهای معماری تیمور تنوع و سیمی از انواع عمارات یعنی بناهای مسکونی، تجاری و مذهبی را نشان می‌دهد. انگیزه‌ای که در ایجاد راه و ساختمان از آنها برای مقاصد نظامی و مرمت حصار شهر و تأسیسات آب رسانی و منزلگاههای میان راهها وجود داشته، در اصل برای توسعه و یا تجدید بنا بوده است ضمن اینکه تعدادی از طرحهای او برای اعمال مذهبی بوده است مانند زیارتگاهها، مساجد و خانقاهها (۱۰).

بهدا امین روستاهای بوتکمین در اطراف آثار کهن سمرقند - که در زیبایی شهر اثر منفی گذاشته‌اند - تنها مشکل، فرسایش این شهر نیست. مشرفه‌های آب زیرزمینی و نمکهای حاوی آنها بتدریج بافت این بناها را می‌خورند. همان طور که آب یخ می‌شد و منبسط می‌شود، لازم است آجرهای به کار رفته در ساختمانها با لایه‌های از رنگ اندوده شوند تا بتوانند دوام بیاورند. آبی که در پی بنا رسوخ کرده، در اثر آبیاری بیش از حد بوده است. در سال ۱۹۳۰ برای بار دوم هر چه تمامتر دولت استالین مالیات سنگینی برای ازبکستان تعیین کرد که نامین کننده آن بنه تمام کشور بود. تا ۶۰ سال بعد در حالی که می‌توانست سرمایه کشور به معادن منکی باشد کماکان این محصول کشاورزی همچنان تولید می‌شد، تابلوهای اعلان در هر جا این جمله را تبلیغ می‌کردند: «همه بنه می‌چینند این هشدار عمومی، باعث موافقت اجباری دولت برای پایین آوردن تولید بنه شد ولی این اقدام بسیار دیر بود زیرا تا آن زمان رودخانه‌ها خشک شده بودند. دریای اورال سه چهارم آنها می‌را که طی ۳۰ قرن اخیر جمع کرده بود، از دست داد و به مرداب تبدیل گردید (۱۱).

بخارا در ۲۰۰ مایلی غرب سمرقند قرار دارد. از ابتدای شاهراهی که سمرقند را به بخارا می‌رساند تا مسافتی نسبتاً طولانی، زمانی دهکده‌های محصور زیادی وجود داشت که با تاکستانهای متعدد احاطه شده بودند. هر یک از این روستاها از گی داشت که روی تپه‌ای مصنوعی ساخته شده بود و خندقی از ک یا حفاظت می‌کرد. پس از آن منظره به به طور کلی خشک و بی‌آب و گاه بود بخارا بیش از هزار سال است که در مکان اصلی خود قرار گرفته و جلی قرنها نقشه آن تقریباً تغییر نکرده است. پلیتیسکی نقشه‌ای از بخارا را آن طوری که در قرن نوزدهم بوده چاپ کرده است (۱۲). از هنگام تجاوزات روسیه تزاری در نیمه دوم قرن نوزدهم معاملات گسترده‌ای در زمینه معماری آسیای میانه آغاز



پانویس

- ۱- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۲- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۳- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۴- Michael Webbe, Urban Age, Autumn, 1996, PP. 29-31.
- ۵- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۶- Michael Webbe, OP, cit, P. 29.
- ۷- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۸- Michael Webbe, OP, cit, P. 30.
- ۹- Ibid, P. 29.
- ۱۰- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۱۱- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۱۲- Michael Webbe, OP, cit, P. 30.
- ۱۳- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۱۴- محمد باقر و میرزا گلنگ سمرقندی، سمرقند، تهران، انتشارات خوارزمشهری، ۱۳۳۲.
- ۱۵- Michael Webbe, OP, cit, P. 29.

شد. در بارهای موارد در ماههای اولیه تسخیر هر شهر، مهندسان روسی مشغول کار شده و کوشش می کردند آثار تاریخی را که بر اثر گذشت زمان در حال فروربخن بود حفظ کنند. خرابیهای حاصل از زلزله نیز گروههای متخصص را به آنجا می کشاند. در دهه های نخستین قرن بیستم، آسیای مرکزی کانون شرق شناسان، باستان شناسان و مورخان هنر گشته بود. هر چند در مورد بناهای تاریخی منفرد زیادی تحقیقات کاملی به عمل آمده است که بیشتر آنها هم به دوره تیموری مربوط است، ولی در

مدارس و بازارهای خیبری ملایق که هر کدام به طور فشرده ای آجر چینی شده اند به علاوه خشت های خام آجری رنگ که دیوارهای مساجد را می سازند، همه حکایت از گذشته می کنند. گذشته ای که تنها با حفظ کتیبه های آجری و پشتواریها و سطوح برجسته کاری شده بناها می توان آن را پاسداری کرد. بقایایی که امروزه در اثر آفتاب داغ بیابان، رنگهای اصلی خود را از دست داده اند و یا به صورت بریده بریده در آمده اند (۱۴).

ظرفیترین بقایای آجری که متعلق به هزار و صدسال پیش و دوره سامانی است در منطقه بخارا پیدا می شود. کاربرد استنایی ستون در معماری مساجد سمرقند و ایضا های ستون دار قابل انبساط در مجسمه کالیان بخارا و نیز به کاربردن چهار ستاره در گوشه و کنار حیاطی که مدرسه و خانقاه محمد سلطان را در سمرقند به هم متصل می ساخت و بعدها گورامیر نیز به آن افزوده شد، منحصر به فرناست (۱۵).

به نظر می رسد با توجه به بررسیهای به عمل آمده، بافت بخارا در مقایسه با سمرقند به ترمیم و بازسازی بیشتری احتیاج دارد.

در زمان خیرالله سلاموف امین اوغلو (مستول حفاظت و ترمیم آثار و ابنیه بخارا) موفقیت های چشمگیری به دست آمد. صنعتگران با عزم و اراده ای قابل ستایش آجرهای سستی را بازسازی کردند و در ترمیم بناها از آجرهایی استفاده کردند که حفظ رنگ مایه های طبیعی در آنها اهمیت داشت. نسیم تایروف (رئیس هیئت مدیره معماران شهرستانی) از حدود ۳۰ سال پیش تقعه های امیدوار کننده ای سر داده است، او با اعتقاد به اینکه «شهر مثل یک انسان است و هر بخشی از اندام او مهم است» اقداماتی در جهت ارائه خدمات بهتر انجام داده است. احداث فاضلابهای جدید و لوله کشی، بدون آنکه نیازی به عوض کردن بافت بیرونی و خارجی شهر باشد از جمله این اقدامات است.

در سال ۱۹۹۵ از طرف شرکت تجاری آفاخان جایزه ای برای بخارا در نظر گرفته شده که عملاً امکانات وسیعی برای بازسازی این شهر به وجود می آورد. این شرکت خود مسئولیت بازسازی را به عهده گرفت. هدف از پرداخت این بودجه، تبدیل بخارا به شهری برجست و جوش بازندگی اجتماعی و اقتصادی لازم بود، به صورتی که بافت قدیمی آن دست نخورد باقی بماند و اصالت شهر حفظ شود.

مسئله این است که آیا از پاکستان می تواند ثرور خدشه دار شده خود را با توجه به احتیاجات مدرن شهری ترمیم نماید و بهترین حمایت های خارجی را که به طور آزادانه ای به او پیشنهاد شده برگزیند؟

باید بپذیریم که آثار به جای مانده در این سرزمین از حیظه یک کشور خارج است و ابعدادی فراملیتی پیدا کرده است. آنها به همه دنیا تعلق دارند. در حال حاضر یونسکو و مؤسسه های خصوصی زیادی آمادگی خود را برای کمک رسانی اعلام کرده اند. کاهش این گونه نقاط دیدنی در سراسر جهان، تراژدی بزرگی است که حائز اهمیت است.

از مهمترین طرح های تیمورلنگ تجدید حیات سمرقند به عنوان پایتخت امپراطوری بود که در احداث مسجد جامع جدید و یک شاهراه بازرگانی بزرگ که شهر جدید را به میدان کهنه ریگستان مربوط می ساخت تجلی یافته است

در بخارا خانه ها به صورت راهروهای بیج در بیج و غبار آلودی در کنار یکدیگر کپه شده اند و به نظر می رسد که همه آنها رو به نابودی اند. تنها بخشی از دیوارهای شهر باقی مانده است که به وضوح از بخشهای عمده شهر جدا شده اند. خانه های قدیمی بخارا تقریباً همگی از خشت خام ساخته شده اند و به طرز خارق العاده ای، ساختاری شبیه دهکده سرخیوستان در نیومکزیکو دارند

بسیاری از این بررسیها ترسیمات یا مقیاس اصلی مطابقت نداشته اند و طرح های منتشره زیادی بدون مقیاس و تعیین جهات هستند و یا در تنظیم این بررسیها استاد و مدراک حذف شده و از ذکر منابعی که در خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق در دسترس نیست خودداری شده است (۱۳).

با کنار گیری امیر بخارا و افزایش مشترکات امپراطوری روسیه با سمرقند، مناسبات تازه و گسترده ای میان دو شهر سمرقند و بخارا به وجود آمد. از آن زمان بناهای یادبود و خانه های قدیمی سمرقند شکل دور افتاده ای پیدا کردند و در منظره های بی حفاظ از شهری بزرگ پنهان شدند. در بخارا خانه ها به صورت راهروهای بیج در بیج و غبار آلودی در کنار یکدیگر کپه شده اند و به نظر می رسد که همه آنها رو به نابودی اند. تنها بخشی از دیوارهای شهر باقی مانده است که به وضوح از بخشهای عمده شهر جدا شده اند. خانه های قدیمی بخارا تقریباً همگی از خشت خام ساخته شده اند و به طرز خارق العاده ای، ساختاری شبیه دهکده سرخیوستان در نیومکزیکو دارند. در حال حاضر رگه هایی از حیات نوین در شهر دمیده شده است. بسیاری از مدارس بازگشایی شده اند، یهودیان کنیسه کوچکی در اختیار دارند. صنعتگران در مغازه های خالی کار را شروع کرده اند و پدید آمدن رستوران هایی در هوای آزاد که دور تا دور استخرها و حوضها را گرفته رایج شده است.

فضای سبز

اهمیت روز افزون مطالعات و پژوهش‌های شهری، بویژه پژوهش‌های شهری کاربردی که با شناخت علمی مسائل شهری، معضلات نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و ارائه راهبردهای علمی کاربردی برای گره‌گشایی از مشکلات شهری سر و کار دارند، کاملاً آشکار است. اهمیت این مسئله و به منظور اطلاع رسانی در زمینه فعالیت‌های پژوهشی مؤسسات و اشخاص حقیقی - که در شمارگان محدودی منتشر می‌شود - اقدام به معرفی طرح‌های تحقیقاتی می‌نماید، بدیهی است که علاقه‌مندان می‌توانند اطلاعات تفصیلی را از مجریان طرح‌های تحقیقاتی دریافت نمایند. در این شماره به مناسبت موضوع ماهنامه که به فضای سبز اختصاص دارد، چند پروژه پژوهشی که از سوی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری تهران در سال‌های اخیر تهیه شده است، معرفی می‌شود.

الف - طرح آزمایشی تحقیقاتی ایجاد شرایط زیستی مناسب با پرندگان حوضه‌آور بومی شهر تهران: مجری این طرح، شرکت کاس خور است که به مدت ۶ ماه اجرای آن راه عهده داشته است. هدف از اجرای این طرح، افزایش جنبه‌های زیست‌سازنی و تحرک پذیری محیط پارک‌ها و وارد شدن پرندگان در زنجیره غذایی خود و ایجاد ارتباط منطقی بین شهروندان جامعه پرندگان است. حوزه‌های اجرایی این طرح محدوده شهری تهران است. فرآیند پژوهشی که در این مورد انتخاب شده به شرح زیر است:

۱- تهیه و نصب لانه‌های موردنظر در پارک‌های تعیین شده برای جلب پرندگان حوضه‌آور.
۲- برداشت مداوم و مشاهده مستقیم و ثبت برداشتها در ماه‌های متوالی.
۳- تجزیه و تحلیل آماری نتایج به دست آمده نشان می‌دهد در پارک‌های جمشیدیه، ملت، ساعی، پارک شهر، آزادگان، سرخه حصار و لانه‌بیشترین لانه‌های گذار شده توسط گنجشک معمولی اشغال شده است. البته به این نیست می‌توان پرندگانمانند طوطی، کلاغ، قمری خانگی، کبوتر چاهی و توکسای سیاه را نیز اضافه نمود و در یک جمع‌بندی کلی باید گفت گنجشک معمولی با رفتاری مانوس تر و جمعیتی بیشتر از سایر پرندگان ظاهر شده است که نشان می‌دهد در عرصه رقابت تر سایر پرندگان موفقتر بوده است.

ب- طرح بازنگری و بهینه‌سازی پارک جنگلی چیتگر: مجری این طرح، گروه مهندسان مشاور عمران سرزمین است که به مدت ۱۲ ماه اجرای آن را در پارک جنگلی چیتگر برعهده داشته است. هدف از اجرای این طرح، برنامه‌ریزی دقیق در مدیریت پارک جنگلی است، به نحوی که این مجموعه قادر باشد توانایی‌های خود را به بهترین شکل ممکن ارائه دهد. روش پژوهشی که در این مورد انتخاب شده عبارت است از:

۱- بررسی منابع موجود و جمع‌آوری تصامی طرح‌های مربوط به پارک جنگلی چیتگر.
۲- بررسی وضعیت موجود در پارک شامل بررسی تصامی مسائل مربوط به پارک جنگلی (از جمله نحوه آبیاری، گونه‌های گیاهی، وجود امراض و آفات، خاک، تأسیسات ورزشی، روش‌های و...)

سپس مقایسه وضع موجود با نقشه و طرح‌های اصلی پارک و در نهایت نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد به منظور برنامه‌ریزی و بهینه‌سازی پارک و تهیه دستورالعمل‌های مربوط به آن. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد این پارک از جهات مختلف در وضعیتی مطلوب نیست. پارک به ۷۸۱ واحد زیست محیطی تقسیم شده که ۱۶۹ واحد به عنوان منطقه حفاظت شده و ۵۹۱ واحد به عنوان منطقه تفریح گسترده، ۱۴ واحد به عنوان تفریح متمرکز و ۷ واحد به عنوان منطقه استفاده ویژه در نظر گرفته شده است. ارزیابی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که باید راه حل مناسبی برای اداره این پارک پیدا نمود تا از مرگ تدریجی آن جلوگیری شود.

ج- طرح بررسی و انتخاب چمن‌های مقاوم به سایه: مجری این طرح، سازمان پارک‌ها و فضای سبز است که به مدت ۲ سال اجرای آن را در پارک لاله و پارک شهر به عهده داشته است. هدف از اجرای این طرح بررسی و ارزیابی‌های مقاوم به سایه بوده است. روش این پژوهش به شرح زیر است: زمینی به مساحت ۴۰۰ متر مربع در پارک لاله، با سایه‌ای در حدود ۶۰-۵۰ درصد و زمینی به مساحت ۴۰۰ متر مربع در پارک شهر، با سایه‌ای در حدود ۹۵-۹۰ درصد، به این امر اختصاص یافته و طرح در آن اجرا شده است. هر وارینه چمن در سطحی به مساحت ۱۰ متر مربع با ۲ تکرار کشت شد. در دوره اجرای طرح در زمان‌های مناسب عمل چین و برداشت انجام شد و وزن تر و خشک آنها پس از توزین تعیین گردید. زغال سبز شدن هر وارینه، سرعت ارتفاع رشد آنها، قدرت پنجه‌زنی و میزان پر کردن سطح خاک و برخی خصوصیات ظاهری و مورفولوژیکی دیگر نیز اندازه گیری شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد از بین ۸ وارینه، ۴ وارینه از بهترین آنها برای استفاده در زیر درختان است که عبارت‌اند از: مارگرد، یازدن، یارون و مخلوط مقاوم La mixture این ارقام به ترتیب از نظر عملکرد و کیفیت، در سطح خوبی برای استفاده در شرایط سایه (۸۰-۶۰ درصد) هستند.

د- طرح ارزیابی زیست محیطی آبیاری فضای سبز با استفاده از پساب‌های تصفیه شده در تصفیه خانه‌های فاضلاب

تهران: این طرح در مدت ۹ ماه اجرا شده است. اهمیت کارسزد پساب‌های تصفیه شده برای مواردی که کیفیت پایین تری از آب آشامیدنی برای پارک‌ها! فضای سبز... مورد نیاز است، خود دلیل انجام طرح بوده است. از طرف دیگر، کیفیت نامطلوب این پساب‌ها می‌تواند از نظر برنامه‌ریزی و زیست محیطی از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. فرآیند پژوهشی که در این مورد انتخاب شده است مراحل زیر را شامل می‌شود: شناسایی محدوده تصفیه خانه‌های فاضلاب مناطق مختلف تهران و پارک‌ها و فضای سبز موجود در آن که هر دو هفته یک بار از پساب خروجی تصفیه خانه نمونه برداری شده و نمونه‌ها مورد تجزیه و تحلیل شیمیایی و فیزیکی قرار گرفته است. با توجه به نوع فاضلاب تصفیه خانه‌ها مهم‌ترین اندازه‌گیری‌های آزمایشگاهی مورد لزوم برای ارزیابی کیفیت آن به منظور آبیاری عبارت‌اند از: هدایت الکتریکی، کلسیم، منیزیم، سدیم، کربنات، بی‌کربنات، کلرید، پرت، ازت آمونیاکی، ازت نیتراته و فسفر.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که:

- ۱- پساب‌های خروجی تصفیه خانه‌های صاحبقرانیه، قیصریه، زرگنده، شوش، آکباتان و فکوری با استانداردهای موجود مطابقت نداشته و قابل تخلیه به محیط‌های پذیرنده بویژه از نظر میکروبی نیستند.
- ۲- پساب‌های خروجی تصفیه خانه‌های یاد شده پس از کلسزنی با استانداردهای موجود مطابقت نداشته و می‌توانند به محیط‌های پذیرنده تخلیه گردند.
- ۳- پساب‌های خروجی تصفیه خانه‌های صاحبقرانیه، قیصریه، زرگنده و آکباتان پس از کلسزنی و معالجات لازم می‌توانند به مصرف آبیاری فضای سبز با استفاده از تانکر برسند.
- ۴- پساب‌های تصفیه خانه‌های شوش شهید فکوری به علت مطابقت نداشتن کیفیت آنها با توجه به امکانات موجود قابل استفاده نیست.
- ۵- براساس مطالعات انجام شده، حجم پساب‌ها بالغ بر ۲۰ هزار متر مکعب برآورد شده که به علت پراکندگی تصفیه خانه‌ها و مراکز مصرف استفاده از سیستم لوله کشی برای انتقال آب مقرون به صرفه نیست.
- ۶- مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که کیفیت پساب‌های خروجی نسبت به سال‌های گذشته بهبود یافته است.

در ادامه درختان بزرگ در پارک‌ها سبزسازی می‌شود و درخت چمن در زیر آنها با شکار و بوم می‌شود. اولین روزهای پارسا به معنی نظارت بر سایه برای کشت ضروری است.

گروه خدمات آموزش و املاک رسانای مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور

به سوی شهرسازی انسانگرا / یارا احمدی / تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری / چاپ اول ۱۳۷۸ / ۲۶۲ صفحه.

این کتاب واکنشی به بحران شهری با نتیجه مستقیم فرآیند منطقی شناسایی و تأثیرات نامطلوب آن بر طراحی و برنامه ریزی شهری است. هدفی که در این کتاب دنبال می شود بهبود شرایط زندگی در آبادیهای ساخته بشر و احیای ارزشهای نهفته ترمیرات جهانی به جامانده از شهرهای قدیمی، در قالبی نو و معاصر است. نویسنده با این دیدگاه که زمینه رشد شهرهای قرون وسطایی اروپا و شهرهای از گائیک و سنتی ایران خواستگاه اصلی یکسانی دارند با بررسی شهرهای قرون وسطی و همچنین ابر شهرهای معاصر و ایده های آرمانی مطرح شده به تعریف طراحی خوب شهری می پردازد و آن را گذار طبیعت و فرهنگ در فرآیند طراحی می داند و به عواملی چون مشارکت شهروندان و ساخت محیطی و نظم از گائیک بهای بسیار می دهد. کتاب حاضر در پنج فصل به شرح زیر تدوین یافته است.

فصل اول - ملاحظات عمومی: در این فصل نویسنده توجه خود را به انسان به مفهوم واقعی کلمه یعنی موجودی که نه تنها گنجایش ساختن محیط خود را دارد، بلکه خویشتر را نیز می سازد، معطوف داشته است. از خواستش این فصل در می یابید بشر امروز مغاوتی است که با یکتا خشی در محیطی که دیگر سخنی برای گفتن ندارد ایام خود را در اضطراب و دلنگینی می سپرد. در این فصل نویسنده به سازماندهی ماشینی در کلان شهر منتهی نظر افکنده و سپس بحرانیهای جمعیتی و زیست محیطی را که کلان شهرها با آن روبرو هستند مطرح ساخته است و مقاصد و سرچشمه های شهر را از دیدگاه نظریه پردازان معروفی چون آلبرتو و پالادیو مورد بررسی قرار داده و ریشه های فرآیند بحران شهری را برای خواننده شکافته است.

فصل دوم - بنیادهای



شهرسازی: در این فصل نویسنده ضمن تمرکز بر بافتهای شهری، تاریخی و پیش سنتی بر گروه شهرهایی که به گونه از گائیک در اروپای قرون وسطی رشد نموده اند، تأکید خاصی دارد و با توجه به شایستگی زمینه رشد شهرهای قرون وسطایی اروپا و شهرهای سنتی ایران به بررسی اصول شهرسازی قرون وسطایی می پردازد و اصول شهرسازی آن دوره را مطرح می سازد.

فصل سوم - بنیادهای شهرسازی: در این فصل نویسنده ابتدا برنامه ریزی قرون نوزدهم را در قالب دو نوع مدل پیشرفت گرا و فرهنگ گرا بررسی کرده و در مدل فرهنگ گرا بنیادهای هنرمندانه شهرسازی، تأثیرات بر طراحی و برنامه ریزی شهری و جنبش باغ شهر را در جهان و انگلستان بررسی نموده است. در مدل پیشرفت گرا موضوعاتی چون شهر خطی، طرح منظر طبیعی و خند شهر گرامی امریکایی مطرح شده و سپس برنامه ریزی قرون بیستم در قالب سه مدل فرهنگ گرا، پیشرفت گرا و طبیعت گرا بررسی شده است.

فصل چهارم - بنیادهای شهرسازی انسان گرا: در این فصل سعی شده است به اصول فراخوش شده شهرسازی، شکلی منسجم و ملموس داده شود و بنیادهای شهرسازی انسانگرا برای خواننده روشن گردد. در این زمینه نویسنده سعی کرده اصول شهرسازی از جمله فرآیند نظم از گائیک، مشارکت شهروندان و شناخت محیطی را در شهرهای جدید دوباره مطرح کرده و آنها را با قالبی نو برای احیای ارزشهای نهفته در میراث شهرهای قدیمی، و تأیید شهرسازان و معماران را در این زمینه روشن سازد.

فصل پنجم - نتیجه گیری: این فصل به جمع بندی فصول اول تا چهارم کتاب پرداخته و سعی کرده برای هماهنگ نمودن آن با انسان کنونی و آبادیهای و همچنین با شهرهای پست مدرن آینده به اصول بیان شده شهرسازی در فصول قبل شکلی منسجم و ملموس بدهد.

پژوهشی در نام شهرهای ایران / ایرج افشار سیستانی / تهران: انتشارات روزانه / چاپ اول ۱۳۷۸ / ۶۵۴ صفحه.

ایرج افشار سیستانی تاکنون آثار زیادی در زمینه تاریخ باستان مردم ایران نوشته است.

که گوشه های از تلاش خود را در جهت شناساندن بخشی از گذشته تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی شهرهای ایران در کتاب حاضر گردآوری کرده است. او تاکنون بیش از یک صد و پنجاه مقاله پژوهشی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و علمی در مجله های ماهنامه ها، فصلنامه های علمی پژوهشی و... به مردم این مرز و بوم تقدیم نموده است. ایران از سده های پیش گنجینه های فرهنگی اصیل بوده است که آثار با شکوه آن تاکنون دیده می شود و مورد ستایش جهانیان است. ایرانسان از روزگاران کهن تا امروز دگرگونیهای بسیار دیده اند و با خویشرویی و استواری از راه آشنی و گاه یکبار بر سختیها چیره شده و نشانه های بزرگ یادگار گذاشته اند. در روزگارانی کهن، شهرهایی در سرزمین ایران بنا شده اند و نامهای بسیاری که بازگو کننده جایگاه بلند شهرهاست بر آنها نهاده شده است. این شهرها با وجود حوادث طبیعی و سیاسی گوناگونی که با آنها روبرو شده اند، سرسختانه به زندگی طبیعی خویش ادامه داده اند.

نویسنده در آغاز به طور مختصر به بیان جایگاه جغرافیایی و پیشینه تاریخی پرداخته و سپس به تفصیل، ریشه تاریخی نام ایران را در گذر تاریخ از دوران باستان تاکنون، مورد بررسی قرار داده است. در ادامه شهرهای ایران را از نظر جغرافیایی و پیشینه تاریخی - قبل و بعد از اسلام - مورد بررسی اجزائی قرار گرفته است. در بیان جایگاه جغرافیایی شهرهای ایران مواردی چون طول و عرض جغرافیایی، وضعیت مکانی و استراتژیکی و ویژگیهای طبیعی از جمله نامعوارها، آب و هوا، پوشش گیاهی و جانوری بررسی شده است. بررسی شده است. در بیان پیشینه تاریخی شهرهای ایران - همان گونه که از نام پژوهش نامه نیز آشکار است - نام شهرها، در دو دوره قبل و بعد از اسلام بررسی شده است. این نامه ها بیانگر جایگاه بلند شهرها و وضعیت تاریخی آنها در فلات ایران است. پژوهش علمی درباره ریشه های نامگذاری شهرها آنگیزم می شود تا بخشی از گذشته تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی شهرها آشکار گردد. این پژوهش نامه حاصل سالها بررسی و پژوهش کتابخانه ای و سفرهای مکرر و در بعضی مواقع اقامت های نسبتاً طولانی در نقاط مختلف کشور است. همچنین از مصاحبه های گوناگون با افراد سالخورده و ساکنان این شهرها صورت گرفته نیز در تدوین این پژوهش نامه استفاده شده است.

سازوکار باز پس گیری رانتهای اراضی شهری

◇ محمد عدالتخواه

این روزها کلمه رانت در نشریات بیشتر به چشم می خورد با وجود این کسانی هستند که هنوز تعریف دقیق رانت را نمی دانند و آن را ارزش افزوده تلقی می کنند. در حالی که ارزش افزوده از کنار و تلاش ناشی می شود. ولی رانت به بهره برداری از سودی گفته می شود که فرد به طور مستقیم در آن نقشی ندارد. صرف سرمایه های ملی مخصوصاً زمانی که بودجه های نفتی زیاد و جمعیت کشور کم بود. باعث گردید با عمران شهرها قیمت اراضی شهری بتدریج بالاتر برود و سود این افزایش به جیب مالکانی رفت که کمترین نقشی در تحصیل این سودهای باد آورده نداشتند. این مقاله نگاهی دارد به مسئله زمین، توصیه هایی برای باز پس گیری رانت زمین شهری در محدوده قوانین موجود و پیشنهادهای تکمیلی. باز پس گیری رانت زمین شهری سرآغازی است برای تأمین بودجه عمران شهرها.

عدم شناخت و بی توجهی به جایگاه و اهمیت زمین باعث گردید از ابتدا عمده اراضی در کشور، به نام اشخاص و کمتر به نام دولت و شهرداریها ثبت شوند. در پی سرمایه گذاری و صرف سودهای زیاد از سوی دولت و شهرداریها، در هزینه کردن درآمد نفت برای ایجاد تأسیسات زیربنایی، قیمت اراضی شهرها به شدت رویه ترقی گذاشت و سود حاصل از آن به نفع عدهای از مالکان بزرگ و بورس بازان زمین تمام شد. از سوی دیگر نیاز به خدماتی و مشکل تمکک آن، دولت و شهرداریها را روز به روز با مشکل مواجه نمود. همزمان تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد و آسیب پذیر به دلیل گزرنی قیمت زمین با مشکل مواجه گردید. از سالهای قبل از انقلاب مسئله زمین در شهرها به معضل جدی اجتماعی بدل شده و از همان سالها کم اقداماتی هر چند محدود و سطحی شروع گردید که نتیجه واقعی لازم را در پی نداشت و حداکثر به عنوان مسکن برای دورهای کوتاه، مؤثر واقع می شد. ولی دومر تبه اعتراض و تلاش برای رهایی از این مشکل آغاز می شد. عدهای راه حل را در احداث بنا در خارج محدوده می دیدند، زیرا اراضی خارج از محدوده به دلیل ممنوعیت ساخت و ساز قیمت پایین تری داشتند که برای اقتدار کم درآمد، انگیزهای قابل توجه بود و هنوز نیز هست.

به همین دلیل در اولین ماههای بعد از انقلاب، یکی از مسائل مهم در شورای انقلاب موضوع زمین بویژه اراضی شهری بود. در ۱۳۵۸/۴/۴ قانون لغو مالکیت اراضی به تصویب رسید، ولی به دلیل فشارها و نیز جایگاه ویژه مالکیت در نظام حقوقی کشور، جامعه این قانون را بر نطفه و قانونگذار آن را با قانون زمین شهری مصوب سال ۱۳۶۰ جایگزین نمود که در آن، کلمه لغو مالکیت محلی از اعراب نداشت.

طبق بررسیهای مؤسسه تحقیقات شهری و امور محلی که به سفارش وزارت مسکن و شهرسازی انجام شد و گزارش آن در مهر ۱۳۵۶ منتشر گردید، در خصوص مسئله زمین در صفحه ۲۱۸ این گونه آمده است: «مشکل موجود در مورد زمین از آنجا آغاز گردید که در ابتدای تأسیس سازمان ثبت اسناد و املاک و

تصویب قانون مربوط در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۰ این مطلب در قوانین تصریح نشده بود که اراضی موات، جنگلها، مراتع طبیعی، کوهپایا، تپه ها، رودخانه ها، دریاها، دریاچه ها و تپا بر آنها بدون نیاز به صدور سند مالکیت، ملک عموم است و ادعای مالکیت، نسبت به آنها از هیچ کس پذیرفتنی نیست و نیز هر کس بخواهد به اسناد ماده ۱۲۰ قانون مدنی زمین مواتی را احیا کند تا مالک آن شود باید ابتدا اجارهای از یک مرجع دولتی تحصیل نموده پس از اینکه آن اراضی را احیا نمود بتواند به نام خود تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت کند.

تصریح نشدن موضوع اجازت دولت در قانون ثبت و این تفسیر که «زمین ملک هیچ کس نیست» و «هر کس آن را احیا کند برای او تمکک و حتی مالکیت حاصل می شود» و به تبع آن اطلاق «ملک عمومی» که حتی برای جنگلها و مراتع در آن دوره باب نبود، عامل ایجاد مشکلات گردید.

در اوضاع یادشده، در موارد متعدد ثبت اراضی این گونه انجام گرفته است: «زمینهای بایری که توسط اشخاص تقاضای ثبت می گردید پس از این پایه بود که قبلاً چاه یا قناتی در آن حفر گردیده و در حقیقت عمل احیا نسبت به آن صورت گرفته است و گرچه چاه و قنات فاقد آب بود، لکن به طور احتمال آن چاه یا قنات زمانی دارای آب بوده و مالکیت نسبت به آن برای احیا کننده در آن زمان حاصل شده است و کافی بود شخص استشهادهی درست کند که چند نفر بی سواذیر آن را انگشت بزند و گواهی کنند که آن چاه یا قنات متعلق به پدر بزرگ یا جد سوم یا چهارم استشهادهای گذشته بود و اکنون پدر یا پدر بزرگ فوت شده اند قنات یا چاه مخروبه و متروک و متعلق به استشهادهای گذشته است و می توان آن را به اضافه مقادیر وسیعی از اراضی مجاور آن به نام حریم چاه یا قنات و قلمرو زارعی آن به نام خود تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت کند. جالب اینکه در این جریان تنها شخص یا مرجعی که مجاز به این گونه اقدامات (ثبت اراضی) نبود دولت و یا شهرداریها بودند و نمی توانستند حق مالکیتی در این قبیل موارد برای خود قائل باشند» (ص ۲۱۹ گزارش یاد شده)

اگر شرط اجازت احیای اراضی موات از دولت به اجرا در می آمد، رعایت این اصل که اراضی موات ملک هیچ کس نیست و نیز توجه به «املاک عمومی» و منابع ملی و حریمهای آن چون دریاها می شد و مسئله زمین با بحران فعلی مواجه نمی شد و ارزش این زمینها این گونه افزایش نیافته بود.

با اجرای طرحهای زیربنایی و ترقی قیمت اراضی، مسئله رانت زمین به سود عدهای تمام شد و در پی آن در جامعه شکاف و بحرانی ایجاد شد که امروزه با آن دست به گریبان هستیم. با تمام این مسائل تاریخی که بودجه های نفتی دولت این امکان را فراهم می نموده که هزینه های عمرانی شهرها به کمک دولت انجام شود، مشکلات عمران شهرها بشدت امروز نبود، ولی کاهش درآمد نفت از یک سو، افزایش جمعیت از سوی دیگر همچنین لزوم توجه به مسائل مناطق محروم و... همه دلیل این مسئله شد که می بایست راه حلی برای عمران شهرها بدون اتکا به بودجه های دولت پیدا نمود. در طرحهای شهرسازی رایج کاربری بخشی از اراضی از نوع کاربریهای انتفاعی می شود (در حالی که اراضی عدهای در طرح فرار می گیرد) چرا باید این ارزش اضافی ناشی از دادن کاربری برای عمران شهر تحصیل نشود؟ ایسا مالک این زمین را کثیفه که در پی پیدا کردن کاربری انتفاعی زمینهایش سود آن را تصاحب کند؟ آیا محدود کردن این

ارزشهای اضافی و تحصیل آن به نفع جامعه اقدامی منطقی نیست؟ از این رو برنامه و طرحهای شهرسازی به عنوان یک ابزار سیاستگذاری از سوی دولت می‌تواند به صورت قانونی ابزار کسب این گونه ارزشهای اضافی شود و در عمل اراضی با توالن کاربری انتفاعی تنها پس پرداخت تفاوت ارزشی آن قابل ساخت و ساز شود و در غیر این صورت کاربری کم ارزشتری برای آن تعیین شود تا ضمن رعایت حقوق مالکانه، تجاوز انسانی به حقوق جامعه اتفاق نیفتد.

این موضوع در مورد اراضی توسعه شهری نیز به نوع دیگری صادق است. برابری زمین شهری اراضی موات منک عمومی و دولت است، ولی اراضی بایر مسیوق به احیاء از این قاعده مستثنی شده‌اند. افراد برای اثبات غیر موات بودن اراضی خود به سابقه احیای کشاورزی آن تأکید می‌کنند تا زمین جزء اراضی موات قلمداد نشود و مالکیت خود را بر آن تثبیت کنند. چرا باید به این گونه اراضی، قبل از اینکه تکلیف ارزش افزوده آن روشن شود، کاربری غیر کشاورزی داده شود؟ آیا نمی‌شود در طرحهای شهرسازی، کاربری این املاک، کشاورزی اعلام شود و تنها پس از توافق با شهرداری و پرداخت دست کم بخشی از ارزش اضافی مجوز کاربری و ساخت و ساز دریافت نماید؟ در خصوص این پیشنهاد گفته می‌شود در اغلب موارد این اراضی به صورت بایر هستند و شرایط لازم برای فعالیت کشاورزی، از جمله آب و وجود تسار، از این رو تفسیر کاربری و استفاده غیر کشاورزی از آن اجباری است. در پاسخ باید گفت مگر در گذشته اراضی خود برای کشاورزی آماده بوده‌اند؟ مالک و در مواردی با کمک دولت با تدابیر مختلف از جمله تأمین آب از چاه قنوت و... شرایط را برای کشت فراهم می‌نمودند. اکنون اگر در قانون زمین شهری برای احیای اراضی مسیوق به احیاء مدت قابل شویم و در صورت عدم موافقت داوطلبانه آنها با دادن سهم فضای خدماتی اراضی کاربری جدید پیدا نکنند، بعد از یک مدت زمین آنها ملی می‌شود. خوب است که این مسئله به نوعی در جامعه پذیرفته شده است؛ ابلاغ مصوبه ۱۳۶۷/۹/۲ مجلس شورای اسلامی به صورت ماده واحده در خصوص وضع قانونی تعیین وضعیت املاک واقع در طرحها و مصوبه ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی گواهی اعتماد است.

اجرای دقیق این مصوبه می‌تواند تا حدودی مشکل زمینهای معوض برای تملک اراضی مورد نیاز فضاهای خدماتی را در شهرها حل نماید، ولی به دلایلی آن‌طور که باید این مصوبات به اجرا در نیامده است.

باید یک واقعیت را پذیرفت و آن اینکه در شرایط جدید یا کاهش منابع مالی دولت (به دلیل کاهش در آمد نفت و افزایش جمعیت) امکان تأمین بودجه‌های عمرانی شهرها محدود شده است و عملاً روند کاهش کمکهای دولت به شهرداری از چند سال قبل شروع شده است. به دلیل مشکلات ناشی از کاهش کمکهای دولت، عده‌ای ادامه این کاهش بودجه را که باعث طولانی شدن اجرای طرحهای عمرانی شده و زینهای جبران ناپذیری را در پی آورده است، متذکر می‌شوند، اما توجه نمی‌کنند که مسئله، کمبود و نبود بودجه است نه مخالفت با کمکهای دولت به شهرداریها. اگر بودجه نامحدود وجود داشت می‌توانست سوسپد های شهری ادامه پیدا کند. نباید فراموش کرد در گذشته که به بودجه شهرداری کمک می‌شد، این کمکها با برداشت از سهم بخشهای دیگر بویژه مناطق محروم عملی می‌شد. عاسته

ایمانی توان پذیرفت که همچنان عدالت اجتماعی اجرا نشود؟ قطعاً پاسخ مردم مناطق محروم منفی است. اگر پاسخ عده‌ای منفی نباشد علت آن احتمالاً تأیید و قبول مهاجرت به شهرهاست که راه حل را در توسعه شهرها دیده‌اند. اگر اجرای طرحهای شهرسازی با برنامه و سیاستی همراه شود که ارزش افزوده اراضی را برای توسعه و عمران بندی شهرها تأمین نماید علاوه بر کاهش وابستگی به بودجه‌های محدود دولتی - که رو به کاهش گذاشته است - در ایجاد فضاهای خدماتی در شهرها و نیز ایجاد فضای مناسب شهری جهت استفاده شهروندان تسریع خواهد شد. از جمله این اقدامات بهره‌گیری از موضوع میزان و نحوه استفاده از اراضی در شهرهاست. بخش اعظم این ابزارها با توجه به اصل مالکیت از طریق اعمال نفوذ و تدابیر کاری مسئولان وقت و عدم رعایت حقوق جامعه حاصل شده است. برابری قانون از اختیارات شورای عالی شهرسازی است که تراکم و کاربری را تعیین کند.

طرحهای شهرسازی می‌تواند با برنامه و سیاستگذاریهای خود به دوران سودآوری عمده مالکان پایان دهند و منافع شهر و شهروندان را در متن گزار قرار دهند. طرحهای شهرسازی باید مکانیزمی بیابند که با رعایت حقوق همسایگی و نیز حقوق صاحبان اراضی و ایجاد تعادل مناسب بین این دو، حق استفاده بیشتر از اراضی را تنها در مقابل پرداخت سهم شهرداری از ارزش اضافی آنها مجاز نماید.

وقتی در گذشته اراضی زیادی تفکیک و ساخت و ساز شده است که کمترین خدمات برای آنها پیش بینی نشده است و امروز دولت و شهرداریها مجبور به تأمین این خدمات نیز هستند آیا می‌توان این روند را تحمل نمود و از کنار آن گذشت؟

در طرحهای شهرسازی حتی طرحهای موجود بدون اینکه منتظر تجدید نظر اصولی در آن باشیم، باید ارزش اضافی ناشی از تراکمهای بیشتر و حق مرغوبیت کاربریها را باز یافت نمود. مثلاً منطقه‌ای که برای تراکم زیاد تعیین می‌شود آیا مالکان حداکثر بیش از خدمات مورد نیاز یک واحد به صورت رایگان باید از امکانات شهر استفاده کنند؟ اگر عوارض حق استفاده بیشتر در صندوقی خاص جمع شود سرعت می‌توان بودجه تملک اراضی خدماتی را تأمین نمود. با این مکانیزم و سیاستگذاری می‌توان امیدوار بود یا منابعی که این گونه جمع‌آوری می‌شود در مدتی کوتاه تحولی اساسی در توسعه شهرها فراهم نمود. بدون اینکه چون گذشته منتظر کمکهای دولتی باشیم.

با تشکیل شوراهای شهر (اگر چه در ابتدا مشکلاتی وجود دارد) زمینه نظارت مردم بر توسعه و عمران شهرها فراهم شده است. در این شرایط باید مکانیزم تدوین برنامه‌ها و شیوه تهیه طرحهای توسعه شهری متحول شود و به سمت طرحهای خودکفا حرکت کند و نظام تهیه آن از فرم طرح برای مردم به شیوه تهیه طرح با مردم میل کند. حق جامعه است که با تدوین طرح و برنامه و سیاستگذاری روی اراضی شهری مانند سایر عرصه‌ها که مداخله آن باعث کنترل قیمتها می‌شود اقدامات لازم انجام شود. شفاف و دقیق کردن مصوباتی چون مصوبه ۱۳۶۷/۹/۲ مجلس شورای اسلامی و نیز مصوبه ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی و معماری و اجرای دقیق و هماهنگ آن و توجه به ویژگیهای شهرهای مختلف، در کنار استفاده از مجوز تعیین نوع کاربری و میزان استفاده از زمین با مدیریت صحیح و نظارت و مشارکت مردم از طریق شوراهای امر امکانپذیر است.

* License Holder: Interior Ministry - Organization of Municipalities

* Managing Director: Ahmad Khorram

* Editor - in -Chief : Ali Nozarpoor

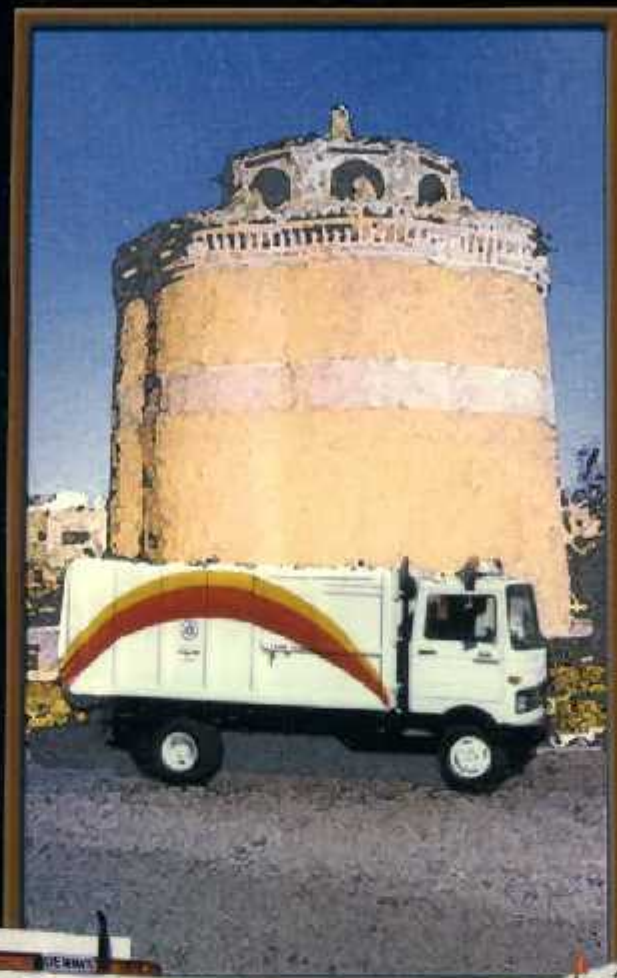
Contents

4	Editor's Note
	Special Report
5	Green Spaces, Methods & Goals: Z. Tashakor
	Idea & Research
12	Architecture of Mosques & Townscape (Last Part): M. Behzadfar
16	Urban Planning; Plan or Unplan: M. Mozayani
19	Urban Plans, Time Losing In The Stages of Ratification: R. Ahmadian
	Urban law
23	The Recognition of land & Properties ownership: H. Salehi
	Dialogue
27	From Last Gardens to Today's Parks: H. Behbahani
	World's Experiences
31	Modern Technologies to Design of Green spaces: M. Ghodoosi
35	Oldagers & Driving Accidents: (Trans) D. Hazrati
36	Decentralisation in Urban Management: S. Allou & M. Balbo
40	Legal counsel: H. Ehteshami
	Mayor's View Point
42	Interview with sadegh Mohammadi: The Mayor of Aghajari
	Training
44	The Methods of Noise Pollution Control: A. Micalli
	New Building
48	Najvan, The Birds' city: N. Moradi
53	News Reports
	City in the Islamic Territories
66	Samarkand & Bukhara; Rescue or Ruin: N. Zohrenasab
70	Researches Review
71	Books Review
	View Point
72	The Acquisition Mechanism of Urban Lands Rant: M. Edalatkhah



شرکت تولیدی و تجاری
موبارز

تحت لیسانس کمپانی دنیس ایرلند انگلستان



...For best value
talk to Mobarez



۳- زباله جمع کن فونیکس ۱۸

۱- زباله جمع کن مدل ۸۰۱

۲- کامیون خدمات شهری دنیس (۴×۲) مدل گریفون ۴- دستگاه زباله جمع کن مدل ۴۰۱

آدرس کارخانه: اصفهان، منطقه صنعتی جی (جاده فرودگاه)، خیابان پنجم

تلفن: ۱۸-۵۲۰۴۱۷-۰۳۱، فاکس: ۵۲۰۴۱۹-۰۳۱، صندوق پستی: ۳۳۶۷-۸۱۴۶۵

- Green Spaces, Methods & Goals
- Urban Planning, Plan or Unplan
 - From Last Gardens to Today's Parks
 - Modern Technologies to Design of Green Space
- Oldagers & Driving Accidents
 - Decentralisation in Urban Management
 - The Methods of Noise Pollution Control
- Najvan, the Birds' City
- The Acquisition Mechanism of Urban Lands Rant

